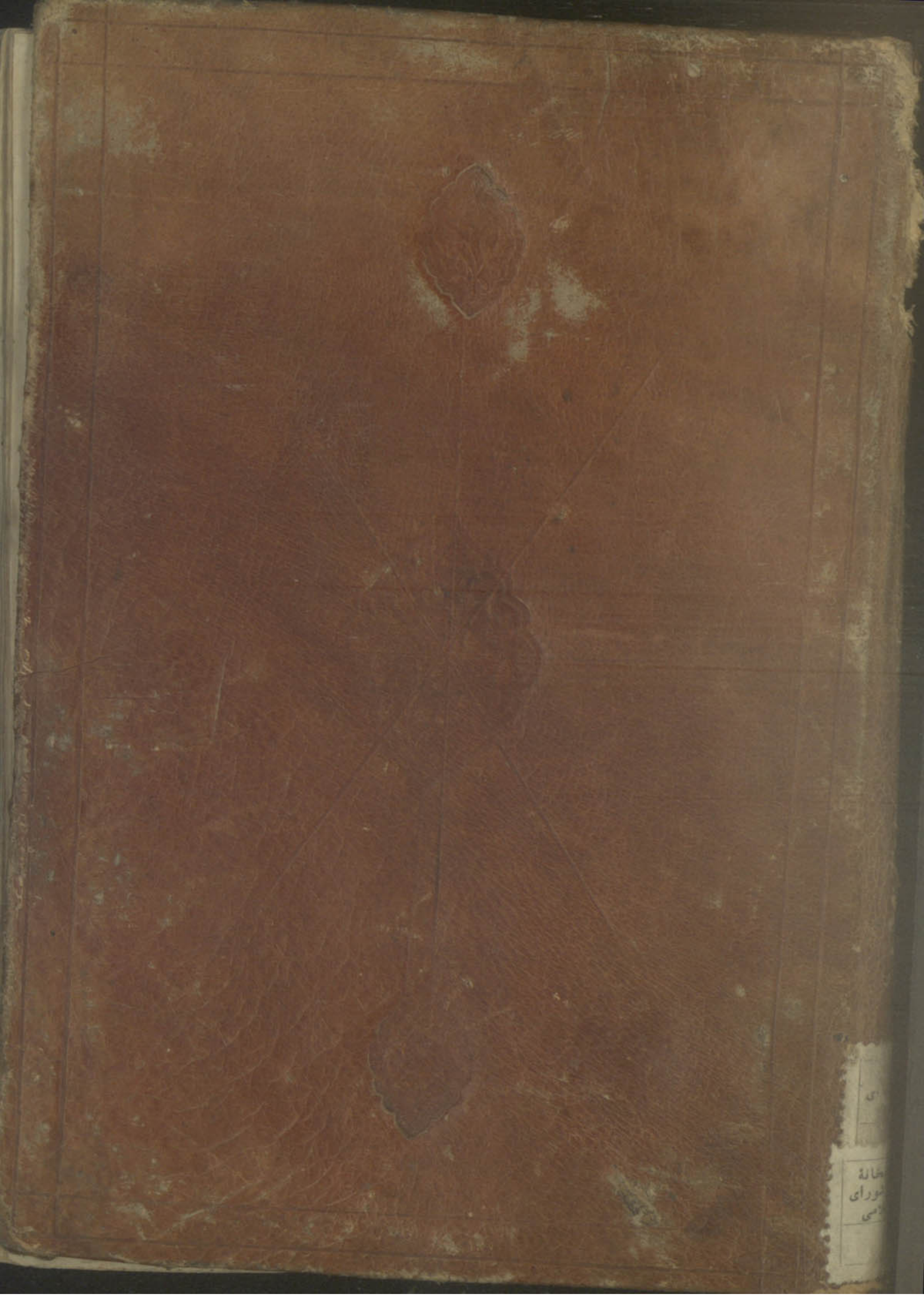
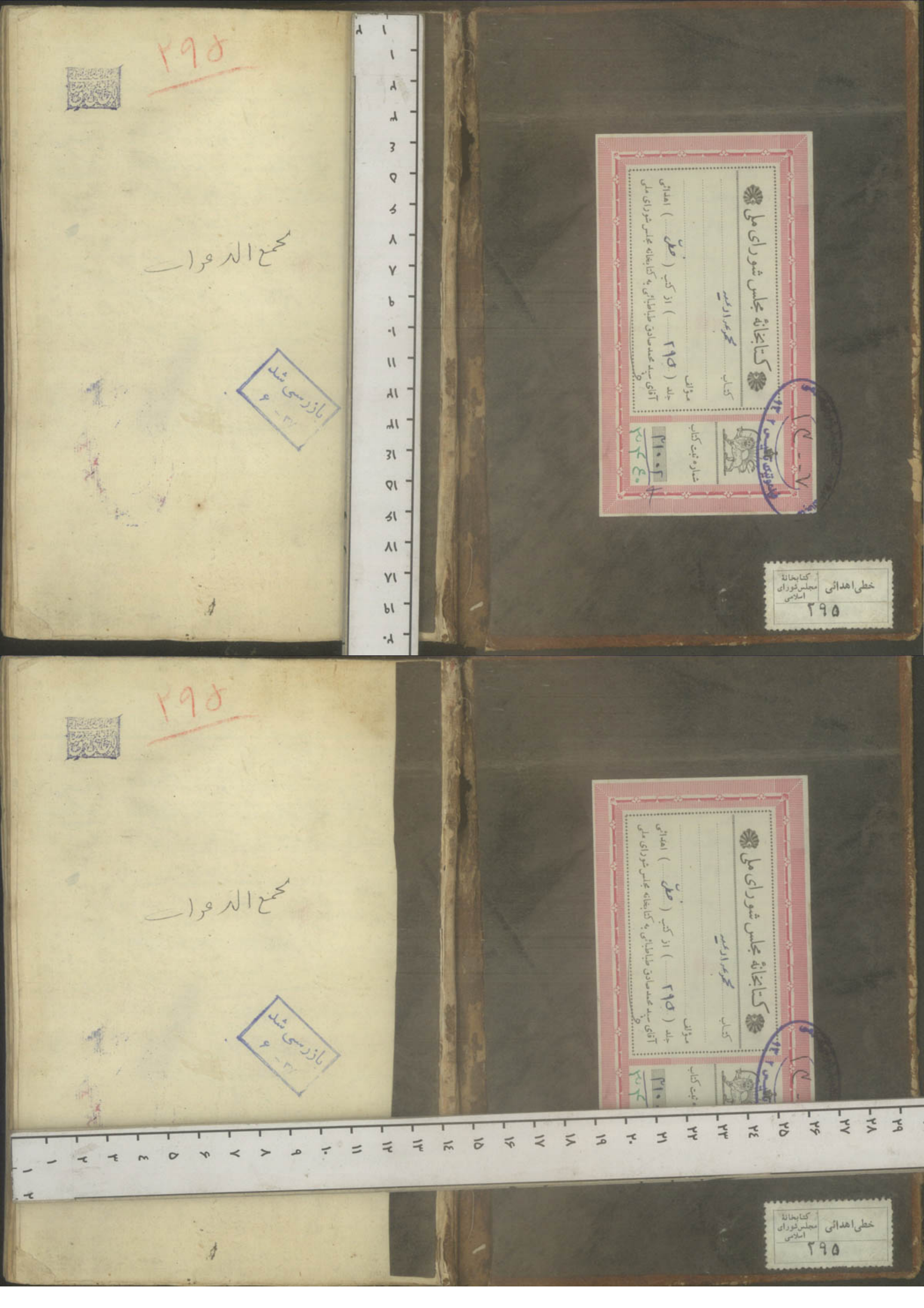
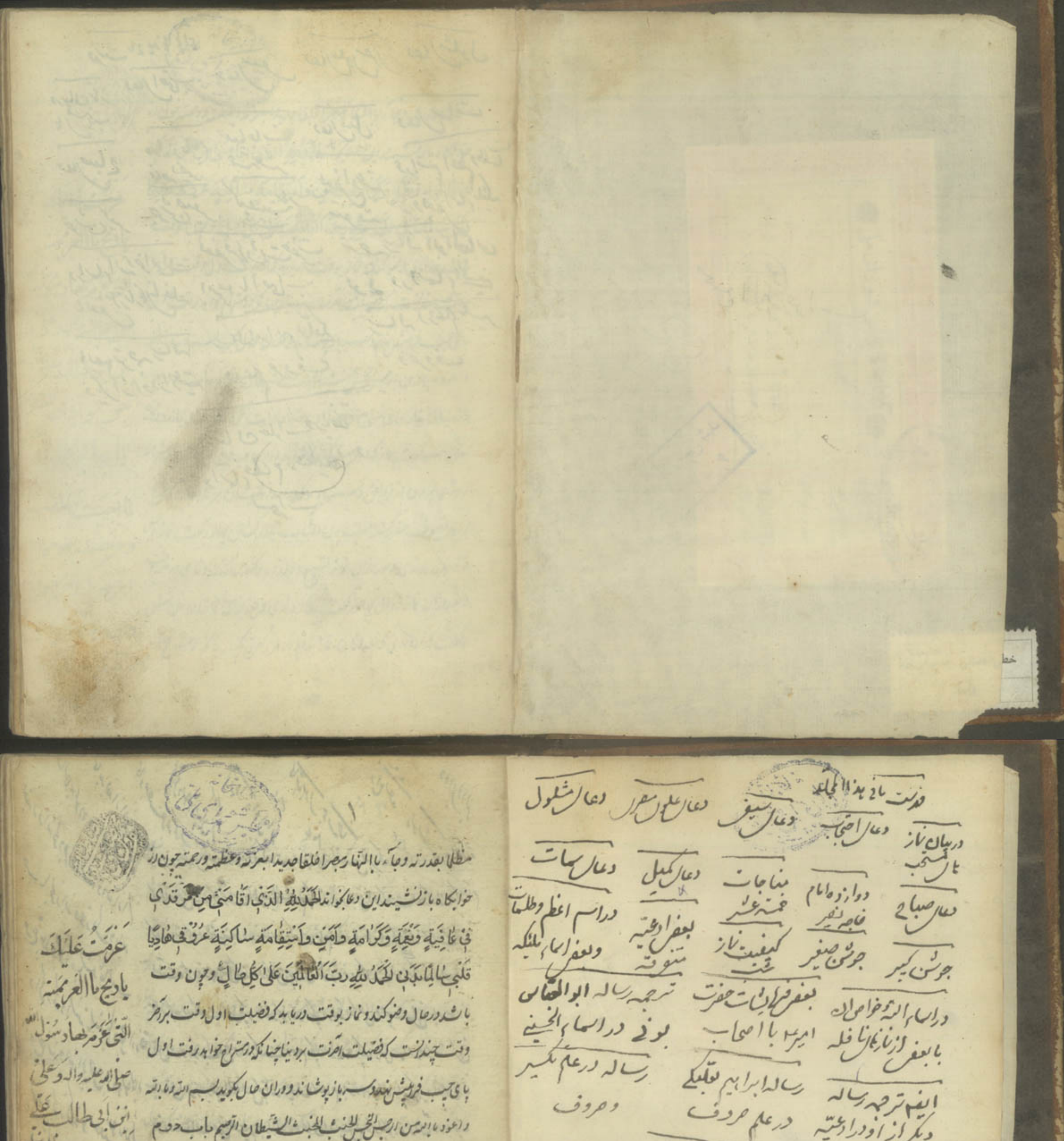


خانة
شورای


۲۹۵
بازرسی شد
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
خطی اهدائی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۲۹۵



فهرست ما فی هذا المجلد

١

مطلعا بقدرته وجاء بالنهار مبصرا خلقا جديدا بعزته وعظمته ورحمته چون از خوابگاه باز نشیند این دعا بخواند الحمد لله الذي اقامني من مرقدي في عافية ونعمة وكرامة وامن واستقامة ساكنة عروقي هاديا قلبي سالما بدني الحمد لله رب العالمين على كل حال وچون وقت باشد در حال وضو کند ونماز بوقت دریابد که فضیلت اول وقت بر آخر وقت چندانست که فضیلت آخرت بر دنیا چنانکه در شرح خواهد رفت اول پای چپ فرو پیش نهد ودست باز پوشاند ودران حال بگوید بسم الله وبالله واعوذ بالله من الرجس النجس الخبث المخبث الشيطان الرجيم باب دوم در بیان نمازهای سنتی خواه باان دعا روایت کرده باشند یا نه وبدانکه سنتی صد رکعت نماز که اهل صفه گذارده اند در اصحاب نبی علیه السلام در شبانه روزی بیرون از فرایض وسنتها شوکه وبعد از ایشان بر تابعان ومشایخ واهل تصوف مقرر گشته است چون آفتاب بلند گشتی چهار رکعت نماز اول فرض بگذاردندی وبعد از ان نماز تسبیح دوازده رکعت گذاردندی در سه وقت وبعد از ان نماز زوال چهار رکعت گذاردندی وبعد از ان نماز اوابین شش رکعت گذاردندی وبعد از ان نماز شام در هر رکعتی یکبار فاتحه وشش نوبت

عزمت عليك
يا ديح ما الاحمر
التي عزمه جهاد رسول الله
صلى الله عليه واله وعلي
ابن ابي طالب على
جن وادي الصفراء
عو ما جابوا واطاعوا
لما اجبت واطعت
وخرجت اخرجوا
اخرجوا اخرجوا
وان لم تخرجوا
لاحرقنكم اجمعين

سوره اخلاص و بعد از آن دو رکعت از برای مونس قبر بگذارد و دو رکعت صلوة
که مخصوص است بحضرت فاطمه علیها السلام بگذارد و باقی دو رکعت دو رکعت بیک سلام
گذارد و ندی در شب و روز تا صد رکعت تمام شدی نمازی که پیغمبر را بخواب ببینند
آنست که روز جمعه غسل کند و از خلق پنهان شود و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از
نماز جمعه در رکعت اول یکبار الحمد بخواند و یکبار آیة الکرسی و بیست و پنج بار سوره
قل اعوذ برب الفلق و در رکعت دوم یکبار الحمد و یکبار قل هو الله و بیست و پنج
بار قل اعوذ برب الناس بخواند و چون سلام باز دهد پنجاه بار بگوید لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم بعد از آن دعای اویس قرنی را بخواند و آن در باب
دعا مذکور است و اول آن دعا اینست اللهی و سیدی و مولای فاضعک ببابک
نمازی که رسول علیه السلام را در خواب ببیند آنست که روز جمعه غسل کند و از خلق پنهان
شود و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکبار الحمد و پانزده بار آیة الکرسی و پانزده
بار قل هو الله احد بخواند چون سلام باز دهد هزار بار بگوید اللهم صل علی محمد النبی
الامی و بعد از آن دعاء اویس قرنی بخواند و شرح دعاء مذکور در باب دعوات
مسطور است و اولش اینست اللهی و سیدی و مولای فاضعک ببابک نماز حاجت
روز جمعه روایت میکند امیر المؤمنین علیه السلام گفت که روز آدینه در آن نماز است

هیچ مومنی و مومنه نباشد که چون آفتاب بقدر یک نیزه بالا بر آید یا زیادت
وضو تازه کند و دو رکعت نماز حاجت کند بدل صادق و نیتی خالص ملک تعالی
در جریده نیکوئی وی دویست نیکوئی بنویسد و از جریده بدی و گناه وی دویست
بدی محو کند و هر که چهار رکعت نماز کند برادر درجه او را در بهشت چهارصد درجه و هر که
هشت رکعت کند بردارد او را در بهشت هشتصد درجات و محو گردانند از وی جمله بدیها
و هر که دوازده رکعت کند بنویسد ملک تعالی در دیوان نیکوی وی دو هزار و دویست
نیکوی و محو گردانند از جریده وی دو هزار و دویست بدی و بردارد او را در بهشت
دو هزار و دویست درجه روایت میکند ابن عباس رضی الله عنه که رسول
گفت علیه السلام هر که روز جمعه میان نماز پیشین و نماز دیگر دو رکعت نماز کند
در رکعت اول بخواند الحمد یکبار و آیة الکرسی یکبار و قل اعوذ برب الفلق بیست
و پنج بار و در رکعت دوم الحمد یکبار و قل هو الله احد یکبار و قل اعوذ برب الناس
بیست و پنج بار چون فارغ گردد پنجاه بار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم پس نمیرد از دنیا بیرون نشود تا حق را سبحانه و تعالی بخواب نه بیند و
مقام خویش در بهشت نماز تمکین بعد از نماز جمعه فریضه و سنت که گذارده باشد
چهار رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد و اذا زلزلت یکبار و قل هو الله احد

ده بار و در رکعت دوم الحمد و العادیات یکبار و قل هو الله احد ده بار و در رکعت
سیوم الحمد و القارعه یکبار و قل هو الله احد ده بار و در رکعت چهارم الحمد و الهیکم
التکاثر یکبار و قل هو الله احد ده بار چندان ثواب یابد که از صفت نتوان
کردن روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام این نماز را نماز
نوح پیغمبر علیه السلام گویند چون شب آدینه باشد دو رکعت نماز بکند و بخواند
در وی الحمد و آنچه بر وی سهلتر بود در سجود وی بگوید یا الله پنجاه بار اگر کننده
این نماز وام دار بود وامش گذارده شود و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر غریب
باشد بسلامت بوطن خویش رسد و همه گناهان وی عفو گردانند و هر دعا که بکند مستجاب
باشد و اگر دعا بکند ملک تعالی برو نظر غضب نکرد و این نماز یست که پیغمبران علیهم السلام
گذارده اند دیگر روایت کند سلمان فارسی از رسول علیه السلام هر که شب جمعه
دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار و انا اعطینا پنج بار بخواند از دنیا انتقال
نکند تا از آب کوثر نخورد و ملک الموت او را بشارت دهد بهشت نماز
جبرئیل میان شام و خفتن در خبار است از سید مختار علیه الصلوة و السلام
هر که او میان شام و خفتن نماز جبرئیل بکند چهار رکعت بیک سلام بخواند در
رکعت اول الحمد یکبار و قل هو الله احد سه بار و در رکعت دوم الحمد یکبار و قل

هو الله احد پنج بار و در رکعت سیوم الحمد یکبار و قل هو الله احد هفت بار و در رکعت
چهارم الحمد یکبار و قل هو الله احد نه بار هر که این نماز بکند چندان ثواب یابد که
وصف نشاید کردن و ایمان او برابر جمله ملکوت عرض دهند دیگر روایت میکند
امیر المؤمنین حیدر کننده در خیبر شفیع روز محشر علیه الصلوة و السلام از ر
سول صلی الله علیه و آله که او گفت که هر که دو رکعت نماز کند هر که تواند بخواند در رکعت
اول الحمد و آخر سوره فرقان که تبارک الذی جعل فی السماء بروجا تا آخر سوره
و در رکعت دوم الحمد و قد افلح المؤمنون تا آنجا که تبارک الله احسن الخالقین
و در رکوع بگوید سبحان ربی العظیم سه بار و همچنین در سجود چون فارغ شود صلوات
بفرستد پس بعد از آن بگوید الحَمدُ للهِ الذی خَلَقَ کُلَّ شَیءٍ لِعَظَمَتِهِ وَخَشَعَ
کُلُّ شَیءٍ بِعِزَّتِهِ والحَمدُ للهِ الذی استَسلَمَ کُلُّ شَیءٍ لِمُلکِهِ یا اَسمَعَ
السّامِعینَ یا خَیرَ الرّازِقینَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ یا مُجیبَ دَعوَةِ المُضطَرّینَ
یا رَحمنَ الدُّنیا والآخِرَةِ وَرَحیمَهُما و آنچه غرض و مقصود وی باشد در خواهد
بامکان روا گردد و ایمن گردانند او را از تشویش وحشت و چون روز قیامت باشد
که نامها بران گردد نامه وی بدست راست وی دهند و ایمن گردانند از سوال روز
قیامت و اندوه و غم و درویشی از وی ببرد و جریده اعمال وی را توقیع امان

برکشند روایت میکند امیر المؤمنین و امام المتقین قسیم جنت و نار شفیع روز
شمار حیدر کرار علیه السلام از رسول علیه الصلوة والسلام که او گفت هر که شب عاشورا
صد رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله احد سه بار چون
فارغ شود هفتاد بار بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و هفت بار بر رسول صلوات
فرستد و هزار بار استغفار کند هر که این نماز کند هر حاجت که دارد عرض کند حاجتش
روا کرده و گورش پر از مشک و کافور کرده بفرمان حق تعالی نماز عجب اندر شب
عاشورا روایت کند امیر المؤمنین و امام المتقین مولانا علی امام الانس والجن علیه السلام
که هر که وی را آرزو کردی که رسول را بخواب ببیند این نماز بکردی هر وقت که خواستی
از جای خویش برخفتی تا رسول علیه السلام را بخواب بدیدی هر که این نماز بکند اگر حاجتی
دارد بخواهد روا گردد و جمله گناهانش بیامرزد و چهار رکعت نماز کند بیک سلام
و بخواند بهر رکعتی الحمد یکبار و بروایتی دیگر الحمد ده بار و انا انزلنا ده بار چون خوانده
باشد پانزده بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم و همچنین چون برکوع شود ده بار تسبیح بگوید بقدر آنکه سه بار تسبیح
گفته باشد سبحان ربی العظیم وبحمده و همچنین چون از رکوع سر بر داشته باشد

سه بار دیگر تسبیح بگوید همچنین و چون بسجود شود پنج بار تسبیح بگوید و میان دو سجده همچنین
الا آنچه عادت کرده باشد و همچنین در سجده دوم بگوید پنج بار دیگر و همچنین در چهار رکعت
بجای آورد و چون فارغ گردد با هیچکس سخن نگوید تا ده بار الحمد بخواند و ده بار انا انزلناه
پس سی و سه بار دیگر بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم بعد از آن بگوید جزی الله محمداً عنا ما هو اهله شاهمردان گفت
هر که در عمر خود یکبار این نماز بکند هر چه از خدای تعالی بخواهد روا شود روایت کند
سلمان فارسی که او گفت در پیش رسول علیه السلام شدم او را دیدم خندان و شاد
دان مرا گفت یا سلمان انت منا اهل البیت یعنی تو از خاندان ما یی ترا بخش عزیمت
آگاه کنم گفتم بلی یا رسول الله پس رسول گفت صلی الله علیه و آله و سلم که هر که اول شب از ماه
رجب دو رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و قل یا ایها الکافرون
یکبار و قل هو الله احد سه بار بخواند غفر الله کل ذنب جمله یعنی گناهان وی بیامرزد
و بنویسد او را بعدد مراتب که خوانده باشد ثواب شهیدی و حج و عمره باشد
نماز شب معراج و آن شب بیست و هفتم ماه رجب باشد روایت کنند از
مکحول و وهب بن منبه که در رجب شبی است که هر که آن شب را یافته باشد
کیمیای سعادت دینی و دنیاوی بدست آورده باشد آن شب است

که محمد علیه السلام را بمعراج بردند هر که از روز روزه دارد همچنان باشد که همه سال
روزه داشته باشد و دران شب دوازده رکعت نماز کند و در هر رکعتی بخواند
الحمد یکبار و قل هو الله احد صد بار در جریدهٔ اعمال وی ثبت کنند عبادت و طاعت
هزار ساله چنانکه روز بروزه بوده باشد و شب بنماز و همه گناهان از وی محو کرده اند
و منشور خلاص از آتش دوزخ بیارند چون از نماز فارغ گردد پشت بمحراب بازدهد و
بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا فردا وترا لم یتخذ
صاحبة ولا ولدا و خود را و جمله کافهٔ اسلام را از خدا در خواهد پس چهار بار الحمد بخواند
و هر حاجت که دارد بخواهد بیشک مستجاب گردد در خبر است که هر که روزی از روز
زنان در ماه ذوالحجه چهار رکعت نماز کند و در هر رکعتی بخواند الحمد یکبار و قل هو الله احد
چهل بار بعد از آن این دعا را که جبرئیل موسی علیه السلام را آموخته بود روز اول بخواند
صد بار لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي
وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
روز دوم هم بگوید صد بار اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا وِتْرًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا و در روز
سیم صد بار بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا وِتْرًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
اَحَدٌ و در روز چهارم صد بار بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ
وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و همچنین صد بار در روز پنجم بگوید حَسْبِيَ اللّٰهُ
وَكَفٰى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ الْمُنْتَهٰى سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَزَلْ
رَحِيمًا و همچنین روز پنج دیگر این دعاها را بخواند که ثواب بسیار وی را حاصل گردد
و دوست داشته اند که در ده ذی الحجه دعاء آدم را بخواند در خبر است که هر که
شب عید اضحی ده رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله
احد صد بار از گناهان چنان پاک گردد که از روز که از مادر زاده باشد
در خبر است که هر که شب عید اضحی دوازده رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی
الحمد یکبار و آیة الکرسی ده بار از گناهان خویش چنان بیرون آید که مار از پوست
بیرون آید و بنویسد در جریدهٔ نیکوی وی هشتاد ساله عبادت و وی را در
بهشت هزار کوشک و سنت چنین است که شب عید را زنده دارد در خبر است
از سلمان فارسی از رسول علیه السلام که گفت هر که روز عید اضحی یا عید فطر بعد از
نماز عید چهار رکعت نماز کند و بخواند در رکعت اول الحمد و سبح اسم ربک الاعلی و در رکعت

دوم الحمد و والشمس وضحیها و در رکعت سیوم الحمد و الضحی و در رکعت چهارم الحمد یکبار و قل
هو الله احد هشت بار ثواب آن باشد که همه کتابها که ملک جل و علا فرستاده است
همه خوانده باشد و بنویسد در جریدهٔ اعمال وی هشتاد ساله طاعت و عبادت
و محو کند از دیوان وی هشتاد ساله معصیت نماز حاجت مجرب چهار رکعت است
میان نماز شام و خفتن باید کردن برکعت اول یکبار الحمد خواند و قل اللهم
مالک الملک پانزده بار و برکعت دوم پس از الحمد انا اعطیناک پانزده بار و برکعت
سیم الحمد و قل یا ایها الکافرون پانزده بار و بچهارم الحمد و قل هو الله احد پانزده
بار چون سر برداشته باشد در سجود بسپین این دعا بخواند لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ اِنَّ
اللّٰهَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ
النَّصِیْرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا
وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَکُوْنَنَّ مِنَ الْخَاسِرِیْنَ یَا مَنْ ذِکْرُهٗ
شَرَفٌ لِلذَّاکِرِیْنَ یَا مَنْ شُکْرُهٗ فَوْزٌ لِلشَّاکِرِیْنَ وَیَا مَنْ طَاعَتُهٗ
نَجَاةٌ لِلْمُطِیْعِیْنَ وَیَا مَنْ رَأْفَتُهٗ مَلْجَاءٌ لِلْعَاصِیْنَ یَا مَنْ لَا یَخْفٰی
عَلَیْهِ بِنَاءُ الْمُحْتَاجِیْنَ یَا مَنْ لَا یَقْطَعُ حَوَائِجَ السَّائِلِیْنَ یَا حَیُّ

یَا قَیُّوْمُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ اَسْئَلُکَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ
وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتَابِکَ بِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ وَجَدِّکَ الْاَعْلٰی وَکَلِمَاتِکَ
التَّامَّاتِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَقْضِیَ حَوَائِجِیْ
نماز امام زین العابدین علیه الصلوة والسلم نقلست از حضرتی
چهار رکعت نماز کند با رکوع و سجود و یک سلام در رکعت اول الحمد یکبار و چهل بار
بگوید یا مقلب القلوب و الابصار و در رکعت دوم یکبار الحمد و چهل بار بگوید یا سبب
الاسباب بنشیند چون تشهد خوانده باشد برخیزد و در رکعت سیم یکبار الحمد و چهل
بار بگوید یا مفتح الابواب و در رکعت چهارم یکبار الحمد و چهل بار بگوید یا دلیل
خیر الله و بعد از سلام سجده کند و سی و سه بار بگوید یا مقلب القلوب و الابصار
و سی و سه بار بگوید یا سبب الاسباب و سی و سه بار بگوید یا مفتح الابواب یکبار
بگوید یا دلیل خیر الله در نسخه آورده اند که هر که سورهٔ مزمل را بخواند و دو رکعت
کند بخواند در هر رکعتی فاتحة الکتاب و قل هو الله احد صد نوبت پس سورهٔ مزمل
بخواند صد نوبت و خواب کند بدرستی که حضرت نبی علیه السلام در خواب ببیند
شیخ ابو الحسن خرقانی گفت در شب پنجشنبه دو رکعت نماز برای مادر و پدر باید
کرد میان نماز شام و خفتن در هر رکعتی فاتحه و انا انزلناه و انا اعطینا و قل

یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین هر یکی یکبار برخواند و دو رکعت
دیگر باید کرد برای خشنودی خصمان را و فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل اللهم
مالک الملک هر یکی یکبار بخواند و پیش از سلام سر بر زمین نهد و بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا
یَمُوْتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ پس از سر سجده بردارد و
سلام بدهد آنگه حاجت خواهد حق تعالی اجابت کند سورهٔ مزمل هر که غسل کند اول عمل
همه ماه رمضان پس بگذارد و بعد از نماز خفتن دوازده رکعت و بخواند در هر رکعتی
فاتحة الکتاب و سورهٔ مزمل و سلام دهد و هزار بار صلوات بر حضرت نبی علیه السلام
بفرستد و بخواب رود حضرت نبی را علیه السلام در خواب ببیند و خاصیت
سورهٔ مدثر نیز چنین است منقولست از شیخ ابو سعید رحمة الله علیه که گفت
در خبرست از رسول علیه السلام که روز آدینه میان نماز پیشین و نماز دیگر ده
رکعت نماز گذارده است به پنج سلام در هر رکعتی فاتحه یکبار و ده بار قل هو الله
احد و چون فارغ شده است از نماز صد بار بگفته است سبحان الله والحمد لله
و استغفر الله و اتوب الیه اخبرنا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلم
مرویست که فرموده است پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی که معنیش اینست

که گفت هر کس که چهار رکعت روز آدینه وقت چاشت بگذارد و در همه عمر خویش
یکبار اول فاتحة الکتاب ده بار بخواند و ده بار قل اعوذ برب الناس
و ده بار قل اعوذ برب الفلق و یازده بار قل هو الله احد و ده بار قل
یا ایها الکافرون و ده بار آیة الکرسی و بیک سلام چهار رکعت بگذارد چون
نماز تمام کند هفتاد بار استغفار گوید و هفتاد بار سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید پیغمبر فرمود صلی الله
علیه و آله وسلم که هر که این نماز بگذارد دفع کرده شود از این کس شر خلایق
آسمانها و شر اهل زمینها و شر آدمیان و پریان و شر سلطان ظالم و رسول صلی الله
علیه و آله وسلم سوگند یاد کرده است که هر کس که این نماز بگذارد خدای تعالی آن
بنده را رحمت کند اگرچه مادر و پدر ازو خشنود نبوده باشند و هفتاد حاجت
دنیاوی وی و هفتاد حاجت اخروی وی را خدای تعالی روا کند دیگر در یک شب از روز هفتاد
هزار بنده که مستوجب دوزخ باشد ببرکت این نماز گذاردن آزاد کند دیگر بعدد
هر حرفی که درین نماز خوانده باشد نفری از فرشتگان فرستد تا ثواب آن
را بنویسند و در بدیهاش اگر ساحران جمع شوند زیان نتوان رسانیدن دیگر
اگر کسی را فرزند دختر یا پسر نباشد و اگر آرزو کند این نماز بگذارد و فرزند طلبند

حق تعالی ویرا فرزند روزی کند دیگر هر نمازی که خود گذارده است و خواهد که از ان
حق تعالی قبول کند دیگر اینکس را ثواب هفتاد شهید دهد دیگر بعدد قطرهای که از آسمان
فرود آید ویرا ثواب دهند دیگر آنکس را درهای توانگری بروی گشاده شود و درهای
درویشی بروی بسته شود دیگر آنکس را مار و کژدم و جانورهای زهرناک گزندی
نرسانند دیگر خانهٔ آنکس آتش نسوزاند و هیچکس از اعدای ضرر نرساند و دیگر هر حاجت
که آنکس از حق تعالی بخواهد حاجتش روا گردد بی شکی و در شبهه نیست دیگر فضایل
این نماز بسیار است والله اعلم دیگر آورده اند و از آن جمله یک مرد بود که او را
ابو طلحه گفتندی هشت مرد از کفار گرفته بود مسلمانها از ایشان ستاره بود
جبیر بن مطعم حکایت کرد که پیش از آنکه کافران بهزیمت رفتندی بر مثال گلیمهای
سیاه دیدم که از آسمان فرود آمدندی چون نگاه کردم همه وادی وادیم
پر موران سیاه آنگه بدانستم که آن فرشتگان بودند که بمدد مسلمانان آمده
بودند و هزیمت کفار از ایشان بود و مالک بن عوف که رئیس قبیلهٔ هوازن
بود پیش از هزیمت کفار چند سوار فرستاده بود تا حال مسلمانان باز
دانند بعد از ساعتی آن سواران دید که می آمدند و گونهای ایشان زرد شده
و لرزه بر اندام ایشان افتاده گفت چرا زرد شده اید گفت چون پاره

راه

راه رفته بودیم سواران بسیار دیدیم که بر اسبهای ابلق نشسته بودند و جامهای
سفید پوشیده و از آسمان فرود می آمدند چون ایشان را بدیدیم بترسیدیم و
لرزه بر اندام ما افتاد و لشکر کفار هر قومی بگوشهٔ افتادند و گفت که روز
آدینه دوازده رکعت نماز باید کرد میان دو نماز برفع نقصانها بود که در فریضه
آمده بود هر دو رکعتی بسلامی و دو رکعت نماز حاجت باید کرد در هر رکعتی فاتحة
الکتاب و آیة الکرسی و شهد الله و قل اللهم مالک الملک و انا انزلناه و قل
یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین هر یکی یکبار بخواند و پیش از
سلام سر بر زمین نهد و بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ
الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس سر از سجده بردارد و سلام بدهد
آنگاه حاجت خواهد حق تعالی اجابت کند من خدای تعالی را بخواب دیدم این
چهار رکعت نماز فرموده و وقت آن معین کرد و معلوم کرد که اگر بروز گنی
وقت چاشتگاه و اگر شب کنی آن وقت که دو دانگ از شب مانده
باشد که وقت نماز صلة العرش در آن ساعت باشد و آن وقت
هرچه فاضلتر است که حضرت ربوبیت برند و نیت این نماز چنین باید کرد

ازین نماز بگوید

اصلی صلوة الاخلاص قربة الی الله تعالی و چهار رکعت نماز فرموده بدو سلام در رکعت
اول الحمد یکبار و بیت یکبار آیة الکرسی و صد بار قل هو الله احد و چون برکوع رود
و صد بار بگوید یا عزیز و در سجده صد بار بگوید یا سبحان یا برهان و در رکعت دوم
یکبار الحمد و بیت و یکبار شهد الله تا آخر آیه و در رکوع صد بار بگوید یا عزیز و در
سجود همچنان یا سبحان یا برهان و سلام دهد و دو رکعت دیگر همچنین بدین
اینها و تسبیحها بکند که در دو رکعت اول کرد و چون سلام باز دهد صد بار بگوید
سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوِتْرِ الدَّائِمِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ
الصَّمَدِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ آنگه چون صد بار این
تسبیح خوانده باشد دستها بردارد و صد بار بگوید یا رب یا رب چون
بدین ترتیب این چهار رکعت نماز بکند حجابها از دل و دیدهٔ او بردارند
هر کس دو رکعت نماز بگذارد میان ظهر و عصر روز پنجشنبه بخواند در رکعت
اول بعد از الحمد آیة الکرسی یکبار و در رکعت دوم بعد از الحمد قل هو الله
صد بار او برنخیزد از جای خود تا آنکه خدای تعالی بیامرزد گناهان او را هر کس
بگذارد میان ظهر و عصر چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد از الحمد قل
هو الله یکبار او را نیز همین ثواب است هر کس روز یکشنبه بعد از نماز ظهر چهار رکعت

نماز

نماز بگذارد و بعد از آنکه سنت و فرض نماز ظهر گذارده باشد و بخواند در رکعت
اول بعد از فاتحه الم سجده و در رکعت دوم بخواند بعد از فاتحه سوره تبارک
الذی بیده الملک و تشهد بخواند و سلام دهد بعد از آن برخیزد و دو رکعت
دیگر بگذارد و بعد از فاتحه سورهٔ جمعه بخواند و حاجت خود از خدا بخواهد روا گردد
ان شاء الله تعالی هر کس بعد از نماز مغرب دو رکعت نماز بگذارد و پیش از آنکه
سخن گفته باشد نماز او را می برند تا علی علیین نماز که تعلیم کرد حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام با ویس شب بیستم ماه رجب یا چهارم یا پنجم برین نیت بجنبد که این
نماز بخواهم کرد و دیگر روز روزه دارد و چون صباح برخیزد و بعد از آنکه آفتاب
بلند برآید غسل کند و چهار رکعت نماز کند هرچه خواهد در آن بخواند چون سلام
دهد هشتاد بار بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین پس چهار رکعت نماز
دیگر بکند و بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و اذا جاء نصر الله یکبار چون از نماز فارغ
شود هشتاد بار بگوید اقوی معینی و اهدنی دلیلی ایاک نستعین پس چهار رکعت
دیگر کند در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله احد سه بار چون سلام بدهد هشتاد
بار الم نشرح بخواند و دست بر دل در حالت خواندن فرود آورد و در روایت است
از حضرت علیه الصلوة والسلام که هر کس دو رکعت نماز گذارد در شب

جمعه در هر رکعتی یکبار الحمد بخواند و پانزده بار قل هو الله احد چون سلام
باز دهد صد بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و صد بار
بر حضرت پیغمبر صلوات دهد چون فارغ شود بخسبد همان شب مرا که محرم
بخواب ببیند همچنین روایتست از رسول علیه الصلوة والسلام که هر کس را
حاجتی باشد بسوی حق تعالی یا بسوی یکی از بنی آدم پس وضو سازد و دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از آن صلوات بر پیغمبر فرستد بعد از آن بگوید لا اله الا
الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب
العالمین اسئلک موجبات رحمتک و عزائم مغفرتک والغنیمة
من کل بر والسلامة من کل اثم لا تدع لی ذنبا الا غفرته
ولا هما الا فرجته ولا حاجة هی لک رضی الا قضیتها یا ارحم
الراحمین همچنین مرویست که چون نماز وتر بگذارد این دعا بخواند
اللهم انی اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بمعافاتک
من عقوبتک و اعوذ بک منک لا احصی ثناء علیک کما
اثنیت علی نفسک نماز تسبیح بگذارد چهار رکعت در هر رکعتی فاتحة الکتاب
و سوره بخواند و چون از خواندن فارغ شود پیش از رکوع پانزده بار بگوید الله

اکبر

اکبر والحمد لله و سبحان الله بعد از آن رکوع کند و در رکوع ده بار بگوید و
چون راست ایستد ده بار بگوید و بعد از آن بسجده رود و در سجده ده بار دیگر
بگوید و چون سر از سجده بردارد ده بار دیگر بگوید و چون بسجده دوم رود ده بار
دیگر بگوید و چون سر از سجده دوم بردارد ده بار دیگر بگوید که مجموع هفتاد و
پنج بار باشد و بعد از آن این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک توفیق
اهل الهدی و اعمال اهل الیقین و مناصحة اهل التوبة و عزم
اهل الصبر وجد اهل الخشیة وطلبة اهل الرغبة وتعبد
اهل الورع وعرفان اهل العلم حتی اخافک اللهم انی اسئلک
مخافة تحجزنی عن معاصیک وحتی اعمل بطاعتک عملا استحق
به رضاک وحتی اناصحک فی التوبة خوفا منک وحتی اخلص
لک النصیحة حبا لک وحتی اتوکل علیک فی الامور حسن الظن
بک سبحان خالق النور هر که این بخواند او را ثواب بسیار باشد دیگر
چهار رکعت نماز بگذارد و بعد از آن که آفتاب زوال کرده باشد و ظهر
نگذارده باشد ثواب بسیار دارد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
فرمود که در رمضان هر کس که بگذارد در شب هفدهم چهار رکعت نماز و

بخواند در هر رکعت یکبار فاتحة الکتاب و سه بار سورهٔ یس همچنان باشد
که هزار بار خوانده باشد و مرا او را باشد شفاعت دیگر هر کس که بخواند در
روز آخر دوشنبه از ماه شعبان دویست بار قل هو الله احد در دو رکعت
نماز که در وقت چاشت بگذارد بنویسد خدای تعالی از برای او هزار هزار حج
مبرور باید که در آن روز بروزه باشد دیگر هر کس که بگذارد در شب دوشنبه
آخر از ماه شعبان نماز مغرب و بعد از آن بیست رکعت نماز بگذارد و بخواند
در هر رکعتی فاتحة الکتاب یکبار و قل هو الله احد یکبار می آمرزد خدای تعالی
او را دیگر هر کس که غسل کند در شب جمعه و بگذارد دو رکعت نماز و
بخواند در آن قل هو الله احد هزار بار حضرت رسول را علیه الصلوة والسلام
در خواب ببیند دیگر هر کس بگذارد دوازده رکعت نماز در روز
یا در شب و تشهد بخواند در میان هر دو رکعت پس چون بنشیند در آخر
نماز ثنا و حمد خدای تعالی و صلوات بر پیغمبر بفرستد بعد از آن تکبیر گوید و
سجده کند و در سجده بخواند فاتحة الکتاب هفت بار و آیة الکرسی هفت
بار و گوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
وهو علی کل شیء قدیر بعد از آن بگوید اللهم انی اسئلک بمعاقد

العز

العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک واسمک الاعظم
وجدک الاعلی وکلماتک التامة ثواب بسیار دارد و فرمود حضرت
صلی الله علیه و آله وسلم که هر کس بگذارد در روز جمعه میان ظهر و عصر دو رکعت نماز
و بخواند در رکعت اول فاتحة الکتاب و آیة الکرسی یکبار و قل اعوذ برب الفلق
بیست و پنج بار و بخواند در رکعت ثانیه فاتحة الکتاب و قل هو الله یکبار
و قل اعوذ برب الناس بیست و پنج بار و چون سلام بدهد بگوید لا حول ولا
قوة الا بالله پنجاه بار حضرت حق را بخواب ببیند و این آیات نیز بخواند
سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک
السموات والارض یحیی و یمیت وهو علی کل شیء قدیر هو
الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم هو
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما
یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر له ملک
السموات والارض والی الله ترجع الامور یولج اللیل فی النهار
و یولج النهار فی اللیل وهو علیم بذات الصدور لو انزلنا هذا القرآن

على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله
الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور
له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم والله اعلم نمازی که پیغمبر را علیه الصلوة والسلام بخواب بیند
روایت کنند از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که گفت هر کسی در روز جمعه دو رکعت
نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار بخواند و پانزده بار آیة الکرسی و پانزده بار قل
هو الله احد و چون فارغ شود هزار بار بگوید صلی الله علی النبی الامی پیغمبر علیه السلام
گفت او مرا بخواب بیند هم در آن شب یا اندران هفته دیگر در بیان
نمازی که پیغمبر را علیه السلام در خواب بیند منقولست از زهری رضی الله عنه
که گفت که رسول علیه السلام فرمود که هر کس غسل کند شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد
و بخواند دران هزار قل هو الله احد رسول را علیه السلام در خواب بیند
دیگر هر کس نماز مغرب بگذارد و نماز خفتن بگذارد و بعد از آن دو رکعت

اسم

نماز

نماز بگذارد و بخوانند در هر رکعتی فاتحة الکتاب یکبار و قل هو الله احد هفت
بار و چون سلام دهد سجده کند و در سجده استغفار کند هفت بار و صلوات
بر نبی علیه السلام فرستد هفت بار و بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و بعد از آن راست شود نشسته دست بردارد و این دعا یا حی یا قیوم
یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین یا رحمن الدنیا والآخرة
ورحیمهما یا اله العالمین والاولین والآخرین یا رب یا رب
یا رب یا الله یا الله یا الله بعد از آن باز گردد بمقامی که خواب
میکند و رو بقبله در جای خواب کند پاک باشد بر طرف راست و صلوات
بر نبی صلی الله علیه وآله فرستد بدرستی که رسول را علیه الصلوة والسلام در خواب
بیند دیگر هر کس که دو رکعت نماز بگذارد در محل که آفتاب بلند شده
باشد و بخواند در رکعت اول بعد از الحمد آیة الکرسی ده بار و در رکعت ثانیه
بخواند بعد از فاتحه قل هو الله ده بار مستوجب رضوان خدای تعالی عز شانه
میشود بعد از آن بگوید اللهم اغفر لی وارحمنی وتب علی انک
انت التواب الغفور اللهم لک الحمد اصبحت عندک

علی عهدک ووعدک انت خلقتنی ولم اک شیئا استغفرک
لذنبی فانه قد احرقتنی ذنوبی واحاطت بی یا رحمن الا ان
تعفو عنها بدرستی که خدا او را بیامرزد دیگر هر کس در شب عید قربان شش
رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه آخر سوره حشر یکبار و
قل هو الله احد یازده بار و چون از نماز فارغ شود سجده کند پیش از آنکه
سلام دهد و بگوید یا حی حین لا حی ویا حی محیی الموتی یا حی
لا اله الا انت یا نور النور یا ظاهر الظاهر اسئلک ان
تعتقنی من النار هر کس که در اول روزه ذی الحجه صد بار بگوید لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک ولک الملک الحمد وهو
علی کل شیء قدیر و در روز دوم صد بار بگوید اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا و در روز سیم صد بار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له الها واحدا صمدا لم یلد ولم یولد ولم یکن له
کفوا احد و در روز چهارم بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یمو

بیده

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و در روز پنجم صد بار بگوید حسبنا
الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله المنتهی سبحان
من لم یزل رضیا بعد از آن بگوید در پنج روز باقی شش کلمه در پنج روز اول
گفته و آنکس بگذارد و در ایام ده روز دوازده رکعت نماز و بخواند در هر رکعتی
بعد از الحمد قل هو الله احد سه بار و چهار رکعت از برای پیران و چهار رکعت
از برای مردها و چهار رکعت از برای حاجیان باشد از برای کننده این بعد
پیران و مردها و حاجیان ثواب بسیار از امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که او فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم پیغمبر باید که هر کس بگذارد
در هر شب از ماه رمضان دو رکعت نماز و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه
قل هو الله سه بار اگر خواهد اول شب بگذارد و اگر خواهد در آخر شب میدهد
خدای تعالی او را بعدد هر رکعتی ثواب بعث حج مرویست از ابن مسعود که
هر کس بگذارد در ده آخر رمضان هر شب ده رکعت نماز بخواند در هر رکعتی
بعد از فاتحه انا انزلناه یکبار و قل هو الله ده بار خدای تعالی می آمرزد
گناه او را بعد از حاجت روز چهارشنبه و روز پنجشنبه و روز آدینه روزه
دارد و چون آفتاب برآید و بلند شود دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی الحمد

یکبار و پانزده بار قل هو الله احد و در هر رکوع و سجودی پانزده بار قل هو الله
بخواند و چون سر از رکوع و سجود برآید پانزده بار قل هو الله احد بخواند و چون از
نماز فارغ شود سر بر زمین نهد و پانزده بار قل هو الله احد بخواند و انگاه گردن
بر دوش راست نهد و پانزده بار قل هو الله احد بخواند پس گردن بر دوش چپ نهد
و پانزده بار قل هو الله احد بخواند و انگاه یعنی روی راست بر زمین نهد و پانزده
بار قل هو الله برخواند پس یعنی روی چپ را بر زمین نهد و پانزده بار قل
هو الله برخواند و چون روی بر زمین نهد این دعا بخواند یا الله یا جواد
یا ماجد یا واحد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد یا من هو هکذا و لا هکذا غیره اشهد ان
کل معبود عبد من دون عرشک الی قرار الارضین باطل غیر
وجهک الکریم جل جلالک یا مذل کل ذلیل و یا معز کل عزیز
صل علی محمد و علی آل محمد فرج کربتی این دعا سه بار بخواند و باید که
پیش از انکه نماز کند غسل کند و جامه سپید پاکیزه در پوشد و طیب بسوزد
بدین جامه و صدقه بدهد و پیش دهد و جای نماز کند که میان وی و میان
آسمان هیچ حایل نباشد نماز حاجت دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد یکبار

وایة

و آیة الکرسی یکبار و قل هو الله احد سه بار و یکبار بگوید بحق آدم صفیک
و ابراهیم خلیلک و موسی کلماتک و عیسی روحک و محمد
علیه السلام حبیبک اقض حاجتی چون سلام دهد بگوید بحق
آدم صفیک و ابراهیم خلیلک و موسی کلیمک و عیسی روحک
و محمد علیه السلام حبیبک اقض حاجتی و حاجت بخواهد پس دیگر
بار سر بسجود نهد و حاجت بخواهد و روی راست بر زمین نهد یک ساعت
و روی چپ همچنان بر زمین نهد چنانکه گریه در چشم آید اجابت آید ان شاء الله تعالی
نماز حاجت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را چون حاجتی پیش آمدی
دو رکعت نماز بگذاردی در رکعت نخستین الحمد و سبح اسم ربک و در دوم
الحمد و اقرأ باسم ربک بخواندی پس این تسبیحات بخواندی سبحان من
لبس العز و قال به سبحان من تعطف بالمجد و تکرم به سبحان
من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء بعلمه
سبحان ذی الفضل و النعم سبحان ذی الجود و الکرم اللهم
انی اسئلک بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة من
کتابک و باسمک العظیم الاعظم و جدک الاعلی و کلماتک

التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر یا مالک یا دائما
لا یبید و لا ینفد پس حاجت بخواهد نماز عذاب گور راوی گوید رسول
خدای تعالی علیه الصلوة و السلام مرا نمازی در آموخت که هر آدینه بگزاری و گفت
هر که روز آدینه بوقت ارتفاع روز دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد و آمن
الرسول یکبار و قل هو الله احد پانزده بار بخواند خدای تعالی عذاب گور و
تاریکی از وی بردارد و نماز [illegible] نماز چاشت روز آدینه سید
صلوات الله علیه و آله و گفت هر که چاشتگاه روز آدینه چهار رکعت نماز
کند در هر رکعتی الحمد ده بار و آیة الکرسی ده بار و قل یا ایها الکافرون
ده بار و قل هو الله احد ده بار و معوذتین هر یکی ده بار و چون سلام دهد
استغفار کند هفتاد بار و بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و هفتاد بار بگوید صلی الله علی محمد و آله و هفتاد بار بگوید صلی الله
علی النبی الامی خداوند تعالی او را از شر اهل آسمانها و زمینها و انس و
جن ایمن کند رسول علیه السلام گفت من از جبرئیل علیه السلام [illegible]
گفت یا محمد خدای تعالی ترا هدیه فرستاد و گفت یا جبرئیل آن هدیه چیست

گفت

گفت دو رکعت نماز است که شب آدینه بکنی گفتم یا جبرئیل درین چه خوانند گفت
در هر رکعتی الحمد یکبار و پانزده بار اذا زلزلت گفتم درین نماز چه ثواب بود گفت
گفت عذاب گور از وی بردارند رسول علیه السلام گفت هر که خواهد بر صراط بگذرد
او را ضرر نباشد در هر سال یکبار چهار رکعت نماز کند و بران مداومت نماید در هر رکعتی
الحمد یکبار و سبح اسم ربک و سورة والغاشیه و سورة والضحی بخواند و چون فارغ شود
صلوات بر رسول علیه السلام دهد تا آنجا که انک حمید مجید هفتاد بار و هفتاد بار
استغفار کند و هفتاد بار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس بگوید اللهم جوزنی علی الصراط برحمتک چون
این نماز هر سال یکبار بگذارد بر صراط آسان بگذرد نماز استفتاح و نماز
متعلق بآن مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که هر که روزه بگیرد در
رجب و روز عرفه سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم غسل بکند در وقت زوال
و نماز زوال هشت رکعت بکن ارکانها همه نیکو کن پس نماز پیشین و سنت آن بگذار
پس از آن هشت رکعت دیگر بکن و برابر قبله بنشین و صد بار الحمد بخوان
و صد بار آیة الکرسی و صد بار قل هو الله احد پس سورة انعام و سورة الکهف
و سورة یس و والصافات و تنزیل و حم السجده و حم عسق و حم الدخان و سورة الفتح

واذا وقعت و تبارک و نون واذا السماء انشقت وانچه باقی مانده است
از سورتها همه تا بالجمله بخوان چون فارغ شوی این دعا بگوی و دعاء استفتاح در باب
دعوات نوشته شده نماز مخصوص بفاطمه و علی علیهما السلام رسول صلی الله علیه و آله
وسلم گفت هر کرا با خدای تعالی حاجتی بود او را سه روز روزه باید داشتن
چهارشنبه و پنجشنبه و آدینه پس از جمعه نماز بکنند و آن دوازده رکعتست بیک سلام
در رکعتی الحمد دوازده بار و آیة الکرسی و دوازده بار شهد الله و دوازده بار و لو
انزلنا هذا القرآن دوازده بار و قل هو الله احد دوازده بار پس بنشیند و تشهد
بخواند و جمله مومنین و مومنات را دعا کند پس بگوید اللهم انی اسئلک بکل اسم
هو حق علیک علی جمیع من هو دونک و حاجت بخواهد پس سجود کند و بگوید در سجود
نام مهادان نام مهاء بزرگوار است که در باب دعا مذکور است و اول او این است
اللهم ماضی قبل کل حی نماز مخصوص بعلی و فاطمه علیهما السلام مصطفی صلی الله
علیه و آله تعلیم کرد بعلی و فاطمه علیهما السلام و گفت هر یکی از شما دو رکعت نماز بکند
در هر رکعتی الحمد سه بار بخواند و شهد الله سه بار و لقد جاءکم رسول من انفسکم تا آخر
سه بار ما کان محمد ابا احد من رجالکم تا آنجا که فضلا کبیرا سه بار محمد رسول الله والذین
معه تا آخر سه بار و آخر سورة الحشر سه بار و قل هو الله احد سه بار چون از نماز فارغ شود

مؤمنین

مؤمنین و مؤمنات را دعا گوید پس بگوید اللهم انی اسئلک بکل اسم هو علیک
حق اجابة الدعاء اذا دعیت به و اسئلک بکل ذی حق علیک و بحقک علی جمیع
من هو دونک انگاه حاجت بخواهد پس بگوید اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ وَ اَتَوَجَّهُ
اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفیٰ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ
یَا مُحَمَّدُ اِنِّیْ تَوَجَّهْتُ بِكَ اِلٰی رَبِّكَ وَ رَبِّیْ فِیْ حَاجَتِیْ هٰذِهٖ فَتَقْضِیَ لِیْ
اَللّٰهُمَّ شَفِّعْهُ لِیْ انگاه چون حاجت خواست بگوید دعای را که در باب دعا
مسطور است و اول او اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا الله یا رحمن یا الله
نماز خصمان روز عاشورا یا روز عید قربان یا نیمه شعبان یا در روز پسین
از ماه رمضان چهار رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از الحمد ده بار قل
هو الله احد و در رکعت دوم بعد از الحمد قل یا ایها الکافرون سه بار و یازده
بار قل هو الله احد و در رکعت سیم الحمد و سه بار الهکم و قل هو الله احد بیست بار
و چهارم رکعت فاتحة الکتاب و آیة الکرسی سه بار و قل هو الله احد بیست و
پنج بار بخواند جمیع اشیا او را مطیع شود روایت کرده اند از علی علیه السلام
که رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرا گفت یا ابا الحسن چون ترا کاری هولناک
پیش آید روز پنجشنبه و روز آدینه روزه دار پس نماز خصمان فرو گذارد

چهار رکعت نماز کن در هر رکعتی الحمد بخوان و پنجاه قل هو الله احد پس شهار بر خویش
بخفت والطور و معوذتین بخوان و الم السجده پس بگوی یا ای الرفیق و یا حرزی
الوثیق وَ یَا صَاحِبِیْ فِیْ کُلِّ طَرِیْقٍ اَسْئَلُكَ اِلٰهِیْ اَنْ یُجِیْبَنِیْ مِنْ
خَلْقِ الْمَضِیْقِ یَا غِیَاثَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَغِثْنِیْ یَا غِیَاثَ الْمُؤْمِنِیْنَ
اَغِثْنِی السَّاعَةَ السَّاعَةَ نماز توبه دو رکعت است در رکعت اول
الحمد یکبار و آیة الکرسی سی بار و بدوم رکعت همچنان چون سلام دهد سجود کند
و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ لِیْ ذُنُوْبِیْ وَ تَجْعَلَ اِسْمِیْ فِی السُّعَدَاءِ
وَ رُوْحِیْ فِی الشُّهَدَاءِ وَ اِحْسَانِیْ فِیْ عِلِّیِّیْنَ وَ اِسَاءَتِیْ مَغْفُوْرَةً
وَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ سنتی بنقل است به بیست رکعت شش رکعت
نزد انبساط نور افتاب و شش نزد ارتفاع افتاب و شش پیش از زوال و دو رکعت
نزد زوال نماز شب براة امام جعفر ابن امام محمد علیهما السلام فرمود که سوال
کردند از امام باقر علیه السلام از فضل شب نصف شعبان امام علیه السلام فرمود
که این شب افضل شبهاست بعد شب قدر و فرمود که بگذارید در ان چهار رکعت
در هر رکعتی یک فاتحه و صد بار سوره اخلاص وقتی که از نماز فارغ شود بگوید اللّٰهُمَّ
اِنِّیْ اِلَیْكَ فَقِیْرٌ وَ مِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ اَللّٰهُمَّ لَا تُبَدِّلْ

اسمی

اِسْمِیْ وَ لَا تُغَیِّرْ جِسْمِیْ وَ لَا تَجْهَدْ بَلَائِیْ وَ لَا تُشْمِتْ بِیْ اَعْدَائِیْ اَعُوْذُ
بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ وَ اَعُوْذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ
مِنْ سَخَطِكَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا اِلٰهَ غَیْرُكَ اَنْتَ
كَمَا اَثْنَیْتَ عَلٰی نَفْسِكَ وَ فَوْقَ مَا یَقُوْلُ الْقَائِلُوْنَ سلمان فارسی
رضی الله عنه گفت که در آمدم بر رسول علیه السلام در آخر جمادی الاخر و فرمود که یا سلمان
انت من اهل البیت تو چیزی بگویم گفتم بلی فدای تو باد پدر و مادر من یا رسول الله
فرمود که یا سلمان هیچ مومن و هیچ مومنه نباشد که بگذارد سی رکعت در ماه
رجب و بخواند در هر رکعتی فاتحة الکتاب یکبار و قل هو الله سه بار و قل یا ایها
الکافرون سه بار مگر محو کند خدای تعالی از و هر گناهی که کرده است در کوچکی و در
بزرگی و بدهد خدای تعالی اجر کسی که این ماه را تمام روزه داشته باشد و او را از
عابدان نویسد تا سال آینده و از بهر او در هر روزی عمل یک شهید بنویسد
از شهداء بدر و فرمود که یا سلمان این را جبرئیل بمن خبر داده است و گفت
یا محمد این علامتیست در میان تو و در میان منافقان چه منافقان این را
نتوانند گذاردن سلمان گوید که گفتم یا رسول الله چون بگذارم فرمود علیه السلام
یا سلمان در اول رجب ده رکعت بگذار و وقتی که سلام دهی دست بردار

بسوی آسمان و بخوان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
اللهم لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک
الجد بعد از آن دست بر روی بردارد و در وسط ماه دو رکعت نماز بگذارد
وقتی که سلام دهی دست بردار بسوی آسمان و بگو لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا فردا وترا لم یتخذ
صاحبة ولا ولدا بعد از آن دست بر روی مال و در آخر ماه ده رکعت
دیگر بگذارد همچنانکه مذکور شد وقتی که سلام دهی دست بآسمان بردار بگوی لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت و
هو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وصلی الله
علی محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم بعد از آن بخواه هر حاجتی که خواهی مستجاب گردد و خدای تعالی در میان
تو و جهنم هفت خندق گرداند هر خندقی مثل ما بین آسمان و زمین و بنویسد
از بهر هر رکعتی ثواب هزاران هزار رکعت و بنویسد برات آزادی از

دوزخ و گذشتن بر صراط سلمان رضی الله عنه گفت وقتی که این را از رسول
علیه السلام شنودم افتادم سجده کنان بگریه از جهت شکر سماع این حدیث نماز
شب قدر هر که شب بیست و هفتم ماه رمضان دو رکعت نماز گذارد و بهر رکعت
الحمد یکبار و انا انزلناه یکبار و بیست و پنج بار قل هو الله احد و چون از نماز
فارغ شود صد بار بگوید استغفر الله و صد بار بر مصطفی صلوات فرستد هر که
این نماز بگذارد شب قدر یافته باشد و روزه و نماز او بپذیرند و هر حاجتی
که دارد خدا حاجت وی را روا گرداند و بهر آیتی شهرستانی بنا کند در بهشت
نماز رغایب اول شب جمعه ماه رجب بعد از نماز شام دوازده رکعت
بگذارد بشش سلام در هر رکعتی فاتحه یکبار و انا انزلناه سه بار و قل هو الله
احد دوازده بار و چون از نماز فارغ شود هفتاد بار بر پیغمبر صلوات فرستد
بدین نوع اللهم صل علی محمد النبی الامی وعلی آله بعد از آن سر بسجده نهد و در
سجده هفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح و سر بردارد و بگوید
هفتاد بار رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم فانک انت الا
العلی الاعظم و باز سجده دیگر کند و بگوید تسبیح چنانکه در اول گفته بود و هر حاجت
که دارد بخواهد باب نماز کسی که خواهد که فرشته را در خواب ببیند نقل کرده ا

مجاهد از حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم که آنحضرت فرموده که هر کس که
شب جمعه بعد از نماز خفتن بیست و سه رکعت نماز بگذارد که یک رکعت وتر باشد
و در هر رکعتی الحمد یکبار و یازده بار قل هو الله احد بخواند از دنیا بیرون نرود تا
آنکه در خواب ببیند که صد فرشته پیش او ایستاده است سی از ایشان او را بشارت
دهند بهشت و سی از آن او را ایمن گردانند از عذاب قبر و سی از آن او را از
گناهان کبیره نگاه دارد و ده از آن با دشمنان او کید کنند باب طلب حاجت
ضحاک از ابن عباس نقل کرده که مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر کسی را
حاجتی پیش خدا باشد و طلب آن کند باید که وضوی تمامی بسازد و در محلی
که کس او را نبیند بایستد و چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه یکبار
و یازده بار قل هو الله احد بخواند و در رکعت دوم یکبار فاتحه و بیست و
یکبار قل هو الله احد بخواند و در رکعت سیم یکبار فاتحة الکتاب و سی و یکبار
قل هو الله احد بخواند و در رکعت چهارم یکبار فاتحة الکتاب و چهل و یکبار قل
هو الله احد بخواند و چون از نماز فارغ شود پنجاه و یکبار قل هو الله احد بخواند
بعد از آن شصت بار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بعد از آن
هفتاد بار استغفر الله بگوید بدرستی که اگر قرض دار باشد برکت آن قرض او ادا شود

و اگر فقیر باشد خدا او را غنی گرداند و اگر غریب باشد خدا او را بوطن خود
رساند و اگر او را گناه بسیار باشد خدا او را بیامرزد و اگر او را فرزند نباشد
و طلب فرزند کند خدا او را فرزندی بدهد بعد از آن حضرت فرمود که این نماز است
که آدم و نوح و ابراهیم و اسمعیل علیهم السلام گذارده اند نماز نجات گفته که بگذارد
دو رکعت نماز در محل چاشت بنیت نجات از هفت عقبه که در اوست از
بلاها و موانع بسیار و بخواند بعد از فاتحه در رکعت اول وینجی الله الذین اتقوا
بمفازتهم لا یمسهم السوء ولا هم یحزنون الله خالق کل شیء وهو علی کل شیء وکیل
له مقالید السموات والارض تا قوله وکن من الشاکرین و در رکعت دوم وما
قدروا الله تا قوله وهو اعلم بما یفعلون و بگوید در سجود سبحان الدائم الباقی
سه بار و بخواند در تشهد پیش از آنکه سلام دهد ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم
الظالمین ونجنا برحمتک من القوم الکافرین پس از آن سلام دهد و هر دو دست
بردارد و بگوید سبحان الذی علا فقهر وقدر فقدر واوسع
وقبض فجبر وبسط فاخبر ونظر فاشهر ردعا وبعث رسوله
بالخیر حتی سبح وحمد وهلل ومجد وکبر فله الدین واصبا وله
الحمد دائما اللهم انی اسألک بصفاء الذاتین وبضیاء الحیوتین

وبنور الشفقين وبثناء الكلمتين وبرتبة الرتبتين وبذبح الذبحين
وبطيب الوقتين وبأنس المقامين ان تنصرني على اعدائك وان
تجمع في الدنيا والآخرة بيني وبين انبيائك وان تخلصني من
بلوائك وان تاذن لي بالجواز على عقبات بلائك حتى الحق
صفوة النجاة وانجو من الممات واحيا بصفوة الحياة يا خير مسئول
واكرم مأمول نماز حاجت گذارد دو رکعت نماز و بخواند در رکعت
اول الم نشرح سه بار و در دوم انا اعطيناك الكوثر سه بار بعد از سلام بخواند این
دعا را اللهم اشرح لي صدري بنور الرشد واكشف عني قلبي حجاب
البعد امدده بشهاب الرصد وقوني على طاعتك بانوار الله المو
قدة التي تطلع على الافئدة في العمل واخرجني من مقابر العقد
وانزلني من فضاء المدد وانسني بتحميدك واجعلني من اشرف
عبيدك بحق من دعاك وعاد وناجاك ونادى وضج ولاذ
اللهم اني اسئلك مطالعة في خلوصة ايمانك ووقوفا على
حبل عرفانك باسط ايديك فيما عنده عند عبدك ولديك
بحق صلتك التي جعلتها صايل كتابك ونقطها التي ربطت عليها

شمایل

شمایل خطابك ربانی فيك لقش طويل ونطقي منطق ما عليه
التزييل فلا تحرمني من فضلك لا بالقليل ولا بالكثير والنقير
والقطمير بحق سراجك المنير ورسولك الخبير يا من هو بعباده
خبير بصير نماز حاجت بگذارد دو رکعت نماز هر وقت که خواهد و بخواند
فاتحه و آیة الکرسی و قل هو الله و معوذتین هر یکی سه بار بعد از فارغ شدن از نماز
بگوید اللهم بحق العرش ومن علاه وبحق الرحمن ومن اوحاه وبحق
النبي ومن نباه وبحق البيت ومن بناه يا سامع الصوت ويا سا
بق الفوت ويا كاسي العظام لحما بعد الموت اسئلك بحق محمد عليه
السلام ان تفرج عني الساعة فانه لا صبر لي مع حلمك واياتك
وانت ذو فضل عظيم واناه و حاجت خود بخواهد دیگر نماز حاجت چهار رکعت نماز
بگذارد و بخواند در رکعت اول الهیکم التکاثر و در دوم آیة الکرسی و در سیوم الم
تا قوله الحکیم و در چهارم وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل
ظلما و بعد از فارغ شدن بگوید ده بار بسم الله الرحمن الرحيم لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم بعد از ان حاجت بخواهد حضرت علیه الصلوة
والسلام فرموده که هر آینک مستجاب گردد دیگر نماز حاجت هر کس که او را حاجتی باشد

پس بگذارد دو رکعت نماز و بخواند در رکعت اول فاتحه و قل یا ایها الکافرون
و سوره فلق یکبار و در رکعت دوم فاتحه و قل هو الله و سوره ناس بعد از ان بنویسد
بعد از فارغ شدن از نماز این دعا را در کاغذی و برخیزد بر سر قدم و بنهد این کاغذ
بر سر خود و صلوات فرستد بر محمد و آل او صد بار بعد از ان بیندازد ان کاغذ
که بر برداشت در آب روان حاجت او بر می آید در ساعت و دعا این است
بسم الله الرحمن الرحيم توكلت على الحي الذي لا يموت ابدا والحمد لله
الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له
ولي من الذل وكبره تكبيرا يا عزيز يا حميد يا ذا العرش المجيد
اصرف عني كل جبار عنيد وصلى الله على محمد وآله نماز شب
نصف شعبان و آن دو رکعت است بخواند در رکعت اول الحمد و قل یا ایها الکا
فرون و در رکعت دوم الحمد و قل هو الله احد بعد از ان تسبیح کند بعد از تسبیح که مشهور است
بعد از ان بخواند این دعا را که یا من اليه ملجأ العباد في المهمات واليه
مفزع الخلق في الملمات تا آخر که در باب دعوات مسطور است نماز دیگر
دو رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بر خواند يبشرهم ربهم برحمة منه
ورضوان وجنات تا اجا کر و اعلموا ان الله مع المتقين و در رکوع

بگوید

بگوید سبحان الذي في السماء عرشه سبحان الذي في الارض موطنه
سبحان الذي في البحر سبيله سبحان الذي في الجنة رحمته سبحان
الذي في النار عقوبته سبحان الذي لا اله الا هو الملك القدوس
بعد از ان سلام دهد و سجده کند و بگوید در سجود اللهم انك حي لا يموت
وغالب لا يغلب اللهم انك دعوتني فاجبت وزعتني فسجدت
وامرتني بالدخول فوصلت ربي توابا رحيما جوادا كريما اللهم
اكشف حجاب طولك وارفع نقاب صونك واجعلني بين يديك
والق الي من خزاين ما عندك ولديك حتى اكون عبدا شكورا ولا
اكون محتالا فخورا ولا متكبرا كفورا نماز شکر دو رکعت نماز گذارد و شکر
نعمتهای حق را در رکعت اول بعد از فاتحه بخواند وهو الله لا اله الا هو له الحمد
تا قوله ولعلكم تشكرون و در رکعت دوم بخواند فلله الحمد رب السموات
ورب الارض تا قوله وهو العزيز الحكيم و در آخر تشهد بگوید رب اوزعني
ان اشكر نعمتك التي انعمت علي تا قوله في عبادك الصالحين
و سلام باز دهد و سه بار بگوید بسم الله لا اله الا الله و سه بار بسم الله
الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد و سه بار الحمد لله فلا اشرك به شيئا

واشهد ان لا اله الا الله بجميع محامده الحمد لله حمد الشاكرين
الحمد لله حمد الذاكرين الحمد لله الذي لا ينقطع مدده ولا يحصى عدده
الحمد لله على جميع احسانه حمدا يعدل حمد الملئكة المقربين والا
نبياء المرسلين الحمد لله بنعمته وجلاله تتم الصالحات وتنزل البركات
وبمشيته بكلمة السعادات الحمد لله على كل حال الحمد لله الذي هدانا
للاسلام وجعلني من امة محمد صلوات الله وسلامه عليه وآله
الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد
لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك وخلق كل
شيء فقدره تقديرا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك
في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الله اكبر كبيرا
كبيرا والله على ما هدانى تكبيرا الله اكبر الله اكبر الله اكبر لا
اله الا الله والله اكبر الله اكبر ولله الحمد قل الحمد لله وسلام
على عباده الذين اصطفى الله خير اما يشركون الله خير وابقى
و فاتحه برخواند واول سوره انعام تا قوله ما تكسبون واول سوره الكهف تا قوله
ان يقولون الا كذبا واول سوره سبا تا قوله وهو الرحيم الغفور واول سوره

فاطر

فاطر تا قوله فانى يؤفكون وبگويد سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين بعد از ان بسجود رود وبگويد
اللهم انى عبدك وابن عبدك وابن امتك وانا على عهدك وو
عدك ما استطعت لا احصى ثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك
ولك الحمد حتى ترضى يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنى شاكرا لك و
محبتا ومنيبا اليك اللهم زدنى شكرا على نعمك بفضلك ورحمتك
يا ارحم الراحمين عنان استفاده دو رکعت نماز بگذارد به نیت استفاده
در رکعت اول بعد از فاتحه سه بار قل اعوذ برب الفلق برخواند و در رکعت دوم
سه بار قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام بخواند اللهم انى اعوذ بر
ضاك من سخطك واعوذ بعفوك من عقابك واعوذ بك
منك وجهك لا احصى ثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك
ولك الحمد حتى ترضاك يا ارحم الراحمين اللهم انى اسئلك خير
القضاء وخير القدر واعوذ بك من سوء القضاء وسوء القدر
واعوذ بك من سوء القضاء وجهد البلاء ودرك الشقاء
وشماتة الاعداء انك سميع الدعاء قادر على ما يشاء وسلام ...

سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض وهو السميع العليم
وبگوید بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي بسم
الله الواحد الاحد الصمد الفرد الوتر القيوم لم يتخذ صاحبة
بسم الله ذي الشان عظيم البرهان شديد السلطان ما شاء الله
كان اعوذ بالله من الشيطان الرجيم رب اعوذ بك من همزات
الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون اعوذ بكلمات الله
التامات كلها من شر ما خلق وذرأ وبرأ سلام على نوح في العا
لمين اعوذ بالله الذي يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه
من شر الشيطان الرجيم وشركه وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه وو
سواسه ومكايده وشر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي
على صراط مستقيم وبگوید اعوذ بالله العظيم من الشيطان الرجيم
ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين
القتال وكان الله قويا عزيزا و شهد الله برخواند تا آنجا که عند الله الاسلام
وانا اشهد بما شهد به الله وملئكته واستودع الله هذه

الشهادة

الشهادة عند الله وهي لنا وديعة عند الله تعالى الى يوم الدين
ان الدين عند الله الاسلام وبسجود رود وحرز يوم الاحزاب برخواند
وان این است اللهم انى اعوذ بك بنور قدسك وعظمتك طهارة
بركتك وبركات جلالك من كل آفة وعاهة وطارق الجن والانس
الا طارقا يطرق بخير اللهم انت عياذي فبك اعوذ وانت ملاذي
فبك الوذ وانت غياثي فبك اغيث يا من ذلت له رقاب
الجبابرة وخضعت له مقاليد الفراعنة اعوذ بجلال وجهك
وكرم جلالك من خزيك وكشف سترك ونسيان ذكرك والا
نصراف عن شكرك انا في كنفك ليلي ونهاري ونومي وقراري
وظعني واسفاري ذكرك شعاري وثناؤك دثاري لا اله الا
انت تنزيها لاسمك وتكريما وتقديسا لسبحات وجهك اجرني
من خزيك وشر عذابك وعبادك وادخلني في حفظ عنايتك
واضرب على سرادقات حفظك وآمن روعتي بعنايتك بفضلك
وكبريائك اللهم انى اسئلك كل خير احاط به علمك في الدنيا
والآخرة اللهم انى اسئلك من الخير كله عاجله وآجله ما علمت

منه وما لم اعلم واعوذ بک من الشر عاجله وآجله ما علمت منه
وما لم اعلم اللهم انی اسئلک الجنة وما قرب الیها من قول وعمل
واعوذ بک من النار وما قرب الیها من قول وعمل اللهم انی
اسئلک ما سئلک به عبدک ونبیک محمد صلی الله علیه وآله
اللهم وما قضیت لی من امر فاجعل عاقبته رشدا وصل دعا و سر
سجود بر کرد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الملک الحق المبین
محمد رسول الله الصادق الامین وشهد الله بر خواند و بگوید
الله نور وحکمة وبرهان وحجة وحول وقوة وسلطان وقد
رة الحی القیوم الذی لا ینام العزیز الذی لا ینام ذو العرش الذی
لا یضام لا اله الا الله آدم صفی الله لا اله الا الله نوح نجی الله
لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله لا اله الا الله اسمعیل ذبیح الله
لا اله الا الله اسحق اسرائیل الله لا اله الا الله داود خلیفة
الله لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله
وکلمة الله لا اله الا الله محمد العربی حبیب الله و بگوید الهی
تابق تو بقاء عرشک من اعدائی استترت وبسطوة الجبروت

من عز

من عز عزک ممن یکیدنی احتجبت ومن قضاء عطائک وجزیل
نعمائک الهی طلبت الهی کیف اخاف وانت املی ثم کیف اضام
وانت متکلی رضیت کل راصد رصد وکل عاند عند وکل علق کادام
کید بالکف الفترة لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نماز
استخاره مطلق جهت جمیع امور دو رکعت نماز کذارد و نماز استخاره مطلق
در رکعت اول بعد از فاتحه وربک یخلق ما یشاء ویختار تا قوله الیه
ترجعون و در رکعت دوم برخواند وما کان لمؤمن ولا مؤمنة
اذا قضی الله ورسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم
ومن یعص الله ورسوله فقد ضل ضلالا مبینا و با حضور تشهد
بگوید اللهم اعنی علی ذکرک وشکرک وحق عبادتک والقیام
بطاعتک ووفقنی مما تحب وترضی وجنبنی عما یکره بسخط
ولا ترضی و سلام باز دهد سه بار بگوید این دعا را و سه بار بر سید عالم
صلوات بفرستد و بسجود رود و بگوید یا الله یا رحمن بجلالک وبعز
وجمالک خرلی واختر لی علی وجه الیسر والعاقبة من امر دینی
قولا وفعلا وحرکة وسکونا وخاطرا ولغبا ومنعا وعطاء

ما تحب وترضی واجعل الخیرة فیما یرضیک عنی ثم رضنی به یا
اله العالمین سه بار بگوید و بعد از ان بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک
واستقدرک بقدرتک واسئلک من فضلک العظیم فانک
تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب ان تختار
لعبدک الضعیف فی هذا الیوم وفی هذا الشهر ما هو المختار عندک
المرضی لک فی اموری دینی ودنیای وجمیع ما انقلب فیه
واتفکر فیه من انواع طاعتک ومعاملتک وجمیع ما احتاج
الیه من القیام بوظایف طاعتک ومعاملتک اللهم اقدر لی
ثم یسر لی فیما ما تحب وترضی وجنبنی عما تکره ولا ترضی اللهم
ما کان خیرا لی فی دینی ودنیای فافتح لی ابوابه ویسر علی
اسبابه وما کان شرا فی دینی ودنیای فاغلق علی ابوابه
وعسر علی اسبابه برحمتک یا ارحم الراحمین و سر از سجود بر دارد
بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ومن یتق الله یجعل
له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا

و سه بار

و سه بار بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت و بگوید وما تو
فیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب اللهم ارنا الحق
حقا وارزقنا اتباعه وارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه
اللهم انت نفسی تقویها وزکیها انت خیر من زکیها ولیها ومولیها
وصلی الله علی محمد وآله اجمعین نماز قبولی نیت کند و بگوید
اصلی صلوة القبول لوضع الرفیع والعقول ورفع الذلیل وکظم
للمدلول قربة الی الله تعالی پس بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه
وکم من قریة اهلکناها تا قوله وکن من الساجدین وکهیعص
یا سبعت حیا و بخواند والمرسلات تا قوله یومئذ للمکذبین
و بخواند در رکعت دوم فکیف اذا جمعناهم تا قوله بغیر حساب
و بعد از ان بخواند کتاب انزلناه الیک تا قوله حسن مآب و بخواند
یا ایها المزمل ویا ایها المدثر و بخواند سوره فجر تا اضرب از ان
سلام دهد و بگوید سبحان الذی سمی نفسه نورا سبحان الذی
سمی نفسه صبورا سبحان الذی سمی نفسه شکورا سبحان الذی
سمی نفسه غفورا اما نماز جمع میان حیوة و موت و نشر و جمع میان

فتح وبشارت وانصر بگذارد دو رکعت نماز و بخواند بعد از فاتحه یبشرهم ربهم
برحمة منه تا قوله والله عزیز حکیم ودر دوم لا تجد قوما یؤمنون
بالله تا آخر سوره وسلام دهد وسجده کند وبگوید در سجود اللهم
صل علی محمد کلما نظر ناظر وصل علی محمد کلما ذکر ذاکر وصل علی
محمد کلما عبر عابر وصل علی محمد کلما ستر ساتر وصل علی محمد
کلما جهر جاهر وصل علی محمد کلما نطق ناطق وصل علی محمد کلما
اطبق ساطع وصل علی محمد کلما اغلق غالق وصل علی محمد کلما
اشفق ناصح وصل علی محمد کلما اشرف طامع فی شرفه من هو
طامع وصل علی جمیع اخوانه من النبیین والصدیقین والشهداء
والصالحین یا من هو غالب وقادر وقاهر وغافر انت المؤید
والمشدد ایدنا من عندک تاییدا مسلما وشدد ما لنا تشدیدا
محکما وبه ما وسدد البستنا تشدیدا مکرما ومعظما بحق محمد
وآله اجمعین اللهم انی ضعیف فقونی برضاک ضعفی وضن
الی الخیر بناصیتی واجعل الاسلام منتهی رضای اللهم انی ضعیف
فقونی وانی ذلیل فاعزنی وانی فقیر فاغننی یا ارحم الراحمین

غاز

نماز استخاره اینست که بنویسی بر سه پاره کاغذ بسم الله
الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان ابن فلان افعل
ودر سه کاغذ دیگر بنویسی خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان
بن فلان لا تفعل ودو رکعت نماز استخاره بگذارد ان وم این شش
کاغذ را در زیر سجاده نهد بعد از نماز این دعا بخواند و تا سه کاغذ از آنجا
یک یک بردارد و ببیند که اشارت اگر افعل است او را بکند و اگر
لا تفعل است نکند و اگر یکی افعل و یکی لا تفعل باشد تا پنج برگیرد و حکم بر غالب
کند دعا اینست که مرویست که از امام زین العابدین علیه السلام اللهم انی
استخیرک بعلمک تصل علی محمد وآله واقض لنا بالخیر والهمنا
معرفة الاختیار واجعل ذالک ذریعة الی الرضاء بما قضیت
لنا والتسلیم لما حکمت علینا وازح عنا ریب اهل الارتیاب
وایدنا بیقین المخلصین ولا تسمنا بعجز المعرفة عما تخیرت
فنغمط قدرک ونکره موضع قضائک وسهل علینا ما نستصعب
من حکمک والهمنا الانقیاد لما اوردت علینا من مشیتک
حتی لا نحب تعجیل ما اخرت ولا تاخیر ما عجلت ولا نکره

ما احببت ولا نتخیر ما کرهت واختم لنا بالتی هی احمد عاقبة
واکرم مصیرا انک تفید الکریمة وتعطی الجسیمة وتفعل ما ترید
وانت علی کل شیء قدیر واین اسم دعاء استخاره است اللهم
انی استخیرک منک واستقدرک بقدرتک واسئلک من فضلک
العظیم فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب
اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی ومعاشی وعا
قبة امری فاقدره لی فان کنت تعلم ان هذا الامر شر لی فی دینی
ومعاشی وعاقبة امری فاصرفه عنی واصرفنی عنه واقدر
لی الخیر حیث کان ثم ارضنی به دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول
بعد از فاتحه سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص اسئلک باسمک
العظیم یا عظیم ان تکفینی کل عظیم یا عظیم الحمد لله علی التمام
للرسول افضل السلام در رکعت دوم بخواند کهیعص یا نور
یا قدوس یا حی یا قیوم یا الله یا رحمن یا رحیم ویل لکل
افاک اثیم یسمع آیات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبرا کان
لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم واذا علم

من

من آیاتنا شیئا اتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین من
ورائهم جهنم ولا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا ولا ما اتخذوا من
دون الله اولیاء لهم عذاب عظیم هر که در شب جمعه دو رکعت نماز
کند بوضوء نو بعد از عشا تا آخر و هرچه از قرآن داند بخواند و بر رسول علیه السلم
صد بار صلوات فرستد برابر قبله نشسته باشد بشرط آنکه دلش متوجه حق باشد
و شکمش برنا شد از طعام واین اسما عظام را بخواند وحاجت خود را یاد کند
ناگاه از این اولیا پیش آید در خواب هر وقت هر وقت معلوم که بکدام
طرف توجه دارند و بآن طرف کرده بتوجه تمام این دعا را بخواند و هر مقصود
که دارد از باطن ایشان مدد طلبد البته برآید و هر که مداومت نماید از جمله
ایشان بود زبدکبطاثر قستان وکاکج جانب ایشان
ح بر کج بی شمال اند ه بج ک زکن باید دان
دیب ابط کر سوی مغرب ب ی نزکه بو شرب دان
ح بلج کو جنوبی بین اط بو کد بو بکنی دان

أَشطُوليش هيًّا طلش هيًّا جاجوش
احضروهم بحق من تجلّى للجبل فجعله دكًّا
وخرّ موسى صعقًا بحق هذه الاسماء
الّا ما ظهرت للناظرات واعوانك واصحابك بلدك
فيك وعليك

يا ابرار يا نقبا يا نجبا يا اخيار يا ابدال يا اوتاد يا غوث
يا قطب يا عمد السّلام عليكم يا رجال الغيب ويا ارواح المقدّسة
اغيثوني بغوثة وانظروني بنظرة بحق محمد صلى الله عليه
وآله وسلم في حاجتي وحاجت خود بخواهد روايت كرده است حضرت
علي عليه السلام از پيغمبر صلوات الله وسلامه عليه وآله كه خداي تعالى را بندگي كن
در روز يكشنبه كه خداي تعالى راضي ميشود از كسي كه اورا در روز يكشنبه اطاعت
او كند بنماز و سنت كه روز يكشنبه بعد از پيشين چهار ركعت نماز گذارند
برين وجه بخوانند در ركعت اول فاتحة الكتاب والم تنزيل سجده و در ركعت
دوم فاتحة الكتاب والم تنزيل و تبارك الملك بعد از آن تشهد

بخواند.

بخواند و سلام باز دهد و ديگر برخيزد و دو ركعت ديگر بگذارد و در هر دو ركعت
فاتحه بخواند و سورهٔ جمعه و حاجت خود از خدا خواهد كه حق تعالى برآورد و در روز دوشنبه
البته نماز ديگر كه كار تحفه پيش يكديگر فرستادند هر كه اين نماز بپوشيده گذارد
البته محتشم و منعم گردد و نماز اينست چهار ركعت نماز بگذارد بيك سلام در
وقت چاشتگاه در هر ركعتي فاتحه و الم نشرح سه بار و سه بار سورهٔ اخلاص و
معوذتين بخواند چون از نماز فارغ شود سر بسجده نهد و هفتاد بار صلوات
فرستد پس سر از سجده بردارد و اين دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحيم اللّهم
لك الحمد شكرًا ولك المنّ فضلًا وانت ربّنا حقًّا ونحن عبيدك
رقًّا وانت لذلك اهلًا اللّهم يا ميسّر كل عسير ويا جابر كل كسير و
يا مونس كل وحيد ويا صاحب كل غريب يسّر علينا كل عسير فانّ
تيسير العسير عليك يسير وانت على كل شيء قدير حسبنا الله ونعم الوكيل
نعم المولى ونعم النصير ولا حول ولا قوّة الا بالله العلي العظيم
اللّهم يا مفتّح فتّح يا مفرّج فرّج يا ميسّر يسّر يا مسهّل سهّل
يا مخلّص خلّص وجعلنا من بين ايديهم سدًّا ومن خلفهم
سدًّا فاغشيناهم فهم لا يبصرون بحقّك يا ارحم الراحمين

پس حاجت خود خواهد هر كه روز چهارشنبه و پنجشنبه روزه گيرد و غسل كند شب جمعه
و جامه پاك پوشد رو بقبله كند و صلوات بر پيغمبر و آل او فرستد هزار بار و استغفار
كند هزار بار و دو ركعت نماز گذارد و بخواند در اول فاتحه و اول سوره حديد تا اينجا
كه عليم بذات الصدور و در ركعت دوم بخواند فاتحه و آخر سوره حشر از اينجا
كه هو الله الذي لا اله الا هو تا آخر بعد از آن بخواند از سوره انعام بديع السموات
والارض تا قوله و هو اللطيف الخبير و سلام باز دهد و صلوات بر پيغمبر فرستد
هزار بار پس سجده كند و استغفار كند هزار بار پس سجده كند و در سجود بگويد اللّهم
يا بديع السموات والارض يا من بيده مفاتيح الامور وهو على
كل شيء قدير يا من عليه العسير يسيرًا يا من بيده ييسّر كل عسير
واليه المصير يا من له القدرة والغلبة يسّر لي و حاجتي كه دارد بخواهد
بعد از آن بگويد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوًا احد هاي
تعالى انشاء الله حاجت او را برآورد نماز حاجت روايت است از پيغمبر صلوات الله
عليه وآله وسلم كه با ام الايمن گفت هرگاه كه ترا حاجتي باشد خواهي كه برآيد دو ركعت
نماز بگذارد در هر ركعتي يكبار فاتحه و ده بار بگو سبحان الله والحمد لله و ده بار
بگو الله اكبر در سجود بگو يا الله انت الله لا اله الا غيرك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال

والاكرام

والاكرام وصلّى الله على محمد وآل محمد الطيبين الاخيار واقض حاجتي هذه يا محسن و يا مجمل
الخيرة بحق ذلك انك على كل شيء قدير اي ام ايمن بنده هرگاه كه ذكر خدا كند در سفر
و او را المي باشد بلا نكه خطاب رسد كه او آشنا نيست شفاعت او كنيد و امين
گويند دعاي او را پس خداي تعالى برآورد حاجت او را و اگر بنده خدا را المي رسد و او
خدا را بخواند در سر ملئكه گويند كه اين نيكو بنده نيست اگر دعا كند او را مدد بكنيد نماز
حاجت اگر كسي را حاجتي باشد دو ركعت نماز بگذارد در شب يا در روز و در آن
فاتحه خواند و هر سوره كه خواهد بعد از فلاحي نشيند و دوازده هزار بار قل هو الله
بخواند و در ميانه سخن نگويد و حاجتي كه دارد بخواهد برآورده شود انشاء الله تعالى
نماز حاجت دو ركعت نماز بگذارد و فاتحه و هر سوره كه خواهد بخواند و بعد از خواندن
سوره پيش از ركوع بگويد پنجاه بار لا اله الا الله الملك الحق المبين و در ركوع
ده بار و در سجود ده بار بعد از آن تشهد بخواند و سلام باز دهد و بسجود رود
و صد بار بگويد يا مغيث اغثني بعد از آن سر بردارد و سلام دهد كه حاجتي كه دارد
البته برآورده شود گفته اند كه اين طريق نماز را بسيفها نيا موزند كه اگر خدا را باين
طريق بخوانند و حاجتي كه دارند بخواهند البته روا شود نماز حاجت هر كه دو ركعت
نماز گذارد و در ميانه شب و بخواند در هر ركعتي فاتحه يكبار و پانزده بار آية الكرسي

پس سلام بازدهد و سجده کند و در سجود هفتاد بار بگوید یا حی یا قیوم و حاجت خود
بخواهد خدا حاجت او را برآورد هم روایتست از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
که هر کس را که حاجتی باشد دو رکعت نماز گذارد و در رکعت اول فاتحه و الم تنزیل و در رکعت دوم
فاتحه و تبارک مفصل و بعد از فراغ نماز ثنای حق تعالی بگوید و این دعا بخواند یا حی یا قیوم
یا فرد یا وتر یا صمد حاجت او برآید و از جمله نمازها نماز ظهر است جهت برآمدن حاجت
گذارند و آن دو رکعتست که در هر رکعتی سوره قل هو الله یکبار و انا انزلناه
بیست و پنج بار بخواند و بعد از آنکه فارغ شوند پیشانی بر زمین نهند و بگویند بسم الله
الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم هزار بار بعد از آن حاجت خواهند
که برآورده شود انشاء الله تعالی اگر نتوانند هزار بار را در سجده گفتن نشسته گوید
روایتست از حضرت که هر که چهار رکعت نماز در وقت زوال آفتاب گذارد
در هر رکعتی فاتحه و آیة الکرسی خواند موکل سازد خدای تعالی بر او دو فرشته که حفظ
او کنند از پیش و از پس و از یمین و یسار از جمیع بلیات و حق تعالی بنا کند
در بهشت برای او هزار شهر و در شهری هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار خانه
از فاطمه زهرا صلوات الله علیها روایتست که کسی که خواهد روزه سنتی دارد
و عاجز باشد میان پیشین و نماز دیگر چهار رکعت نماز گذارد و در هر رکعتی فاتحه

یکبار

یکبار و انا انزلناه و سوره اخلاص سه بار بخواند چون سلام بازدهد سوره
اخلاص و معوذتین پنج بار بخواند ثواب کسی که چهل سال روزه داشته باشد
به او بدهند و از برای او بنا کنند در جنت بهر رکعتی قصری و چون بمیرد شهید
مرده باشد نماز حاجت تجدید وضو کند و دو رکعت نماز گذارد و بخواند
در اول فاتحه و قل یا ایها الکافرون سه بار و در رکعت دوم بخواند فاتحه و
قل هو الله سه بار و سلام بازدهد و بگوید هفتاد بار الله الله پس بگوید لم
یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد حاجت او برآورده شود نماز حاجت
دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعتی فاتحه یکبار و سوره اخلاص یکبار بخواند و حاجت
خود خواهد که برآورده شود البته نمازی که جهت روشنایی چشم گذارند
دو رکعت نماز بگذارند و بخوانند در رکعت اول فاتحه و آیه آمن الرسول تا آخر
سوره یکبار و قل هو الله احد یازده بار و همچنین در رکعت دوم بخواند چون
فارغ شود هر دو دست بردارد بسوی آسمان و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ الاَرْوَاحِ
الفَانِيَةِ وَالاَجْسَادِ البَالِيَةِ اَسْئَلُكَ بِطَاعَةِ الاَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ
اِلىٰ اَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الاَجْسَادِ المُلْتَئِمَةِ فِي عُرُوقِهَا وَبِكَلِمَاتِ
النَّافِذَةِ لَهُمْ وَاَخْذِكَ الحَقَّ بَيْنَهُمْ وَالخَلَايِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْتَظِرُونَ

فَصْلَ قَضَائِكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَيَخَافُونَ عِقَابَكَ اَنْ تَجْعَلَ
النُّورَ فِي بَصَرِي وَاليَقِينَ فِي قَلْبِي وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ شِعَارِي
وَعَمَلاً صَالِحًا فَارْزُقْنِي وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
وَاَنْ تَجْعَلَ فِي جَمِيعِ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ لَا
اَحْتَسِبُ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا اَكْرَمَ الاَكْرَمِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ در باب بعضی روزها سنتی سنتست که
بعد از عید فطر شش روز روزه بدارد و روز غدیر که هجدهم ذی الحجه است و روز
مولود نبی علیه السلام که هفدهم ربیع الاول است و روز مبعث آنحضرت روز
بیست و هفتم رجب است و روز دحو الارض که بیست و پنجم ذی القعده است و روز
عرفه که روز نهم ذو الحجه است مگر آنکه ضعف شود از دعا خواندن یا شک در اول
ماه باشد و روز عاشورا که دهم محرم است و روز مباهله که بیست و چهارم یا بیست
و پنجم ذی الحجه است و هر پنجشنبه و هر جمعه و اول ذی القعده و تمامی ماه رجب و ماه شعبان
نیت روزه این نوع است که فردا روزه میدارم سنت تقرب بخدا و اگر تعیین
سنت کند افضل است که در نیت قصد آن روز کند و وقت نیت در سنت
و اگر در شب فراموش کند و صباح شود تا بوقت اول پیشین نیت درست است

و نیت

و نیت اعتکاف واجب چنین کند که اعتکاف می نشینم چند روز از برای آنکه
واجب است تقرب بخدا و چون اعتکاف نشسته باشد دو روز که بگذرد سیم
روز واجب میشود و نیت روزه روز سیم را واجب نیت کند

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

شرح حرز علی ابن ابیطالب علیه السلام از جمله ادعیه که جهة غلبه از اعدا و امن از شر اشرار
ائمه اطهار علیهم السلام منقول است دعاء عظیم القدر موسوم بامی است که منقولست
از حضرت امیر المومنین علیه السلام از اسرار الهیست و جامع مراتب دنیوی و اخروی
و هر ان مومنی که هر روز با خلوت بخواند بشرایط خصوصا انکه نماز صبح اگر تمام عالم را فتنه
گرفته باشد هیچ تفرقه باو نرسد و اگر صد هزار دشمن داشته باشد و قصد او کنند اصلا
بر او ظفر نیابد و او بر همه غالب اید بعنایت خدا او در نظر خلایق با شکوه و عزیز
و محترم باشد و مهمات باو میسر گردد و بعضی جهت مطلب اشاره کرده اند درین
دعا کسیکه خواهد بکتب ایشان رجوع نماید و همچنین جهة هر مطلبی اعتصامی و استغاثه نقل
کرده اند که بنای انها معلوم نیست نهایت در نسخه دو دعا در اعتصام که عموما جهة
هر مطلبی که باشد نقل کرده که بخوانند جهت سرعت اثر ان و در عبارات ان در حدیث
نیز وارد شده اعتصام اول انت ما شاء الله تضرعا الی الله واستعانة
بالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله ونعم
الوکیل نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی محمد واله الطاهرين
والحمد لله رب العالمین اعتصام دویم بسم الله الرحمن الرحیم اللهم

یا عالم

يا عالم السر والنجوى ويا كاشف الضر والبلوى اجعل لي من
امري فرجا ومخرجا اياك نعبد واياك نستعين اللهم لك الحمد
واليك المشتكى وانت المستعان فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وبگوید اللهم انصر من
نصر الدين واخذل من خذل الدين واشغل الظالمين واخرجنا بالظالمين
من بينهم سالمين وادخلنا الجنة بسلام امنين برحمتك
يا ارحم الراحمين وبعد از ان شروع در خواندن دعا کند با طهارت و رو بقبله
و در زاهل دعا مسموع شد که خواندن دعاء عظیم القدر استجاب بعد از نماز صبح
یکمرتبه بعد از نماز عشا دو مرتبه موروث اثار عظیمه است بعد از دعا استجاب
بسم الله الرحمن الرحيم احتجبت بقدرة الله القديم الكامل
وتحصنت بحصن الله القوي الشامل ورميت من بغى علي
بسهم الله وسيفه القاتل اللهم يا غالبا على امره ويا قائما فوق خلقه
ويا حائلا بين المرء وقلبه حل بيني وبين الشيطان ونزغه
وبين ما لا طاقة لي به من احد من عبادك وكف عني السنتهم
واغلل ايديهم وارجلهم واجعل بيني وبينهم سدا من نور عظمتك

وحجابا من قوتك وسندا من سلطانك فانك حي قادر اللهم
اغش عني ابصار الناظرين حتى ارد الموارد واغش عني ابصار
النور وابصار الظلمة وابصار المريدين بي السوء حتى لا ابالي
عن ابصارهم يكاد سنا برقه يذهب بالابصار يقلب الله الليل
والنهار ان في ذلك لعبرة لاولي الابصار بسم الله الرحمن الرحيم
كهيعص وهو حسبي بسم الله الرحمن الرحيم حمعسق وهو حسبي
در اول هر ایه انگشتی از دست راست بگشاید و در اخر هر ایه انگشت دست چپ
بگشاید و باید هر حروف که انگشت عقد شده فتح شود این ایه اول کما انزلناه
من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشيما تذروه الرياح
ایه دویم هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
هو الرحمن الرحيم ایه سیم يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر
كاظمين ما للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع ایه چهارم علمت
نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس والليل
اذا عسعس والصبح اذا تنفس ایه پنجم ص والقران ذي
الذكر بل الذين كفروا في عزة وشقاق موضع اشاره شاهت

هت

هت الوجوه شاهت الوجوه شاهت الوجوه وعنت الوجوه
للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما كلت الالسن وعميت الا
بصار اللهم اجعل خيرهم بين عينيهم وشرهم تحت قدميهم
وخاتم سليمان ابن داود بين اكتافهم فسيكفيكهم الله و
هو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
صبغة الله ومن احسن من الله صبغة بحق كهيعص
اكفنا بحق حمعسق احمنا [illegible] وهو الله القادر القوي
الكافي وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فا
غشيناهم فهم لا يبصرون صم بكم عمي فهم لا يعقلون اولئك
الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك
هم الغافلون انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم
الا تعلوا علي واتوني مسلمين فالله خير حافظا وهو
ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله اجمعين احسام
اینست يا واسع المغفرة نجني من القوم الظالمين هو الله
قادر القاهر القوي العزيز ومن يتوكل على الله فهو

حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم بسرعت اجابت این دعا بخواند
يا الله يا الله يا الله انت المرهوب يرهب منك جميع خلقك
يا نور النور وصلى الله على خير خلقه محمد واله اجمعين بس بگوید
تحصنت بذي الملك والملكوت واعتصمت بذي العزة والعظمة
والكبرياء والجبروت وتوكلت على الملك الحي الذي لا ينام
ولا يموت دخلت في حرز الله وفي حفظ الله وفي امان الله
من شر البرية اجمعين بحق كهيعص وبحق حمعسق فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم بدوح بدوح بدوح ربنا ورب الملائكة
والروح برحمتك يا ارحم الراحمين ولا حول ولا قوة الا با
الله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد واله اجمعين
امين يا رب العالمين هذا الحرف اعتصام دعاء السيفي
تحصنت بذي الملك والملكوت واعتصمت بذي العزة
والعظمة والقدرة والكبرياء والجبروت وتوكلت على
الحي الذي لا يموت دخلت في حرز الله وفي حفظ الله

وفي

وفي امان الله وفي كنف الله من شر البرية اجمعين كهيعص
حمعسق فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وتوكلت على الحي
الذي لا بداية له ولا نهاية له واعتصمت بك من شر الجن
والانس بقراءة السيفي واستجب دعائي يا غياث المستغيثين
اغثني يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير حسبي الله ونعم الوكيل
نعم المولى ونعم النصير وصلى الله على محمد واله اجمعين
هذا دعاء المشهور بسيف الله ويمين الله وعهد الله وقسم الله ونور الله وجه
الحق يد الحق قرب الحق صمصام الاكبر حبله الانور سريع الاثار [illegible] النور
ومشارق الانوار مرات النور فيض القدس [illegible] الذكر محيط
الاسما بحر القباض وطور الصفات بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم انت الملك الحق الذي لا اله الا انت ربي وانا
عبدك عملت سوءا وظلمت نفسي واعترفت بذنبي فاغفر لي
ذنوبي فانه لا يغفر الذنوب الا انت يا غفور يا شكور
يا كريم يا رحيم اللهم اني احمدك وانت للحمد اهل على
ما اختصصتني به من مواهب الرغائب واوصلت الي

من فضائل الصنائع وأوليتني به من إحسانك إليّ ونجيتني
به من مظنة الضيق وأنلتني به من مننك الواصلة
إليّ وأحسنت إليّ من اندفاع البلية عني والتوفيق لي والإ
جابة لدعائي حين أناديك داعياً وأناجيك راغباً
وأدعوك ضارعاً متضرعاً مصافياً وحين أرجوك راجياً
فأجدك في المواطن كلها لي جاراً حاضراً حفياً باراً وفي الأ
مور ناصراً وناظراً وللخطايا والذنوب غافراً وللعيوب
ساتراً لم أعدم عونك وبرك وإحسانك وخيرك لي
طرفة عين منذ أنزلتني دار الاختيار والفكر والاعتبار
لتنظر فيما أقدم إليك لدار القرار فأنا عتيقك يا مولاي
من جميع المضار والمضال والمصائب والمعائب واللوازب
واللوازم والنوائب والهموم التي قد ساورتني فيها
الغموم بمعاريض أصناف البلاء وضروب جهد
القضاء لا أذكر منك إلا الجميل ولم أر منك إلا التفضيل
خيرك لي شامل وصنعك لي كامل ولطفك لي كافل

وفضلك

وفضلك عليّ متواتر ونعمك عندي متصلة وأياديك لديّ
متظاهرة لم تخفر جواري وصدقت رجائي وصاحبت أسفاري
وأكرمت أحضاري وحققت آمالي وشفيت أمراضي
وعافيت منقلبي ومثواي ولم تشمت بي أعدائي ورميت
من رماني بسوء وكفيتني شر من عاداني فحمدي لك
واصب وثنائي لك عليك متواتر دائم من الدهر إلى الدهر
بألوان التسبيح لك والتحميد والتمجيد وأنواع التقديس خا
لص لذكرك ومرضياً لك بناصع التوحيد وإخلاص
التفريد وإمحاض التمجيد والتحميد بطول التعبد والتعديد
ومزية أهل المزيد وإكباب أهل التشديد لم تعن في قدرتك
ولم تشارك في إلهيتك ولم تعلم لك مائية وماهية
فتكون للأشياء المختلفة مجانساً ولم تعاين إذ حبست
الأشياء على العزائم المختلفات ولا خرقت الأوهام
حجب العيوب إليك فاعتقد منك محدوداً في مجد
عظمتك لا يبلغك بعد الهمم ولا ينالك غوص الفطن

ولا ينتهي إليك بصر الناظرين في مجد جبروتك ارتفعت
عن صفة صفات المخلوقين صفات قدرتك وعلا عن
ذكر الذاكرين كبرياء عظمتك فلا ينتقص ما أردت
أن يزداد ولا يزداد ما أردت أن ينتقص ولا أحد
شهدك حين فطرت الخلق ولا ندّ حضرك حين برأت النفوس
كلّت الألسن عن تفسير صفتك وانحسرت العقول عن كنه
معرفتك فكيف يوصف كنه صفتك يا رب وأنت
الله الملك الجبار القدوس الذي لم تزل أزلياً أبدياً
سرمدياً دائماً في الغيوب وحدك لا شريك لك ليس فيها
أحد غيرك ولم يكن إله سواك حارت في بحار ملكو
تك عميقات مذاهب التفكير وتواضعت الملوك
لهيبتك وعنت الوجوه بذلة الاستكانة لعزتك
وانقاد كل شيء لعظمتك واستسلم كل شيء لقدرتك
وخضعت لك الرقاب وكلّ دون ذلك تحبير اللغات
وضل هنالك التدبير في تصاريف الصفات فمن
تفكر في ذلك رجع طرفه إليه حسيراً وعقله مبهوتاً

وتفكره

وتفكره متحيراً أسيراً اللهم لك الحمد حمداً كثيراً دائماً متوا
لياً متواتراً متسعاً متسقاً مستوثقاً يدوم ويتضاعف
ولا يبيد غير مفقود في الملكوت ومطموس في العالم ولا
منتقص في العرفان فلك الحمد على مكارمك التي لا
تحصى في الليل إذا أدبر والصبح إذا أسفر وفي البر والبحار
والغدو والآصال والعشي والإبكار والظهيرة والأ
سحار وفي كل جزء من أجزاء الليل والنهار اللهم بتوفيقك
قد أحضرتني النجاة وجعلتني منك في ولاية العصمة
فلم أبرح منك في سبوغ نعمائك وتتابع آلائك محروساً
في الرد والامتناع محفوظاً لك في المنعة والدفاع
عني ولم تكلفني فوق طاقتي فليس شكري وإن دأبت
منه في المقال وبالغت في الفعال يبلغ أدنى حقك
إذ لم ترض عني إلا طاعتي فإنك أنت الله الذي
لا إله إلا أنت لم تغب ولا تغيب عنك غائبة
ولا تخفى عليك خافية ولم تضل عنك في ظلم

لخفيات ضالة انما امرك اذا اردت شيئا ان تقول له
كن فيكون اللهم اني احمدك فلك الحمد مثل ما حمدت
به نفسك واضعاف ما حمدك به الحامدون ومجدك
به الممجدون وكبرك به مكبرون وهللك به المهللون
وعظمك به المعظمون وسبحك به المسبحون ووحدك به
الموحدون وقدسك به المقدسون حتى يكون لك مني
وحدي في كل طرفة عين واقل من ذالك مثل حمد جميع
الحامدين وتوحيد اصناف الموحدين والمخلصين وتقديس
اجناس العارفين وثناء جميع المهللين والمصلين والمسبحين
مثل ما انت به عالم وعارف وهو محمود ومحبوب
ومحبوب من جميع خلقك كلهم من الحيوانات وارغب
اليك في بركة ما انطقتني به من حمدك فما ايسر
ما كلفتني به من حقك واعظم ما وعدتني به على
شكرك ابتداتني بالنعم فضلا وطولا وامرتني بالشكر
حقا وعدلا ووعدتني عليه اضعافا ومزيدا واعطيتني

من

من رزقك واسعا اختيارا ورضا وسئلتني منه شكرا
يسيرا صغيرا اذ نجيتني وعافيتني من جهد البلاء ولم
تسلمني بسوء قضائك وبلائك وجعلت ملبسي العا
فية واوليتني البسطة والرخاء وشرعت لي من الدين
ايسر القول والفعل وسوغت لي ايسر القصد وضاعفت
لي اشرف الفضل والمزيد مع ما وعدتني به من المحجة
الشريفة وبشرتني به من الدرجة الرفيعة واصطفيتني
باعظم النبيين دعوة وافضلهم شفاعة وافصحهم حجة
وارفعهم درجة واقربهم منزلة محمد صلى الله عليه واله
وسلم وعلى جميع الانبياء والمرسلين اللهم صل على محمد
وال محمد اللهم اغفر لي ما لا يسعه الا مغفرتك ولا
يمحقه الا عفوك ولا يكفره الا تجاوزك وفضلك
وهب لي في ساعتي هذه ويومي هذا وليلتي هذه
وشهري هذا وسنتي هذه يقينا صادقا يهون
علي مصائب الدنيا والاخرة واحزانهما ويشوقني

اليك ويرغبني فيما عندك واكتب لي عندك المغفرة وبلغني
الكرامة من عندك واوزعني شكر ما انعمت به علي فانك
انت الله الذي لا اله الا انت الواحد الاحد المبدئ
الرفيع البديع السميع العليم الذي ليس لامرك مدفع ولا
عن قضائك ممتنع اللهم واشهد انك انت الله
الذي لا اله الا انت ربي ورب كل شيء فاطر السموات
والارض عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال اللهم
في الامر والعزيمة على الرشد والشكر على انعمك واسئلك
حسن عبادتك واسئلك من كل خير تعلم ولا اعلم وانت
علام الغيوب واعوذ بك من كل شر تعلم ولا اعلم وانت
علام الغيوب واسئلك امنا من جور كل جائر وبغي
كل باغ وحسد كل حاسد وظلم كل ظالم ومكر كل ماكر
وكيد كل كائد وغدر كل غادر وعداوة كل عدو وسحر
كل ساحر وشماتة كل كاشح بك اصول على الاعداء واياك
ارجو ولاية الاحباء والاولياء والقرباء فلك الحمد على

مالا

ما لا استطيع احصائه ولا تعديده من عوائد فضلك
وعوارف رزقك والوان ما اوليتني به من ارفادك
فانك انت الله الذي لا اله الا انت الفاشي في الخلق
حمدك الباسط بالجود يدك لا تضاد في حكمك ولا تنا
زع في سلطانك وملكك وامرك تملك من الانام ما
تشاء ولا يملكون منك الا ما تريد اللهم انت المنعم المفضل
القادر القاهر المقتدر القدوس في نور القدس ترديت
بالمجد والبهاء وتعظمت بالعز والعلاء وتازرت با
العظمة والكبرياء وتغشيت بالنور والضياء وتجللت
بالمهابة والبهاء اللهم لك المن القديم والسلطان
الشامخ والملك الباذخ والجود الواسع والقدرة الكاملة
والحكمة البالغة والنعمة الشاملة فلك الحمد على ما
جعلتني من امة محمد صلى الله عليه واله وسلم وهو
افضل بني ادم الذين كرمتهم وحملتهم في البر والبحر
ورزقتهم من الطيبات وفضلتهم على كثير ممن خلقتهم

من اهلها تفضيلا وخلقتني سميعا بصيرا صحيحا سويا سالما
معافا ولم تشغلني بنقصان في بدني ولم تمنعني كرامتك
اياي وحسن صنيعك عندي وفضل منائحك لدي ونعما
ئك علي انت الذي اوسعت علي الدنيا والاخرة وفضلتني
على كثير ممن خلقت من خلقك تفضيلا وجعلت لي سمعا
اياتك وعقلا يفهم ايمانك وبصرا يرى قدرتك وفؤادا
يعرف عظمتك وقلبا يعتقد توحيدك فاني لفضلك
علي حامد ولك نفسي شاكرة وبحقك شاهدة فانك
حي قبل كل حي وحي بعد كل حي وحي بعد كل ميت
وحي لم ترث الحيوة الدنيا من حي ولم تقطع خيرك
عني طرفة عين في كل وقت ولم تقطع رجائي ولم
تنزل بي عقوبات النقم ولم تمنع عني دقائق العصم
ولم تغير علي وثائق النعم فلو لم اذكر من احسانك
الا عفوك عني والتوفيق والاستجابة الدعائي
حين رفعت صوتي ورفعت راسي وانطقت لساني

ورغبت اليك بانواع حوائجي فقضيتها واسئلك بتوحيدك
وتمجيدك وتحميدك تعظيمك وتكبيرك وتفضيلك و
تهليلك وتقديسك والا في تقديرك خلقي حين صورتني
فاحسنت صورتي والا في قسمة الارزاق حين قدرتها لي
لكان في ذالك ما يشغل شكري عن جهدي فكيف اذا فكرت
في النعم العظام التي اتقلب فيها ولا ابلغ شكر شيء منها
فلك الحمد عدد ما حفظه علمك وعدد ما وسعته رحمتك
وعدد ما احاطت به قدرتك واضعاف ما تستوجبه
من جميع خلقك اللهم فتمم احسانك الي فيما بقي من عمري
كما احسنت الي فيما مضى منه اللهم اني اسئلك واتوسل
اليك بتوحيدك وتمجيدك وتحميدك وتهليلك وكبريائك
وكمالك وتكبيرك وتعظيمك ونورك ورأفتك ورحمتك
وعلمك وحلمك وعلوك ووقارك ومنك وبهائك
وجمالك وجلالك وسلطانك وعظمتك وقوتك وقد
رتك واحسانك وامتنانك وصنعك ونبيك وكتابك

وعترته الطيبين الطاهرين ان تصلي على محمد وال محمد وان
لا تحرمني رفدك وفضلك وجمالك وفوائد كراماتك فانه
لا يعتريك لكثرة ما قد نشرت به من العطايا عوائق البخل ولا
ينقص جودك التقصير في شكر نعمتك ولا تنفد خزائنك موا
هبك المتسعة ولا تؤثر في جودك العظيم منحك الفائقة
الجميلة الجزيلة الجليلة ولا تخاف ضيم املاق فتكدي
ولا يلحقك خوف عدم فينقص من جودك فيض فضلك
اللهم ارزقني ايمانا دائما وقلبا خاشعا خاضعا ضارعا
وبدنا صابرا ويقينا صادقا وعينا باكية ولسانا ذاكرا
حامدا ودعاء مستجابا وولدا صالحا وامرأة صالحة
ورزقا واسعا وعلما نافعا وصاحبا موافقا وعملا صالحا
وخلقا حسنا وسنا طويلا وتوبة مقبولة واسئلك رزقا
حلالا طيبا ولا تؤمني مكرك ولا تنسني ذكرك ولا تكشف
عني سترك ولا تنزع مني بركتك ولا تقنطني من رحمتك
ولا تبعدني من كنفك وجوارك واعذني من سخطك

وغضبك ولا تؤيسني من رحمتك وروحك ولا تسلط علي
احدا من خلقك وكن لي انيسا من كل روعة ووحشة
واعصمني من كل هلكة ونجني من كل بلية وآفة وعاهة
وغصة ومحنة وشكة وذلة وعلة وقلة ومرض وبرص
وفقر وفاقة ووباء وبلاء وزلزلة وغرق وحرق وصرق
وشرق وسرق وحر وبرد وجوع وعطش وغي وضلالة
في الدارين انك لا تخلف الميعاد بك يا الله وبمحمد رسولك
يا الله وبعلي وصي رسولك يا الله اللهم ارفعني ولا تضعني
وادفع عني ولا تدفعني واعطني ولا تحرمني واكرمني ولا
تهني وزدني ولا تنقصني وارحمني ولا تعذبني وانصرني
ولا تخذلني واسترني ولا تفضحني واثرني ولا تؤثر علي
احدا في امر الدنيا والاخرة وفرج همي واكشف غمي واهلك
عدوي واحفظني ولا تضيعني فانك على كل شيء قدير
وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين الطيبين الطا
هرين يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام اللهم ما قدرت

لی من امر وشرعت فیه بتوفیقك وتیسیرك وتدبیرك فتممه
لی یا احسن الوجوه کلها واصلحها واصوبها فانك علی ما تشاء
قدیر وبالاجابة جدیر یا من قامت السموات والارضون
بامره یا من یمسك السماء ان تقع علی الارض الا باذنه
یا من امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان
الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون وصلی الله
علی خیر خلقه محمد واله اجمعین الطیبین الطاهرین
وسلم تسلیما کثیرا کثیرا انجا برخواسته یا وده مرتبه این ختم
بخواند تحصنت بنفسی الحی القیوم ودفعت عنی السوء
بلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وسه مرتبه این
تسبیح را بخواند نشسته ودر خواندن ان فوق بقاعد نماید
البته بر قلد حضور قلب باشد بهتر خواهد بود سبحان الله
القادر القاهر القوی العزیز الجبار المتکبر الحی القیوم
بلا معین ولا ظهیر اختتام دعای السیفی بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم یا اصحاب السحر والوسواس واعتصمت بك

یا الله

یا الله بحق الخضر والیاس وبحق کیهیج میهج جوجیوع جوجوع
موجوع موضوع مهجوع مهجوع میهجوع مهجوع بحق اخ
زجرهیموع طفعاع اذرا اجاش وبحق ادم ونوح واعتصمت بك
من کل الجن والانس والاهرمن والشیاطین وجنوده وا
تباعه واشیاعه واعتصمت بك من شر کل بلاء بحق داثیال
وبحق اخ اخ واذش واذش ونوذش وبحق اهیا شراهیا
ادونی اصباوث وبحق عظمتك یا الله یا الله یا الله یا
الله واحفظنی من البلاء والافة والعاهة بحق موسی وعیسی
وبحق داود وذکریا واسمعیل ویحیی وبحق ادریس وشیث وبحق
حرمت محمد صلی الله علیه وسلم وبحق شعیب توکلت علی الله
الحی القیوم الذی لا بدایة له ولا غایة واعتصمت بك من
شر الجن والانس بقراءة الدعاء السیفی واستجب دعائی یا غیا
ث المستغیثین اغثنی یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع
البصیر نعم المولی ونعم النصیر غفرانك ربنا والیك المصیر
برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم تقبل دعائی فی قضاء کل حاجات

بحق کل اسم هو لك ظاهرا وباطنا وبحق اسم المکنون فی القران
بحق اسمائك فی کتاب منزل لك من الاسماء اهیا شراهیا ادونی
اصباوث فتقبل منی دعاء السیفی پنج بار یا الله پنج بار یا رحمن
وپنج بار یا رب پنج بار یا حی وپنج بار یا قیوم وبعد از ان بگوید
یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام والکمال والجمال
والبهاء فیا الهی واله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت وحدك
لا شریك لك کهیعص حمعسق برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی سیدنا محمد واله الطیبین الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا
کثیرا دائما الی یوم الدین تمام شد دعای السیفی بعون الله وحسن
این دعا قلم از تحریر ان عاجز وزبان از بیان قاصر عرض هر کس را مهمی پیش
اید بعد از غسل دو رکعت نماز با حضور قلب دعای مذکور را بخواند
در ساعت سعید هفت بار در یك مجلس بخواند تا سه مرتبه یعنی سه روز یا
سه شب اگر شب باشد بهتر است و اگر برای فعل بعوبخواند انشاء الله
بمراد برسد عن نبی صلی الله علیه واله من قرا هذا الدعاء مرتین لا
یقدر اعداوه علی ضرره ویفر منه الجن والشیاطین وعن علی علیه السلم

هذا

هذا الدعاء لکفایة للمهمات کلها خصوصا لدفع الخصومة ولقد نزل
جبرئیل ع علی النبی صلی الله علیه واله وینبغی للطالب ان یغتسل ای وقت
یرید قرائت وینظف الثوب من الاوساخ والقلب عن الاکوان ویستقبل
القبلة ویصلی رکعتین ویراف الاستغفار وصلوة علی النبی ص وعلی جمیع
الانبیاء والمرسلین والاولی ان یقرا کل یوم ثلث مرات ولا یلتفت
بقلبه وقالبه الی غیر الحق ویسئل بلی شانه فان السؤال والجواب تو
امان عنه علیه السلم من کان له عدو فلیقرا هذا الدعاء سبعا احدی
واربعین مرة قال لم یجد علیه غرضه فلیقرا سبع مرات اضعاف ان کان
کالحجرة فانه یذوب کما تذوب الرصاص اثمی لطلب النفع بیوم المشتری
وساعته الزهرة او بالعکس لدفع الضرر وعقد اللسان بیوم عطارد
وساعته القمر او بالعکس للریاسة ولتسخیر بیوم الشمس لاستغفار الذ
نوب یوم الجمعه روی انه لدفع العدو والظالم یقرا بعد قراءة
سوره طه سبع لیال جمع متوالیات ثلث مرات ویسجد فی اخرها
ویقول یا رب یا رب یا رب انی مغلوب فانتصر فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم عن عبد الله ابن عباس انه قال کنت عند علی

علیه السلم اذ دخل علیه الحسن علیه السلم فقال ان بالباب رجلاً ما رایت
فی رجال الجن میلئة تفوح منه الروایح الطیبة یستاذن بالدخول
فان له فدخل فسلم ثم قال اما من اقصی الیمن من اشرف العرب

شرح دعای اویس قرنی

امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام این دعا را تعلیم اویس قرنی رحمه الله فرمودند
و فرمودند هر کسی را مهمی بزرگ پیش آید و تدبیر آن نتواند بکند باید که اول
غسل کند و وضو سازد و جای خلوت گزیند و در خواندن سخن نگوید و این
دعا را چهل و یکبار بخواند با فاتحة الکتاب و حاجت خویش در دل نیت کند
چون تمام خوانده باشد و تضرع نموده حاجت عرض کند حق سبحانه روا کرداند
و بزرگی این دعا را اینست که کسی باعتقاد صحیح بخواند بر آب روان آب
بایستد و اگر بر آهن بخواند که چشمه شود و اگر گرسنه بخواند به برکت این
دعا رزق برو فراخ گردد و اگر بر مصروع بخواند صحت یابد و اگر زن را زائیدن
دشوار شود برو بخواند آسان گردد و اگر به نیت ظالمی خوانند مقهور و هلاک
گردد و اگر جائی که آتش در افتاده باشد این دعا را بر کاغذ نوشته در آتش اندازد

انتهی

وضاقني في تحمله صبري وقوتي فلجأت فيه اليك وتوكلت
في المسئلة لله جل ثناؤه عليه وعليك في دفاعه عني علما
بمكانك من الله رب العالمين ولي التدبير ومالك الامور
واثقا بك في المسارعة في الشفاعة اليه جل ثناؤه في امري
متيقنا لاجابته تبارك وتعالى اياك باعطائي سؤلي وانت
يا مولاي جدير بتحقيق ظني وتصديق املي فيك في امر كذا و
كذا اينجا مطلب خود را بنويسد وبعد بنويسد فيما لا طاقة لي
بحمله ولا صبر لي عليه وان كنت مستحقا له ولاضعافه بقبيح
افعالي وتفريطي في الواجبات التي لله عز وجل فاغثني
يا مولاي صلوات الله عليك عند اللهف وقدم المسئلة
لله عز وجل في امري قبل حلول التلف وشماتة الاعداء
فبك بسطت النعمة علي واسئل الله جل جلاله لي نصرا
عزيزا وفتحا قريبا فيه بلوغ الامال وخير المبادي
وخواتيم الاعمال والامن من المخاوف كلها في كل حال
انه جل ثناؤه لما يشاء فعال وهو حسبي ونعم الوكيل

في المدينة والا آن را بتو عرضي بند کرده در گل پاک بگذارد و در دریا و در چاه
و در نهرها بیندازد و بوقت انداختن این را بخواند السلام عليك يا حسين بن
روح سلام عليك اشهد ان وفاتك في سبيل الله وانك
حي عند الله مرزوق وقد خاطبتك في حياتك التي لك
عند الله عز وجل وهذه رقعتي وحاجتي الى مولانا صاحب
الزمان عليه السلم فسلمها اليه وانت الثقة الامين
و باید انداخت در روز جمعه قبل از طلوع الشمس یا قریب غروب بیندازد و اگر در یا نباشد
جهة بریدن تب گرم بر کاغذ سفید بنویسد و در آب بشوید تا اثر آن کتابت
نماند در کاغذ و تب دار را آن آب بخوراند ان شاء الله تعالی شفا یابد تا سه
روز بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم
مادت وما دت وصول عرهشد وادت وفاعوامصوعلم عادت
و نیز منقولست که جهة برآمدن حاجات خصوصا دفع اعدا بعد از نماز تهجد شب جمعه
دعای حضرت صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه وآبائه المعصومین که
مشهور بدعای علوی مصریست بخواند و سند این دعا آنست که محمد ابن علوی الحسینی
کی مصری از جور و بیداد حاکم آن ولایت گریخته پناه بروضه مطهره حضرت امام

حسین صلوات الله برد و شب سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه حضرت صاحب الزمان
صلوات الله بخواب دید و آن حضرت این دعا را در آن سه شب باو تعلیم داد و
فرمود که جهة دفع دشمن خود بخوان و در شب جمعه بعد از آنکه غسل کنی و نماز شب
بگذاری و سید علوی مصری گفته بوده آن حضرت علم نموده شب شنبه حضرت
صاحب الامر را بخواب دید که آن حضرت فرمود که دعای تو مستجاب شد و الظالم
بجهنم رفت بوطن خود معاودت نمای پس اول روز متوجه مصر گردید در راه خبر
باو دادند که در سحر شب جمعه الظالم هلاک شد و این دعا مجربست و از عظیم دارد
بسم الله الرحمن الرحيم رب من ذا الذي دعاك فلم تجبه ومن
ذا الذي سئلك فلم تعطه ومن ذا الذي ناجاك فلم تجبه
ام من ذا الذي رجاك فخيبته ام من ذا الذي تقرب اليك
فابعدته رب هذا فرعون ذو الاوتاد مع عناده وكفره وعتوه
وادعائه الربوبية لنفسه وعلمك بانه لا يتوب ولا يرجع
ولا يرجع ولا يؤمن ولا يخشع استجبت له دعاءه واعطيته سؤله
واعطيته مناه وسؤله كرما منك وجودا وقلة مقدار
لما سئلك عندك مع عظمه عنده اخذا بحجتك عليه وتأكيدا

لها حين فجر وكفر واستطال على قومه وتجبر وبكفره عليهم
افتخر وبظلمه لنفسه تكبر وبحلمك عنه استكبر فكتب وحكم
على نفسه جرأة منه ان جزاء مثله ان يغرق في البحر فجزيته
بما حكم به على نفسه الهي انا عبدك وابن عبدك وابن امتك
معترف لك بالعبودية مقر بانك انت الله لا اله الا انت
خالقي لا اله لي غيرك ولا رب لي سواك موقن بانك
انت الله ربي واليك مردي وايابي عالم بانك على كل شيء
قدير تفعل ما تشاء وتقدر وتحكم ما تريد لا معقب لحكمك
ولا راد لقضائك وانك الاول والآخر والظاهر والباطن
لم تكن من شيء ولم تبن عن شيء كنت قبل كل شيء وانت
الكائن بعد كل شيء والمكون لكل شيء خلقت كل شيء بتقدير
وانت السميع البصير العليم واشهد انك كذلك كنت وتكون
وانت حي قيوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا توصف
بالاوهام ولا تدرك بالحواس ولا تقاس بالمقياس ولا
تشبه بالناس وان الخلق كلهم عبيدك واماؤك انت

الرب ونحن المربوبون وانت الخالق ونحن المخلوقون وانت
الرازق ونحن المرزوقون فلك الحمد يا الهي اذ خلقتني بشرا
سويا وجعلتني غنيا مكفيا بعد ما كنت طفلا صبيا تقوتني
من الثدي لبنا سائغا مريئا وغذيتني غذاء طيبا هنيئا وجعلتني
ذكرا مثالا سويا فلك الحمد حمدا ان عد لم يحص وان وضع
لم يتسع له شيء حمدا يفوق على جميع حمد الحامدين ويعلو على
كل شيء ويفخم ويعظم على ذلك كله وكلما حمد الله شيء والحمد
لله كما يحب الله ان يحمد والحمد لله عدد ما خلق وزنة ما خلق
وزنة اجل ما خلق وزنة اخف ما خلق وبعدد اكبر ما خلق و
بعدد اصغر ما خلق والحمد لله حتى يرضى ربنا وبعد الرضا و
اسئله ان يصلي على محمد وال محمد وان يغفر لي ذنبي وان
يحمد لي امري ويتوب علي انه هو التواب الرحيم الهي وانا
ادعوك وانا عبدك واسئلك باسمك الذي دعاك به
صفوتك ابونا ادم عليه السلام وهو مسيء ظالم حين
اصاب الخطيئة فغفرت له خطيئته وتبت عليه واستجبت

له دعوته وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد
وان تغفر لي خطيئتي وترضى عني فان لم ترض عني فاعف عني
فاني مسيء ظالم خاطئ عاص وقد يعفو السيد عن عبده
وليس براض عنه وترضي عني خلقك وتميط عني حقك الهي
واسئلك باسمك الذي دعاك به ادريس عليه السلام فجعلته
صديقا نبيا ورفعته مكانا عليا واستجبت له دعائه وكنت
منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل
مآبي الى جنتك ومحلي في رحمتك وتسكنني فيها بعفوك
وتزوجني فيها من حورها بقدرتك يا قدير الهي واسئلك
باسمك الذي دعاك به نوح عليه السلام اذ نادى ربه اني
مغلوب فانتصر ففتحت ابواب السماء بماء منهمر وفجرت
الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر وحملته على ذات
الواح ودسر فاستجبت له دعائه وكنت منه قريبا يا قريب
ان تصلي على محمد وال محمد وان تنجيني من ظلم من يريد
ظلمي وتكف عني باس من يريد هضمي وتكفيني شر كل سلطان

جائر وعدو قاهر ومستخف قادر وجبار عنيد وكل شيطان مريد
وانسي شديد وكيد كل مكيد يا حليم يا ودود الهي واسئلك
باسمك الذي دعاك به عبدك ونبيك صالح عليه السلام
فنجيته من الخسف واعليته على عدوه واستجبت له دعا
ءه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان
تخلصني من شر ما يريد بي اعدائي ويبغي علي حسادي وتكفيني
بكفايتك وتتولاني بولايتك وتهدي قلبي بهداك وتؤيدني
بتقواك وتبصرني بما فيه رضاك وتغنيني بغناك يا حليم
الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به عبدك ونبيك
وخليلك ابراهيم عليه السلام حين اراد نمرود القاءه
في النار فجعلت النار عليه بردا وسلاما واستجبت له
دعائه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال
محمد وان تبرد عني حر نارك وتطفي عني لهبها وتكفيني
حرها وتجعل نائرة اعدائي في شعارهم ودثارهم وترد
كيدهم في نحورهم وتبارك لي فيما اعطيته كما باركت عليه

وعلى آله انك انت الوهاب الحميد المجيد الهي واسئلك باسمك
الذي دعاك به اسمعيل عليه السلم فجعلته نبيا ورسولا و
جعلت له حرمك مكانا ومنسكا ومسكنا ومأوى واستجبت
له دعائه ونجيته من الذبح وفديته رحمة منك وكنت منه
قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفسح لي في قبري
وتحط عني وزري وتشد لي ازري وتغفر لي ذنبي وترزقني
التوبة بحط السيئات وتضاعف الحسنات وكشف البليات
وربح التجارات ودفع معرة السعايات انك مجيب الدعوات
ومنزل البركات وقاضي الحاجات ومعطي الخيرات و
جبار السموات الهي واسئلك بما سئلك به ابن خليلك
اسمعيل الذي نجيته من الذبح وفديته بذبح عظيم وقلبت
له المشقص حين ناجاك موقنا بذبحه راضيا بامر والده
واستجبت له دعائه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تنجيني من كل سوء وبلية وتصرف
عني كل ظلمة وخيمة وتكفيني ما اهمني من امر ديني ودنياي

وآخرتي

وآخرتي وما احاذره واخشاه من شر خلقك اجمعين بحق آل طه
ويس الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به لوط عليه السلم
فنجيته واهله من الخسف والهدم والمثلات والشدة والجهد
واخرجته واهله من الكرب العظيم واستجبت له دعاءه وكنت
منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وآل محمد وان تأذن
لي بجمع ما شتت من شملي وتقر عيني بولدي واهلي ومالي
وتصلح لي شأني واموري وتبارك لي في جميع احوالي و
تبلغني في نفسي آمالي وتجيرني من النار وتكفيني شر الا
شرار بالمصطفين الاخيار الائمة الابرار ونور الانوار محمد
وآله الطيبين الطاهرين الاخيار الائمة المهديين والصفوة
المنتجبين صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين وترزقني
مجالستهم وتمن علي بمرافقتهم وتوفق لي صحبتهم مع انبيا
ئك المرسلين وملائكتك المقربين وعبادك الصالحين
واهل طاعتك اجمعين وحملة عرشك والكروبين الهي
واسئلك باسمك الذي سئلك به عبدك ونبيك يعقوب

عليه السلم وقد كف بصره وشتت شمله وفقد قرة عينه ابنه
فاستجبت له دعائه وجمعت شمله واقررت عينه وكشفت
ضره وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تأذن لي بجمع ما تبدد من امري وتقر عيني بولدي واهلي
ومالي وتصلح لي شأني كله وتبارك لي في جميع احوالي و
تبلغني في نفسي آمالي وتصلح لي افعالي وتمن علي يا كريم
يا ذا المعالي برحمتك يا ارحم الراحمين الهي واسئلك باسمك
الذي دعاك به عبدك ونبيك ورسولك يوسف عليه السلم
فاستجبت له ونجيته من غيابة الجب وكشفت ضره وكفيته
كيد اخوته وجعلته بعد العبودية ملكا واستجبت له دعائه
وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تدفع عني كيد كل كائد وشر كل حاسد انك على كل شيء قدير
الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به عبدك ونبيك موسى
بن عمران عليه السلم اذ قلت تباركت وتعاليت وناديناه
من جانب الطور الايمن وقربناه نجيا وضربت له طريقا في البحر

يبسا

يبسا ونجيته ومن تبعه من بني اسرائيل واغرقت فرعون
وهامان وجنودهما فاستجبت له دعائه وكنت منه قريبا
يا قريب اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعيذني من
شر خلقك وتقربني من عفوك وتنشر علي من فضلك ما تغنيني
به عن جميع خلقك ويكون لي بلاغا انال به مغفرتك ورضوا
نك يا وليي وولي المؤمنين الهي واسئلك باسمك الذي دعاك
به عبدك ونبيك داود عليه السلم فاستجبت له دعاءه
وسخرت له الجبال يسبحن معه بالعشي والابكار والطير
محشورة كل له اواب وشددت ملكه وآتيته الحكمة وفصل
الخطاب والنت له الحديد وعلمته صنعة لبوس لهم وغفرت
ذنبه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تسخر لي جميع اموري وان تسهل لي تقديري وترزقني
معرفتك وعبادتك وتدفع عني ظلم الظالمين وكيد الكائدين
ومكر الماكرين وسطوات الفراعنة الجبابرة وحسد الحاسدين
يا امان الخائفين وجار المستجيرين وذخيرة المؤمنين وثقة

المواثقين ورجاء المتوكلين ومعتمد الصالحين يا ارحم الراحمين
الهي واسئلك اللهم باسمك الذي سئلك به عبدك ونبيك
سليمان بن داود عليهما السلم اذ قال رب اغفر لي وهب لي ملكا
لا ينبغي لاحد من بعدي انك انت الوهاب فاستجبت له دعاءه
واطعت له الخلق وحملته على الريح وعلمته منطق الطير وسخرت
له الشياطين من كل بناء وغواص واخرين مقرنين في الاصفاد
هذا عطاؤك لا عطاء غيرك وكنت منه قريبا يا قريب اسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تهدي لي قلبي وتجمع لي لبي و
تكفيني همي وتؤمن خوفي وتفك اسري وتشد ازري وتمهلني
وتنفسني وتستجيب دعائي وتسمع ندائي ولا تجعل في النار ماوائي
ولا تجعل الدنيا اكبر همي وان توسع علي في رزقي وتحسن خلقي
وتعتق رقبتي من النار فانك سيدي ومولاي ومؤملي الهي
واسئلك باسمك الذي دعاك به ايوب عليه السلم لما حل
به البلاء بعد الصحة ونزل السقم منه منزل العافية والضيق
بعد السعة والقدرة فكشفت ضره ورددت عليه اهله ومثلهم

معهم

معهم حين ناداك داعيا لك راغبا اليك راجيا لفضلك
شاكيا اليك رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت
له دعاءه وكشفت ضره وكنت منه قريبا يا قريب اسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تكشف ضري وتعافيني في
نفسي واهلي ومالي وولدي واخواني فيك عافية باقية
شافية كافية وافية شاملة وافية هادية نامية مستغنية
عن الاطباء والادوية وتجعلها شعاري ودثاري وتمتعني بسمعي
وبصري وتجعلهما الوارثين مني انك على كل شيء قدير الهي واسئلك
باسمك الذي دعاك به عبدك يونس بن متى عليه السلم في بطن
الحوت حين ناداك راصيا في ظلمات ثلث ان لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين وانت ارحم الراحمين فاستجبت
له دعاءه وانبت عليه شجرة من يقطين وارسلته الى مائة
الف او يزيدون وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد
وال محمد وان تستجيب لي دعائي وتداركني بعفوك فقد غرقت
في بحر الظلم لنفسي وركبتني مظالم لخلقك كثيرة علي صل على محمد

وال محمد واشترني منهم واعتقني من النار واجعلني من عتقائك
وطلقائك من النار في مقامي هذا بمنك يا منان الهي واسئلك
باسمك الذي دعاك به عبدك ونبيك عيسى بن مريم عليهما السلم
اذ ايدته بروح القدس وانطقته في المهد فاحيى به الموتى وابرأ
به الاكمه والابرص باذنك وخلق من الطين كهيئة الطير فصار
طيرا باذنك وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد
وال محمد وان تفرغني لما خلقت له ولا تشغلني بما قد تكفلته
لي وتجعلني من عبادك وزهادك في الدنيا وممن خلقته للعافية
فيها وهنأته بها مع كرامتك يا كريم يا علي يا عظيم الهي واسئلك
باسمك الذي دعاك به اصف بن برخيا على عرش ملكة سباء
فكان اقل من لحظة الطرف حتى كان مصورا بين يديه فلما
راته قيل اهكذا عرشك قالت كانه هو فاستجبت له دعوته
وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تكفر
عني سيئاتي وتقبل مني توبتي وتتوب علي وتغني فقري وتجبر
كسري وتحيي فؤادي بذكرك وتحييني في عافية وتميتني في عافية

الهي

الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به عبدك ونبيك زكريا
عليه السلم حين سئلك داعيا لك راجيا لفضلك فقام
في المحراب ينادي نداء خفيا فقال رب هب لي من لدنك وليا
يرثني ويرث من ال يعقوب واجعله رب رضيا فوهبت له
يحيى واستجبت له دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي
على محمد وال محمد وان تبقي لي اولادي وان تمتعني بهم وتجعلني
واياهم مؤمنين لك راغبين في ثوابك خائفين من عقابك
راجين لما عندك ايسين مما عند غيرك حتى تحيينا حيوة
طيبة وتميتنا ميتة طيبة انك على كل شيء قدير فعال
لما تريد الهي واسئلك بالاسم الذي سالتك به امراة
فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني
من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين فاستجبت
لها دعاءها وكنت منها قريبا يا قريب ان تصلي على محمد
وال محمد وان تقر عيني بالنظر الى جنتك ووجهك
الكريم واوليائك وتفرحني بمحمد واله وتؤنسني به وباله

ونصاحبتهم ومرافقتهم وتمكن لي فيهما وتجيرني من النار وما اعد
لاهلها من السلاسل والاغلال والشدائد والانكال وانواع
العذاب بعفوك يا كريم الهي واسئلك باسمك الذي دعتك
به امتك وصديقتك مريم البتول وام المسيح الرسول وامتك
عليهما السلم اذ قلت ومريم ابنت عمران التي احصنت فرجها
فنفخنا فيه من روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت
من القانتين فاستجبت لها دعاءها وكنت منها قريبا يا قريب
ان تصلي على محمد وال محمد وان تحصنني بحصنك الحصين
وتحجبني بحجابك المنيع وتحرزني بحرزك الوثيق وتكفيني بكفا
يتك الكافية من شر كل طاغ وظلم كل ظالم وبغي كل باغ ومكر
كل ماكر وغدر كل غادر وسحر كل ساحر وجور كل سلطان جائر
بمنعك يا منيع الهي واسئلك بالاسم الذي دعاك به عبدك
ونبيك وصفيك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك
ورسولك الى خلقك وبعيثك الى بريتك محمد خاصتك وخا
لصتك صلى الله عليه واله فاستجبت له دعائه وايدته بجنود

لم تروها

لم تروها وجعلت كلمتك العليا وكلمة الذين كفروا السفلى
وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد صلوة زا
كية نامية باقية مباركة طيبة كما باركت عليهم وسلم عليهم
كما سلمت عليهم وزدهم فوق ذالك كله زيادة من عندك لي وعطني
بهم واجعلني منهم واحشرني معهم وفي زمرتهم حتى تسقيني من
حوضهم وتدخلني في جملتهم وتجمعني واياهم وتقر عيني بهم وتعطني
سؤلي وتبلغني امالي في ديني ودنياي واخرتي ومحياي
ومماتي وتبلغهم سلامي وترد علي منهم السلم وعليهم السلام
ورحمة الله وبركاته الهي انت الذي تنادي في انصاف
كل ليلة هل من سائل فاعطيه ام هل من داع فاجيبه ام
هل من مستغفر فاغفر له ام هل من راج فابلغه رجاءه ام
هل من مؤمل فابلغه امله ها انا سائلك بفنائك ومملوك
بفنائك ومسكينك ببابك وضعيفك ببابك وفقيرك
ببابك اسئلك نائلك وارجوا رحمتك واؤمل عفوك
والتمس غفرانك فصل على محمد وال محمد واعطني سؤلي

وبلغني املي واجبر كسري واغن فقري وارحم عصياني واعف عن ذنوبي
وفك رقبتي من مظالم لعبادك قد ركبتني وقو ضعفي واعز مسكنتي
وثبت وطاتي اغفر جرمي وانعم بالي واكثر من الحلال مالي وخر لي
في جميع اموري وافعالي واقوالي ورضني بها وارحمني ووالدي
وما ولدا من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء
منهم والاموات انك سميع الدعوات والهمني من برهما ما استحق
به ثوابك والجنة وتقبل حسناتهما واغفر سيئاتهما واجزهما باحسن
ما فعلا بي ثوابك والجنة الهي وقد علمت يقينا انك لا تامر
بالظلم ولا ترضاه ولا تميل اليه ولا تهويه ولا تحبه ولا تغشاه
وتعلم ما فيه هؤلاء القوم من ظلم عبادك وبغيهم علينا وتعديهم
بغير حق ولا معروف بل ظلما وعدوانا وزورا وبهتانا فان
كنت قد جعلت لهم مدة لا بد لهم من بلوغها او كتبت لهم اجا
لا ينالونها فقد قلت وقولك الحق ووعدك الصدق يمحوا الله ما
يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب فانا اسئلك بكل ما سئلك
به انبياؤك ورسلك المرسلون واسئلك بما سئلك به عباد

الصالحون

الصالحون وملائكتك المقربون ان تمحوا من ام الكتاب ذالك
وتكتب لهم الاضمحلال والمحق حتى تقرب اجالهم وتقضي مدتهم
وتذهب ايامهم وتبتر اعمارهم وتهلك فجارهم وتسلط بعضهم
على بعض حتى لا تبقي منهم احدا ولا تخلص منهم احدا ولا تنجي منهم
احدا ابدا رب لا تذر على الارض من الكافرين ديارا انك ان
تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا الا فاجرا كفارا اللهم اهلكهم
هلاكا لا تنجي منهم احدا ابدا وتفرق جموعهم وتكل سلاحهم و
تبدد شملهم وتقطع اجالهم وتقصر اعمارهم وتزلزل اقدامهم
وتطهر بلادك منهم وتظهر عبادك عليهم فقد غيروا سنتك
ونقضوا عهدك وهتكوا حريمك واتوا ما نهيتهم عنه وعتوا
عتوا كبيرا وضلوا ضلالا بعيدا فصل على محمد وال محمد واذن
لجمعهم بالشتات ولحيهم بالممات ولازواجهم بالنهبات وخلص
عبادك من ظلمهم واقبض ايديهم عن هضمهم وطهر ارضك
منهم واذن بحصد نباتهم واستيصال شافتهم وشتات شملهم
وهدم بنيانهم يا ذا الجلال والاكرام واسئلك يا الهي واله

كل شيء وربي ورب كل شيء وادعوك بما دعاك به عبدك ورسولك
ونبياك وصفياك موسى وهرون عليهما السلام حين قالا داعيين
لك راجيين لفضلك راضيين بقضائك ربنا انك اتيت فرعون
وملاه زينة واموالا في الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك
ربنا اطمس على اموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى
يروا العذاب الاليم فمننت وانعمت عليهما بالاجابة لهما الى ان
قرعت سمعهما بامرك فقلت اللهم رب قد اجيبت دعوتكما فاستقيما
ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون ان تصلي على محمد وال محمد
وان تطمس على اموال هؤلاء الظلمة وان تشدد على قلوبهم و
ان تخسف بهم برك وان تغرقهم في بحرك فان السموات
والارض وما فيهما لك وارى الخلق قدرتك فيهم وبطشتك
عليهم فافعل ذالك بهم وعجل ذالك لهم يا خير من سئل
وخير من دعي وخير من تذللت له الوجوه ورفعت اليه الا
يدي ودعي بالالسن وشخصت اليه الابصار وامت اليه القلوب
ونقلت اليه الاقدام وتحوكم اليه في الاعمال الهي فانا عبدك

واسئلك

واسئلك من اسمائك بابهاها وكل اسمائك بهي بل اسئلك با
سمائك كلها ان تصلي على محمد وال محمد وان تركسهم على ام
رأسهم في زبيتهم وترديهم في مهوى حفرتهم وارمهم بحجرهم وذ
كهم بمشاقصهم واكبهم على مناخرهم واخنقهم بوترهم واردد
كيدهم في نحورهم واوبقهم بندامتهم حتى يستخذلوا ويتضاءلوا
بعد نخوتهم ويخضعوا ويخنعوا بعد استطالتهم اذلاء ماسورين
في ربق حبائلهم التي كانوا يؤملون ان يرونا فيها وترينا قد
رتك فيهم وسلطانك عليهم وتاخذهم يا رب اخذ القرى وهي
ظالمة ان اخذك اليم شديد وتاخذهم يا رب اخذ عزيز مقتدر
فانك عزيز مقتدر شديد العقاب شديد المحال اللهم صل على
محمد وال محمد وعجل ايرادهم عذابك الذي اعددته للظالمين
من امثالهم والطاغين من نظرائهم وارفع حلمك عنهم واحلل
عليهم غضبك الذي لا يقوم له شيء وامر في تعجيل ذالك عليهم
بامرك الذي لا يرد ولا يوخر فانك شاهد كل نجوى وعالم
كل فحوى ولا تخفى عليك من اعمالهم خافية ولا تذهب عنك

من اعمالهم خائنة وانت علام الغيوب عالم بما في الضمائر والقلوب
اللهم فاسئلك اللهم واسئلك واناديك بما ناداك به سيدي
وسئلك نوح اذ قلت تباركت وتعاليت ولقد نادانا نوح فلنعم
المجيبون اجل اللهم انت نعم المجيب ونعم المدعو ونعم المسئول
ونعم المعطي انت الذي لا تخيب سائلك ولا ترد راجيك ولا
تطرد الملح عن بابك ولا ترد دعاء سائلك ولا تمل من دعاء
من املك ولا تتبرم بكثرة حوائجهم اليك ولا بقضائها لهم
عليك فان قضاء حوائج جميع خلقك اليك في اسرع من لحظ
الطرف بل والحظ وما الى من لمح الطرف بل واخف عليك اهون
عندك من جناح بعوضة وحاجتي اليك يا سيدي ومولاي
ومعتمدي ورجائي ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفرلي
ذنبي فقد جئتك ثقيل الظهر بعظيم ما بارزتك به من سيأتي
وركبني من مظالم عبادك ما لا يكفيني ولا يخلصني منها غيرك
ولا يقدر عليه ولا يملكه سواك صل على محمد وال محمد فامح يا سيدي
كثرة سيأتي بيسير عبراتي بل بقساوة قلبي وجمود عيني لا بل برحمتك

التي

التي وسعت كل شيء وانا اقل شيء فلتسعني رحمتك يا رحمن
يا رحيم يا ارحم الراحمين ولا تمتحني لشيء من المحن في هذه الدنيا
ولا تسلط علي من لا يرحمني ولا تهلكني بذنوبي وعجل خلاصي
من كل مكروه وادفع عني كل ظلم ولا تهتك ستري ولا تفضحني
يوم جمعك الخلائق للحساب يا جزيل العطاء والثواب اسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تحييني حيوة السعداء وتميتني
ميتة الشهداء وتقبلني قبول الاوداء وتحفظني في هذه الدنيا
الدنية من شر سلاطينها وفجارها واشرارها ومحبيها والعاملين
لها فيها وقني شر طغاتها وحسادها وباغي الشرك فيها حتى
تكفيني مكر المكرة وتفقا عني اعين الكفرة وتفحم عني السن
الفجرة وتقبض لي على ايدي الظلمة وتوهن عني كيدهم وتميتهم
بغيظهم وتشغلهم باسماعهم وابصارهم وافئدتهم وتجعلني
من ذالك كله في امنك وامانك وحرزك وحجرك وحجتك
وسلطانك وكنفك وحجابك وعياذك وجوارك ومن
جار السوء وجليس السوء وقرين السوء انك على كل شيء قدير

إنّ وليّ الله الذي نزّل الكتاب وهو يتولّى الصالحين اللهم بك
أعوذ وبك ألوذ ولك أعبد وإياك أرجو وبك أستعين وبك
أستكفي وبك أستغيث وبك أستنقذ وبك أستعدي ومنك أسأل
فصلّ على محمد وآل محمد ولا تردّني إلا بذنب مغفور وسعي مشكور
وتجارة لن تبور وأن تفعل بي ما أنت أهله ولا تفعل بي ما أنا
أهله فإنك أهل التقوى وأهل المغفرة وأهل الفضل والرحمة
وأهل القوة والقدرة إلهي وقد أطلت دعائي وأكثرت خطابي
وضيق صدري حداني على ذلك وحملني عليه علماً مني بأنه يجزيك
منه قدر الملح في العجين بل يكفيك عزم إرادة وأن يقول العبد
بنية صادقة ولسان صادق يا رب فتكون عند ظن عبدك
بك وقد ناجاك بعزم الإرادة قلبي فأسألك أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تقرن دعائي بالإجابة منك وتبلغني فيما أمّلته
فيك منّة منك وطولاً وقوة وحولاً ولا تقيمني من مقامي هذا
إلا بقضاء جميع ما سألتك فإنه عليك يسير وخطره عندي
جليل كثير وأنت عليه قدير يا سميع يا بصير إلهي وهذا مقام

العائذ

العائذ بك من النار والهارب منك إليك والتائب من
ذنوب تهجمته وعيوب فضحته فصلّ على محمد وآل محمد وانظر
إليّ نظرة رحمة أفوز بها إلى جنتك واعطف عليّ عطفة أنجو
بها من عقابك فإن الجنة والنار لك وبيدك ومفاتيحهما
ومغاليقهما إليك وأنت على ذلك قادر وهو عليك هين
يسير فافعل بي ما سألتك يا قدير ولا حول ولا قوة إلا
بالله العلي العظيم وحسبنا الله ونعم الوكيل وصلى الله على
محمد وآله الطيبين الطاهرين والحمد لله رب العالمين وصلّ
اللهم على خاتم وصيك وسيد رسولك ونبيك محمد الهادي
وآله المهديين إلى سبيلك وسلّم عليهم تسليما والحمد لله رب العالمين

این غایت مجربست از شیخ المحققین خواجه نصیر طوسی که هر که این بیت را
مکرر بخواند هر طلبی که داشته باشد روا گردد و حق تعالی حاجات او را بزودی
زود براورده گردد یا قاهر العدو یا والی الولی یا مظهر العجایب یا مرتضی علی
ایضا از جهت برامدن حاجات در شب جمعه هزار نوبت بخواند البته روا گردد
اللهم ادرکنی بلطفک الخفی انا محتاج ذلیل وانت غنی عزیز و این دعا مجربست

دعای المشلول بجهة مهمات — بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم إني أسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم يا ذا الجلال
والإكرام يا حي يا قيوم يا حي لا إله إلا أنت يا هو يا من هو
يا من لا يعلم ما هو ولا كيف هو ولا أين هو ولا حيث هو
إلا هو يا ذا الملك والملكوت يا ذا العزة والجبروت يا ملك يا قدوس
يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ
يا مصور يا مفيد يا مدبر يا شديد يا مبدئ يا معيد يا مبيد
يا ودود يا محمود يا معبود يا بعيد يا قريب يا مجيب يا رقيب
يا حسيب يا بديع يا رفيع يا منيع يا سميع يا عليم يا حليم يا كريم يا حكيم
يا قديم يا علي يا عظيم يا حنان يا منان يا ديان يا مستعان
يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا مقيل يا منيل يا نبيل يا معطي
يا دليل يا هادي يا أول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا قائم يا دائم
يا عالم يا حاكم يا قاضي يا عادل يا فاصل يا واصل يا طاهر يا مطهر
يا قادر يا مقتدر يا كبير يا متكبر يا واحد يا أحد يا صمد يا من لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد ولم يكن له صاحبة ولا

ولد

ولد ولا كان معه وزير ولا اتخذ معه مشيراً ولا احتاج إلى
ظهير ولا كان معه إله لا إله إلا أنت فتعاليت عما
يقول الظالمون علواً كبيراً يا علي يا شامخ يا باذخ يا فتاح
يا مرتاح يا مفرج يا ناظر يا منتصر يا مدرك يا مهلك يا منتقم
يا باعث يا وارث يا طالب يا غالب يا من لا يفوته هارب
يا تواب يا أواب يا وهاب يا مسبب الأسباب يا مفتح
الأبواب يا من حيث ما دعي أجاب يا طهور يا شكور يا عفو
يا غفور يا نور النور يا مدبر الأمور يا لطيف يا خبير يا مجير
يا منير يا بصير يا ظهير يا كبير يا وتر يا فرد يا أبد يا سند
يا صمد يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا محسن يا مجمل
يا منعم يا مفضل يا متكرم يا متفرد يا من علا فقهر يا من
ملك فقدر يا من بطن فخبر ويا من عبد فشكر ويا من
عصي فغفر وستر ويا من لا تحويه الفكر ولا يدركه بصر
ولا يخفى عليه أثر يا رازق البشر ويا مقدر كل قدر يا عالي
المكان يا شديد الأركان يا مبدل الزمان يا قابل القربان

يا ذا المنّ والاحسان يا ذا العزّ والسلطان يا رحيم يا رحمن يا من
هو كل يوم في شان يا من لا يشغله شان عن شان يا
عظيم الشان يا من هو بكل مكان يا سامع الاصوات يا مجيب
الدعوات يا منجح الطلبات يا قاضي الحاجات يا منزل البركات
يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف الكربات يا
ولي الحسنات يا رافع الدرجات يا مؤتي السؤلات يا محيي
الاموات يا جامع الشتات يا مطلع على النيات يا رادّ ما
قد فات يا من لا تشتبه عليه الاصوات يا من لا تضجره
المسألات ولا تغشاه الظلمات يا نور الارض والسموات
يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ النسم يا جامع الامم
يا شافي السقم يا خالق النور والظلم يا ذا الجود والكرم يا من
لا يطأ عرشه قدم يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين
يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا جار المستجيرين
يا امان الخائفين يا ظهير اللاجين يا ولي المؤمنين
يا غياث المستغيثين يا غاية الطالبين يا صاحب كل غريب

يا مونس

يا مونس كل وحيد يا ملجأ كل طريد يا مأوى كل شريد يا حافظ
كل ضالة يا راحم الشيخ الكبير يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم
الكسير يا فاك كل اسير يا مغني البائس الفقير يا عصمة الخائف
المستجير يا من له التدبير والتقدير يا من العسير عليه يسير يا من
لا يحتاج الى فقير يا من هو على كل شيء قدير يا من هو بكل
شيء خبير يا من هو بكل شيء بصير يا مرسل الرياح يا فالق
الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا من بيده
كل مفتاح يا سامع كل صوت يا سابق كل فوت يا محيي كل
نفس بعد الموت يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي يا
مونسي في وحدتي يا وليي في نعمتي يا كهفي حين تعييني
المذاهب وتسلمني الاقارب ويخذلني كل صاحب يا عماد
من لا عماد له يا ذخر من لا ذخر له يا سند من لا سند له يا
حرز من لا حرز له يا كهف من لا كهف له يا كنز من لا كنز
له يا ركن من لا ركن له يا غياث من لا غياث له يا جار
من لا جار له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا الهي بالتحقيق

يا رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق فكني من حلق المضيق واصرف
عني كل هم وضيق واكفني شر ما لا اطيق واعني على ما اطيق
يا رادّ يوسف على يعقوب يا كاشف ضر ايوب يا غافر ذنب
داود يا رافع عيسى ابن مريم ومنجيه من ايدي اليهود يا مجيب
نداء يونس في الظلمات يا مصطفي موسى بالكلمات يا من
غفر لادم خطيئته ورفع ادريس مكانا عليا برحمته يا من
نجى نوحا من الغرق يا من اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى
وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة
اهوى يا من دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب
يا من اتخذ ابراهيم خليلا يا من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا
صلى الله عليه وآله وعليهم اجمعين حبيبا يا موتي لقمان
الحكمة والواهب لسليمان ملكا لا ينبغي لاحد من بعده
يا من نصر ذا القرنين على الملوك الجبابرة يا من اعطى
الخضر الحيوة ورد ليوشع من نور الشمس بعد غروبها يا من
ربط على قلب ام موسى واحصن فرج مريم ابنة عمران

يا من

يا من حصن يحيى بن زكريا من الذنب وسكن عن موسى
الغضب يا من بشر زكريا بيحيى يا من فدى اسمعيل من
الذبح بذبح عظيم يا من قبل قربان هابيل وجعل اللعنة
على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد صلى الله عليه وآله صلى الله
على محمد وآل محمد وعلى جميع المرسلين وملائكة المقربين
واهل طاعتك اجمعين واسئلك بكل مسئلة سئلك
بها احد ممن رضيت عنه فحتمت له على الاجابة ثم تقول
يا الله سه مرتبه يا رحمن سه مرتبه يا رحيم سه مرتبه يا ذا الجلال
والاكرام هفت مرتبه به سه مرتبه اسئلك وبكل اسم سميت
به نفسك او انزلته في شيء من كتبك او استاثرت
به في علم الغيب عندك وبمعاقد العز من عرشك وبمنتهى
الرحمة من كتابك وبما لو ان ما في الارض من شجرة اقلام
والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله
ان الله عزيز حكيم واسئلك باسمائك الحسنى التي نعتها
في كتابك فقلت ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها

وقلت ادعوني استجب لكم وقلت واذا سئلك عبادي عني
فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان وقلت يا عبادي
الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله
يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وانا اسئلك
يا الهي وادعوك يا رب وارجوك يا سيدي واطمع في اجابتي
يا مولاي كما وعدتني وقد دعوتك كما امرتني فافعل بي
ما انت اهله يا كريم والحمد لله رب العالمين وصلى الله
على محمد واله اجمعين ~~فلك الحمد علي في جميع~~
~~ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني~~
~~حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي~~
~~على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا~~
~~مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا~~
~~اتوجه اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي~~
~~في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري و~~
~~فكني من شد وثاقي اللهم ارحم ضعف بدني ورقة جلدي~~
تمام [redacted] وصلى الله على سيدنا محمد واله اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع
الليل المظلم بغياهب تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في
مقادير تبرجه وشعشع ضياء الشمس بنور تاججه يا من دل
بذاته على ذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة
كيفياته يا من قرب من خطرات الظنون وبعد عن لحظة
العيون وعلم بما كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد
امنه وامانه وايقظني الى ما منحني به من مننه واحسانه
وكف اكف السوء عني بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل
اليك في الليل الاليل والماسك من اسبابك بحبل الشرف
الاطول والناصع الحسب في ذروة الكاهل الاعبل والثابت
القدم على زحاليفها في الزمن الاول وعلى اله الطيبين
الابرار المصطفين الاخيار وافتح اللهم لنا مصاريع
الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسنا اللهم من افضل
خلع الهداية والصلاح واغرس اللهم لعظمتك في شرب

يا من دل على ذاته بذاته

جناني ينابيع الخشوع واجر اللهم لهيبتك من اماقي زفرات
الدموع وادب اللهم نزق الخرق مني بازمة القنوع الهي
ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك
في واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى
فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني نصرك
عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى حيث
النصب والحرمان الهي اتراني ما اتيتك الا من حيث الامال
ام علقت باطراف حبالك الا حين باعدتني ذنوبي عن دار
الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها فواها
لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها على سيدها
ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي وهربت
اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل
ولائي فاصفح اللهم عما كان اجرمته من زللي وخطائي
واقلني اللهم من صرعة ردائي وعثرتي بلائي فانك سيدي
ومولاي ومعتمدي ورجائي وغاية مطلوبي ومناي في

منقلبي

منقلبي ومثواي الهي كيف تطرد مسكينا التجاء اليك من الذنوب
هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا ام
كيف ترد ظمانا ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك
مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول
وانت غاية السؤل ونهاية المامول الهي هذه ازمة
نفسي عقلتها بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها
بعفوك ورحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى
جناب لطفك ورافتك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي
بضياء الهدى والسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة
من كيد العدى ووقاية من مرديات الهوى فانك قادر
على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل
شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج
الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء
بغير حساب لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك جل

وكلتهما

ثناؤك من ذا يعرف قدرتك فلا يخافك ومن ذا يعلم من
انت فلا يهابك الفت بقدرتك الفرق وفلقت برحمتك
الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت المياه من
الصم الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء
ثجاجا وجعلت الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير
ان تمارس فيما ابتدأت به لغوبا ولا علاجا فيا من توحد
بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل على محمد
وآله الاتقياء واسمع ندائي واستجب دعائي وحقق بفضلك
املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمأمول لكل
عسر ويسر بك انزلت حاجتي فلا تردني من سني مواهبك
خائبا يا كريم يا كريم بفضلك وكرمك يا اكرم الاكرمين
يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين الحمد لله
رب العالمين شكرا لنعمته ولا اله الا الله اقرارا بربوبيته
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم تعظيما
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الاول فليس قبلك شيء

وانت

وانت الآخر فليس بعدك شيء يا كائنا قبل كل شيء ويا باقيا
بعد كل شيء ويا مكون كل شيء يا من هو اقرب الي من حبل الوريد
يا من هو فعال لما يريد يا من يحول بين المرء وقلبه يا من
هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيء وهو السميع العليم
يا من هو على كل شيء قدير اقض حاجتي واعطني سؤلي وفرج
عني كربتي واكفني مهماتي بحق محمد وآله الطاهرين دعاء خواجه نصير

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل وسلم وزد وبارك على النبي الامي العربي القرشي
المرتجى المكي المدني الابطحي التهامي الهاشمي السيد البهي السراج
المضيء صاحب الوقار والسكينة المدفون بارض المدينة
العبد المؤيد والرسول المسدد المصطفى الامجد المحمود الاحمد
حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد صلى الله عليه وآله
وسلم الصلوة والسلام عليك وعلى آلك يا ابا القاسم
يا رسول الله يا نبي الرحمة يا شفيع الامة يا حجة الله
على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

بك الى الله تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة
يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد
وبارك على السيد المطهر والامام المظفر والشجاع الغضنفر ابي
شبر وشبير قاسم طوبى وسقر الانزع البطين الاشرف المكين الا
شجع المتين العالم المبين الناصر المعين ولي البيت الوالي الولي
السيد الرضي الحاكم بالنص الجلي المخلص الصفي المدفون بالغري
ليث بني غالب غالب كل غالب وسالب كل سالب مظهر العجائب
ومظهر الغرائب ومفرق الكتائب والشهاب الثاقب والهزبر
السالب ونقطة دائرة المطالب اسد الله الغالب غالب كل
غالب ومطلوب كل طالب مولانا ومولى الثقلين ووارث علم
الاولين والآخرين امير المؤمنين وامام المتقين ابي الحسنين
علي بن ابي طالب عليه السلام الصلوة والسلام عليك وعلى
ذريتك يا ابا الحسن يا علي بن ابي طالب يا اخا الرسول
يا زوج البتول يا ابا السبطين يا حجة الله على خلقه
يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك

الى الله

الى الله تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة
يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
على السيدة الجليلة الكريمة النبيلة المكروبة العليلة ذات
الاحزان الطويلة في المدة القليلة المعصومة المظلومة الكريمة
الحليمة العفيفة السليمة المجهولة قدرا المخفية قبرا المدفونة
سرا المغصوبة جهرا سيدة النساء الانسية الحوراء ام الائمة
النقباء النجباء الطاهرة المطهرة البتول العذراء فاطمة الزهراء
عليها السلام الصلوة والسلام عليك يا فاطمة الزهراء يا بنت
محمد رسول الله ايتها البتول يا قرة عين الرسول يا بضعة
النبي يا ام السبطين يا حجة الله على خلقه يا سيدتنا ومو
لاتنا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله تعالى
وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والآخرة يا وجيهة
عند الله اشفعي لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
على السيد المجتبى والامام المرتجى سبط المصطفى وابن المرتضى
علم الهدى العالم الرفيع ذي الحسب المنيع والفضل الجميع الشفيع ابن الشفيع

ابن المقتول بالسم النقيع المدفون بارض البقيع العالم بالفرائض
والسنن صاحب الجود والمنن دافع المحن والفتن ما ظهر منها وما
بطن الذي عجز عن عد مدائحه لسان اللسن الامام بالحق
المؤتمن ابي محمد الحسن عليه السلام الصلوة والسلام عليك
يا ابا محمد يا حسن ابن علي ايها المجتبى يا ابن رسول الله ويا ابن امير المؤمنين
وابن سيد الوصيين مولانا ومولى الكونين ابي عبد الله الحسين
عليه السلم الصلوة والسلام عليك يا ابا عبد الله الحسين
يا حسين ابن علي ايها الشهيد يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين
يا ابن فاطمة الزهراء يا سيد شباب اهل الجنة يا ابا الائمة
الاطهار يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا
واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله تعالى وقدمناك بين
يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع
لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك على ابي الائمة
وسراج الامة وكاشف الغمة ومحيي السنة وسني الهمة ورفيع
الرتبة وانيس الكربة وصاحب التربة المدفون بارض طيبة

المبرء من كل شين الامام بالحق ابي محمد علي ابن الحسين عليهما
السلام الصلوة والسلم عليك يا علي ابن الحسين يا زين العا
بدين ايها السجاد يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا
حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بك الى الله تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا
في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم
صل وسلم وزد وبارك على قمر الاقمار ونور الانوار وسيد
الابرار وقائد الاخيار الطهر الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر
والبحر الزاخر والدر الفاخر السيد الوجيه الامام النبيه المدفون
عند ابيه الحبر الملي عند العدو والولي الامام بالحق الازكى
ابي جعفر محمد ابن علي عليهما السلام والسلام عليك يا ابا جعفر
يا محمد ابن علي عليهما السلم ايها الباقر يا ابن رسول الله يا ابن
امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا
توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله تعالى وقدمناك
بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله اشفع

لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك على الصادق الصديق
العالم الوثيق الحليم الشفيق الهادي الى الطريق ساقي شيعته
من الرحيق ومبلغ اعدائه الى الحريق صاحب الشرف الرفيع والحسب
المنيع والفضل الجميع المدفون بارض البقيع المهذب النحرير
الامام المجيد ابي عبد الله جعفر ابن محمد عليهما السلم الصلوة والسلم
عليك يا ابا عبد الله يا جعفر ابن محمد ايها الصادق يا ابن ر
سول الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا
ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله تعالى
وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها عند الله
اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك على السيد
الكريم والامام الحليم وسمي الكليم الصابر الكاظم قائد الجيش
المدفون بمقابر قريش صاحب الشرف الانور والمجد الاظهر الامام
بالحق ابي ابراهيم موسى ابن جعفر عليهما السلم الصلوة والسلم
عليك يا ابا ابراهيم يا موسى ابن جعفر ايها الكاظم ايها العبد
الصالح يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على

خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك
الى الله تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة
يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد
وبارك على السيد المعصوم والامام المظلوم والشهيد المسموم
والغريب المغموم والقتيل المحروم عالم العلم المكتوم بدر النجوم
شمس الشموس انيس النفوس المدفون بارض الطوس الرضا المر
تضى المجتبى الامام بالحق ابي الحسن علي ابن موسى الرضا
عليهما السلم الصلوة والسلم عليك يا ابا الحسن يا علي ابن
موسى ايها الرضا يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة
على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا
بك الى الله تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا
والاخرة يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم
وزد وبارك على السيد العادل العالم العامل الباذل الاروع
الجواد العارف باسرار المبدء والمعاد ولكل قوم هاد منا
المحيي يوم ينادي المناد المذكور بالهداية والارشاد المدعو

بارض بغداد السيد العربي والامام الاحمدي والنور المحمدي الملقب
بالتقي الامام بالحق ابي جعفر محمد بن علي عليهما السلم الصلوة
والسلم عليك يا ابا جعفر يا محمد بن علي ايها التقي الجواد يا ابن
رسول الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا
ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله تعالى
وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
على الامامين الكاملين العالمين الاورعين الاطهرين الشمسين
القمرين النورين النيرين وارث المشعرين واهل الحرمين كهفي
التقى غوثي الورى طودي النهى علمي الهدى المدفونين بسر من
راى كاشفي البلوى والمحن صاحبي الجود والمنن الامامين
بالحق ابي الحسن علي النقي وابي محمد الحسن العسكري عليهما السلم
الصلوة والسلم عليكما يا ابا الحسن يا علي ابن محمد ويا حسن ابن
علي ايها النقي الهادي وليها الزكي العسكري يا ابني رسول
الله يا ابني امير المؤمنين يا حجتي الله على الخلق اجمعين يا سيدينا

دهو

ومولينا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بكما الى الله تعالى
وقدمناكما بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيهين
عند الله اشفعا لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك
على صاحب الدعوة النبوية والصولة الحيدرية والعصمة
الفاطمية والحلم الحسنية والشجاعة الحسينية والعبادة
السجادية والماثر الباقرية والاثار الجعفرية والعلوم الكا
ظمية والحجج الرضوية والجود التقوية والنقاوة النقوية و
الهيبة العسكرية القائم بالحق والداعي الى الصدق المطلق
كلمة الله وامان الله وحجة الله المقسط لدين الله الغالب
بامر الله والذاب عن حرم الله امام السر والعلن دافع الكرب
والمحن صاحب الجود والمنن الامام بالحق ابي القاسم محمد بن
الحسن صاحب الزمان وخليفة الرحمن ومظهر الايمان و
سيد الانس والجان صلوة الله وسلامه عليه وعليهم
اجمعين الصلوة والسلم عليك يا وصي الحسن والخلف
الصالح يا امام زماننا ايها القائم المنتظر يا ابن رسول الله

يا ابن امير المؤمنين يا امام المسلمين يا حجة الله على خلقه يا
سيدنا ومولينا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله
تعالى وقدمناك بين يدي حاجاتنا في الدنيا والاخرة يا وجيها
عند الله اشفع لنا عند الله عز وجل بس حجت خود را گواه و دستمال ابرو
بكو بد الهي بحق هؤلاء المعصومين المظلومين الهادين المهتدين
المطهرين اسئلك ان تغفر لي ذنوبي وتوصلني الى مرادي ومطالبي
وادفع عني شر جميع خلقك برحمتك وكرمك وعفوك واحسانك
يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على محمد وال محمد وفرج عنا بهم كل كرب
من كروب الدنيا والاخرة واقض لنا بهم كل حاجة من حوائج
الدنيا والاخرة يا ساداتي يا موالي اني توجهت بكم ائمتي
وعدتي ليوم فقري اللهم صل على محمد وال محمد وفرج
عنا بهم كل غم واكشف عنا بهم كل هم واقض لنا بهم كل
حاجة من حوائج الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد وال
محمد واعذنا بهم من شر ما خلقت اللهم صل على محمد وال
محمد واحفظ بهم عزتنا واستر بهم عورتنا واكفنا بهم بغي

بغي

بغي من بغى علينا وانصرنا بهم على من عادانا واعذنا بهم
من شر الشيطان الرجيم ومن جور السلطان العنيد اللهم صل
على محمد وال محمد واجعلنا بهم في سترك وفي حفظك وفي
كنفك وفي حرزك وجل ثناؤك ولا اله غيرك توكلت
على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم
يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا وحسبنا
الله وحده والصلوة والسلم على خير خلقه محمد واله عترته
اجمعين وسلم تسليما كثيرا كثيرا بسم الله الرحمن الرحيم
لمولانا علي بن الحسين عليه وعلى ابائه واتباعه المعصومين صلوات المصلين مناجات التائبين
اللهي البستني الخطايا ثوب مذلتي وجللني التباعد منك لباس مسكنتي
خداوندا پوشیده است مرا گناهان جامه مذلت مرا و دوری از تو پوشانیده است [illegible]
وامات قلبي عظيم جنايتي فاحيه بتوبة منك يا املي وبغيتي
[illegible]
ويا سؤلي ومنيتي فوعزتك ما اجد لذنوبي سواك غافرا ولا ارى
[illegible]
لكسري غيرك جابرا وقد خضعت بالانابة اليك وعنوت بالاستكانة
[illegible]

لديك فان طردتني من بابك فبمن الوذ وان رددتني عن جنابك
[illegible]
فبمن اعوذ فوا اسفاه من خجلتي وافتضاحي ووا لهفاه من سوء
[illegible]
عملي واجتراحي اسئلك يا غافر الذنب الكبير ويا جابر العظم الكسير ان
[illegible]
تهب لي موبقات الجرائر وتستر علي فاضحات السرائر ولا تخلني في
[illegible]
مشهد القيامة من برد عفوك ومغفرتك ولا تعرني من جميل
[illegible]
صفحك وسترك الهي ظلل على ذنوبي غمام رحمتك وارسل على
[illegible]
عيوبي سحاب رافتك الهي هل يرجع العبد الابق الا الى مولاه ام
[illegible]
هل يجيره من سخطه احد سواه الهي ان كان الندم على الذنب توبة
[illegible]
فاني وعزتك من النادمين وان كان الاستغفار من الخطيئة
[illegible]
حطة فاني لك من المستغفرين لك العتبى حتى ترضى الهي بقدرتك
[illegible]
علي تب علي وبحلمك عني اعف عني وبعلمك بي ارفق بي الهي انت الذي
[illegible]
فتحت

فتحت لعبادك بابا الى عفوك سميته التوبة فقلت توبوا الى الله
[illegible]
توبة نصوحا فما عذر من اغفل دخول الباب بعد فتحه الهي ان كان
[illegible]
قبح الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك الهي ما انا باول من
[illegible]
عصاك فتبت عليه وتعرض لمعروفك فجدت عليه يا مجيب المضطر
[illegible]
يا كاشف الضر يا عظيم البر يا عليما بما في السر يا جميل الستر استشفعت
[illegible]
بجودك وكرمك اليك وتوسلت بجنابك وترحمك لديك فاستجب
[illegible]
دعائي ولا تخيب فيك رجائي وتقبل توبتي وكفر خطيئتي بمنك ورحمتك
[illegible]
يا ارحم الراحمين بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible]

المناجات الثانية مناجات الشاكين

الهي اليك اشكو نفسا بالسوء امارة والى الخطيئة مبادرة
[illegible]
وبمعاصيك مولعة ولسخطك متعرضة تسلك بي مسالك المهالك
[illegible]

او تعاقب ابدانا عملت بطاعتك حتى نحلت في مجاهدتك او تعذب
[illegible]
ارجلا سعت الى عبادتك الهي لا تغلق على موحديك ابواب رحمتك
[illegible]
ولا تحجب مشتاقيك عن النظر الى جميل رؤيتك الهي نفس اعززتها
[illegible]
بتوحيدك كيف تذلها بمهانة هجرانك وضمير انعقد على مودتك
[illegible]
كيف تحرقه بحرارة نيرانك الهي اجرني من اليم غضبك و
[illegible]
عظيم سخطك يا حنان يا منان يا رحيم يا رحمن يا جبار يا قهار
[illegible]
يا غفار يا ستار نجني برحمتك من عذاب النار وفضيحة العار اذا امتاز
[illegible]
الاخيار من الاشرار وحالت الاحوال وهالت الاهوال وقرب
[illegible]
المحسنون وبعد المسيئون ووفيت كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون
[illegible]

المناجات الرابعة للراجين

بسم الله الرحمن الرحيم

يا من اذا سئله عبد اعطاه واذا امل ما عنده بلغه مناه واذا اقبل
[illegible]
عليه

عليه قربه وادناه واذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه وغطاه واذا
[illegible]
توكل عليه احسبه وكفاه الهي من الذي نزل بك ملتمسا قراك فما
[illegible]
قريته ومن الذي اناخ ببابك مرتجيا نداك فما اوليته ايحسن ان ارجع
[illegible]
عن بابك بالخيبة مصروفا ولست اعرف سواك مولى بالاحسان
[illegible]
موصوفا كيف ارجو غيرك والخير كله بيدك وكيف اؤمل سواك
[illegible]
والخلق والامر لك أأقطع رجائي وقد اوليتني ما لم اسئله من فضلك
[illegible]
ام تفقرني الى مثلي وانا اعتصم بحبلك يا من سعد برحمته القاصدون
[illegible]
ولم يشق بنقمته المستغفرون كيف انساك ولم تزل ذاكري وكيف
[illegible]
الهو عنك وانت مراقبي الهي بذيل كرمك اعلقت يدي ولنيل عطاياك
[illegible]
بسطت املي فاخلصني بخالصة توحيدك واجعلني من صفوة عبيدك
[illegible]
يا من كل هارب اليه يلتجي وكل طالب اياه يرتجي يا خير مرجو ويا اكرم مدعو
[illegible]

وتجعلني عندك اهون هالك تكثر علي العلل طول الامل ان مسّها
الشر تجزع وان مسّها الخير تمنع ميالة الى اللعب واللهو مملوة بالغفلة
والسهو تسرع بي الى الحوبة وتسوّفني بالتوبة الهي اشكو اليك عدوا
يضلني وشيطانا يغويني قد ملأ بالوسواس صدري واحاطت هواجسه
بقلبي يعاضد لي الهوى ويزين لي حب الدنيا ويحول بيني وبين الطاعة
والزلفى الهي اشكو اليك قلبا قاسيا مع الوسواس متقلبا وبالرين والطبع
متلبسا وعينا عن البكاء من خوفك جامدة والى ما تسرها طامحة
الهي لا حول لي ولا قوة الا بقدرتك ولا نجاة لي من مكاره
الدنيا الا بعصمتك فاسئلك ببلاغة حكمتك ونفاذ مشيتك ان
لا تجعلني لغير جودك متعرضا ولا تصيرني للفتن غرضا وكن لي
على الاعداء ناصرا وعلى المخازي والعيوب ساترا ومن البلايا واقيا

وعن المعاصي عاصما برأفتك ورحمتك يا ارحم الراحمين

المناجات الثالثة للخائفين

الهي أتراك بعد الايمان بك تعذبني ام بعد حبي اياك تبعدني
ام مع رجائي لرحمتك وصفحك تحرمني ام مع استجاري بعفوك
تسلمني حاشا لوجهك الكريم ان تخيبني ليت شعري اللشقاء ولدتني
امي ام للعناء ربتني فليتها لم تلدني ولم تربني وليتني علمت امن
اهل السعادة جعلتني وبقربك وجوارك خصصتني فتقر بذلك عيني
وتطمئن له نفسي الهي هل تسوّد وجوها خرّت لعظمتك ساجدة
او تخرس السنة نطقت بالثناء على مجدك وجلالتك ناطقة او تطبع
على قلوب انطوت على محبتك او تصم اسماعا تلذذت بسماع
ذكرك في ارادتك او تغل اكفا رفعتها الآمال اليك رجاء رأفتك

ويا من لا يرد سائله ولا يخيب آمله يا من بابه مفتوح لداعيه وحجابه
مرفوع لراجيه اسئلك بكرمك ان تمن علي من عطائك بما تقر به عيني
ومن رجائك بما تطمئن به نفسي ومن اليقين بما تهون به علي مصائب
الدنيا وتجلو به عن بصري غشوات العمى برحمتك يا ارحم الراحمين

المناجات للراغبين

الهي ان كان قل زادي في المسير اليك فلقد حسن ظني بالتوكل
عليك وان كان جرمي قد اخافني من عقوبتك فان رجائي قد
اشعرني بالامن من نقمتك وان كان ذنبي قد عرضني لعقابك
فقد آذنني حسن ثقتي بثوابك وان انامتني الغفلة عن
الاستعداد للقائك فقد نبهتني المعرفة بكرمك وآلائك وان
اوحش ما بيني وبينك فرط العصيان والطغيان فقد آنسني
بشرى الغفران والرضوان اسئلك بسبحات وجهك وبانوار قدسك

وابتهل اليك بعواطف رحمتك ولطائف برك ان تحقق ظني
بما اؤمله من جزيل اكرامك وجميل انعامك في القربى منك
والزلفى لديك والتمتع بالنظر اليك وها انا متعرض لنفحات روحك
وعطفك ومنتجع غيث جودك ولطفك فار من سخطك اليك
هارب منك اليك راج احسن ما لديك معول على مواهبك مفتقر
الى رعايتك الهي ما بدأت به من فضلك فتممه وما وهبت لي من
كرمك فلا تسلبه وما سترته علي بحلمك فلا تهتكه وما علمته
من قبيح فعلي فاغفره الهي استشفعت بك اليك واستجرت بك
منك اتيتك طامعا في احسانك راغبا في امتنانك مستسقيا
وابل طولك مستمطرا غمام فضلك طالبا مرضاتك قاصدا
جنابك واردا شريعة رفدك ملتمسا سني الخيرات من عندك وافدا

إلى حضرة جمالك مريداً وجهك طارقاً بابك مستكيناً لعظمتك وجلالك

بسوی حضرت جمال تو اراده دارنده روی تو کوبنده در تو بیچارگی کننده از برای عظمت و جلال تو

فافعل بي ما أنت أهله من المغفرة والرحمة ولا تفعل بي ما أنا أهله

پس بکن با من آنچه تو اهل آنی از مغفرت و رحمت و مکن با من آنچه را که من اهل آن میباشم

من العذاب والنقمة برحمتك يا أرحم الراحمين المناجات السادسة للشاكرين

از عذاب و عقوبت برحمت تو ای ارحم الراحمین

إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك وأعجزني عن إحصاء

ثنائك فيض فضلك وشغلني عن ذكر محامدك ترادف عوائدك

وأعياني عن نشر عوارفك توالي أياديك وهذا مقام من

اعترف بسبوغ النعماء وقابلها بالتقصير وشهد على نفسه بالإهمال

والتضييع وأنت الرؤوف الرحيم البر الكريم الذي لا يخيب قاصديه

ولا يطرد عن فنائه آمليه بساحتك تحط رحال الراجين وبعرصتك

تقف آمال المسترفدين فلا تقابل آمالنا بالتخييب والإياس

ولا تلبسنا سربال القنوط والإبلاس إلهي تصاغر عند تعاظم آلائك

شكري

شكري وتضاءل في جنب إكرامك إياي ثنائي ونشري جللتني نعمك

من أنوار الإيمان حللاً وضربت علي لطائف برك من العز كللاً

وقلدتني مننك قلائد لا تحل وطوقتني أطواقاً لا تفل فآلاؤك جمة

ضعف لساني عن إحصائها ونعماؤك كثيرة قصر فهمي عن إدراكها

فضلاً عن استقصائها فكيف لي بتحصيل الشكر وشكري

إياك يفتقر إلى شكر فكلما قلت لك الحمد وجب علي لذلك أن

أقول لك الحمد وجب علي إلهي فكما غذيتنا بلطفك وربيتنا بصنعك

فتمم علينا سوابغ النعم وادفع عنا مكاره النقم وآتنا من حظوظ

الدارين أرفعها وأجلها عاجلاً وآجلاً ولك الحمد على حسن

بلائك وسبوغ نعمائك حمداً يوافق رضاك ويمتري العظيم من

برك ونداك يا عظيم يا كريم برحمتك يا أرحم الراحمين

المناجات السابعة للمطيعين

الهی الهمنا طاعتك وجنبنا معصيتك ويسر لنا بلوغ ما نتمنى من
ابتغاء رضوانك واحللنا بحبوحة جنانك واقشع عن بصائرنا
سحاب الارتياب واكشف عن قلوبنا اغشية المرية والحجاب واز
هق الباطل عن ضمائرنا واثبت الحق في سرائرنا فان الشكوك
الظنون لواقح الفتن ومكدرة لصفو المنائح والمنن اللهم احملنا
فی سفن نجاتك ومتعنا بلذيذ مناجاتك واوردنا حياض حبك
واذقنا حلاوة ودك وقربك واجعل جهادنا فيك وهمنا في طاعتك
واخلص نياتنا في معاملتك فانا بك ولك ولا وسيلة لنا اليك
الا انت الهی اجعلنی من المصطفين الاخيار والحقنی بالصالحين
الابرار السابقين الى المكرمات المسارعين الى الخيرات العاملين للبا
قيات الصالحات الساعين الى رفيع الدرجات انك على كل شيء
قدير وبالاجابة جدير برحمتك يا ارحم الراحمين المناجاة التاسعة للمريدين

الهی

الهی سبحانك ما اضيق الطرق على من لم تكن دليله وما
اوضح الحق عند من هديته سبيله الهی فاسلك بنا سبل الوصول
اليك وسيرنا في اقرب الطرق للوفود عليك قرب علينا البعيد
وسهل علينا العسير الشديد والحقنا بالعباد الذين هم بالبدار
اليك يسارعون وبابك على الدوام يطرقون واياك في الليل
والنهار يعبدون وهم من هيبتك مشفقون الذين صفيت
لهم المشارب وبلغتهم الرغائب وانجحت لهم المطالب وقضيت
لهم من فضلك المآرب وملأت لهم من وصلك ضمائرهم من حبك
ورويتهم من صافي شربك فبك الى لذيذ مناجاتك وصلوا
ومنك اقصى مقاصدهم حصلوا فيا من هو على المقبلين عليه
مقبل وبالعطف عليهم عائد مفضل وبالغافلين عن ذكره

رحيم رؤوف وبجذبهم الى بابه ودود عطوف اسئلك ان
تجعلني من اوفرهم منك حظا واعلاهم عندك منزلا واجزلهم
من ودك قسما وافضلهم في معرفتك نصيبا فقد انقطعت
اليك همتي وانصرفت نحوك رغبتي فانت لا غيرك مرادي
ولك لا لسواك سهري وسهادي ولقاؤك قرة عيني ووصلك
منى نفسي واليك شوقي وفي محبتك ولهي والى هواك صبابتي
ورضاك بغيتي ورؤيتك حاجتي وجوارك طلبتي وقربك
غاية سؤلي وفي مناجاتك انسي وراحتي وعندك دواء
علتي وشفاء غلتي وبرد لوعتي وكشف كربتي فكن انيسي
في وحشتي ومقيل عثرتي وغافر زلتي وقابل توبتي ومجيب
دعوتي وولي عصمتي ومغني فاقتي ولا تقطعني عنك ولا تبعدني

منك

منك يا نعيمي وجنتي ويا دنياي وآخرتي المناجات التاسعة للمحبين
الهي من ذا الذي ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلا ومن ذا الذي
انس بقربك فابتغى عنك حولا الهي فاجعلنا ممن اصطفيته لقربك
وولايتك واخلصته لودك ومحبتك وشوقته الى لقائك و
رضيته بقضائك ومنحته بالنظر الى وجهك وحبوته برضاك
واعذته من هجرك وقلاك وبوأته مقعد صدق في جوارك
وخصصته بمعرفتك واهلته بعبادتك وهيمت قلبه لإرادتك
واجتبيته لمشاهدتك واخليت وجهه لك وفرغت فؤاده
لحبك ورغبته فيما عندك والهمته ذكرك واوزعته شكرك
وشغلته بطاعتك وصيرته من صالحي بريتك واخترته لمناجاتك
وقطعت عنه كل شيء يقطعه عنك اللهم اجعلنا ممن دأبهم الارتياح

اليك والحنين ودهرهم الزفرة والانين جباههم ساجدة لعظمتك
ودموعهم سائلة من خشيتك وقلوبهم متعلقة بمحبتك وافئدتهم
منخلعة من مهابتك يا من انوار قدسه لابصار محبيه رائقة
وسبحات وجهه لقلوب عارفيه شائقة يا منى قلوب المشتاقين
ويا غاية امال المحبين اسألك حبك وحب من يحبك وحب كل عمل يوصلني
الى قربك وان تجعلك احب الي مما سواك وان تجعل حبي
اياك قائدا الى رضوانك وشوقي اليك ذائدا عن عصيانك
وامنن بالنظر اليك علي وانظر بعين الود والعطف الي ولا
تصرف عني وجهك واجعلني من اهل الاسعاد والحظوة عندك
يا مجيب يا ارحم الراحمين

المناجات العاشرة للمتوسلين

الهي ليس لي وسيلة اليك الا عواطف رأفتك ولا لي ذريعة لديك الا عوارف

رحمتك وشفاعة نبيك نبي الرحمة ومنقذ الامة من الغمة فاجعلهما
لي سببا الى نيل غفرانك وصيرهما لي وصلة الى الفوز برضوانك
وقد حل رجائي بحرم كرمك وحط طمعي بفناء جودك فحقق فيك
املي واختم بالخير عملي واجعلني من صفوتك الذين احللتهم بحبوحة
جنتك وبوأتهم دار كرامتك واقررت اعينهم بالنظر اليك يوم
لقائك واورثتهم منازل الصدق في جوارك يا من لا يفد
الوافدون على اكرم منه ولا يجد القاصدون ارحم منه يا خير
من خلا به وحيد ويا اعطف من اوى اليه طريد الى سعة عفوك
مددت يدي وبذيل كرمك اعلقت كفي فلا تولني الحرمان ولا
تبتلني بالخيبة والخسران يا سميع الدعاء

المناجات الحادي عشر للمفتقرين

الهي كسري لا يجبره الا لطفك وحنانك وفقري لا يغنيه الا

عطفك واحسانك وروعتي لا يسكنها الا امانك وذلتي
لا يعزها الا سلطانك وامنيتي لا يبلغنيها الا فضلك وخلتي لا
يسدها الا طولك وحاجتي اليك لا يقضيها غيرك وكربي لا يفرجه
سوى رحمتك وضري لا يكشفه غير رافتك وغلتي لا يبردها
الا وصلك ولوعتي لا يطفيها الا لقاؤك وشوقي اليك لا يبله
الا النظر الى وجهك وقراري لا يقر دون دنوي منك ولهفتي
لا يردها الا روحك وسقمي لا يشفيه الا طبك وغمي لا يزيله
الا قربك وجرحي لا يبرئه الا صفحك ورين قلبي لا يجلوه الا
عفوك ووسواس صدري لا يزيحه الا امرك فيا منتهى امل الآملين
ويا غاية سؤل السائلين ويا اقصى طلبة الطالبين ويا اعلى رغبة
الراغبين ويا ولي الصالحين ويا امان الخائفين ويا مجيب المضطرين

ويا ذخر المعدمين ويا كنز البائسين ويا غياث المستغيثين ويا قاضي
حوائج الفقراء والمساكين ويا اكرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين لك
تخضعي وسؤالي واليك تضرعي وابتهالي اسئلك ان تنيلني من روح
رضوانك وتديم علي نعم امتنانك وها انا بباب كرمك واقف ولنفحات
برك متعرض وبحبلك الشديد معتصم وبعروتك الوثقى متمسك
الهي ارحم عبدك الذليل ذا اللسان الكليل والعمل القليل وامنن
عليه بطولك الجزيل واكنفه تحت ظلك الظليل يا كريم يا جميل يا
ارحم الراحمين المناجات الثانية عشر للعارفين الهي قصرت الالسن عن
بلوغ ثنائك كما يليق بجلالك وعجزت العقول عن ادراك كنه جمالك
وانحسرت الابصار دون النظر الى سبحات وجهك ولم تجعل للخلق
طريقا الى معرفتك الا بالعجز عن معرفتك الهي فاجعلنا من الذين

وعلى معرفتك جمعت العقول المتباينة فلا تطمئن القلوب الا بذكرك
ولا تسكن النفوس الا عند رؤياك انت المسبح في كل مكان والمعبود
في كل زمان والموجود في كل اوان والمدعو بكل لسان والمعظم في كل
جنان واستغفرك من كل لذة بغير ذكرك ومن كل راحة بغير انسك
ومن كل سرور بغير قربك ومن كل شغل بغير طاعتك الهي انت قلت
وقولك الحق يا ايها الذين آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا وسبحوه بكرة
واصيلا وقلت وقولك الحق فاذكروني اذكركم فامرتنا بذكرك ووعدتنا
عليه ان تذكرنا تشريفا لنا وتفخيما واعظاما وها نحن ذاكروك كما امرتنا
فاستجب لنا كما وعدتنا يا اذكر الذاكرين ويا ارحم الراحمين المناجات
الرابعة عشر للمعتصمين اللهم يا ملاذ اللائذين ويا معاذ العائذين
ويا منجي الهالكين ويا عاصم البائسين ويا راحم المساكين ويا

مجيب المضطرين ويا كنز المفتقرين ويا جابر المنكسرين ويا مأوى
المنقطعين ويا ناصر المستضعفين ويا مجير الخائفين ويا مغيث المكروبين
ويا حصن اللاجين ان لم اعذ بعزتك فبمن اعوذ وان لم الذ بقدرتك
فبمن الوذ وقد الجأتني الذنوب الى التشبث باذيال عفوك واحوجتني
الخطايا الى استفتاح ابواب صفحك ودعتني الاساءة الى الاناخة
بفناء عزك وحملتني المخافة من نقمتك الى التمسك بعروة عطفك
وما حق من اعتصم بحبلك ان يخذل ولا يليق بمن استجار بعزك ان
يسلم او يهمل الهي فلا تخلنا من حمايتك ولا تعرنا من رعايتك وذدنا
عن موارد الهلكة فانا بعينك وفي كنفك ولك اسئلك
اهل خاصتك من ملائكتك والصالحين من بريتك ان تجعل علينا
واقية تنجينا من الهلكات وتجنبنا من الآفات وتكننا من دواهي المصيبات

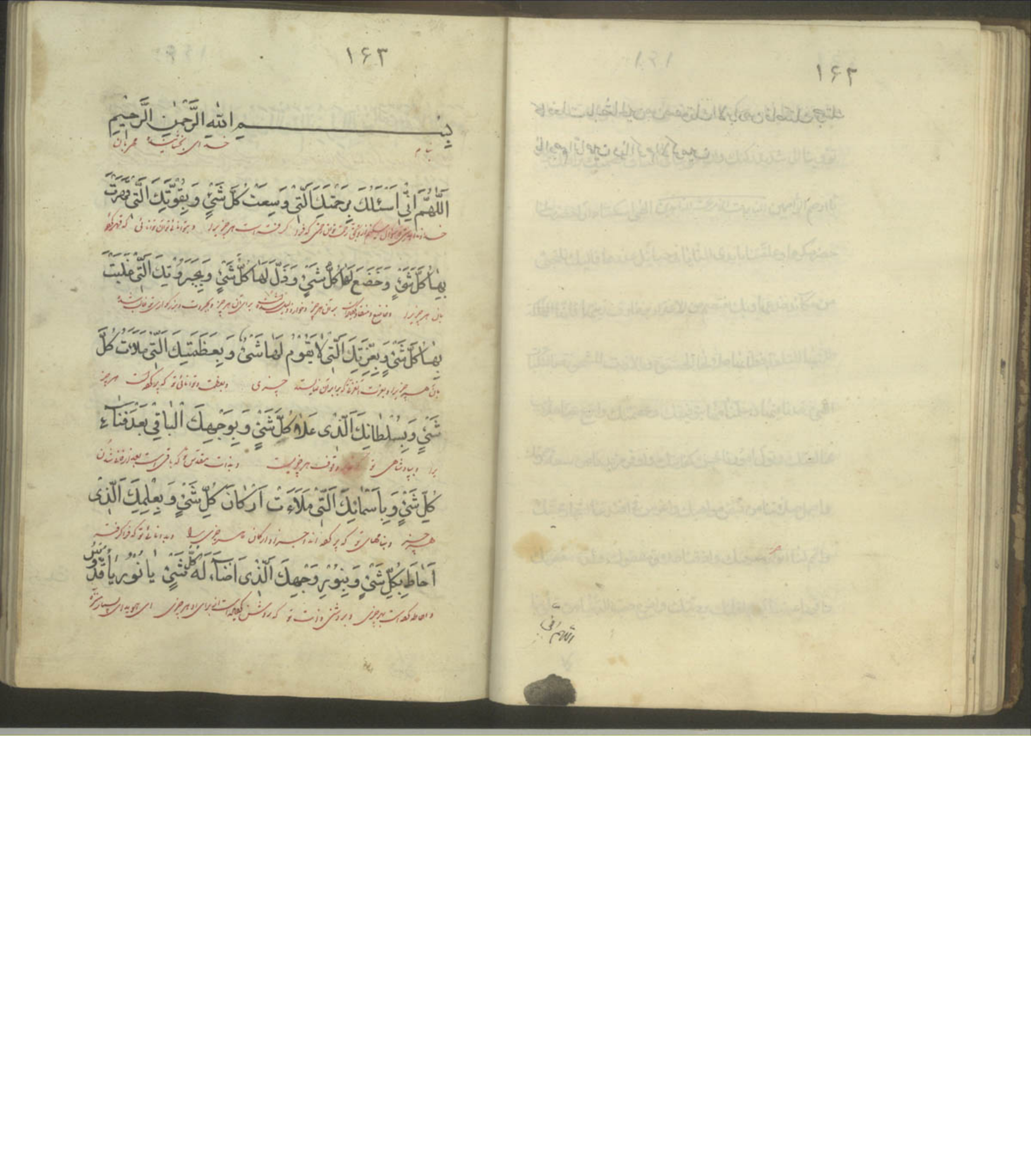
توشحت اشجار الشوق اليك في حدائق صدورهم واخذت لوعة محبتك
بمجامع قلوبهم فهم الى اوكار الافكار ياوون وفي رياض القرب والمكاشفة
يرتعون ومن حياض المحبة بكاس الملاطفة يكرعون وشرايع المصافات
يردون قد كشف الغطاء عن ابصارهم وانجلت ظلمة الريب عن عقايدهم
من في ضمائرهم وانتفت مخالجة الشك عن قلوبهم وسرائرهم وانشرحت
بتحقيق المعرفة صدورهم وعلت لسبق السعادة في الزهادة هممهم وعذب
في معين المعاملة شربهم وطاب في مجلس الانس سرهم وامن في مواطن
المخافة سربهم واطمانت بالرجوع الى رب الارباب انفسهم وتيقنت
بالفوز والفلاح ارواحهم وقرت بالنظر الى محبوبهم اعينهم واستقر
بادراك السؤل ونيل المامول قرارهم وربحت في بيع الدنيا بالاخرة
تجارتهم الهي ما الذ خواطر الالهام بذكرك على القلوب وما احلى المسير اليك

بالا

بالاوهام في مسالك الغيوب وما اطيب طعم حبك وما اعذب
شرب قربك فاعذنا من طردك وابعادك واجعلنا من اخص
عارفيك واصلح عبادك واصدق طائعيك واخلص عبادك
يا عظيم يا جليل يا كريم يا منيل برحمتك يا ارحم الراحمين المناجات الرابعة
عشر للذاكرين الهي لولا الواجب من قبول امرك لنزهتك من ذكري اياك
على ان ذكري لك بقدري لا بقدرك وما عسى ان يبلغ مقداري
حتى اجعل محلا لتقديسك ومن اعظم النعم علينا جريان ذكرك
على السنتنا واذنك لنا بدعائك وتنزيهك وتسبيحك الهي فالهمنا
ذكرك في الخلاء والملاء والليل والنهار والاعلان والاسرار وفي
السراء والضراء وآنسنا بالذكر الخفي واستعملنا بالعمل الزكي والسعي
المرضي وجازنا بالميزان الوفي الهي بك هامت القلوب الوالهة

وان تنزل علينا من سكينتك وان تغشي وجوهنا بانوار محبتك وان
تؤوينا الى شديد ركنك وان تحوينا في اكناف عصمتك برافتك ورحمتك
يا ارحم الراحمين المناجات الثالثة عشر للزاهدين الهي اسكنتنا دارا حفرت لنا
حفر مكرها وعلقتنا بايدي المنايا في حبائل غدرها فاليك نلتجي
من مكائد خدعها وبك نعتصم من الاغترار بزخارف زينتها فانها المهلكة
طلابها المتلفة حلالها المحشوة بالآفات المشحونة بالنكبات
الهي فزهدنا فيها وسلمنا منها بتوفيقك وعصمتك وانزع عنا جلابيب
مخالفتك وتول امورنا بحسن كفايتك واوفر مزيدنا من سعة رحمتك
واجمل صلاتنا من فيض مواهبك واغرس في افئدتنا اشجار محبتك
واتمم لنا انوار معرفتك واذقنا حلاوة عفوك ولذة مغفرتك
واقرر اعيننا يوم لقائك برؤيتك واخرج حب الدنيا من قلوبنا

كما فعلت بالصالحين من صفوتك والابرار من خاصتك برحمتك
يا ارحم الراحمين ويا اكرم الاكرمين



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي قهرت

بها كل شيء وخضع لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت

بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل

شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء

كل شيء وباسمائك التي ملأت اركان كل شيء وبعلمك الذي

احاط بكل شيء وبنور وجهك الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس

يا اوّل الاوّلين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم
اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب
التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي
الذنوب التي تقطع الرجاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء
اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها اللهم
اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك واسألك
بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك

ذكرك

ذكرك اللهم اني اسألك سؤال خاضع متذلل خاشع ان
تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي
جميع الاحوال متواضعا اللهم واسألك سؤال من
اشتدت فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم
فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك
وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك
ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي

الهي وربي من لي غيرك اسأله كشف ضري والنظر في
امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى
نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى
واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك
بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي
في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك
والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري فيه

تقصيري واسرافي

تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا
مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني
ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك
اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم
شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني
ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدا خلقي وذكري وتربيتي
وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي

غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا

غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت

بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم

مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء

اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من

ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي و

افرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي

وحبسني

وحبسني عن نفعي بعد امالي وخدعتني الدنيا بغرورها

ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان

لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي

ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما

عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي

وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك

لي في الاحوال كلها رؤفا وعلي في جميع الاحوال عطوفا

الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك

وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني

من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي

ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع

من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من اويته او تسلم

الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي

والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة

وعلى السن

وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة و

على قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت

من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى

اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة

ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب

وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها و

ما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء

ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي

و مكروهيست كه اندك است ماندن او كم است بقاء آن كوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من

لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول

جهت بلاء آخرت و بزرگ واقع شدن ناخوشيها كه در آن مى باشد و حال آنكه آن بلائيست

مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا

كه دراز است مدت آن و دايم است اقامت آن و سبك نميشود از اهل آن زيرا كه آن

يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك

نميباشد مگر از غضب تو و انتقام كشيدن تو و خشم تو و چنين امر

وهذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف

نميتوان در مقابل آن ايستاد و تاب آن آورد آسمانها و زمين اى آقاى من پس چگونه باشد

بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين

اورا من و حال آنكه من بنده ناتوان و خوار و بى مقدار و شكسته دل و بيچاره تو ام

يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي الامور اليك اشكوا

اى خداى من و پروردگار من و آقاى من و مولاى من براى كدام يك از امور بسوى تو شكايت كنم

ولما منها

ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته

و براى كدام يك گريه و زارى كنم آيا براى عذاب دردناك و سختى آن يا براى درازى بلا و مدت آن

فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك وجمعت بيني وبين

پس اگر بگردانى مرا در عقوبتها با دشمنان خود و جمع كنى مرا و ميان

اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك فهبني

اهل بلاى خود و جدائى افكنى ميان من و ميان دوستان خود و اولياى خود پس گرفتم

يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف اصبر

اى خداى من و آقاى من و صاحب اختيار من و پروردگار من كه صبر كردم بر عذاب تو پس چگونه صبر كنم

على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن النظر الى

بر مفارقت تو و گرفتم كه صبر كردم بر گرمى آتش تو پس چگونه صبر كنم از نظر بسوى

كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي

كرامت تو يا چگونه قرار گيرم در آتش و حال آنكه اميد من بود عفو تو پس بعزت تو اى آقاى من

اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك بين اهلها

قسم ميخورم براستى كه اگر مرا واگذارى سخن گو هر آينه خروش برآورم بسوى تو ميان اهل جهنم

ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين

خروش اميدواران و ناله كنم بسوى تو ناله استغاثه كنندگان و بگريم بر دورى

عليك بكاء الفاقدين ولانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين

از رحمت تو مانند گريستن آنها كه چيزى خود را گم كرده باشند و البته فرياد برآورم كه كجائى تو اى دوست مؤمنان

يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب

اى نهايت آرزوهاى عارفان اى فريادرس يارى جويان اى دوست دلهاى

الصادقين ويا اله العالمين افتراك سبحانك يا الهي وبحمدك

راست گويان و اى خداوند عالميان آيا يافته ميشوى تو و من تسبيح ميكنم تو را اى خداى من و بحمد تو

تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم

مشغولم كه بشنوى در جهنم صداى بنده مسلمانى را كه زندانى كرده باشند او را در آن بسبب مخالفت او و چشيده باشد

عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو

مزه عذاب آنرا بنافرمانى خود و بند كرده باشند او را ميان طبقات جهنم بجرم او و جنايت او و او خروش

يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك

كند بسوى تو خروش كسى كه اميدوار رحمت تو باشد و ندا كند تو را بزبان اهل توحيد تو

ويتوسل

ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب

و توسل جويد بسوى تو به پروردگارى تو اى آقاى من پس چگونه باقى ماند در عذاب

وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك ام كيف

و حال آنكه اميد دارد آنچه را گذشته است از حلم تو و مهربانى تو و رحم كردن يا چگونه

تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه

بدرد آورد او را آتش و او اميد دارد فضل تو را و رحمت تو را يا چگونه بسوزد او را

لهبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه

آتش او تو شنوى صداى او را و بينى مكان او را يا چگونه مشتمل شود بر او

زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتغلغل بين اطباقها

بانگ صداى جهنم و تو دانى ناتوانى او را يا چگونه مضطرب باشد ميان طبقات جهنم

وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك

و تو دانى راستى گفتار او را يا چگونه زجر كنند او را زبانيه جهنم و او ندا كند تو را

يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها

كه پروردگار من يا چگونه اميد دارد فضل تو را در آزاد كردن او از جهنم ظاهر كذارد او را در آن

هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا

و نیست این چنین گمان بتو و نشناخته شده است از فضل تو و نه

مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك فباليقين

شبیه است بآنچه معامله کردی بآن یگانه پرستان را از نیکی تو و احسان تو پس بیقین قطع

اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به

میکنم اگر نبود آنچه حکم کردی بآن از عذاب کردن منکران تو و حکم کردی بآن

من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما

از همیشه بودن دشمنان تو هر آینه میگردانیدی آتش را همه سرد و سلامت و نه

كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك

بود از برای احدی در آن قرار و نه جای اقامت لیکن تو پاکست نامهای تو

اقسمت ان تملأها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين

قسم یاد کردی که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و آدمیان همه

وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا

و آنکه همیشه بداری در جهنم معاندان را و تو که بزرگست ستایش تو گفتی ابتدا کننده

وتطولت بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا

و بخشش کردی به نعمت دادن کرم کننده پس آیا کسی که بوده مؤمن مانند کسی است که بوده فاسق

لا يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها

مساوی نیستند ای خدای من و آقای من پس سؤال میکنم از تو بقدرتی که مقدر کردی آنرا و بحکمی

وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها

که حتم کردی آنرا و محکم کردی آنرا و غالب شدی بر کسی که جاری کردی آنرا

ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته

آنکه ببخشی بمن در این شب و در این ساعت هر جرمی که کردم

وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته

و هر گناهی که کردم و هر کار بدی که پنهان کردم و هر نادانی که کردم پنهان کردم آنرا خواه

او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها

آشکار کردم آنرا پنهان کردم آنرا خواه ظاهر کردم آنرا و هر بدی که امر کردی بنوشتن آن

الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم

بزرگواران نویسندگان آنانکه گماشتی ایشان را بحفظ کردن آنچه صادر میشود از من و گردانیدی ایشان را

شهوداً عليّ مع جوارحي وكنتَ أنتَ الرقيب عليّ من ورائهم

گواهان بر من با جوارح من که بر من گواه خواسته بودی و مطلع بر من بعد از ایشان

والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته وبفضلك

و گواه بر آنچه پنهان است از ایشان و برحمت خود پنهان کردی و بفضل خود

سترته وأن توفّر حظّي من كلّ خير تنزله أو إحسان تفضله

پوشیدی و اینکه وافر گردانی بهره مرا از هر خیری که فرود آری آن را یا احسانی که تفضل نمائی

أو برّ تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب تغفره أو خطاء تستر

یا نیکوئی که پهن کنی آن را یا روزی که وسعت دهی آن را یا گناهی که بیامرزی آن را یا خطائی که بپوشانی آن را

يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا إلهي وسيّدي ومولاي ومالك رقّي

ای پروردگار من ای پروردگار من ای اله من و سید من و دوست من و مالک بندگی من

يا من بيده ناصيتي يا عليماً بضرّي ومسكنتي يا خبيراً بفقري

ای آنکسی که بدست اوست موی پیشانی من ای دانا به حال من و بیچارگی من ای مطلع بر فقر من

وفاقتي يا ربّ يا ربّ يا ربّ أسألك بحقّك وقدسك

و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو

وأعظم صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي في الليل والنهار بذكرك

و بزرگترین صفتهای تو و نامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد خود

معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي عندك مقبولة حتّى تكون أعمالي

آبادان و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده تا آنکه بوده باشد کارهای من

وأورادي كلّها ورداً واحداً وحالي في خدمتك سرمداً يا سيّدي

و وردهای من همگی یک ورد و حال من در خدمت تو پیوسته ای آقای من

يا من عليه معوّلي يا من إليه شكوت أحوالي يا ربّ يا ربّ يا ربّ

ای آنکسی که بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من

قوّ على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي

توانا گردان بر خدمت خود اعضای مرا و محکم ساز بر عزم دلهای مرا و ببخش مرا

الجدّ في خشيتك والدوام في الاتّصال بخدمتك حتّى أسرح إليك

در ترس و خوف خود و مداومت در متصل بودن در خدمت تو تا روان شوم بسوی تو

في ميادين السابقين وأسرع إليك في البادرين وأشتاق

در میدانهای پیشی گیرندگان و شتاب روم بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم

إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك دنو المخلصين وأخافك
بسوی قرب تو درمیان مشتاقان ونزدیک شوم بتو نزدیک شدن مخلصان وبترسم از تو
مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم
ترسیدن صاحب یقینان وگرد آیم درهمسایگی تو با مؤمنان خداوندا
ومن أرادني فأرده ومن كادني فكده واجعلني من أحسن
وهرکه اراده کند مرا ببدی اراده کن تو او را وهرکه مکر کند بمن پس تو برگردان مکر او را وبگردان مرا از بهترین
عبادك نصيبا عندك وأقربهم منزلة منك وأخصهم
بندگان خود در بهره نزد خود ونزدیک ترین ایشان در منزلت نسبت بتو وخاص ترین در
زلفة لديك فإنه لا ينال ذلك إلا بفضلك وجد لي بجودك واعطف
قرب تو پس بدرستی که نتوان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو وبخشش کن برای من بجود خود ومهربانی کن
علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي
برمن ببزرگواری خود ونگاه دار مرا برحمت خود وبگردان زبان مرا بیاد خود گویا ودل مرا
بحبك متيما ومن علي بحسن إجابتك وأقلني عثرتي واغفر لي
بدوستی خود بیتاب ومنت نه برمن بنیکو اجابت خود ودرگذر از لغزش من وبیامرز گناه مرا

زلتي

زلتي فإنك قضيت على عبادك بعبادتك وأمرتهم بدعائك وضمنت
پس بدرستی که حکم کردی بر بندگان خود به بندگی خود وامر کردی ایشان را بدعای خود وضامن شدی
لهم الإجابة فإليك يا رب نصبت وجهي وإليك يا رب مددت
برای ایشان مستجاب کردن دعا پس بسوی تو ای پروردگار بازداشته ام روی خود را وبسوی تو ای پروردگار کشیده ام دست
يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك
خود پس بعزت تو قسم مستجاب کن برای من دعای مرا وبرسان مرا بآرزوی من وقطع مکن از فضل خود امیدواری
رجائي واكفني شر الجن والإنس من أعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن
مرا وکفایت کن از من بدی جنیان وآدمیان از دشمنان ای زود خوشنود شونده بیامرز کسی را که
لا يملك إلا الدعاء فإنك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره
مالک نیست چیزی را مگر دعا پس بدرستی که تو کننده هرچه خواهی ای آنکه نام او دوا ویاد او
شفاء وطاعته غنى ارحم من رأس ماله الرجاء وسلاحه
شفاست وطاعت او توانگریست رحم کن کسی را که سرمایه اش امیدواریست وحربه اش
البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم
گریه است ای صاحب نعمت کامل ای دفع کننده عذابها ای روشنائی وحشت زدگان در تاریکیها

يا عالماً لا يعلم صلِّ على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله و

ای دانائی که نیاموخته از کسی درود رحمت بر محمد و آل محمد [illegible] و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی

صلّى الله على رسوله والائمة الميامين من آله وسلّم

و درود و فرستاد خدا بر رسول خود و بر پیشوایان صاحب یمن که آل او بند و سلام فرستاد و سلام بجهت

تسليماً كثيراً بسم الله الرحمن الرحيم

سبحانك لا اله الا انت يا حنّان يا منّان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر فليس بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك شيء انت العزيز الرحيم سبحانك لا اله الا انت يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاعظم الاعز الاجلّ الاكرم الذي اذا دعيت به على مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت واذا دعيت به على مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت واذا دعيت به على العسر لليسر تيسّرت واذا دعيت به على الاموات للنشور انتشرت واذا دعيت به على كشف البأساء والضرّاء انكشفت وبجلال وجهك الكريم

اكرم الوجوه واعزّ الوجوه الذي عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوّتك التي بها تمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنك وتمسك السموات والارض ان تزولا وبمشيّتك التي دان لها العالمون وبكلمتك التي خلقت بها السموات والارض وبحكمتك التي صنعت بها العجائب وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلاً وجعلت الليل سكناً وخلقت بها النور وجعلته نهاراً وجعلت النهار نشوراً مبصراً وخلقت بها الشمس وجعلت الشمس ضياءً وخلقت بها القمر وجعلت القمر نوراً وخلقت بها الكواكب وجعلتها نجوماً وبروجاً ومصابيح وزينة ورجوماً وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع ومجاري وجعلت لها فلكاً ومسابح وقدّرتها في السماء منازل فاحسنت تقديرها وصوّرتها فاحسنت تصويرها واحصيتها باسمائك احصاءً ودبّرتها بحكمتك تدبيراً فاحسنت تدبيرها وسخّرتها بسلطان الليل وسلطان النهار والساعات وعرّفت بها عدد السنين والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرأى واحداً فاسئلك اللهم بمجدك الذي كلّمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران عليه السلام

في المقدّسين فوق احساس الكروبيين فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة في عمود النار في طور سيناء وفي جبل حوريث في الواد المقدّس في البقعة المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع آيات بيّنات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل البحر وتمّت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده ومراكبه في اليمّ وباسمك العظيم الاعظم الاعظم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاكرم وبمجدك الذي تجلّيت به لموسى كليمك عليه السلام في طور سيناء ولابراهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد الخيف ولاسحق صفيّك عليه السلام في بئر شيع وليعقوب نبيّك عليه السلام في بيت ايل واوفيت لابراهيم خليلك عليه السلام بميثاقك ولاسحق عليه السلام بحلفك وليعقوب عليه السلام بشهادتك للمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران عليه السلام على قبّة الرمّان وباياتك التي وقعت وباياتك

التي وقعت على ارض مصر بمجد العزّة والغلبة بآيات عزيزة وبسلطان القوّة وبعزّة القدرة وبشأن الكلمة التامّة وبكلماتك التي تفضّلت بها على اهل السموات والارض واهل الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك التي اقمت بها العالمين وبنورك الذي قد خرّ من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك وعزّتك وجبروتك التي لم تستقلّها الارض وانخفضت لها السموات وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار وجرت لها الانهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق كلّها وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا آدم عليه السلام وذرّيّته بالرحمة واسئلك بكلمتك التي غلبت كلّ شيء وبنور وجهك الذي تجلّيت به للجبل فجعلته دكّاً وخرّ موسى صعقاً وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلّمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران عليه السلام وبطلعتك في ساعير

وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة الصافين وخشوع
الملائكة المسبحين وببركاتك التي باركت فيها على ابراهيم خليلك عليه السلام في
امة محمد صلواتك عليه وآله وباركت لاسحق صفيك في امة عيسى عليه السلام
وباركت ليعقوب اسرائيلك عليه السلام في امة موسى ع وباركت لحبيبك محمد
صلى الله عليه وآله في عترته وذريته عليهم السلام وامته اللهم وكما
غبنا عن ذلك ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا نسئلك اللهم
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تبارك على محمد وآل محمد وان ترحم على محمد وآل محمد
كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد
فعال لما تريد وانت على كل شيء قدير   يا الله يا حنان يا منان
يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين يا حي يا قيوم
اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء الذي التي
لا يعلم تفسيرها ولا تاويلها ولا ظاهرها ولا باطنها غيرك صل على محمد وآل
محمد وافعل بي   واغفر لي ما تقدم منها وما تاخر ووسع علي
من حلال رزقك واكفني جميع مهمات الدنيا والآخرة مونة انسان سوء

وقرين سوء وجار سوء وساعة سوء وسلطان سوء انك على ما تشاء قدير
وبكل شيء عليم آمين رب العالمين   اللهم بحق هذا الدعاء
وبحق هذه الاسماء التي لا يعلم تفسيرها ولا تاويلها ولا باطنها ولا ظاهرها
غيرك ان تصلي على محمد وآل محمد وان ترزقني خير الدنيا والآخرة   وافعل بي
ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله وانتقم لي من فلان ابن فلان واغفر لي ذنوبي ما تقدم
منها وما تاخر ولوالدي ولجميع المؤمنين والمؤمنات ووسع علي من حلال رزقك
واكفني مونة انسان سوء وجار سوء وسلطان سوء ويوم سوء وساعة سوء
وانتقم لي ممن يكيدني وممن يبغي علي ويريدني وباهلي واولادي واخواني و
جيراني وقراباتي من المؤمنين والمؤمنات ظلما انك على ما تشاء قدير وبكل شيء
عليم آمين رب العالمين   اللهم اني اسئلك بحق هذا الدعاء ان تصلي على محمد
وآل محمد ان تتفضل على فقراء المؤمنين والمؤمنات بالغنى والثروة وعلى مرضى المؤمنين
والمؤمنات بالشفاء والصحة وعلى احياء المؤمنين والمؤمنات باللطف والكرامة
وعلى اموات المؤمنين والمؤمنات بالمغفرة والرحمة وعلى مسافري المؤمنين والمؤمنات
بالرد الى اوطانهم سالمين غانمين برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا

يا من هو عنده حسن الثواب يا من هو عنده ام الكتاب
اللهم اني اسئلك باسمك يا حنان يا منان يا ديان يا برهان
يا سلطان يا رضوان يا غفران يا سبحان يا مستعان يا ذا المن
والبيان   يا من تواضع كل شيء لعظمته يا من استسلم
كل شيء لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته يا من خضع كل شيء
لهيبته يا من انقاد كل شيء من خشيته يا من تشققت الجبال
من مخافته يا من قامت السموات بامره يا من استقرت الار
ضون باذنه يا من يسبح الرعد بحمده يا من لا يعتدي على اهل
مملكته   يا غافر الخطايا يا كاشف البلايا يا منتهى
الرجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قا
ضي المنايا يا سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى
يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء
يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرضا يا ذا المن والعطاء يا ذا
الفضل والقضاء يا ذا العز والبقاء يا ذا الجود والسخاء يا
ذا الآلاء والنعماء   اللهم اني اسئلك باسمك يا مانع

يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع
يا واسع يا موسع   يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق
يا رازق كل مرزوق يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب
يا فارج كل مهموم يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا
ساتر كل معيوب يا ملجا كل مطرود   يا عدتي عند شدتي
يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي
عند غربتي يا وليي عند نعمتي يا غياثي عند كربتي يا دليلي
عند حيرتي يا غناي عند افتقاري يا ملجاي عند اضطراري
يا معيني عند مفزعي   يا علام الغيوب يا غفار الذنوب
يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب يا
طبيب القلوب يا منور القلوب يا انيس القلوب يا مفرج
الهموم يا منفس الغموم   اللهم اني اسئلك باسمك
يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل يا قبيل يا مديل
يا منيل يا مقيل يا محيل   يا دليل المتحيرين يا غياث
المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان

محمد خاتم النبيين وعترته الطاهرين وسلم تسليما كثيرا
يا عدتي عند كربتي ويا غياثي عند شدتي ويا وليي في نعمتي و
يا نجحي في حاجتي ويا مفزعي في ورطتي ويا منقذي من هلكتي ويا كالئي في وحدتي
صل على محمد وآل محمد واغفر لي خطيئتي ويسر لي امري واجمع لي شملي وانجح لي
طلبتي واصلح لي شأني واكفني ما اهمني واجعل لي من امري فرجا ومخرجا ولا
تفرق بيني وبين العافية ابدا ما ابقيتني وعند وفاتي اذا توفيتني يا ارحم
الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد وآل محمد يا رب العالمين بسم الله الرحمن الرحيم
اسطوليش هيا طلش هيا جاجوش احضروهم
بحق من تجلى للجبل فجعله دكا وخر موسى
صعقا بحق هذه الاسماء الا ما ظهرت
للناظر انت واعوانك واصحابك بارك فيك
وعليك

هذا الدعا جوشن كبير صد
فصل است فصل اول

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسئلك باسمك يا الله يا رحمن يا رحيم يا كريم يا مقيم
يا عظيم يا قديم يا عليم يا حليم يا حكيم سبحانك يا لا اله الا
انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب
يا سيد السادات يا مجيب الدعوات يا رافع الدرجات
يا ولي الحسنات يا غافر الخطيئات يا معطي المسئلات يا
قابل التوبات يا سامع الاصوات يا عالم الخفيات
يا خير الغافرين يا خير الفاتحين يا خير الحاكمين يا خير الناصرين
يا خير الرازقين يا خير الوارثين يا خير الحامدين يا خير الذاكرين
يا خير المنزلين يا خير المحسنين   يا من له العزة والجمال
يا من له القدرة والكمال يا من له الملك والجلال يا من هو
الكبير المتعال يا منشئ السحاب الثقال يا من هو شديد
المحال يا من هو سريع الحساب يا من هو شديد العقاب

الخائفين يا عون المؤمنين يا راحم المساكين يا ملجأ العاصين
يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة المضطرين   يا ذا الجود والا
حسان يا ذا الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا
القدس والسبحان يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرحمة والرضوان
يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرأفة
والمستعان يا ذا العفو والغفران   يا من هو رب
كل شيء يا من هو اله كل شيء يا من هو خالق كل شيء يا من
هو صانع كل شيء يا من هو قبل كل شيء يا من هو بعد
كل شيء يا من هو فوق كل شيء يا من هو عالم بكل شيء
يا من هو يبقى ويفنى كل شيء يا من هو قادر على كل
شيء   اللهم اني اسئلك باسمك يا مؤمن يا مهيمن
يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين يا
معلن يا مقسم   يا من هو في ملكه مقيم يا من
هو في سلطانه قديم يا من هو في جلاله عظيم يا من هو
في عباده رحيم يا من هو بكل شيء عليم يا من هو بمن
عصاه

عصاه حليم يا من هو في صنعه حكيم يا من هو في حكمته
لطيف يا من هو في لطفه قديم يا من لا يرجى الا فضله يا من
لا يسئل الا عفوه يا من لا ينظر الا بره يا من لا يخاف الا
عدله يا من لا يدوم الا ملكه يا من لا سلطان الا سلطانه
يا من وسعت كل شيء رحمته يا من سبقت رحمته غضبه
يا من احاط بكل شيء علمه يا من ليس احد مثله   يا فا
رج الهم يا كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق
الخلق يا صادق الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق
الحب يا رازق الانام   اللهم اني اسئلك باسمك
يا علي يا وفي يا غني يا ملي يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي
يا قوي يا ولي   يا من اظهر الجميل يا من ستر القبيح
يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك الستر يا عظيم العفو
يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة
يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى   يا ذا النعمة
السابغة يا ذا الرحمة الواسعة يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة

البالغة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة يا ذا الكرامة
الظاهرة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة
يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات يا
مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الا
يات يا مضعف الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات
اللهم اني اسئلك باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر
يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر يا مقدم يا مؤخر
يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب البلد
الحرام يا رب الركن والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب الحل والحرام
يا رب النور والظلام يا رب التحية والسلام يا رب القدرة
في الانام   يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين
يا اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين يا احسن الخالقين
يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين
يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين   يا عماد من
لا عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا

حرز له

حرز له يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز
من لا عز له يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس
له يا امان من لا امان له   اللهم اني اسئلك باسمك
يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم يا قاسم
يا قابض يا باسط   يا عاصم من استعصمه يا راحم
من استرحمه يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره يا حافظ
من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده
يا صريخ من استصرخه يا معين من استعانه يا مغيث
من استغاثه   يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام
يا قيوما لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا
لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا صمدا لا يطعم
يا قويا لا يضعف   اللهم اني اسئلك باسمك
يا احد يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد
يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع   يا اعظم
من كل عظيم يا اكرم من كل كريم يا ارحم من كل رحيم يا

يا اعلم من كل عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم
يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل من كل
جليل يا اعز من كل عزيز   يا كريم الصفح يا عظيم المن
يا كثير الخير يا قديم الفضل يا دائم اللطف يا لطيف الصنع
يا منفس الكرب يا كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق
يا من هو في عهده وفي يا من هو في وفائه قوي
يا من هو في قوته علي يا من هو في علوه قريب يا من هو
في قربه لطيف يا من هو في لطفه شريف يا من هو في
شرفه عزيز يا من هو في عزه عظيم يا من هو في عظمته
مجيد يا من هو في مجده حميد   اللهم اني اسئلك باسمك
يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا هادي يا داعي يا قاضي
يا راضي يا عالي يا باقي   يا من كل شيء خاضع له يا من
كل شيء خاشع له يا من كل شيء كائن له يا من كل شيء
موجود به يا من كل شيء منيب اليه يا من كل شيء خائف
منه يا من كل شيء قائم به يا من كل شيء صائر اليه

يا من

يا من كل شيء يسبح بحمده يا من كل شيء هالك الا وجهه
يا من لا مفر الا اليه يا من لا مفزع الا اليه يا من لا
مقصد الا اليه يا من لا منجى منه الا اليه يا من لا يرغب
الا اليه يا من لا حول ولا قوة الا بالله يا من لا يستعان
الا به يا من لا يتوكل الا عليه يا من لا يرجى الا هو يا من
لا يعبد الا اياه   يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين
يا خير المطلوبين يا خير المسئولين يا خير المقصودين يا خير
المذكورين يا خير المشكورين يا خير المحبوبين يا خير المدعوين
يا خير المستأنسين   اللهم اني اسئلك باسمك
يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر يا
ذاكر يا ناظر يا ناصر   يا من خلق فسوى يا من قدر
فهدى يا من يكشف البلوى يا من يسمع النجوى يا من ينقذ
الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي المرضى يا من اضحك
وابكى يا من امات واحيى يا من خلق الزوجين الذكر
والانثى   يا من في البر والبحر سبيله يا من في الآفاق

اياته يا من في الايات برهانه يا من في الممات قدرته
يا من في القبور عبرته يا من في القيمة ملكه يا من في الحساب
هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من
في النار عقابه   يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه
يفزع المذنبون يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب
الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس
المريدون يا من به يفتخر المحبون يا من في عفوه يطمع الخا
طئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل المتوكلون
اللهم اني اسئلك باسمك يا حبيب يا طبيب يا
قريب يا رقيب يا حسيب يا منيب يا مثيب يا مجيب
يا خبير يا بصير   يا اقرب من كل قريب يا احب من كل
حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من
كل شريف يا ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى
من كل غني يا اجود من كل جواد يا ارأف من كل رؤف
يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا

غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا
غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا
غير غائب يا قريبا غير بعيد   يا نور النور يا منور النور
يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نورا
قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل نور يا نورا
ليس كمثله نور   يا من عطاؤه شريف يا من فعله
لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله
حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه
عدل يا من ذكره حلو يا من فضله عميم   اللهم اني اسئلك
باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول
يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا مجمل   يا من يرى ولا يرى
يا من يخلق ولا يخلق يا من يسئل ولا يسئل يا من يطعم
ولا يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى
عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد   يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب

يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل
يا نعم الوكيل يا نعم المولى يا نعم النصير   يا سرور العا
رفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب التوابين
يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين
يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين
والآخرين   اللهم اني اسئلك باسمك يا ربنا يا الهنا
يا سيدنا يا مولينا يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا معيننا
يا حبيبنا يا طبيبنا   يا رب النبيين والابرار يا رب
الصديقين والاخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغار
والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار والاشجار
يا رب الصحاري والقفار يا رب البراري والبحار يا رب
الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار   يا من نفذ
في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت الى
كل شيء قدرته يا من لا تحصي العباد نعمه يا من لا تبلغ
الخلائق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا

تنال الاوهام كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه يا
من لا ترد العباد قضاؤه يا من لا ملك الا ملكه يا من
لا عطاء الا عطاؤه   يا من له المثل الاعلى يا من له
الصفات العليا يا من له الآخرة والاولى يا من له الجنة
المأوى يا من له الآيات الكبرى يا من له الاسماء الحسنى يا من
له الحكم والقضاء يا من له الهواء والفضاء يا من له العرش
والثرى يا من له السموات العلى   اللهم اني اسئلك باسمك
يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور يا رؤف يا عطوف يا مسئول
يا ودود يا سبوح يا قدوس   يا من في السماء عظمته يا
من في الارض آياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار
عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من يبدء الخلق ثم يعيده
يا من يرجع الامر كله يا من اظهر في كل شيء لطفه يا من
احسن كل شيء خلقه يا من تصرف في الخلائق قدرته
يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب
من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق

لَهُ يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا دليل له يا أنيس
من لا أنيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب
له   يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي
من استكلاه يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه
يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي من
استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي من استولاه
اللهم إني أسألك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا
صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سا
مق   يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل الظلمات
والأنوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر
يا من قدر الخير والشر يا من خلق الموت والحيوة يا من
له الخلق والأمر يا من لم يتخذ ولدا يا من ليس له شريك
في الملك يا من لم يكن له ولي من الذل   يا من يعلم
مراد المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين يا من يسمع أنين
الواهنين يا من يرى بكاء الخائفين يا من يملك حوائج

السائلين

السائلين يا من يقبل عذر التائبين يا من لا يصلح أعمال
المفسدين يا من لا يضيع أجر المحسنين يا من لا يبعد عن
قلوب العارفين يا أجود الأجودين   يا دائم البقاء
يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر الخطاء يا بديع السماء
يا حسن البلاء يا جميل الثناء يا قديم السناء يا كثير الوفاء
يا شريف الجزاء   اللهم إني أسألك باسمك يا ستار
يا غفار يا قهار يا جبار يا ستار يا بار يا مختار يا فتاح
يا نفاح يا مرتاح   يا من خلقني وسواني يا من رزقني
وربّاني يا من أطعمني وسقاني يا من قربني وأدناني يا
من عصمني وكفاني يا من حفظني وكلاني يا من أعزني
وأغناني يا من وفقني وهداني يا من آنسني وآواني
يا من أماتني وأحياني   يا من يحق الحق بكلماته يا من
يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه
يا من لا تنفع الشفاعة إلا بإذنه يا من هو أعلم بمن
ضل عن سبيله يا من لا معقب لحكمه يا من لا راد لقضائه

يا من انقاد كل شيء لأمره يا من السموات مطويات بيمينه
يا من يرسل الريح بشرى بين يدي رحمته   يا من جعل
الأرض مهادا يا من جعل الجبال أوتادا يا من جعل الشمس
سراجا يا من جعل القمر نورا يا من جعل الليل لباسا يا من
جعل النهار معاشا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل ا
لسماء بناء يا من جعل الأشياء أزواجا يا من جعل النار
مرصادا   اللهم إني أسألك باسمك يا سميع يا شفيع
يا رفيع يا منيع يا سريع يا بديع يا كبير يا قدير يا خبير يا
مجير   يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد كل حي يا حي الذي
ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا
يحتاج إلى حي يا حي الذي يميت كل حي يا حي الذي يرزق
كل حي يا حيا لم يرث الحيوة من حي يا حي الذي يحيي الموتى
يا حي يا قيوم لا تأخذه سنة ولا نوم   يا من له ذكر
لا ينسى يا من له نور لا يطفى يا من له نعم لا تعد يا من له
ملك لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال لا يكيف

يا من

يا من له كمال لا يدرك يا من له قضاء لا يرد يا من له صفات
لا تبدل يا من له نعوت لا تغير   يا رب العالمين يا مالك
يوم الدين يا غاية الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك الها
ربين يا من يحب الصابرين يا من يحب التوابين يا من يحب
المتطهرين يا من يحب المحسنين يا من هو أعلم بالمهتدين
اللهم إني أسألك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ
يا محيط يا مقيت يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد
يا من هو أحد بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو
صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا
حيف يا من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذل يا من
هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو موصوف
بلا شبيه يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز
للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة
للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله
واضح للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه

تذكرة للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من
رحمته قريب للمحسنين   يا من تبارك اسمه يا من تعالى
جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه
يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء رداؤه
يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه   اللهم اني اسئلك
باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد
يا شهيد يا حميد يا مجيد يا شديد   يا ذا العرش المجيد
يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد
يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال
لما يريد يا من هو قريب غير بعيد يا من هو على كل شيء شهيد
يا من هو ليس بظلام للعبيد   يا من لا شريك له ولا
وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير
يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم
الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير
يا من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء قدير

يا ذا الجود

يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح
والقلم يا بارئ الذر والنسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب
والعجم يا كاشف الضر والالم يا عالم السر والهمم يا رب
البيت والحرم يا من خلق الاشياء والعدم   اللهم اني
اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل
يا فاضل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب   يا من
انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز
بقدرته يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه
يا من تجاوز بحلمه يا من دنى في علوه يا من علا في دنوه
يا من خلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي
من يشاء يا من يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء
يا من يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء
يا من يصور في الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من
يشاء   يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من جعل
لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة

رسلا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا
يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل لكل شيء امدا يا من
احاط بكل شيء علما يا من احصى كل شيء عددا   اللهم اني
اسئلك باسمك يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا بر يا حق يا فرد
يا وتر يا صمد يا سرمد   يا خير معروف عرف يا افضل معبود
عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر يا اعلى محمود حمد
يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكبر مقصود
قصد يا اكرم مسؤول سئل يا اشرف محبوب علم   يا حبيب
الباكين يا سيد المتوكلين يا هادي المضلين يا ولي المؤمنين
يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين يا منجي الصادقين يا
اقدر القادرين يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين
يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من
عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من لا تحويه الفكر يا من لا
يدركه بصر يا من لا يخفى عليه اثر يا رازق البشر يا مقدر
كل قدر   اللهم اني اسئلك باسمك يا حافظ يا بارئ

يا ذاري

يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا آمر
يا ناهي   يا من لا يعلم الغيب الا هو يا من لا يصرف السوء
الا هو يا من لا يخلق الخلق الا هو يا من لا يغفر الذنب الا هو
يا من لا يتم النعمة الا هو يا من لا يقلب القلب الا هو يا من
لا يدبر الامر الا هو يا من لا ينزل الغيث الا هو يا من لا يبسط
الرزق الا هو يا من لا يحيي الموتى الا هو   يا معين الضعفاء
يا صاحب الغرباء يا ناصر الاولياء يا قاهر الاعداء يا رافع السماء
يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء يا كنز الفقراء يا اله الاغنياء
يا اكرم الكرماء   يا كافي من كل شيء يا قائم على كل شيء
يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في ملكه شيء يا من لا يخفى
عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه شيء يا من ليس كمثله شيء
يا من لا يعزب عن علمه شيء يا من هو خبير بكل شيء يا من
وسعت رحمته كل شيء   اللهم اني اسئلك باسمك
يا مكرم يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا مقني يا مفني يا
محيي يا مرضي يا منجي   يا اول كل شيء وآخره يا اله

كل شيء ومليكه يا رب كل شيء وصانعه يا بارئ كل شيء
وخالقه يا قابض كل شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده
يا منشئ كل شيء ومقدره يا مكون كل شيء ومحوله يا محيي
كل شيء ومميته يا خالق كل شيء ووارثه   يا خير ذاكر
ومذكور يا خير شاكر ومشكور يا خير حامد ومحمود يا خير شا
هد ومشهود يا خير داع ومدعو يا خير مجيب ومجاب يا خير
مونس وانيس يا خير صاحب وجليس يا خير مقصود ومطلوب
يا خير حبيب ومحبوب   يا من هو لمن دعاه مجيب
يا من هو لمن اطاعه حبيب يا من هو الى من احبه قريب
يا من هو بمن استحفظه رقيب يا من هو بمن رجاه كريم
يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو في عظمته رحيم يا من
هو في حكمته عظيم يا من هو في احسانه قديم يا من هو
بمن اراده عليم   اللهم اني اسئلك باسمك يا مسبب
يا مرغب يا مقلب يا معقب يا مرتب يا مخوف يا محذر
يا مذكر يا مسخر يا مغير   يا من علمه سابق يا من وعده

صادق

صادق يا من لطفه ظاهر يا من امره غالب يا من كتابه
محكم يا من قضاؤه كائن يا من قرآنه مجيد يا من ملكه قديم
يا من فضله عميم يا من عرشه عظيم   يا من لا يشغله
سمع عن سمع يا من لا يمنعه فعل عن فعل يا من لا يلهيه قول
عن قول يا من لا يغلطه سؤال عن سؤال يا من لا يحجبه
شيء عن شيء يا من لا يبرمه الحاح الملحين يا من هو غاية
مراد المريدين يا من هو منتهى همم العارفين يا من هو منتهى
طلب الطالبين يا من لا يخفى عليه ذرة في العالمين
يا حليما لا يعجل يا جوادا لا يبخل يا صادقا لا يخلف يا وهابا
لا يمل يا قاهرا لا يغلب يا عظيما لا يوصف يا عدلا لا يحيف
يا غنيا لا يفتقر يا كبيرا لا يصغر يا حافظا لا يغفل سبحانك
يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب
بدانکه جوشن کبیر صد فصل است و هزار و یک اسم جناب اقدس الهی است
باید در هر فصل بگوید سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث
خلصنا من النار یا رب واقض حوائجنا بجاه محمد و آله الطاهرین

هذا الدعاء جوشن صغیر است

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي كم من عدو انتضى علي سيف عداوته وشحذ لي ظبة
مديته وارهف لي شبا حده وداف لي قواتل سمومه وسدد
نحوي صوائب سهامه ولم تنم عني عين حراسته واضمر
ان يسومني المكروه ويجرعني زعاف مرارته فنظرت يا الهي
الى ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي عن ملمات الجوائح وقصوري
عن الانتصار ممن قصدني بمحاربته ووحدتي في كثير من ناواني
وارصادهم لي فيما لم اعمل فيه فكري في ارصادهم بمثله
فايدتني بقوتك وشددت ازري بنصرك وفللت لي شبا
حده وخذلته بعد جمع عديده وحشده واعليت كعبي عليه
ووجهت ما سدده الي من مكائده اليه ورددته في نحره
ولم تشف غليله ولم تبرد حرارات غيظه وقد عض علي انا
مله وادبر موليا قد اخفقت سراياه فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد

واجعلني

واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين الهي
وكم من باغ بغاني بمكائده ونصب لي اشراك مصائده ووكل
بي تفقد رعايته واضبا الي اضباء السبع لطريدته انتظارا
لانتهاز فرصته وهو يظهر لي بشاشة الملق ويبسط لي وجها
غير طلق فلما رايت دغل سريرته وقبح ما انطوى عليه لشريكه
في ملته واصبح مجلبا في بغيه اركسته لام راسه واتيت بنيانه
من اساسه فصرعته في زبيته ورديته في مهوى حفيرته
وجعلت خده طبقا لتراب رجله وشغلته في بدنه ورزقه
ورميته بحجره وخنقته بوتره وذكيته بمشاقصه وكببته
لمنخره ورددت كيده في نحره واوبقته بندامته وفتتته
بحسرته فاستخذل واستخذى وتضاءل بعد نخوته وانقمع
بعد استطالته ذليلا ماسورا في ربق حبائله التي كان
يؤمل ان يراني فيها يوم سطوته وقد كدت يا رب لولا
رحمتك يحل بي ما حل بساحته فلك الحمد يا رب من مقتدر
لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني

لانعمك من الشاكرين ولا لآلائك من الذاكرين الهي وكم من ماء
شرق بجسده وشجي بغيظه وسلقني بحد لسانه ووحدني بموق
عينيه وجعل عرضي غرضا لمراميه وقلدني خلالا لم تزل فيه
فناديتك يا رب مستجيرا بك واثقا بسرعة اجابتك متوكلا
على ما لم ازل اعرفه من حسن دفاعك عالما انه لن يضطهد
من اوى الى ظل كنفك ولن تقرع القوارع من لجا الى
معقل الانتصار بك فحصنتني من باسه بقدرتك فلك الحمد
يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد
وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك من الذا
كرين الهي وكم من سحائب مكروه فجليتها وسماء نعمة امطرتها
وجداول كرامة اجريتها واعين احداث طمستها وناشئة
رحمة نشرتها وجنة عافية البستها وغوامر كربات كشفتها
وامور جارية قدرتها لم تعجزك اذ طلبتها ولم تمتنع عليك
اذ اردتها فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من

الشاكرين

من الشاكرين ولالائك من الذاكرين الهي وكم من ظن حسن
حققت ومن عدم املاق جبرت ومن مسكنة فادحة حولت
ومن صرعة مهلكة انعشت ومن مشقة ارحت لا تسئل
يا سيدي عما تفعل وهم يسئلون ولا ينقصك ما انفقت
ولقد سئلت فاعطيت ولم تسئل فابتدات واستميح
باب فضلك فما اكديت ابيت الا انعاما وامتنانا والا
تطولا يا رب واحسانا وابيت يا رب الا انتهاكا لحرماتك
واجتراء على معاصيك وتعديا لحدودك وغفلة عن وعيدك
وطاعة لعدوي وعدوك لم يمنعك يا الهي وناصري اخلالي
بالشكر عن اتمام احسانك ولا حجزني ذالك عن ارتكاب
مساخطك اللهم وهذا مقام عبد ذليل اعترف لك بالتوحيد
واقر على نفسه بالتقصير في اداء حقك وشهد لك بسبوغ
نعمتك عليه وجميل عاداتك عنده واحسانك اليه فهب لي
يا الهي وسيدي من فضلك ما اريده الى رحمتك واتخذه
سلما اعرج فيه الى مرضاتك وامن به من سخطك بعزتك

وطولك وبحق نبيك محمد والائمة صلوات الله عليه وعليهم
اجمعين فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا
يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولالائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح في
كرب الموت وحشرجة الصدر والنظر الى ما تقشعر منه الجلود
وتفزع اليه القلوب وانا في عافية من ذالك كله فلك
الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على
محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك من
الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح سقيما موجعا مدنفا
في انين وعويل يتقلب في غمه ولا يجد محيصا ولا يسيغ طعاما
ولا يستعذب شرابا ولا يستطيع ضرا ولا نفعا وهو في حسرة
وندامة وانا في صحة من البدن وسلامة من العيش كل
ذالك بفضلك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشا
كرين ولالائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح

خائفا

خائفا مرعوبا مسهدا مشفقا وجيدا وجلا هاربا طريدا او
منجحرا في مضيق ومخباة من المخابي قد ضاقت عليه الارض
برحبها ولا يجد حيلة ولا منجا ولا ماوى ولا مهربا وانا في
امن وطمانينة وعافية من ذالك كله فلك الحمد يا رب
من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال
محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين
الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح مغلولا مكبلا بالحديد
بايدي العداة لا يرحمونه فقيدا من اهله وولده منقطعا عن
اخوانه وبلده يتوقع كل ساعة باية قتلة يقتل وباي مثلة
يمثل به وانا في عافية من ذالك كله فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد
واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين الهي
وسيدي وكم من عبد امسى واصبح يقاسي الحرب ومباشرة
القتال بنفسه قد غشيته الاعداء من كل جانب بالسيوف
والرماح والة الحرب يتقعقع في الحديد مبلغ مجهوده ولا يعرف

حيلة ولا يجد مهربا قد اذنف بالجراحات او متشحطا بدمه
تحت السنابك والارجل يتمنى شربة من ماء او نظرة الى اهله
وولده ولا يقدر عليهما وانا في عافية من ذالك كله فلك
الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على
محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك من
الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح في ظلمات
البحار وعواصف الرياح والاهوال والامواج يتوقع الغرق و
الهلاك لا يقدر على حيلة او مبتلى بصاعقة او هدم او
غرق او شرق او حرق او خسف او مسخ او قذف وانا
في عافية من ذالك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب
وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من
الشاكرين ولالائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من
عبد امسى واصبح مسافرا شاخصا شاحطا عن اهله ووطنه
وولده متحيرا في المفاوز تائها مع الوحوش والبهائم و
الهوام وحيدا فريدا لا يعرف حيلة ولا يهتدي سبيلا

او متاذيا ببرد او حر او جوع او عطش او عري او غيره من
الشدائد مما انا منه خلو وانا في عافية من ذالك كله
فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل
على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك
من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح فقيرا
عائلا عاريا مملقا مخفقا مهجورا خائفا جائعا ظمآنا ينتظر من
يعود عليه بفضل او عبد وجيه هو اوجه مني عندك او
اشد عبادة لك مغلولا مقهورا قد حمل ثقلا من تعب
العناء وشدة العبودية وكلفة الرق وثقل الضريبة او
مبتلى ببلاء شديد لا قبل له به الا بمنك عليه وانا المخدوم
المنعم المعافى المكرم في عافية مما هو فلك الحمد يا رب
من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال
محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين
الهي ومولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح طريدا
شريدا حيرانا متحيرا جائعا خائفا خاسرا في الصحاري والبراري

قد احرقه الحر والبرد وهو في ضر من العيش وضنك من الحيوة
وذل من المقام ينظر الى نفسه حسرة لا يقدر لها على ضر
ولا نفع وانا خلو من ذالك كله بجودك وكرمك لك الحمد يا
فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا
يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولا
لالائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين الهي
مولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح عليلا مريضا سقيما
مدنفا على فراش العلة وفي لباسها يتقلب يمينا وشمالا لا
يعرف شيئا من لذة الطعام ولا من لذة الشراب ينظر الى نفسه
حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذالك كله بجودك
وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي
اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لك من العابدين
ولانعمك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا مالك الراحمين الهي مولاي وسيدي وكم من
عبد امسى واصبح قد دنا يومه من حتفه وقد احدق به ملك

الموت في اعوانه يعالج الموت وحياضه تدور الموت يمينا وشمالا
ينظر الى احبائه واودائه واخلائه قد منع من الكلام وحجب
عن الخطاب ينظر الى نفسه حسرة فلا يستطيع لها ضرا ولا نفعا
وانا خلو من ذالك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك
من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني
لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين
وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين الهي مولاي وسيدي وكم
من عبد امسى واصبح في مضائق الحبوس والسجون وكربها
وذلها وحديدها تتداوله اعوانها وزبانيتها فلا يدري اي
حال يفعل به واي مثلة يمثل به فهو في ضر من العيش و
ضنك من الحيوة ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا
نفعا وانا خلو من ذالك كله بجودك وكرمك فلا اله الا
انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل
على محمد وال محمد واجعلني لك من العابدين ولانعمك من
الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا مالك

الراحمين الهي مولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد
سمت عليه القضاء واحدق به البلاء وفارق اوداءه
واحباءه واخلاءه وامسى حقيرا اسيرا ذليلا في ايدي
الكفار والاعداء يتداولونه يمينا وشمالا قد حصل في المطامير
فثقل بالحديد لا يرى شيئا من ضياء الدنيا ولا من روحها
ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو
من ذالك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك
من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد
واجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولالا
ئك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي
وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد اشتاق الى الدنيا
للرغبة فيها ان خاطر بنفسه وماله حرصا منه عليها وقد
ركب الفلك وكسرت به فهو في افاق البحار وظلمها ينظر
الى نفسه حسرة ولا يقدر لها على ضر ولا نفع وانا خلو من
ذالك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك

من مقتدر

من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد
واجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولالائك
من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي وسيدي
وكم من عبد امسى واصبح قد استمر عليه القضاء واحدق
به البلاء والكفار والاعداء واخذته الرماح والسيوف
والسهام وجدل صريعا وقد شربت الارض من دمه واكلت
السباع والطير من لحمه وانا خلو من ذالك كله بجودك وكر
مك بلا استحقاق مني يا لا اله الا انت سبحانك من مقتدر
لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وال محمد واجعلني
لنعمائك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني برحمتك
يا ارحم الراحمين وعزتك يا كريم لاطلبن مما لديك ولالحن
عليك ولالجئن اليك ولامدن يدي نحوك مع جرمها اليك
فبمن اعوذ يا رب وبمن الوذ ولا احد لي الا انت افتردني
وانت معولي وعليك متكلي اسئلك باسمك الذي وضعته
على السماء فاستقلت وعلى الارض فاستقرت وعلى الجبال فرست

وعلى الليل فاظلم وعلى النهار فاستنار ان تصلي على محمد وال محمد
وان تقضي لي جميع حوائجي وتغفر لي ذنوبي كلها صغيرها وكبيرها
وتوسع علي من الرزق ما تبلغني به شرف الدنيا والاخرة يا ارحم
الراحمين مولاي بك استغثت فصل على محمد وال محمد واغثني
وبك استجرت فصل على محمد وال محمد واجرني واغنني بطاعتك
عن طاعة عبادك وبمسئلتك عن مسئلة خلقك وانقلني
من ذل الفقر الى عز الغنى ومن ذل المعاصي الى عز الطاعة
فقد فضلتني على كثير من خلقك جودا منك وكرما لا باستحقاق
مني الهي فلك الحمد على ذالك كله صل على محمد وال محمد
واجعلني لنعمائك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين
وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين ثم سجده عليه السلام وقال في سجدته
سجد وجهي الفاني البالي لوجهك الدائم الباقي سجد
وجهي الذليل لوجهك العزيز الجليل سجد وجهي الفقير
لوجهك الغني الكبير سجد وجهي وسمعي وبصري ولحمي
ودمي وجلدي وعظمي وما اقلت الارض مني لله رب العالمين

اللهم

اللهم عد على جهلي بعلمك وعلى فقري بغناك وعلى ذلي بعزك
وسلطانك يا كريم وعلى ضعفي بقوتك وعلى خوفي بامنك
وعلى ذنوبي وخطاياي بعفوك ورحمتك يا رحمن يا رحيم اللهم
اني بك في نحر فلان بن فلان واعوذ بك من شره فاكفنيه
بما كفيت به انبيائك واوليائك وصالحي من خلقك من فراعنة عبا
دك وطغاة خلقك وشر جميع خلقك برحمتك يا ارحم
الراحمين انك على كل شيء قدير — در كيفيت نماز شب است
چون نصف شب شود برخيزد و از بول و غايط خود را فارغ بكند و
ابتدا بمسواك كند و بعد از ان وضو بسازد وضوی كامل چنانكه
دعاها برای وضو مقرر فرموده اند و بعد از ان خود را خوش بو كند
پس بتحقيق كه روايت شده است از حضرت صادق ع كه فرمود كه
بود از برای پيغمبر ص مشكدانی هرگاه وضو ميساخت ميگرفت از ان بدست
خود و حال انكه تر بود و روايت شده است نيز از ان حضرت ع كه فرمود
كه دو ركعت كه بگذاری از ان بوی خوش كرده افضل است از هفتاد
ركعت كه بگذاری از ان بوی خوش نكرده و بدانكه بوی خوش كردن

سنت است از برای هر نمازی و هر دعایی و نیست مخصوص بنماز شب
و دعاهای آن پس هر گاه وضو ساختی و بوی خوش کردی پس
بنشین رو بقبله و بخوان دعای حضرت زین العابدین ع را
که میخواندند از الهی غارت نجوم سماواتک ونامت عیون انامک
وهدات اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك عليها ابوابها
وطاف عليها حراسها واحتجبوا عمن يسئلهم حاجة او
ينتجع منهم فائدة وانت الهي حي قيوم لا تاخذك سنة و
لا نوم ولا يشغلك شيء عن شيء ابواب سمائك لمن دعاك
مفتحات وخزائنك غير مغلقات وابواب رحمتك غير محجوبات

وفوائدك

وفوائدك لمن سالك غير محظورات بل هي مبذولات الهي انت
الكريم الذي لا ترد سائلا من المؤمنين سالك ولا تحتجب عن
احد منهم ارادك لا وعزتك وجلالك ولا تختزل حوائجهم
دونك ولا يقضيها احد غيرك اللهم وقد تراني ووقوفي
وذل مقامي بين يديك وتعلم سريرتي وتطلع على ما في قلبي و
ما يصلح به امر آخرتي ودنياي اللهم ان ذكر الموت واهوال
المطلع والوقوف بين يديك نغصني مطعمي ومشربي واغصني

بريقي واقلقني عن وسادي ومنعني رقادي كيف ينام من يخاف
ملك الموت في طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف ينام
العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل ولا بالنهار ويطلب روحه
بالبيات وفي آناء الساعات و بسجود میرفتند انحضرت و میچسبانیدند
کونه مبارك خود را بخاك و ميفرمودند
اسالك الروح والراحة عند الموت والعفو عني حين القاك

و میکذارند پیش از نماز شب دو رکعت که میخوانند و در رکعت اول ان
قل هو الله احد و در رکعت دویم قل یا ایها الکافرون بعد از ان بلند میکردند دستهای
مبارك خود را بتکبیر و دعا میکردند و تو هر کاه بکذاری این دو رکعت را بر
خوبست که بخوانی این دعا را که روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب امالی از

ابی دردا

ابی دردا که شنید از حضرت امیر المؤمنین ع که میخواندند این را در دل شب
الهي كم من موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتك وكم من جريرة
تكرمت عن كشفها بكرمك الهي ان طال في عصيانك عمري وعظم
في الصحف ذنبي فما انا مؤمل غير غفرانك ولا انا براج غير رضوانك
الهي افكر في عفوك فتهون علي خطيئتي ثم اذكر العظيم من اخذك
فتعظم علي بليتي آه ان انا قرات في الصحف سيئة انا ناسيها
وانت محصيها فتقول خذوه فيا له من ماخوذ لا تنجيه عشيرته
ولا تنفعه قبيلته آه من نار تنضج الاكباد والكلى آه من نار نزاعة

للشوی آه من غمرة من لهبات لظی پس گریه کن بعد از این دعا و بکن هر دعایی
که خواهی بعد از ان برخیز بنماز شب و
بتحقیق که اجماع کرده اند علمای ما بر اینکه اول وقت ان نصف شب است و اینکه
هرچند نزدیک بصبح صادق شود خواهد بود افضل پس اگر طلوع کند ان و گذارده
باشد چهار رکعت تمام کند باقی را سبک بحمد تنها بی سوره بقصد ادا و مشهور
این است که جایز است تقدیم ان بر نصف شب از برای کسی که عذری داشته
باشد لیکن قضای ان افضل است از تقدیم پس هرگاه شروع کنی در نماز
شب پس سزاوار است اللّهمّ انّی اتوجّه الیک بنبیّک نبیّ الرحمة
تو را که بگویی
وآله واقدّمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیهاً فی
الدّنیا والآخرة ومن المقرّبین اللّهمّ ارحمنی بهم ولا تعذّبنی
بهم واهدنی بهم ولا تضلّنی بهم وارزقنی بهم ولا

تحرمنی

تحرمنی بهم واقض لی حوائج الدّنیا والآخرة انّک علی کلّ شیءٍ
قدیرٌ وبکلّ شیءٍ علیمٌ بعد از ان ابتدا کن برکعت اوّل بهفت تکبیرات
با سر دعاهای انها افضل اینست که بخوانی
دران بعد از حمد سوره قل هو الله احد سی مرتبه و در رکعت دویم قل
یا ایّها الکافرون و در شش رکعت باقی سورهای دراز مثل سوره
انعام و کهف و انبیا و یس و حامیم ها و انچه مانند اینها باشد
در درازی و جایز است در نمازهای سنّتی خواندن سوره از
روی مصحف هرچند ان بر داشته باشی غیر ان سوره و امّا در نمازهای
واجبی پس جایز نیست ان مگر اینکه هیچ سوره حفظ نداشته باشی
و بعضی گفته اند در انها جایز است مطلقا مطلقا و این قول ضعیف
است و اگر تنگ باشد وقت تو از سورهای دراز کافی است تو را
حمد و قل هو الله احد در هر رکعتی و تر است اقتصار بر حمد تنها
مانند باقی نوافل و بدانکه بتحقیق اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه
قنوت چنانکه سنّت است در نمازهای واجب سنّت است در

هر رکعت دویمی از نوافل نیز روایت کرده است این را ثقة الاسلام
در کافی بسند صحیح از حضرت صادق ع و کافی است در قنوت اینکه بگویی
اللّهمّ اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنّا فی الدّنیا والآخرة انّک علی کلّ شیءٍ قدیر

چنانکه روایت کرده است ابن بابویه در کافی از انحضرت ع بسند حسن
و در حایت شده است کافی بودن سه تسبیح نیز در قنوت و سنّت است
بلند خواندن قنوت هرچند در نوافل روز باشد و سزاوار است طول دادن ان خصوصا
در نماز شب زیرا که وقت دران وسعت دارد و بتحقیق که روایت کرده است رئیس
المحدّثین در فقیه از پیغمبر ص که فرموده که هرکه از شما درازتر باشد
قنوت او در دار دنیا درازتر است راحتاً و روز قیامت و بتحقیق
که اورده است سیّد جلیل رضی الدّین علی ابن طاوس در کتاب مهج
الدّعوات پاره از قنوت هایی دران که قنوت میکرده اند بانها
ائمه ما سلام الله علیهم و نفرین میکرده اند در انها بر دشمنان
دین و باکی نیست که بخوانی قنوت را در نوافل از روی کتاب
و مانند ان و منع شده است از این در فرایض از دعاهای مختصر که

دیگر

لایق است اینکه خوانده شود در قنوت نوافل و فرایض ان است
که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام
الهی کیف ادعوک وقد عصیتک وکیف لا ادعوک وقد
عرفت حبّک فی قلبی وان کنت عاصیاً مددت الیک یداً
بالذّنوب مملوّةً وعیناً بالرّجاء ممدودةً مولای انت
عظیم العظماء وانا اسیر الاسراء انا الاسیر بذنبی المرتهن
بجرمی الهی لئن طالبتنی بذنبی لاطالبنّک بکرمک
ولئن طالبتنی بجریرتی لاطالبنّک بعفوک ولئن امرت بی
الی النّار لاخبرنّ اهلها انّی کنت اقول لا اله الا

اللّٰه محمّد رسول اللّٰه اللّٰهمّ انّ الطّاعة تسرّك والمعصية

لاتضرّك فهب لي مايسرّك واغفرلي ما لا يضرّك

يا ارحم الرّاحمين ـ برای تب لرز مجرب ست که هرکرا

تب عارض شود این صورت را نوشته برکاغذی درمیان هیون

چند دانه اسپند گذارده در آتش سوزانند ان اللّٰه رفع خواهد

به تجربه حقیر رسیده صورت اینست (٩٩٩٩٩٩٩٩٩٩)

دبار بجهه تب لرز که هرگاه عارض شود این سه اسم را به جا

نوشته برمریض دهد ان اللّٰه شفا میابد روز اول این اسم را نویسید

ناجیطا و روز دیگر باجحطط و روز سیم باجحیططا مجرب ست دایره

مرویست که روزی مردی بخدمت پیغمبر صلی اللّٰه علیه واله آمد وگفت

که سؤال چند دارم فرمود بپرس گفت میخواهم ازمن خدا شرمنده نشوند

فرمود مرگ را فراموش مکن گفت میخواهم که ازیاد حق سبحانه

وتعالی غافل نباشم فرمود که حالا به ذکر خداوند گفتن عادت بده

گفت میخواهم که ازهیچ آفریده نه ترسم فرمود که ازخدا بترس گفت میخواهم

که نزد خدای تو عزیز و محترم باشم فرمود که هیچ چیز از آفریده طمع مکن

گفت میخواهم که درحالت نزع کلمه شهادت بیادم آید فرمود که خوش خلق

وخوش حرف باش گفت میخواهم که دراز عمر باشم فرمود صدقه بسیار بده

گفت میخواهم خدا مرا دوست دارد فرمود قران بسیار بخوان واگر نداند

قران خوانان را دوست دار گفت میخواهم که ازهمه مردم بهتر باشم

فرمود که دست جود وکرم بگشا نسبت بهمه کس ودرمقام تواضع باش

گفت میخواهم که تازنده باشم محتاج بهیچ آفریده نباشم فرمود که شکر

را بسیار بگو وهرچه خواهی ازخدا بخواه گفت میخواهم که درآخرت خوش سیما

باشم فرمود که شب با وضو بخواب گفت میخواهم که در ارای جلال عزو

ومحترم باشم فرمود با نوانی مزاح ومحرّل مکو ودرمجلس سخن بسیار مگو

گفت میخواهم که جان کندن بر من آسان شود گفت دعوی بیماران را

بسیار عیادت کن گفت میخواهم که دراعدای قبر نباشد فرمود

کتن از دروغ تر از نجات پاک دار گفت میخواهم در دنیا و آخرت

رستگار باشم فرمود دروغ گفتن را عادت مکن فولاد و فعلاً

امین باش وخدارا حاضر دان درهمه جا ودرکارها لبی مکن والسلام بجهت قطع ازالعقد

بسم اللّٰه الرّحمن الرّحيم

ادقاش مرقاش قايش قاعش اسطاف

اسطفاف خطوف سعداس وفرداس اللّٰه

رب العزة يالخل سوج ادفع ستموح

ادو موحشنا القدمي الاذلي الابدي

ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات

ثم لم يتوبوا ... فلهم عذاب ... ولهم ... ولا انسى ... ناسوت

اگرکوئی چاہے کہ خبر پوچھی جنونسی ایک لڑکا لیوی نابالغ اور اوسکی

ہاتھہ میں بسم اللّٰہ کا مثلث لکھی اور اوسکی ہاتھی پر

یہ آیہ کو لکھی فکشفنا عنک غطائک فبصرک الیوم

حدید اور ایک انڈا لیوی مرغیکا بشرطیکہ اوسے دلکا دیا ہوا ہووی

اور اوس انڈی پر بسم اللّٰہ کا مثلث لکھی اور ایک جا دریا دوبنہ

یا کجہہ اور چیز اوس لڑکیکی سر پر اوڑہا دیوی لیکن جس وطاق بٹہلا وی

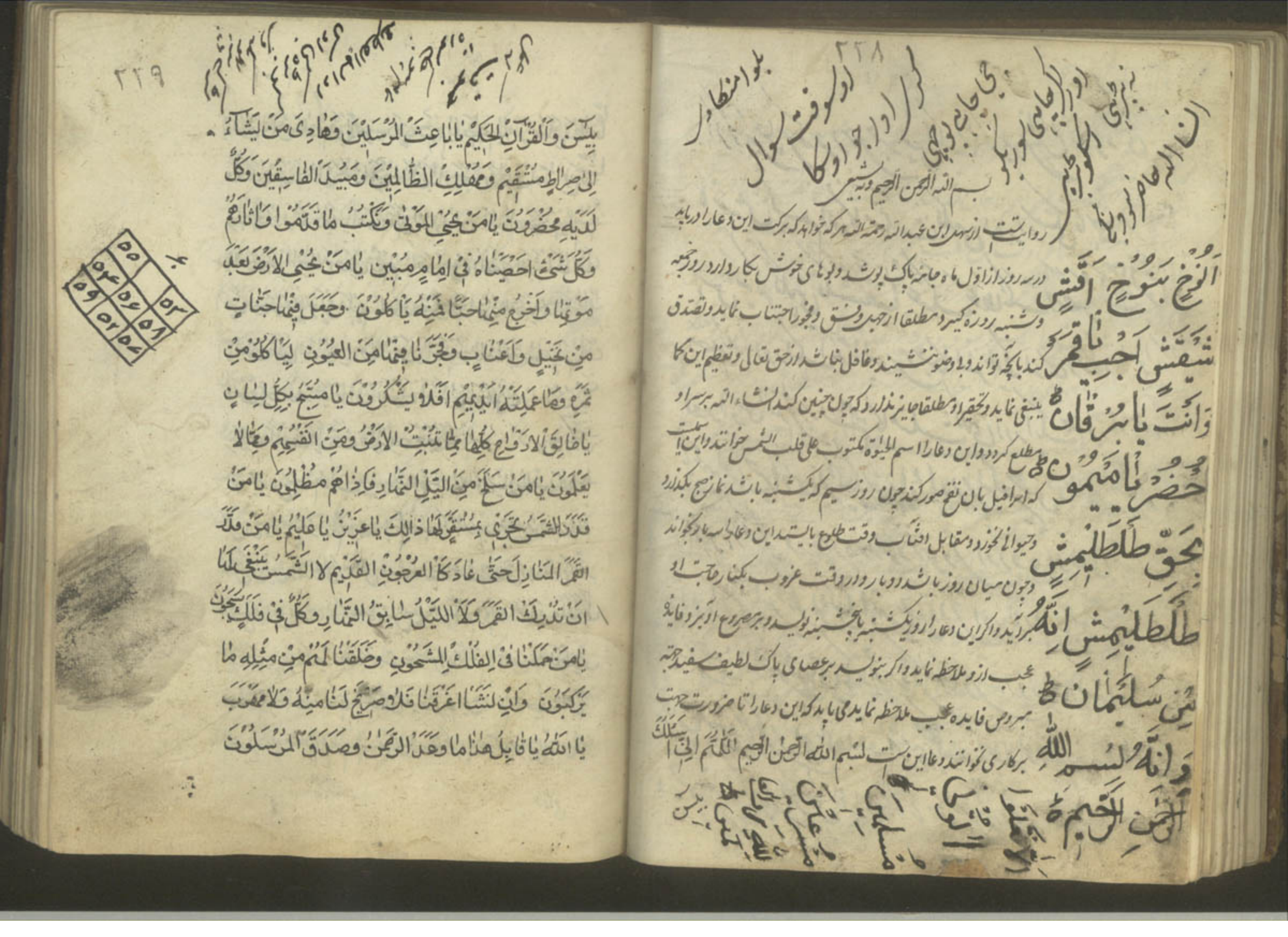
اوس لڑکیکو دروازہ روبرو نہووی اوردہ اوطاق جہت لہی رکھتا ہو

اور اوسی انڈیکو لڑکیکی ہاتھہ ملی دیوی اور لازم ہی جسوقت سی عمل شروع

کری جس بہ بعض لوبان کا دہونا کی جاوی اور اذا السماء انفطرت کو

پڑہنا شروع کری جو نہی دفعہ پڑہی بعد یا چار دفعہ وہ لڑکا دیکھی

اوسوقت کہوی فرش لا بادشاہ کے داسطے بچہا بعد اوسکی بادشاہ کو



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

روایتست از سهل ابن عبدالله رحمة الله هر که خواهد که برکت این دعا را دریابد

اَلُوخٌ بَنُوخٌ اَقَشٌ — در سه روز از اول ماه جامه پاک پوشد و بوهای خوش بکار دارد روز جمعه

و شنبه روزه گیرد و مطلقا از جهت و فسق و فجور اجتناب نماید و تصدق

شَقَشٌ اَجُبٌ یَاقَهْرُ — کند بانچه تواند و با وضو نشیند و غافل نباشد از حق تعالی و تعظیم این کا

وَانْتَ یَابُرْقَانُ — ینبغی نماید و تحقیر او مطلقا جایز ندارد که چون چنین کند انشاء الله بر سر او

حُضُرْ یَامَیْمُونُ — مطلع کرد و این دعا را اسم الحیوة مکتوب علی قلب الشمس خوانند و این آیت

که اسرافیل بان نفخ صور کند چون روز سیم که یکشنبه باشد نماز صبح بگذارد

بِحَقِّ طَلْطَلِیمِشْ — و حیوانی نخورد و مقابل آفتاب وقت طلوع بایستد این دعا را سه بار بخواند

و چون میان روز باشد دو بار و در وقت غروب بکنار حاجت او

طَلْطَلِیمِشْ اِنَّهُ — بر آید و اگر این دعا را روز یکشنبه یا پنجشنبه نویسد و بر صرع آویزد فایده

عجب از و ملاحظه نماید و اگر بنویسد بر عصای پاک لطیف سفید جهت

مِنْ سُلَیْمَانَ — برص فایده عجب ملاحظه نماید می باید که این دعا را تا ضرورت جهت

وَاِنَّهُ بِسْمِ اللهِ — بر کاری نخوانند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک

الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَکِیْمِ یَابَاعِثَ الْمُرْسَلِیْنَ وَهَادِیَ مَنْ یَشَاءُ

اِلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ وَمُهْلِکَ الظَّالِمِیْنَ وَمُبِیْدَ الْفَاسِقِیْنَ وَکُلٌّ

لَدَیْهِ مُحْضَرُوْنَ یَامَنْ یُحْیِ الْمَوْتٰی وَنَکْتُبُ مَا قَدَّمُوْا وَاٰثَارَهُمْ

وَکُلَّ شَیْءٍ اَحْصَیْنَاهُ فِیْ اِمَامٍ مُبِیْنٍ یَامَنْ یُحْیِی الْاَرْضَ بَعْدَ

مَوْتِهَا وَاَخْرَجَ مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ یَاْکُلُوْنَ وَجَعَلَ فِیْهَا جَنَّاتٍ

مِنْ نَخِیْلٍ وَاَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِیْهَا مِنَ الْعُیُوْنِ لِیَاْکُلُوْا مِنْ

ثَمَرِهٖ وَمَا عَمِلَتْهُ اَیْدِیْهِمْ اَفَلَا یَشْکُرُوْنَ یَامُسَبَّحُ بِکُلِّ لِسَانٍ

یَاخَالِقَ الْاَزْوَاجِ کُلِّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَمِنْ اَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا

یَعْلَمُوْنَ یَامَنْ سَلَخَ مِنَ اللَّیْلِ النَّهَارَ فَاِذَا هُمْ مُظْلِمُوْنَ یَامَنْ

قَدَّرَ الشَّمْسَ تَجْرِیْ لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذٰلِکَ یَاعَزِیْزُ یَاعَلِیْمُ یَامَنْ قَدَّرَ

الْقَمَرَ الْمَنَازِلَ حَتّٰی عَادَ کَالْعُرْجُوْنِ الْقَدِیْمِ لَا الشَّمْسُ یَنْبَغِیْ لَهَا

اَنْ تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّیْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَکُلٌّ فِیْ فَلَکٍ یَسْبَحُوْنَ

یَامَنْ حَمَلْنَا فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُوْنِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهٖ مَا

یَرْکَبُوْنَ وَاِنْ نَشَاْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِیْخَ لَهُمْ وَلَاهُمْ

یَا اللهُ یَاقَابِلُ هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ

یا مَنْ قالَ سَلامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحیم یا رَحیم یا مَنْ خَلَقَ لَنا الأنعامَ
وَذَلَّلَنا فَمِنْها ما اکَلْنا فَمِنْها رَکوبُنا وَجَعَلَ لَنا فیها مَنافِعَ وَمَشارِ
بَ أَفَلا یَشکُرونَ یا مَنْ خَلَقَ الإنسانَ فَإذا هُوَ خَصیمٌ مُبینٌ
یا مَنْ یُحیِی العِظامَ وَهِیَ رَمیم یا مَنْ مِنْ نُطْفَةٍ أنشَأها أوَّلَ
مَرَّةٍ وَهُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلیم یا مَنْ جَعَلَ لَنا مِنَ الشَّجَرِ الأخضَرِ نارًا
یا مَنْ خَلَقَ السَّمواتِ وَالأرضَ یا قَدیرُ یا خالِقُ یا عَلیمُ یا مَنْ
أمْرُهُ إذا أرادَ شَیئًا أنْ یَقولَ لَهُ کُنْ فَیَکونُ یا سُبحانَ یا مَنْ
بِیَدِهِ مَلَکوتُ کُلِّ شَیْءٍ وَإلَیْهِ تُرجَعونَ که میان دو کس محبت
شود بنویس اسم طالب و مطلوب را و اسم محبت و الهای ایشان را بعد از آن بسط
کن آن را تا جمع شود اسم محبت با اسم محبوب که مطلوب حاصل شود بعد از آن
وفق کن این را در روی که موافق باشد در ساعت موافق که در وقتی که قمر
در برج موافق باشد در کرد او بنویس این را که اللّهمّ انّی اسئلک و اتوسّل
الیک باسمک یا الله شصت و شش بار اللّهمّ یا قاهر ذا البطش
الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه این اسم در حب و بغض مرد
بکار آید و این اسم اعظم است در غایت بزرگی و خدای تعالی آسمان و زمین

وتمامی

وتمامی خلایق را برکت این نام آفریده است روایت کرده اند که این نام
بر پیشانی عزرائیل نوشته اند هرگاه که خواهد قبض ارواح مردم نماید چون آن
بزرگ این اسم نماید هیبت این اسم در دل او اثر کند در قبض ارواح تعجیل نکند
و اگر فتنه بسیار و جنگها واقع شود و مردمان مشغول شده باشند بخون ریختن
کسی که در میان ایشان آن اسم را هشتاد و یکبار بخواند و بگوید که عقدت علی ألسنتکم
و ارجلکم و بر ایشان و مدان فتنه قرار کرد و اگر کسی خواهد که کسی بمیرد این اسم را
بوفق بنویسد بنام آنکس و هر روز به نیت قتل او یکبار بخواند آنکس بمیرد باذن
الله تعالی و اگر کسی خواهد که کسی محب او شود این اسم را بنویسد بر پاره حریر و
در طرف قبله خانه خود در دیوار نهد آنکس دیوانه شود در محبت او و بیقرار
گردد و در شرح این اسم نوشته اند که او را سیصد و شصت منفعت است در محبت
و عداوت و بستن زبان و بستن خواب اگر خواهی که بدانی بعضی از فواید مذکوره
هرگاه در دنیا خون ریزش واقع شود این اسم را هشتاد بار بخوانند و بدمند
در میان این دو گروه و در روز جنگ بگوید عقدت ایدیکم و ارجلکم و السنتکم
باذن الله تعالی آن مردم را قوت جنگ نماند و دستها و پاهاشان بسته
شود و چون خواهی که میان دو کس عداوت اندازی اسم دشمن را با کی

خواهی که از او انتقام کشی بهم بیامیز معکوس حرف بحرف بعد از ان بسط کن تا
زمام بیرون اید بعد از ان عمل وفق کن در سفال پارهٔ نپخته در روز شنبه در ساعت
اول که قمر در تحت الشعاع باشد و در گرد ان بنویس اللّٰهم یا منتقم بعد ما
وقع علیه العدو انتقم انتقم من فلان ابن فلان فانه ظلمنی انک
عزیز ذو انتقام انت قلت وقولک الحق فسوف نعذبه عذابا الیم
انت قلت وقولک الحق کذالک اخذ ربک اذا اخذ القری وهی
ظالمة ان اخذه الیم شدید اللّٰهم خذه اخذ الیم شدید بعد از ان
دفن کند ان نوشته را در میان اتشی که دایما افروخته باشد که زان عجایب مشاهده
شود **دیگر** در انتقام دشمن هرگاه خواهی که دشمن را دفع کنی روز پنجشنبه روزه دار
بعد از انکه صفتش بگذاری بگو یا منتقم بعد ما وقع غلبة العدو یا من
یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور اللّٰهم علیک انتقام فلان
بن فلان فانه ظلمنی بعد از ان بخواند این ایه را سی و دو بار قل یا اهل الکتاب
هل تنقمون منا تا قوله سواء السبیل و بعد از ان اب بپاشند بر دیوار خانهٔ
دشمن و بر مقام او که عجایب مشاهده شود هرگاه که خواهی که دشمنی را هلاک کنی
خمیر کن از ارد جو شش گلوله و بخوان بر هر یک زان گلوله دعای که برای هلاک

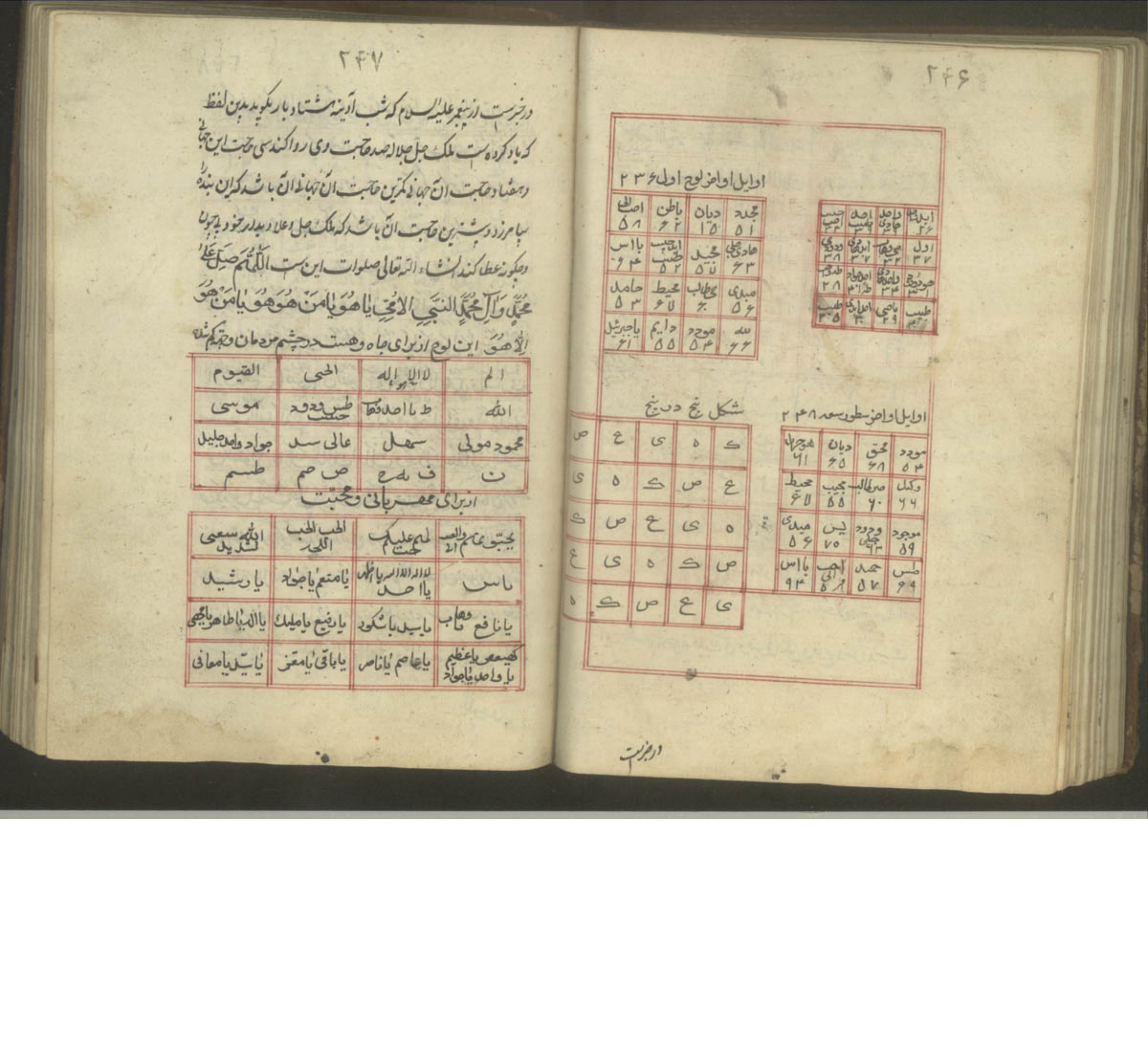
شدن

شدن دشمن خوانند و این چند گلوله را صدقه کند هر قسمی از بکی بده یک
گلوله که زیاده اید در میان دو گور دفن کن و دعای مذکور را بر و خوان که مراد حاصل
باشد این را خواند اصف یا حی یا قیوم یا الله یا الله یا ذا الجلال
والاکرام اهیا شراهیا اذونی عوتوت دعای امیر المؤمنین
علی علیه السلم که بر سنگ خواند و از زیر سنگ اب بدر امد و مردم بخوردند
دعا این است طاب طاب مریا عالم طیبوثا یونه شتمیا کوماحا ما نوتا
تودتیا برسوتا امین امین رب العالمین رب موسی و هرون شیخ سه سر دست
بفرج عبدکان داد و فرج عبدکان دست شیخ ابو سعید داد و شیخ ابو سعید دست
به پر باب داد و پر باب دست شیخ محمد سجاسی داد و محمد سجاسی دست باخی فرج
زنگانی داد و اخی فرج زنگانی دست با علاء طوسی و علاء طوسی دست به نصر بغدا
دی داد و نصر بغدادی دست بسری سقطی داد و سری سقطی دست بمعروف
کرخی داد و معروف کرخی دست بداود طایی داد و طایی دست بحبیب عجمی داد
و حبیب عجمی دست بحسن بصری داد و حسن بصری دست بحضرت شاه مردان
امیر المؤمنین مرتضی علی علیه السلام داد **باب چهارم** در اسم اعظم و
وطلسمات و بعضی اسماء ملئکه که مشتملست بران وطی ارض و غیره نقل است از

امیر المؤمنین علی علیه السلام در شرح اسم اعظم بعد خاتم سه الف مدی برسه
پس میم سیاه و کور و ابتر وانگاه نهاده نردبانی با چار الف کشیده یکسه
زان ها و واو سه نکونش وین است بزرگ نام داور پس حرف چهار رون
ز توریة وز انجیل است چار دیگر از قرآن حروف ده تیر این است تمام اسم اگر
کر حامل او شوی نه بینی ز زحیه و عقرب و اسد سه م ج بت رزل
ک ه ی ع ص ح م ح س ق ۱۱۱ ر ۱۱۱ ه ی اسم الله اسم الاعظم
مبارک بسم الله الرحمن الرحیم الصبص ام ایص صتم صحض صصنمی ای مج صض
کعسعسطعسطسعسع کسل بالک یا الهنا وَلِلّٰهِ كُلِّ شَيْءٍ وَاحِدٌ لَا
اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ از حیه و عقرب
ات ات ات ات ات ات هٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ
وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۱۱ آ م ر ۱۱۱ ه ی قو قو قو
لها له ال ال ال حق حق حق و و ع له له له ال ال ملک
ملک ملک و جلب خیر



این طلسم انجهة جلب رزق و قبول خلق و فرح و سرور است



اوایل اواخر لوح اول ۲۳۶

مجید ۵۱	دیان ۱۵	باطن ۶۲	اصل الحی ۵۸
هادی جلی ۶۳	مجید ۵۰	ابل حبیب طبیب ۵۲	یا اس ۶۴
مبدی ۵۶	مطالب ۶۰	محیط ۶۱	حامد ۵۳
لله ۶۶	موحد ۵۴	دایم ۵۵	یا جبرئیل ۶۱

ابد [illegible] ۲۶	واحد هادی ۳۹	احد طبیب ۳۹	حسب اصب ۳۳
اول ۳۷	محی [illegible] ۳۲	ابد [illegible] ۳۷	ودود ۳۸
هود [illegible]	واحد [illegible] ۳۴	احد [illegible] ۴۱	طه [illegible] ۲۸
طیب [illegible]	ماصی ۲۹	احد [illegible] ۳۰	طیب ۳۵

اوایل و اواخر سطور سعه ۲۴۸

موجود ۵۴	محقق ۶۸	دیان ۶۵	هو جل ۶۱
وکیل ۶۶	صرطالب ۶۰	مجیب ۵۵	محیط ۶۱
موجود ۵۹	ودود جلی ۶۳	یس ۷۰	مبدی ۵۶
طس ۶۹	حمد ۵۷	احب الی ۵۸	یا اس ۹۴

شکل پنج در پنج

ک	ه	ی	ع	ص
ع	ص	ک	ه	ی
ه	ی	ع	ص	ک
ص	ک	ه	ی	ع
ی	ع	ص	ک	ه

در خبرست از پیغمبر علیه السلام که شب آدینه هشتاد بار بگوید بدین لفظ که یاد کرده است ملک جل جلاله صد حاجت وی روا کند سی حاجت این جهانی و هفتاد حاجت آن جهانی کمترین حاجت آن جهانی آن باشد که این بنده را بیامرزد و بهترین حاجت آن باشد که ملک جل و علا دیدار خود بدو بنماید و چگونه عطا کند ان شاء الله تعالی صلوات این است اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الاُمِّیِّ یا هُوَ یا مَنْ هُوَ هُوَ یا مَنْ هُوَ اِلّا هُوَ این لوح از برای جاه و هست در چشم مردمان و حرمت کم شده

الم	لا اله الا هو	الحی	القیوم
الله	طه احد فرد	طس ودود حسب	موسی
محمود مولی	سهل	عالی سند	جواد واحد جلیل
ن	ف به ح	ص حم	طسم

از برای مهربانی و محبت

یحبونهم کحب الله	لمم علیکم محبت	الحب الحب الکحد	الله سعی لشدید
یاس	لا اله الا الله یا طه یا احد	یا متعم یا جولح	یا رشید
یا نافع یا وهاب	یا سید یا شکور	یا رفیع یا ملیک	یا الله یا طاهر یا حی
کهیعص یا عظیم یا واحد یا جواد	یا عاصم یا ناصر	یا باقی یا معز	یا سید یا معانی

بعضی گفته اند که اول سورهٔ آل عمران تا قوله تعالی وانزل الفرقان اسم
اعظم است واز و عجایب بسیار بظهور آید در باب جاه وقبول خاطرها
در پوست سوسمار نویسند و با خود نگاه دارند و کسی که خواهد واصل شود
بس بزرگ در صنعت الهیه باید که غسل کند وهفت روز پیوسته روزه دارد
وافطار بحلال کند و در وقت خواب سورهٔ والشمس وضحیها را بخواند و هفت
بار بخواند ایهٔ قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ المُلكِ تا قوله بغَيرِ حِسابٍ و بعد از ان
این دعا بخواند اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسئَلُكَ بِقُدرَتِكَ عَلی كُلِّ شَیءٍ یا حَیُّ
یا وِترُ یا حَیُّ یا قَیُّومُ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَستُرَنی
مَستُورَ العِلمِ الَّذی سَتَرتَهُ عَن كَثیرٍ مِن خَلقِكَ وَ تُعیذَنی
عَنِ السُّؤالِ فَاِنَّكَ مالِكُ المُلكِ وَ بِیَدِكَ مَقالِیدُ السَّمواتِ
وَالاَرضِ وَ اَنتَ عَلی كُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ چون چنین کند اسان کرداند
خدای تعالی بر او انچه طلبد در بیداری و خواب مرویست از غالب قطان
گفت ده سال از حق تعالی درخواستم که اسم اعظم بمن اموزد که هرگاه او را
بدان نام بخوانم دعا قبول کند و هرچه ازو طلبند دهد سه شب در واقعه دیدم
پوسته که یکی گفت بگو یا فارِجَ الهَمِّ وَ یا كاشِفَ الغَمِّ وَ یا صادِقَ

الوَعدِ وَ یا مُنجِزَ الوَعدِ وَ یا مُوفِیَ العَهدِ یا حَیُّ یا لا اِلهَ اِلّا اَنتَ

ح	ف	ی	ظ
ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی
ی	ظ	ح	ف

ما	عند	کم	ینفد	وما	عند	الله	باق
عندکم	ینفد کم	وما ینفد	عند وما	الله عند	الله	باق	ما
کم	ینفد	وما	عند	الله	باق	ما	عند
ینفد	وما	عند	الله	باق	ما	عند	کم
وما	عند	الله	باق	ما	عند	کم	ینفد
عند	الله	باق	ما	عند	کم	ینفد	وما
الله	باق	ما	عند	کم	ینفد	وما	عند
باق	ما	عند	کم	ینفد	وما	عند	الله

معنس کصلبف طریق زنجبش
محوث حصیدذ اغبنظ

ا	غ	ب	ظ
غ	ب	ظ	ا
ب	ظ	ا	غ
ظ	ا	غ	ب

بسم الله الرحمن الرحیم اول چیزی که خدای تعالی از بهشت آدم را

این بود ااا مر ااااا طعم طحح طعمم

ب	د
ه	ح

چون خواهی که کسی را در محبت خود بیقرار گردانی چیزی بهدیه پیش او فرست
ودران حال بگوی بدوح ودر دهن تو گلاب باشد که بران هدیه افشانی
هرکس ازان هدیه بخورد بر تو عاشق گردد واگر خواهی که کسی را جماع کنی لب
خودرا برلب او نه وچند بار بگو بدوح وهرگاه که او را بینی وتوانی دهن خود
بردهن او نه بگو بدوح که بتو دوستی عظیم پیدا کند واگر آنکس را که تو خواهی
از تو دور باشد پیش او قاصدی بفرست که با او کبوتری باشد که بردم
او نوشته باشی بدوح یا در کاغذی که بدوح نوشته باشد قاصد چون
باستانه او رسد بگوید بدوح البته مقصود حاصل شود وکمال محبت پدید
آید واگر در بلائی گرفتار باشی یا بدست دشمنی بگو بدوح که نجات یابی وغایب
گردی واگر کسی خواهی که دل او بتو مایل گردد بردار استخوان پوسیده ونرم
کن بدست خود وبخوان بران بدوح وآنرا در کاغذی بنه ودر زیر سر خود
بنه آنکس بتو مایل گردد البته خواه باراده باشد خواه نه هرگاه در جنگ باشی
یک کف خاک بردار وبر او بخوان سَیُهْزَمُ الْجَمْعُ وَیُوَلُّونَ الدُّبُرَ بَلِ السَّاعَةُ

موعدهم

مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ اَدْهٰی وَاَمَرُّ وبگوید بدوح وخاک را بر روی دشمنان
بریز بخصیص در وقتی که باد از طرف تو باشد البته آن لشکر شکسته شود وبگریزد
واگر در سر خوان حاضر شوی بگو بسم الله الرحمن الرحیم بدوح ازان طعام بهر
کسی که دهی محب تو گردد واگر خواهی که میان تو وشخصی محبت ومودت باشد
ظرفی که دران آب باشد ومردم ازان آب خورند هفت بار بران بگو
بدوح وآب را بجنبانند هرکس ازان آب خورد ترا دوست دارد واگر کسی از
تو دور باشد وخواهی که او را حاضر گردانی بگیر کبوتری وبردم او بنویس بدوح هفت
بار ورها کن که برود البته آن کس پیش تو حاضر شود واگر اراده کنی که شخصی را در
محبت خود بیقرار گردانی از ماکولات یا مشروبات یا مشمومات چیزی
بردار وبران بخوان هفت بار بدوح واو را وآب دهن خود ترکن بهرکس
دهی که بخورد با تو محبت پیدا کند وبیقرار گردد واگر درمیان جمعی باشی و
خواهی که ایشان با تو محبت پیدا کنند آن ظرفی که ایشان آب خورند
بردار وچهار بار بگو بدوح وآب را بجنبان هرکس ازانجا آب خورد با تو
محبت پیدا کند وبیقرار گردد وهمچنین است اگر بر ماکولات خوانده و
چون سوار شوی در سفری یا در جنگی یا در بحث وگفت وشنودی بر روی

خصم چهار بار بگوی بدوح امان یابد و برو غالب گردی و اگر بر نی تازه بنویسی
چهار بار بدوح بنام کسی که خواهی البته گوشت و پوست انکس از هم برود بازن
خدای تعالی و اگر بر چیزی چهار بار نویسد بدوح و بشوید از ااب و چهار بار
بدوح بران بخواند و سه جرعه اب ازان بخورد و باقی که در طاسی باشد بچیناند
و بکسی دهد که ترسیده باشد از خوف بدر آید و اگر خواهی که خاتمی بسازی
بجهت محبت لستان سه درهم نقره و انگشترین لبساز و روی نگین را بطلا اندود
ه کن و نقش کن سرواح ه رط بدوح و بر روی دیگر نقش کن همین را و باید
که قمر در ثور باشد در درجه شرف در وقتی که ماه زیاده شود از پریشان
خاطر باشی در محل نوشتن ز نگین طرفه که نقره باشد بالا کن که فرحناک
شوی در نسخه دیگر عکس این است و اگر نویسی بدوح را بر کاردی و چیزی را
بان پوست کنی و بکسی دهی که بخورد ترا دوست دارد و در زیر حکم تو باشد
و اگر بشمشیر نویسی در جنگ غالب ای بر دشمن   قصیده امام زین العابدین
علیه السلام در شرح این شکل که اسم اعظم است و بیان نمودیم

اانا ابن منا والمشعرین وزمزم   ومکة والبیت العتیق المحرم
وجدی النبی المصطفی وابی الذی   ولایته فرض علی کل مسلم

وامی البتول المستضئ بنورها   اذا ما انتسبناها عدیلة مریم
وسبطا رسول الله عمی ووالدی   ومنهم الاطهار تسعة انجم
وهم ایمة هذا الخلق بعد نبیهم   اذا کنت ما تعلم بذلک فاعلم
ومن الزم منهم لعقد ولائه   یفوز بیوم الفائزین ولغنم
انا العلوی الهاشمی الذی   امت بی صروف الدهر واللوم تم
وضاقت بنا ارض الفجاج لطیفهما   ولم تستطع نیل السماء بسلم
تامل بها ما التی کنت کانیا   علیها بکف اقعلما شئت معلما وتسلم
ثلث عصی صفقت بعد خاتم   علی راسها مثل سنان المقوم
وطمیس ابتر ثم سلم   اما کل ما مول ولیس بسلم
واربعة مثل انامل صفقت   تشیر الی الخیرات من غیر معصم
وهاء وواو نکس الخط راسها   کانبوب حجام ولیس بمحجم
ومن توریة موسی اربعة احرف   واربع من انجیل عیسی ابن مریم
وعشر من القران وهی تمامها   تسوم الی الاسم العظیم المکرم
ااا آ مر لا اااا ه ی م ج ب و ا ز ل ی ا ک ه ی ع ص
الفتی ح م ع س ق احمنی فذالک اسم الله جل جلاله

الی کل ذی نطق فصیح واعجم — فیا حامل الاسم الذی لیس مثله
توقی به کل المکاره لتسلم — وتنجوا من الاوقات فی کل طول
وتلقی کبیرا القوم من غیر معصم — فلا حیه تسعی ولا عقرب ذی
ولا اسد یاتی الیک بهیمه — فسلم لامر الله جل جلاله
فلیس اخا الاسلام من لا یسلم — ویتسلم علینا بالصباح وبالمساء
فی کل لیل مدلهم ومغتنم — جزا من قرا هذه شفاعة جدنا
ویحشر معنا فی الجنان ونعم — بنا یغفر الله ذنوب جمیعها
ویحشر اعدائنا بنار جهنم — ولولانا لم یخلق الله جنه
ولانار یشب وتظلم — یا من اتانا قاصدا الیه عونا
فانا نؤیدا لهم عنك فاعلم — ذوالنون مصری کفته است
که این اسم اعظم است که مذکور شد این شکل است که مکتوب
بوده در غلاف ذوالفقار مرتضی علی علیه السلام هر کس بنویسد
این شکل بر پوست آهو واو را مزین سازد و با خود نگاه
دارد در دریاها ایمن باشد از همه شری واگر کشتی شکسته
باشد و هر کس که آنجا باشد هلاک شود او بسلامت بیرون اید
واین

واین است طریق وفق اسم اعظم در مربع باب

ه‍ی	۱۱۱۱	۲ ‖	[symbol] ۱۱۱
۴۳	۱۱۱۲	۹	۱۳
۱۱۱۴	۴۹	۱۱۰۷	۷
۱۱۰۹	۵	۱۱۱۶	۴۷

اگر خواهی که غایبی را در محبت خود
بیقرار گردانی در ساعتی از روز
جمعه یا روز چهارشنبه این را بنویس
و در خانه او دفن کن او پیش تو
اید بیقرار اگرچه در بند و غل باشد و شخصی گفت که من این تجربه کرده ام
چنین بوده واگر این صورت را در روز جمعه در پوست سوسمار نویسد
به نیت آنکس که دشمن اوست و به نیت خود و بر بازوی راست خود
بندد موجب احتجاب او از دشمن شود و غالب گردد واین اسمیست
مبارک و مشهور [symbol] ۱۱۱ م ‖ ۱۱۱۱ ه‍ی بدانکه جمیع حکما و فضلا
متفق اند که اسم اعظم درین وفق هست باید که آنکس که این را نگه دارد
از زنا ست و جنابت بپرهیزد و بهر ساعتی که خواهد بنویسد و بهر سیاهی
که خواهد بنویسد و بهر حاجتی که داشته باشد برود آن مهم براید باذن الله
تعالی و هر مرضی که داشته باشد علاج یابد این است این نامهای
مبارک خدا است

ھ ٯ	ااا	م ‖	✡ ااا
ااا ✡	م ‖	ااا	ھ ٯ
ااا	ھ ٯ	ااا ✡	م ‖
م ‖	ااا ✡	ھ ٯ	ااا

که هرکس با خود دارد و در زیر عمامه خود فایده بسیار ازو یابد بسم الله الرحمن الرحیم
کافی غنی فتاح رزاق کریم وهاب ذو الطول ✡ ااا م ااا ااا ی
بدوح بدوح بدوح اقبل ولا تخف انك من الآمنين لا تخف
بحوت من القوم الظالمين لا تخاف دركا ولا تخشى طرح لاب
ازکرح انت الله اقبل ولا تخف انك من الآمنين
لا تخف بحوت من القوم الظالمين جبرئيل عن يميني
ميكائيل عن شمالي اسرافيل ببركة الذي سرت به الملئكة
يمتطرون ويا هيا شراهيا اذونای ال شدا الصباوت ال
شراهيه گفت ✡ ااا م ااا ااا ی یا قدیر یا شمعلونی
یا شجیشیا والله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد
فی لوح محفوظ بنویسد این شکل را از برای تب و ببندد بر بازوی
راست ✡ ااا م ااا ااا ی حعطسلعلطاع این دعا بر دوی

دیگر

دشمن بخواند بر خویشتن دمد ازشش حمعه ولطا بوطاء بیطاء
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوقت مصاف خواندی و این خاتم
سلیمان بن داود است على نبينا وعليهم السلام و او را شرح و منافع عظیمه
و اسرار بسیار است هرکس این را بنویسد و در میان مال خود گذارد آن مال محفوظ ماند

الرحمن على العرش استوى	سحا / معد سلسلیس	انی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی
	[sigils]	القیوم / وعنت الوجوه / الحی
[sigils]	سحاد	[sigils]

و اگر کسی خواهد که جمع محب او شوند بنویسد این شکل را با نام خود در ظرف پاک
و آب بر وی ریزد که محو کند و آن آب را بجماعتی دهد که بخورند عجایب ملاحظه
کند در اطاعت و محبت و شفقت ایشان نسبت با او و این اسم اعظم است

کند و حکم این اسم جاری باشد بر جنیان و ارواح و اسما این است آل شال لغ
شلغ یهوا یهوا فو اهو هو یا هو ال شال موقال ال تعال یه ثقیال
ال غال لل غال ال غال ال هوج ملی فو فوج مبنا ال ال یا هوج فوج
یا فوج قرقال سری فری فی ثقال ال شلج یفزی بوبه به بتكة بتکفال
صفی کفی مهبال مطیفیلك با آل لا اله الا هو عالم الغيب والشها
دة الكبير المتعال دیگر بعو به سه تکه تکه ال دیگر ال شلغ
یفو بنوته به وح بتکه سا بتکفال با ب دراسم اعظم و این برقسم
صلاحیت و طریق ریاضت باین اسما آنست که هفت روز هر شبانه روز
هزار بار بخواند چون چنین کند همه ارواح تابع او شوند و مصاحب شوند با تو ایشان
هر کدام که خواهی صحبت هر نفعی که اراده کنی و این است ال شلج شلج
یهوا یهوا فو اهو هو یا هو ال شال مرقال ارتقال به ثقال
ال غال ال غال ال غال ال ممح بلی فوجع فوجوج میتنا ال ال
یا فوج فرقال سوی فوی فی ثقال ال شلج یقوی بوبه به بتكة
بتکفال حنفی کفی ممقیال مطعیلك با ال لا اله الا هو عالم الغيب
والشهادة الكبير المتعال تم بحمد الله ومنه ریاضه دیگر

در

در تسخیر ارواح ال تبلغ یاه یاه توعب هواه هواه به بهیه
ال شال مربال ارتیال به به معتال ال عال عوغال به به بتكة بتکه
مسکفال ال یهوح بلی بلی سال فو فوج مسال ال تفوح یفوح فوحال سری
قسری فبعال ال متلع تفویعه ابـــــ بسم الله الرحمن الرحیم
این رساله ایست که شیخ علامه مقتدای فهامه حجة عرب ترجمان ادب کمال الدین
ابو سالم محمد ابن طلحه ابن محمد بن حسن عدوی جمع کرده است در معنی و خاصیت دایره
که مشتمل است بر اسم اعظم چنانکه تفصیل خواهد آمد اما بعد از حمد خدا
و درود بر مصطفی و آل اصفیای او بدانکه حق تعالی بمن توفیقی کرامت کرده
بود که برادر دینی مصاحب من بود که در آن عصر از و پاک تر و عابدتر
نبود و میان من و او محبت و برادری دینی چنان محکم شده بود که زیاده
بر آن متصور نبود و او در عبادتهای که کردی در اثنا دعا کردی و از حق تعالی
طلبیدی بتضرع و زاری که حق تعالی او را اسم اعظم آموزد تا آنکه شبی در خلوت
مشغول بنماز و ذکر و دعا بود که لوحی در نظر او حاضر ساخته شد چنانکه بمعاینه آنرا
دید لیکن بواسطه کثرت توجه بحق تعالی از آن اعراض کرد و در مقام قربت بود
تا آنکه دستی دید که پیش نظر او آمد و گفت آنچه میطلبیدی بگیر او نظر کرد و دید

وخاتم طاعت که نوشته شده بود در انگشتری سلیمان بن داود از حضرت
امام جعفر صلوات الله علیه منقول است که اسماء معظم ده کلمه است و هر کلمه
را اسمی گویند و هر اسم را هفده حرف است و هر حرف را فعلی است و در ان
منفعتهاست وصورته این است

از جملهٔ آن اسماء این نام بزرگ خداست اگر کسی را چیزی گم شده باشد
این را بنویسد و آنچه گم شده است با او بنویسد البته باز گردد باذن الله
تعالی

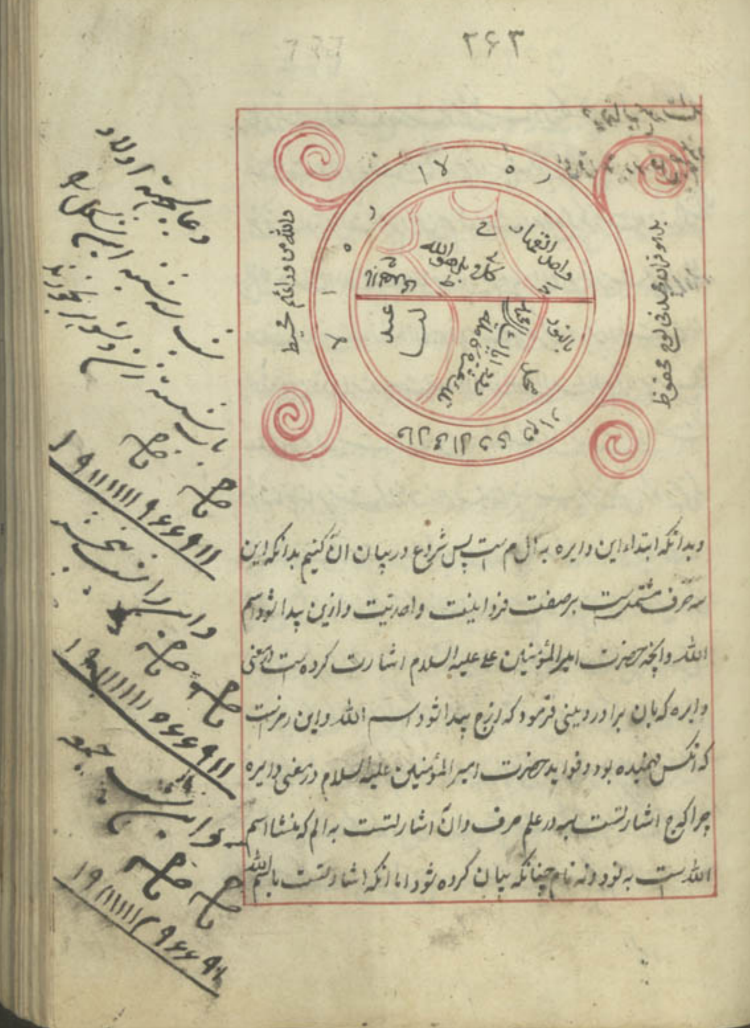
تعالی و اگر بنویسد و بر روی خود بمالد اگر چه یکبار باشد خدای تعالی او را
از شر فقر نگه دارد و همیشه در پناه حق باشد و اگر کسی هفت خاتم بنویسد
بزعفران در صباح جمعه بساعت زهره و اولیست که در هفت صباح جمعه بنویسد
پیوسته جمعهٔ هشتم نیامده باشد که او غنی گردد از جایی که گمان نداشته باشد
و اگر بنویسد بر پشت زنان زند دایم مطیع او باشد و اگر بنویسد و در دهان
نهد بنام زن هرگز از و سخن بد نشنود و این را شرح دراز است و فضلش بسیار
والله اعلم   این تاج سلیمان بن داود است و خاتم او این را ننویسند
مگر در طبقی که از طلا باشد یا از نقره و نویسنده باید که پاک باشد برای
آنکس که نویسند او هم پاک باشد این را نویسند و در روز پنجشنبه یا جمعه و شکل این است

سا سور عهمه لاه ه سی عسی اله صرصا	علا الله [illegible]
موهمر س عسه و سے هه و دام فالا مما لک طاطا طے ا ۲ سے	اهیا شراهیا سرا اهیا سا شرا سا شراهسا ادفنی صبوث ماف وو مص ما دورسو در صولا

باب در اسم الله اعظم و این قسم صلاحیت باید که هفت روز حیوانی نخورد و
این نامها را در شب و روز بخواند ترک نکند مگر ساعتی که خواب بر او غلبه کند

که دایره ایست و در آنجا خطهاست و نامهای خدای تعالی و حروفها پس صورت آنرا
نیک ضبط کردم اما معنی آنرا نفهمیدم چون صبح طلوع کرد و اداء فریضه و نوافل صبح نمود
و اوراد بعد از نماز مراقبه دست داد و در ان مراقبه حضرت امیر المؤمنین و امام
المتقین علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه را دریافت و سلام کرد آنحضرت
پرسید که آن لوح که بتو داده اند آن لوح را بیرون آورد و بعرض آنحضرت رسانید
آنحضرت متوجه آن شد و تعظیم بسیار کرد و در معانی آن سخنان بسیار فرمود
که از آن فواید هیچ فهم نکرد الا یک کلمه که ذکر آن خواهد شد پس گفت یا امیر
المؤمنین من این فایده ها را نفهمیدم آنحضرت فرمود که این معانی را ابو سالم
کمال الدین محمد که مذکور شد شرح خواهد شد انشاء الله تعالی چون روز بلند
شد آن برادر پیش من حاضر شد و واقعه را شرح کرد و صورت دایره را
تمام نمود من در آن تامل کردم و در آنجا عجایب بسیار یافتم دانستم که وقوف
بر آن نهایتی نا پیدا است که میسر نیست پس متوجه شدم بتضرع و زاری و از عالم سر نیکوی
طلبیدم که بر من ابواب حل این مشکلات بگشاید پس توفیق دریافت آن
یافتم و این رساله که موسوم است بدر منظم در بیان سر اسم اعظم اول
صورت این دایره را مشاهده باید نمود تا حل رموز آن میسر شود و صورت دایره این است

دایره



وبدانکه ابتدای این دایره به الم است پس شروع در بیان آن کنیم بدانکه این
سه حرف مشتمل است بر صفت فردانیت و احدیت و از این پیدا شود اسم
الله و آنچه حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام اشارت کرده است یعنی
دایره که بان برادر دینی فرمود که از میم پیدا شود اسم الله و این رمزیست
که آنکس نفهمیده بود و فواید حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در معنی دایره
چرا که میم اشارتست به در علم حرف و ان اشارتست به الم که منشا اسم
الله است به نود و نه نام چنانکه بیان کرده شود اما آنکه اشارتست بالم الله

بنابر آنست که الف وحدت خودش یکیست و بر یکیست از سه حروف که
الفست ولام وفا واین سه هم فردست وهمچنین لام من یکیست از سه
حرف لام والف ومیم واین هم فردست وهرگاه که مکررست این نه را که بیندازی
پنج ماند که آن الفست ولام وفا ومیم و یا وآن هم فردست و پنج در علم
حروف کنایتست از ها وان هم فردست پس نظر کن در فردانیت که چون
لازم این عدد ها شده است بعد از آن ز الف الف ولام ولام حرف لام
وهای که پنج کنایتست ازو حاصل بود الله شد اما آنکه الم اشارتست به نود
ونه نام بنا بر آنست که از آن نه حرف چون بینات مکررش شود و یحیی که
بعد از حذف مکررست پیدا شده بود بران اضافه کنی یازده شود و چون
ضرب کنی یازده را در نه که ز الف لام ومیم حاصل شده بود ضرب کنی
نود ونه شود که اشارت باشد به نود ونه نام که در حدیث نبوی واقع شده
است که هر که احصای آن کند داخل شود در جنت پس بدانکه الف ولام میم
بمنزلهٔ مبتدا و خبر و موضوع و محمول است ونیز اسم الله در علم حروف شصت
وشش است هرگاه که سه اول ز آن نه در شصت وشش ضرب کردیم صد ونود
وشش شد واین را بران دو سه دیگر قسمت کردیم بهر یک از آن دو نود ونه

رسید بیان دیگر آنست که اسم الله شصت وشش است در حساب جمل چون
لام اسم الرحرف مکرر بیندازی سه بماند که الفست ولام وها چون این را
در شصت وشش ضرب کنی صد ونود وشش شود چون این را تنصیف کنی
نود ونه شود این شش وجوه دلالت الف لام میم بر نود ونه نام این طریق
اولیست از طریق اول بواسطه آنکه اسم الله خود کافیست درین دلالت
بخلاف وجه اول که حاجت باعتبار الف لام ومیم دارد و بدانکه اسم مقدس الله
بر دو قسم است با الف ولام اول تعریف او پیدا میشود و به لام دوم ذات
او پیدا شود و استحقاق او پس هرگاه که صد ونود وشش را برین دو قسمت کنیم
حصهٔ هر یک عدد اسماء حسنی باشد طریق دیگر در بیان این هرگاه که جمع کنی
میان اسم مقدس که چهار است و دو که طرفین اوست و قسمت کنی شش را
بر چهار بهر حرفی یک ونیم رسد و چون یک ونیم را ضرب کنی در عدد جمل
الله که شصت وشش است نود ونه شود طریق دیگر آنست که چون از اسم
الله مکرر را بیندازی سه حرف بماند که الف ولام وهاست وشصت وشش را
بدو قسمت کنی یک قسم به لام تعریف تعلق دارد و یک قسم به لام استحقاق
واین عدد حرف اله را که سه است در هر قسمی ضرب کنی نود ونه شود طریق دیگر که

که ضرب کنی عدد حرف ما فوق های چهار حرف را که یازده است در چهار را اصل او
از جمله که مذکور شد از حروف الف ولام ومیم چهید وچهار شد و پنج با نود را
در یازده مذکور ضرب کردی پنجاه و پنج شد واین هر دو را با هم جمع کردی نود ونه
شد طریق دیگر حروف الله از حساب جمل شصت وشش است چنانکه مذکور شد
هرگاه اضافهٔ نصف او بر و کنی نود ونه شود طریق دیگر هرگاه ضرب کنی اصول
حروف را بعد از حذف مکرر که سه باشد در یازده سی وسه شود باز سه که اصل
حروفست در سی وسه ضرب کنی نود ونه باشد که عدد اسماء حسنی است بدانکه
اسم الله دلالت بر اسماء حسنی کند ومبادا این حروف هم دلالت بر اسماء حسنی
کند چنانکه گذشت واین نوع دیگرست که حروف نوری که بر محیط دایره است
جمع کنی همین عدد شود که اسماء حسنی است چون منکشف شود که عدد نود ونه نام
از الف لام میم و اسم الله ظاهر شود باید دانست که معانی اسماء حسنی منقسم باشد
بر سه قسم قسم اول که معنی او ایجاد باشد و ابداع همچو لا اله الا هو خالق باری
مصور مفید وآنچه باین معنی باشد قسم دوم آنست که دلالت بر قهر وعظمت
وملک ووحدانیت و ترسانیدن و مانندان باشد کند همچو ملک واحد
صمد قاهر منتقم جبار وآنچه بدین معنی باشد قسم سیم آنست که دلالت کند بر رحمت

ولطف و تجاوز و رغبت و امید و طمع و بخشش و امان و مانندان همچو رحمن
و سلام و مؤمن و تواب باسط حلیم وآنچه بدین معنی باشد ونیز این سه قسم
آنست که عالم بر سه گونه است اول میانه آخره است اول ایجاد و خلق و ابداع
وابداع که بیرون آوردنست از عدم بوجود تا درین عالم کسب مهمات دنیوی
واخروی کنند واینها مستند حسبت در لا اله الا هو الحی القیوم الخالق البا
ری المصور البدیع الفتاح العلیم المبدئ المعید المقسط الباعث مالک
الملک وآنچه بمعنی این باشد حالت دوم که میانه است که باعتبار مقام
در دنیا و گذشتن اوقات حیوة در آن پیدا شود بواسطه اشتغال بخیر و شر و اکتساب
مهمات دنیا و آخرت واین اسما صادر شود از واحد صمد قهار جبار منتقم ضار
قابض حسیب قوی متین محصی مذل وآنچه باین معنی باشد واین صفات و احوال
میانه واقع شده که مردمان از بر خدا محتجب نباشد بعد از فرستادن پیغمبران
حالت سیوم آنست که کسی مفارقت کند ازین عالم و انتقال کند بعالم بقا
و واصل شود بخدا اجل و علا واین صادر شود از رحیم غفور باسط مؤمن حکیم
نافع عفو کریم وآنچه باین معنی باشد چون این سر برتو ظاهر شد اقتصار
کن بر ده اسم که الله است ونه اسم دیگر بر دایره سه از صفات و محیط است

از جانب اعلی و شش دیگر در تحت محیط است سه از جانب ابتدا که مخصوص است
بفردانیت و سه دیگر از جانب مقابل آن که انتهاست و مختصست بزوجیت
و سر درین موضع آنست که حالت اول که حالت ایجاد و ابداع است چون اول
احوال موجد و مبدعست که هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم فهو الذی اعطی
کل شیء خلقه ثم هدی و بودن لا اله الا هو حی قیوم دلالت کند برین و بدین جهت
در تحت این اسماء مذکوره چرا که این کلمات که لا اله الا هو الحی القیوم است
بجای چشمه است که بسیاری از مطلوبات و اسماء ازو پیدا شود جهة این او را بالای
محیط دایره نوشته شده است و در تحت این اسماء مسند جهت سمیع بصیر خبیر
کبیر غنی واحد شهید والی متعالی خالق باری مصور فتاح علیم علی حق مبین مبدی
محصی باعث رزاق مقسط رقیب بدیع مهیمن جامع مالک الملک جهت این
اکتفا باسماء مذکوره شد در محیط دایره که مشتمل بود بر باقی اسما حالت دوم
باعتبار مقام خلایق در دنیا بود و در آمدن در دایره خلق این تقاضای آن
کرد که اسمای که تعلق بحالت میانه داشته باشد در تحت دایره بطرف ابتدا
نویسد که مناسبت بفردانیت و اسماء آن واحد و صمد و قهار است زیرا که
وحدانیت و صمدیت و قهاریت تقاضای آن کند که حق تعالی را شریکی در قوت و قهر

بنا شد

نباشد و رجوع اشیا و احتیاج آنها بدو باشد و خوف و حذر از انتقام و قهر
او کنند و مسند جهت در تحت این اسما اسمای که مناسب این معنی باشد
مثل اول آخر ظاهر باطن قادر مقتدر عزیز جبار متکبر محصی باقی وارث حکیم عدل
کافی منتقم مجید نافع ضار قابض ممیت معید حافظ مذل قوی متین حافظ مؤخر
حسیب ماجد چون آن سه اسم مشتمل برین اسما بود و در رمز اکتفا بآن سه اسم شد
حالت سیم چون باعتبار مفارقت ازین عالم بود و در وقت بقیامت و حشر و
نشر و احوال آنجا تقاضای اسمای که مناسب آن عالم باشد از تجاوز و عفو
و مانند آن کرد جهت این در تحت محیط دایره ز جانب انتهای خطی که مقابل ابتدا است
و مناسب زوجیت نوشت که رحمن رحیم غفور این اسما دلالت بر رحمت و
امید و تجاوز از گناهان و عفو از خطاها و رافت بخلق و لطف بایشان
و صفت رحمن و رحیم اگرچه شریکند در یک معنی اما در معنی ایشان فرق است
چه رحیمیت بیشتر مخصوص خاصان باشد و آن مسند جهت در تحت این
سه نام رحمن رحیم غفور باقی اسمای که دلالت بران معنی کند چون عفو رؤف
قدوس بر تواب سلام مؤمن غفار وهاب باسط معز لطیف شکور
جلیل کریم مجیب واسع ودود مغنی نافع نور هادی مغیث حلیم

زکی حکیم رشید صبور ذو الجلال و الاکرام چون این سه اسم مشتمل بر سایر اسما
بود اکتفا بدان رفت در دایره و ازین جا دانسته شد که سبب قسمت اسما
بر سه قسم است چه بود و اکتفا بده اسم در دایره چرا شد چرا که چهار اسم بر بالای
محیط دایره نوشته شد مقدم بر شش اسمیست که در تحت دایره نوشته شده
حروفی که رقم شده است در محیط دایره از جانب ابتدا بر سر قطر الف و در
گرد او جیم و را در زیر او نزدیک نقطه سفلی و در نزدیک قطر اسفل دال است
و بر انتهای خط قطر که دایره را قطع کرده است یا است و در تحت او حا است
پس مجموع آن حروف که در گرد محیط دایره است الف است جیم را واو یا حا
و این حروف موضوع است در علم اعداد حروف بجای هشت و هفت که آن
عدد اسماء شریفه چهار رکانه است که محیط است محیط دایره و مبادی آن چون
این نیز معلوم شد بدانکه سه اسم را که در حالت میانه بود که مرقوم بود در تحت
محیط بجای که مخصوص بود بفردانیت که آن واحد و صمد و قهار است بسبب آنست
که حروفی که اشارت بدانست در اینجا نیست زیرا که جانب ابتدا مخصوص است
بالف و در گرد او از جانب اعلی و اسفل جیم و راست که مجموع آن در علم
عدد حروف یازده است که این یازده فرد حروف از سه اسم است

بچون

چون از ابدهشی بدانکه این سه اسم را که دلالت میکند بر حالت سیم که حالت
انتهای که مرقوم شده است در تحت محیط بجای که قطر منتهی شده است که مناسب
زوجیت است که رحمن و رحیم و غفور است و الله را در تحت قطر نوشته است
میان قهار و رحمن و الله اسمیست که اسمای دیگر را بدو نسبت دهند و اسم او را
بچیزی دیگر نسبت ندهند از جهت رحمن و رحیم و غفور را بدو نسبت داد پس
این اسما را مخصوص ساخت بجانب مذکور زیرا که حروفی که مناسب این اسما
بود بدان طرف مختص شده بود از جهت آنکه طرف انتهای دایره مختص بیا
بود و در تحت او حا بود و در نقطه زیر او واو بود و مجموع این حروف در علم
عدد حروف شانزده است و آن عدد حروف این اسماست که مذکور شد
چون از دانستن این سرها فارغ شدی بدانکه این حرفها که رقم شده است
بر نقطه اوتاد که آن دو طرف قطر است و بر سر دو نقطه که در بالا و زیر است
زیرا که چون جمع کنی آنچه بر طرف قطر است الف و با است و ضرب کنی
در اسمای که محیط است بمحیط دایره که آن عدد بیست و هفت هشتاد و یک
شود و ضرب کن آنچه در وتد اعلی است که آن ج است بدانچه در وتد اسفل است
که دال است هژده شود این را جمع کن با هشتاد و یک نود و نه شود که آن

عدد اسماء حسنی است بطریق دیگر جمع کن با آنچه قطب اعلی است که آن ج است
و آنچه بر قطب اسفل است که آن د است و ضرب کند در حروف این سه اسم
که واحد صمد قهار است که حروف اینها یازده است نود و نه شود طریق دیگر آنچه
در وتد اسفل است که د است در حروف اسماء اربعه که الله و رحمن و رحیم
و غفور است و عدد حروف آن شانزده است ضرب کنی نود و شش شود
و آنچه در وتد اعلیست ج که بحساب سه است چون بر و اضافه کردی نود و
نه شد که این عدد اسماء حسنی است و دیگر از جمله سرهای که در این دایره پنهانست
آنست که دو خطی که فرود آمده اند از طرف قطب اعلی بطرف قطری که
دایره را قطع کرده است و از آنجا شکل مثلثی پیدا شده است که ساقست
دو ساق او که آن دو خط است که فاصله شده است میان بسیط دایره
و شمس اسم و برزوایا مثلث مذکور این سه حرفست از ده حرف دال
جیم با چون جمع کنی این حروف را دوازده شود که علامت دو خطیست که جدا
کرده است بسیط مرکز دایره را که مدار عالم خلقست که عبارتست از شمس اسم
که در تحت محیط دایره است از عالم امر که عالم غیب است از عالم ظاهر است آنچه
بیرون عالم خلقست ا د ج ب عدد آن دوازده است موافق است

با عدد حروفی که برادتا د اربعه است که آن ا ب ج د که دوازده است
و از جمله سرهای که درین مثلث است آنست که دو حرف که بر دو ساق
اوست که و ه است هرگاه جمع کنی و ضرب کنی در حرفی که در زاویه بالاست
که آن ج است بیست و هفت شود که موافقست با حروف اسمای که نهاده
شده است بر محیط دایره و آن بیست و هفتست و موافقت ظاهر شد
میان عالم غیب و شهاده و از لطایف سرهای این دایره اینست
که چهار وتدی که درین دایره است قطع کرده است بدو قطب چنانچه دایره
بچهار بخش شده است و در ربع اول از صفات واحد صمد قهار است و در ربع
دوم از بالا از صفات رحمن رحیم غفور است که باسم مقدس الله مذکور شده است
و این دو ربع بالا را دو ربع پایان مقابلست چنانچه ربعی که متضمن صمد واحد
قهار است مقابل او ربع سیم است که در و عبد لنا مختار مذکور است و در زیر
حروفی که علامت این ربع است الفست که در پهلوی اوج نوشته شده است
که اشاره است به اسم که واحد صمد قهار است و لطایف عدد حروف عبد
لنا مختار است که آن یازده است و از اینجا سر لطیفی ظاهر شود که آن سه کلمه
که عبد لنا مختار است و حروف صفات مذکوره که واحد و صمد و قهار است

و حروف فردانیت که ا ج ب د است با عدد اسم الله بحساب جمل جمع کنی
نود و نه شود که عدد اسمای حسنی است و چون ربع دوم که از دایره که متضمن الله
رحمن رحیم غفور است و مقابلست با ربع چهارم که در و نوشته شده است که
تجلی قد اتاک بالنور و حروف زوجیت که در مقابل فردانیتست که در
نهایت قطر نوشته شده است ب ب است و در زیر اوج که علامت هفتست
چنانچه گذشت این هفده حرفست و موافق است با حروف تجلی قد اتاک
بالنور زیرا که تجلی همیست ناقص که یای او در کشیدن و نوشتن پیشتر شد و از لطایف
سرهای که درین دایره است آنست که چون نظر کنی بر حرفی که بر وتد اعلی نوشته
شده است که آن جیم است که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در واقعه اشارت
فرمود که راز و جلال پیدا شود هرگاه که آن را بکبر و اضافه کنی بر آنچه
در وتد اسفل است که دال است نه شود موافق است با الم که منشا اسم الله
است چنانچه گذشت و باعتبار این که کمال سرها درین دایره مندرج است
باعتبار ده اسم که متضمن است بر نود و نه نام نوشته شد در میان دایره که
تلک عشرة کاملة چون شش اسمی که نوشته شده است در تحت محیط دایره
از عالم امر بود نه از عالم خلق نزدیک محیط نوشته شد تا فاصله باشد

میان او و میان بسیط دایره که تعلق بعالم خلق دارد که محل کون و فساد است
ازین جهت خطها در میان فاصله شد و چون هوی و نور و تجلی و اشیا ار
از عالم کون و فساد بود او را در محیط دایره نوشته شد فاصله کرده شد
میان او و بسیط دایره بخطوط و چون عبد از عالم خلق بود او را بسیط دایره
نوشته شد و خطهای فاصله کشیده شد و این سر بزرگیست که در تحت او
سر دیگر هست توضیح او آنست که چون قوله تعالی والله من ورائهم محیط در
برون دایره نوشته شده بود این حرفها اشارتست بدانست زیرا که عالم
کون و خلق در میان دایره است و در ورای او دو خطست که کنایه از دوی
این عالم است که فاصله است میان عالم امر و عالم خلق و هر یک از دو بار
دو حرف دارند زا حا که بر دو طرف بار و واقع شده است و عدد
آن هفده است برین نوع که ز هفت الف یکی و ح هشت و الف یکی و این
موافق عدد حروف والله من ورائهم محیط و آن هفده حرفست و سر
درین که والله من ورائهم محیط در بیرون دایره نوشته شده است آنست
که چون متصفست باحاطه و فردانیت اول اسم الله الفست که هیچ حرف متصل
نیست و در آخر اسم الله حرف ها است که آخر آن هم الفست که بعد از و

هیچ چیز دیگر نیست که الفی که علامت فردانیت است هم اول است و هم آخر پس
حق تعالی محیط باشد بهمه چیز و نوشته شده است در مقابل آن آیت در طرف
دیگر آیه بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ و چون این حال از عالم امر است نه از عالم
خلق او را علامت خاصست از حروف که اشارت بر آنست و آن حروف
الله است که یازده است زیرا که الف سه حرفست و دو لام شش و ها دو
حروف سه اسم که در احد صمد قهار است یازده است مجموع بیست و دو باشد
که موافق عدد حروف بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ است چون شرح این دایره
تمام دانستی بدانکه این اسم اعظم است که در وی علما اختلاف بسیار کرده اند و اگر نه
آن بودی که امیر المؤمنین و قبلة الموحدین صلوات الله علیه بشرح او ما فد
شدی من اظهار این هرگز نمیکردم بدانکه بعد از آنکه اشارت کرد در این
دایره با اسم اعظم بتفصیلی که گذشت اشارت کرد بدانکه اسم اعظم الله
چنانچه مشهور است چنانکه کشف بعد از قوله تعالی تلک عشرة کاملة کلا بل
هو الله و سر این آنست که همه اسما و صفات راجع است بر این اسم مبارک
و ترجیح این آنست که حروف اسم مقدس چهار است الف و لام و ها و هر اسمی از اسمای حسنی
که نکرده باشد چون قصد تعریف کنند ابهام او زایل نشود الا با الف و لام

چون معنی نصف اول دانستی نصف دوم را ملاحظه کن که لام و ها است
که اشارت است به له پس همه اسماء حق او شده و در قرآن مجید اشارت بدین
شده است که و لله الاسماء الحسنی و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم اشارت
بدین فرموده که ان لله تسعة و تسعین اسما من احصاها دخل الجنة و معنی احصاها را
در رساله که من نوشته ام و زبدة المصنفات نام کرده ام در آنجا مذکور است
پس ظاهر شد که همه اسما منسوبست با اسم مقدس الله و او منسوب بجمیع اسمای حسنی است
و آنکه در دایره نوشته شده است بالهدی گویا اشارت بدانست
که امیر المؤمنین علیه السلام اشارت کرد بنده را و هدایت نمود که کشف
این سرها کردم لفواید سر اسم اعظم رسیدی بدانکه قبول دعا موقوفست بر آنکه
دعا کنی با اسم اعظم بدانکه اعظمست و دانستن صفت اعظمیت موقوفست
بر آنکه آنکس که دعا کند اعراض کرده باشد از ما سوی الله و بتمامی دل
متوجه حق باشد و قطع نظر از جمیع ما سوی الله کرده باشد و هیچ چیز را مانع و نافع
و ضار و معطی نداند غیر از حضرت حق هرگاه که خدای تعالی را بدین وجه بخواند
دعای او رد نشود و اگر نه کسی را که دل مشغول باشد بزن و فرزند و مال و مانند
آن و ذهن او مکدر باشد بخیال معاش و بصیرت باطن او پوشیده باشد

بکثرت جاه و مال و پر باشد از دوستی بزرگی و حکومت او را نرسد که گوید
که مرا اسم اعظم حاصل شده است و از این جهتست که اکثر مردمان خدا را با اسم الله
خوانند و دعای ایشان مستجاب نشود و نیست تمام احوال دایرهٔ مذکوره و کلمه
چند که متعلق است به تتمه فایده‌ها که سبب توضیح و تفصیل گذشته است نوشته
میشود چون دانستی که این دایره مشتملست بر سرهای گذشته در توضیح و تفصیل
آن کلمه چند گفته میشود بدانکه آنچه مذکور است در دایره بر سه قسم است اول
و میان و آخر هرچه بر مرکز گفته شده است در اول تعلق به ابتدا دارد و هرچه
بر مرکز گفته شده است متصل دایره تعلق بمیانه دارد و هرچه بر مرکز در خارج دایره
نوشته شده است نزدیک بمیانه تعلق با آخر دارد و چون دلالت رموزی
که نوشته شده است در دایره موقوفست بر دلالت حروف جهت آن
حروف را مقدم داشته شد چه از حروف رموز مرکبات معلوم شود پس نقطه
مبدا باشد بجای مرکز دایره باشد و هرچند دایره نزدیکتر بمرکز باشد
دایره تنگ‌تر باشد نسبت بآنچه دورتر است همچنین دلالت مرکبات
در رموز هرچند دورتر از مبدا باشد گشاده‌تر باشد در دلالت بر آن
معانی پس چون ترکیب مرکبات بجای رسد که از وی همه معانی فهم شود دلالت

بر همه معانی کند این نهایت دوایر باشد که جمع کرده باشد ابتدا و انتها را
و اشارت باشد بآنکه عالم نزدیک بآخر رسیده چون دانستی بدان که
تفصیل مراتب دلالتها رمزها از ابتدا تا انتها اول بدانکه حروف و اسمائی
که نوشته شده است در دایره دویست و بیست باشد پس قاعده دلالت
کند که منشاء رمزها بیست باشد پس تفصیل اول حروف رموز دوم
عددی که باعتبار علم حروف دارند سیوم مبادی چهارم مواد و اصول مبادی
پنجم باقی از مواد و اصول مواد بعد از حذف مکرر ششم مبادی باعتبار
حساب جمل هفتم حروف اسم مقدس هشتم باقی حروف اسم مقدس بعد از
حذف مکرر نهم مواد حروف اسم مقدس دهم باقی از اسم مقدس یازدهم
عدد اسم مقدس بحساب جمل دوازدهم حروف اسما که محیطاست بمحیط دایره
سیزدهم حروف همین اسماء یا مبادی چهاردهم حروف اسماء داخل دایره
که ابتدا او نوشته شده است پانزدهم حروف اسمای که داخل نوشته شده
است در طرف منتهاش شانزدهم حروف مجموع اسمای شریفه که در اندرون دایره
نوشته شده است هفدهم مجموع اسمای که در اندرون و بیرون دایره نوشته
شده هجدهم جمیع اسماء مذکوره با مبادی نوزدهم جمیع اسمای حسنی بیستم حروف

هریک از دو آیه که در بیرون دایره نوشته شده است و از اینجا معلوم شود و دو قطعه
که بوده است از ابتداء ظهور حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم بر این وجه که حضرت
صلوات الله علیه و آله و سلم در مکه مبعوث شد در مکه دعوت خلایق میکرد
تا هجرت کرد و بیعت عقبه اولی شد بعد از آن بیعت عقبه دوم شد بدانکه
حروف رموزی که نشانه ده است از اول بعثت تا سال عقبه ده بود و این
ده حرف اشارت بدانست و حروف مبادی و سه که مقابل اوست اشارتست
از سال بعثت تا هجرت که سیزده سال است و حروف یازده اسم مقدس که یازده
است از وقت هجرت تا وقت رحلت این اشارت بدانست و مبادی
با مواد و اصول حروف اسم مقدس دوازده است اشارتست از وقت رحلت
آنحضرت تا کشته شدن عمر و هرگاه که اضافه کنند مبادی را با اصول اسم
الله دوازده شود اشارتست از وقت کشته شدن عمر تا وقت کشتن
عثمان تا وقت شهادت حضرت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه اصول اسم
مقدس و سه اسم دیگر شانزده شود اشارتست از کشته شدن عمر تا وقت
شهادت حضرت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه و این شانزده سالست
و هرگاه که مبادی را که سه است ضرب کنی در حاصل از ضرب اسم مقدس در دو طرف

او هفتاد

او هفتاد و دو شود و این سالیست که ابن زبیر و حجاج فتنه کردند و خانه کعبه را
خراب کردند بمنجنیق و آتش و انداختند یک رکن کعبه را و ابن زبیر را از حلق
کشیدند هرگاه که مبادی را در حروف اسم مقدس ضرب کنی دوازده شود و بعد از آن
حاصل ضرب را ضرب کنی در مواد اسم مقدس که یازده است صد و سی و دو شود و این
سالیست که دولت بنی امیه آخر شد چون ضرب کنی حرف های رموز را در باقی رموز او
حروف اسم مقدس کم پنج است حاصل ضرب که پنجاه است اضافه کنی بمبادی
که هفتاد و یکیست بحساب جمل آنچه اسم مقدس بحساب جمل داشت که شصت و
شش است صد و هشتاد و هفت حاصل شود در این سال زوال دولت برمکیان شد
و هرگاه که جمع کنی مبادی و حروف اسم مقدس را که هفتست و در باقی حروف
مبادی که پنجست ضرب کردیم سی و پنج شد باز حاصل ضرب را در هفت ضرب
کردیم دویست و چهل و پنج شد این سالیست که در شرق و غرب عالم اضطراب
و زلزله و فتنه بسیار بود چنانکه شهرها و قلعه ها و باروها و منزلها در مغرب و مصر و
شام و انطاکیه و لاذقیه خراب شد و مردم از خانه ها گریخته و به بیابانها رفتند
و کوه اقرع که در انطاکیه است شکست و پاره بزرگ از آن بدریا رفت
و در دریا آشوب عظیمی پیدا شد و بخار بد بوی از آن ظاهر شد و یک تن بی

دیگری بجری زمین فرو رفت که معلوم نشد که کجا رفته است و همچنین کوه
بزرگی در لاذقیه بزمین فرو رفت این در زمان خلافت متوکل عباسی بود
و او را خوفی عظیمی پیدا شد و اضطراب بسیار کرد و هرگاه جمع کنی حروف رموز را
و اسمای که نوشته شده است در داخل دایره و بیرون دایره که بیست است
و دو طرف اسم مقدس را که الف است و با شش شود و چون ضرب کنی مجموع را
که بیست و شش است حروف اصول اسم مقدس که چهار است صد و چهار شد و این
را ضرب کردیم در مبادی که سه است سیصد و دوازده شد و این سالیست
که قرامطه هجوم کردند و غارت خانه کعبه نمودند و حاجیان را قتل کردند و رکن
خانه کعبه خراب کردند و حجر الاسود را بردند و حکایات ایشان بسیار است و در کتب
در تواریخ و هرگاه مبادی را که سه است در اصول مبادی که نه است ضرب کنند
بیست و هفت شود و این را در حروف اسم الله و رحمن و رحیم و غفور که
پانزده است ضرب کنی که چهار صد و سی و دو حاصل شود که این سال انقراض دولت
آل بویه است از ملوک عجم و دیلم و ابتدای پادشاهی سلجوقیانست
و هرگاه جمع کنی مبادی را که سه است و حروف اسماء اربعه که شانزده است
و ضرب کنی در حروف رموز که ده است صد و نود شود و این را در مبادی که

سه است

سه است ضرب کنی پانصد و هفتاد شود و این سال انتهای دولت خلفای
مصرین است که بنی فاطمه بودند و هرگاه عدد اسماء حسنی که نود و نه است
جمع کنی با عدد حروف بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ صد و بیست و یک
شود از او در حروف اسم مقدس که چهار است ضرب کنی چهار صد و هشتاد و
چهار شود باز مبادی را که سه است در حروف اسم مقدس بعد از حذف مکرر که
سی و سه شود ضرب کنی پانصد و هشتاد و سه شود و این سالیست که پادشاه
فرنگ برطرف شده است از بیت المقدس و پاک شد از ایشان و این دولت
سلطان ملک الناصر صلاح الدین یافت که فرنگ را از آنجا دور کرد و
چون مبادی را که سه است در عدد اسم مقدس بحساب جمل که شصت و شش است
ضرب کنی صد و نود و هشت شود و حاصل ضرب را چون اضافه کنی با حروف
اسم مقدس که یازده است و ضرب کنی این جمله را در اصول اسم مقدس بعد از حذف
مکرر که سه است ششصد و بیست و هفت شود و درین سال سلطان ملکشاه
خوارزمی شکست یافت و دولت او آخر شد و تتار غالب شد و هرگاه که
اضافه کنی بدین ششصد و بیست و هفت حروف آیة الکرسی را که هفده است
ششصد و چهل و چهار شود و این سالیست که دولت خوارزمیه آخر شد

وازین رمز چنان معلوم شود که ایشان را دیگر دولتی نباشد و هرگاه که
اضافه کنی حروف اسماء شریفه ثلثه را که در جانب منتهی واقعست که عدد
آن دوازده است ششصد و پنجاه و شش شود و این سالیست که درین سال
اضطراب و اختلاف بسیار شود و هر که درین وقت زنده باشد واین قضیه
را مشاهده نماید بر مخرج آن دعا خیر گوید و هرگاه که حروف رمز را که ده است
در عدد اسم مقدس که شصت و شش است ضرب کنی ششصد و شصت شود
و درین سال فتنه بسیار روی و آشوب بسیار شود بیشتر از پیشتر و هرگاه اضافه
کنی برین عدد حروف آیه اول را که هفده است ششصد و هفتاد و هفت
شود و درین سال فتنه و قیامت بر خواسته است و هرگاه حروف رموز را
که ده است در عدد اسم مقدس چنانکه گذشت ضرب کنی ششصد و شصت شود
و مبادی را که سه است ضرب کن در مواد اصول اسم مقدس که یازده است
سی و سه شود و چون این را اضافه بر ششصد و شصت کنی ششصد و نود و
سه شود و درین سال انقراض دولتها و تغییر حالها شود و پس بدانکه این رموز و
علامات و اشارات دلالت کند بر امور غریبه که بعد ازین ظاهر شود و خبر
دادن بیش ازین ازو قوع چندان فایده ندارد و آنچه کلیات این اشارت

باشد

باشد ذکر کنیم که اهتمام بدان بیشتر است که ده است هر یک دلالت کند
بر واقعه که در نهصد و نود واقع شود اول آنکه هرگاه اضافه کنی مواد حروف اسم
مقدس را که یازده است بر اسماء حسنی که نود و نه است صد و ده شود و بعد از ان
مواد مبادی را که الف و لام میم است و عدد او نه است ضرب کنی در صد و ده
نهصد و نود شود و درین سال امکان دارد که عالم آخر شود طریق دویم
آنست که اسم مقدس را بعد از حذف مکرر که سه حرف شود و او را یکی از دو مثل
که دو لام است که در اسم الله بود ضم کنی سی و سه شود چون در مثل دیگر که لام
دیگر است ضرب کنی نهصد و نه شود طریق سیم آنست که حروف رموز را
که ده است در اسماء حسنی که نود و نه است ضرب کنی نهصد و نود شود طریق
چهارم آنست که جمع کنی حروف مبادی را که الف لام میم است و نه است
و مواد اصول اسم الله را که یازده است و ضرب کنی در عدد حروف دو آیت
که در بیرون دایره نوشته شده بود که سی و نه است هفتصد و هشتاد و سه و
جمع کن عدد حروف الله را که چهار است با عددی که او راست بحساب جمل
که شصت و شش است هفتاد شد و این در مبادی که سه است ضرب کنی
دویست و ده شد و این را جمع کن با هفتصد و هشتاد نهصد و نود شود

طریق پنجم هرگاه ضرب کنی باقی از مواد اصول مبادی را که پنج است بعد از حذف
مکرر در باقی از اصول اسم مقدس که سه است پانزده شد باز این پانزده را در عدد
جمل اسم الله که شصت و شش است ضرب کنی نهصد و نود شود طریق ششم
هرگاه ضرب کنی عدد ده اسم را که در دایره تصریح مذکور شده است در نود و نه
تمام نهصد و نود شود طریق هفتم هرگاه ضرب کنی مبادی را بعد از حذف مکرر
که پنج است در شصت و شش که عدد الله است بحساب جمل سیصد سی شد این
را در اصول مبادی که سه است ضرب کنی نهصد و نود شود طریق هشتم هرگاه ضرب
کنی مواد اصول مبادی را که نه است در حروف رموز که ده است ضرب کنی
نود شود و نود را در حروف اسم الله که یازده است ضرب کنی نهصد و نود شود
طریق نهم هرگاه اصول اسم مقدس را که چهار است اضافه کنی بمواد او که
یازده است پانزده شود این را در شصت و شش که عدد اسم الله است
ضرب کنی نهصد و نود شود طریق دهم آنست که حروف رموز را که ده است
جمع کنی با آنچه که محیط دایره است از مبادی که آن هشت است و هفت است سی و
شد و حروف شش اسم که در آنجا مسطور است بیست و سه است جمع کنی شصت
شود و حروف هر دو آیت که سی و نه است و اضافه کنی نود و نه شود و این

مجموع را

مجموع را در حروف رموز ضرب کنی نهصد و نود شود و این ده وجهست از دلالات
در موز که هر یک مستقل است در دلالت بر واقعات و این شرح بحسب اشارت
امیر المؤمنین قبلة الموحدین صلوات الله علیه که در مجلس شریف حضرت
نبی صلوات علیه و آله و سلم که اکثر ایمه و علما و صحابه حاضر بودند نوشته شد
بتوفیقات ربانی و تاییدات سبحانی   باب پنجم در
اسماء الله و خواص آن با بعضی از نمازهای نافله و دعاهای متعلقه
و شرح اسماء الحسنی و بعضی از کلمات حضرت امیر المؤمنین علی
ابن ابی طالب و بعضی ایمه علیهم السلام حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود بکمیل که چون شیطان در دل تو وسوسه کند این کلمات بخوان
اعوذ بالله القوی من الشیطان الغوی واعوذ بمحمد الرضی من شر ما قدر
وقضی واعوذ باله الطیبین من شر الجنة والناس اجمعین وعظم الله
وصلی الله علی محمد و آله چون این دعا بخوانی دور شود از تو ابلیس و جمیع
شیاطین یا قوی یا غنی یا ملی یا وفی هر کس این دعا را دوازده هزار
بار بخواند میسر کرد و مال دار و غنی باذن خدای تعالی حرف الغین اسم او
غنی است یا غالب و او را مربع هزار است در هزار و می باید که توهم کرده

شود هر صدی از دو مربعی بنقش خود و هر ده ازین صد مربعی بنقش خود شود و ضبع
کرده شود و عتبرش یعنی ده کرده شده را وضع کنند مطلق یعنی در صورت حلقه
نامجتمع شود در او و سر از آن هزار و صدها و عشرات و احاد و هر کس کی بشناخت
قدر این مربع را مستغنی شد به این از جمیع اوضاع ذکر قایم با این دعا
اَغْنِنِی بِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَبَلِّغْنِی غَایَةَ سَیْرِی وَارْفَعْنِی
اِلَی سِدْرَةِ مُنْتَهَایَ وَاَشْهِدْنِی الْوُجُودَ كَوْدِیًا وَالسَّیْرَ دَوْرِیًا
لَا غَایَةَ سِرَّ التَّنَزُّلِ اِلَی النِّهَایَاتِ وَالْعَوْجِ اِلَی الْبِدَایَاتِ وَاَیِّدْنِی
بِذَالِكَ بِنُورٍ شَعْشَعَانِیٍّ تَخْطَفُ بَصَرَ كُلِّ حَاسِدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
اِنَّكَ غَنِیٌّ حَمِیدٌ وَالْغَنِیُّ الْحَمِیدُ مجلس باین ذکر مناجات نکرد با حق
در وقت لایق بکر خدای تعالی برو هر مطلوبی میسر کردانید و قناعت روزی
کرد حسین بن علی علیهما السلام عیسی را علیه السلام بخواب دید کفت چه کویم
بر انکشتری کفت این را بنویس که در انجیل آمده است لا اله الا الله الملک
الحق المبین فصل در ثواب ذکر لا اله الا الله از کتاب مناهج
العباد نوشته شد که برای مرده که بهترین چیزی که برده دهند و صدقه ازی
که بر خویشان و دوستان که برای مرده دهند از همه اولیست که از برای

او کنه است که هفتاد هزار بار کلمه لا اله الا الله به نیت خلاص او از آتش دوزخ
بکویند خواه یک کس کوید و خواه جماعتی که شیخ محی الدین اعرابی فرموده است
که اگر کسی از برای خود یا با دیگری این ذکر به این نیت هفتاد هزار بار بکوید هر آینه
آنکسی که برای او این ذکر کفته شده باشد از آتش دوزخ امان یابد و درین
باب خبری نبوی وارد است که شیخ محی الدین اعرابی میکوید که ابو العباس قصاب
مرا خبر کرد و همین کفت که شیخ ابو الربیع کفیف مالقی این ذکر را هفتاد هزار بار کفته
بود و لیکن نه بنام کسی معین کفته بود و ثواب از آن کسی نبخشیده بود تا روزی بر سر
طعامی حاضر بود با جماعتی و با ایشان کودکی صاحب کشف بر آن مایده حاضر بود ناکه
در اثنای میان آن کودک دست بر طعام برد تا بخورد ناکاه بکریست و از خوردن
امتناع کرد کفتندش چرا میکریی کفت اینک دوزخ را میبینم و میسکم و ما
در خود را در وی در عذاب می بینم از آن میکریم شیخ ابو الربیع کفت در
باطن خود کفتم خداوندا تو میدانی که غیر این هفتاد هزار بار کلمه لا اله الا الله
کفته ام از آن جهت آزادی مادر این کودک از آتش دوزخ آزاد کن
تعالی کردانیدم و کفت چون مراین نیت در باطن خود تمام کردم آن
کودک بخندید و بشاش شد و کفت مادر خود را می بینم که از آتش دوزخ

خلاص یافته شده الحمد لله پس بطعام خوردن مشغول شد با جماعت شیخ ابو الربیع
میکوید که مرا صحت خبری نبود درین باب پس بکشف آن کودک معلوم شد
و صحت کشف این کودک بخبر نبودی درین باب پس روشن کشت و اکر چنانکه
این هفتاد هزار بار کلمه لا اله الا الله جهت میت کسانی کویند که ایشان را مشایخ
ذکر تلقین کرده باشند اثرش تمام تر باشد و اکر کسی برای خلاص خود را از آتش
دوزخ این ذکر را بکوید اثرش تمامتر باشد هر کس که این هشت اسم را با خود
دارد حق تعالی او را از همه ترس ایمن دارد و هر حاجت که باشد قبول کردد
انشاء الله و دیکر کسی که بحشر خواستن برود اکر نه هند این نامها را به بازوی خود
بندد آن حشر با بر حق بدو بدهند انشاء الله یا حمیلد و یا جسلا
یا شعشیا یا جهشیا یا طلهشیا یا میخا یا جلیلد و بسم الله
الرحمن الرحیم یا مشتلیشاکج یا مفلیشاکج این را بر پشت خاک
بخوان و در روی دشمن انداز مقهور شوند این را لشکر بخوانند لشکر از هم
پاشند بلطهلیل مهطهطیل فهطهطیل نهطهطیل نهطهطیل
نهطهطیل لهطهطیل بمفضحل کفته اند اسم حمد و صادق و
صبور در صور شصت بار هر یکی بر طاقیه بنویسد بر خصم غالب شود باذن

الله تعالی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که افضل الکلام اربع سبحان الله
والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر یعنی بهترین سخنان این چهار کلمه باشد و کفت
آنحضرت که کفتن این کلمات پیش من عزیز تر است از هر چه آفتاب بر وی تابد
باز کفت علیه السلام هر که بکوید هر روز صد بار سبحان الله و بحمده کناهای او محو
شود اگر چه مثل کف دریاها باشد و کفت هر که صباح صد بار بکوید و مساء صد بار
بکوید سبحان الله و بحمده هیچکس در عرصه قیامت نباید که عمل او بهتر از عمل او باشد
یا برابر او مکر آنکس که مثل او کفته باشد با بیشتر از برای نصر و ظفر هکککهول
فکککم اوبدا باب جهت شکستن لشکرها و فرود آوردن
حصارها و بستن رودها و فرستادن ملخ و اندوختن قحط بعد از آن ضد آن از خیر
هرکاه اراده کنی این را نقش کن بر سنگ بلور اسم هادی عشر او آن است
ششطفاهیت غالب شدن جهت دعوی بنویس در روی خود را بمال سلمسون
یهو وهلو ابها کلب االله حرون نخوعوس لایجا دون نبوسون
هوطه سطه ب الشهوانجمعه ضول بهلوك و قبول
نزد ایشان یا شیفص یا مصططفص یا مصططشیفصا
نقل من صورة خط الامام وعن اباته الکرام صورة نادی

الحقایق باقدام الفتوة والولایة وقد بنا سبع طرایق باعلام النبوة
والهدایة لغیوث الوغا وغیوث الذنب وفتنا السیف والعلم
فی العاجل ولواء الحمد فی الآجل واسباطنا اسباط الدین وخلفتنا
الیقین ومصابیح الامم ومفاتیح الکرم فالکلیم حلة البیس الا
صطفاء لما عهدنا منه الوفاء وروح القدس فی جنان الصا
فورة وامر من حدایق ضاء الباکورة وشیعتنا الفئة الناجیة
والفرقة الذاکیة صاروا لنا ردءا وعونا وعلی الظلمة لنا
وعونا وسیفجر لهم ینابیع الحیوان بعد لظی النیران لتمام
الم وطه وطواسین من التبیین وهذا الکتاب درة
من جبل الرحمة قطرة من بحر الحکمة وکتبه الحسن بن علی العسکری
سنة اربع وخمسین ومائتین از امام جعفر صادق علیه السلم
پرسیدند که چرا ذوالفقار را ذوالفقار نام کردند فرمود لانه
کان فی وسطه خط فی طوله مشبهة بفقار الظهر کان طوله
سبعة اشبار وعرضه شبر انزل الله تعالی آدم من الجنة ومعه
ذوالفقار خلقه من ورق آس فیه بأس شدید وکان به یحارب

آدم اعدائه من الجن والشیاطین وکان الانبیاء یحاربون
به نبی بعد نبی ووصی بعد وصی فورثه امیر المؤمنین یحارب
به قال جعفر الصادق علیه السلم هبط جبرئیل یوم بدر من السماء
وکان معه ذوالفقار وحلیه من فضة وهو عندی مضمون
سخن اینست که برای آن ذوالفقار گفتند که درمیان او خطی بود دراز مشابه
فقرات که در پشت آدمی است و درازی او هفت شبر بود و پهنای او یک شبر
خدای تعالی چون آدم را از بهشت زمین فرستاد و ذوالفقار با او بود
و خدای تعالی ذوالفقار را از برگ مورد بهشت آفریده است و در او هیبت
عظیم بود و آدم هرگاه که با جنیان حرب کردی بدان حرب کردی و همچنان
انبیا و اوصیا بدین شمشیر حرب کردندی تا آنحضرت امیر رسید و آنحضرت
فرمود که جبرئیل روز جنگ بدر که از آسمان فرود آمد این شمشیر پیش منست و از
از کلام حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام است در نهج که در جنگ با اصحاب خود
گفته وای امرء منکم احس من نفسه رباطة جاش عند اللقاء ورأی
فی احد من اخوانه فشلا فلیذب عن اخیه بفضل نجدته التی
فضل بها علیه کما یذب عن نفسه فلو شاء الله لجعله مثله

ان الموت طالب حثیث لا یفوته المقیم ولا یعجزه الهارب ان اکرم
الموت القتل والذی نفس ابن ابی طالب بیده لالف ضربة بالسیف
اهون علی من میتة علی الفراش هم از کلمات حضرت امیر است
علیه السلام در نهج در ذکر احوال پیغمبر صلوات الله علیه وآله
وسلم قد حقر الدنیا وصغرها واهون بها وهونها وعلم ان الله
زواها عنه اختیارا وبسطها لغیره احتقارا فاعرض عن الدنیا
بقلبه وامات ذکرها من نفسه واحب ان تغیب زینتها عن
عینه لکیلا یتخذ منها ریاشا او یرجو فیها مقاما بلغ عن ربه
معذرا ونصح لامته منذرا ودعا الی الجنة مبشرا نحن شجرة النبوة
ومحط الرسالة ومختلف الملئکة ومعادن العلم وینابیع الحکم ناصرنا
ومحبنا ینتظر الرحمة وعدونا ومبغضنا ینتظر السطوة
هم از کلمات حضرت امیر است علیه السلم در نهج البلاغه در مدح
حضرت رسالت صلی الله علیه وآله وسلم اختاره من شجرة الانبیاء
ومشکاة الضیاء وذؤابة العلیا وسرة البطحاء ومصابیح الظلمة
وینابیع الحکمة روایت کرده اند از کمیل بن زیاد نخعی که از اصحاب

حضرت امیر المؤمنین بود علیه السلم که او پرسید که ما لک
والحقیقة کمیل گفت اولست صاحب سرک حضرت فرمود بلی ولکن
یترشح علیک ما یطفح منی پس کمیل گفت که او مثلک یخیب سائلا
پس حضرت فرمود الحقیقة کشف سبحات الجلال من غیر اشارة
پس کمیل گفت که زدنی بیانا حضرت فرمود محو الموهوم مع صحو
المعلوم پس کمیل گفت زدنی بیانا حضرت فرمود هتک الستر
لغلبة السر پس کمیل گفت زدنی بیانا حضرت فرمود جذب الا
حدیة لصفة التوحید پس کمیل گفت زدنی بیانا حضرت فرمود
نور یشرق من صبح الازل فیلوح علی هیاکل التوحید آثاره پس کمیل
گفت زدنی بیانا حضرت فرمود اطف السراج فقد طلع الصبح
روایت است از امام جعفر علیه السلام الواح موسی عندنا
وعصی موسی عندنا ونحن ورثة النبیین و هم حضرت فرمود
علمنا غابر ومزبور ونکت فی القلوب ونقر فی الاسماع وان
عندنا الجفر الاحمر والجفر الابیض ومصحف فاطمة علیها السلم
وان عندنا الجامعة فیها جمیع ما یحتاج الیه الناس غابر علیت

باچه خواهد امد وص بود علیست باچه گذشته است ونکت در
قلوب الهام است ونقر در اسماع او از فرشتگان است کماو از ایشان
ایمه علیهم السلم شنیده اند بی انکه اجسام ایشان را بینند وحفر
احمر وعاییست که سلاح پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم در انجا
بود وانرا بیرون نیارند الا با ایام قایم علیه السلام وجفر ابیض
وعاییست که توریة موسی وانجیل عیسی وزبور داود در انجاست
باجمله کتب منزله واما مصحف فاطمه دروی باشد ازجمله حوادث
ایام واسماء ملوك تا روز قیامت واما جامعه کتابیست
که هفتاد گز طول او باشد جمله از املاء رسول الله است صلوات
الله علیه واله وسلم از زبان مبارك الحضرت وبخط امیر
المؤمنین علی علیه السلم است که در انجا احکام شرعی تمام باشد
تا ارش وخدش وجلده که زنند نقل است از امام جعفر صادق
علیه السلم که معاویه از امام حسن علیه السلم پرسید که چه میگوئی
ازان خبر که پیغمبر صلوات الله علیه واله وسلم در معراج خدا را دید
بکدام صورت دید وچه گوئی درباب حدیثی که روایت کنند

کهضدارا

که خدا را در قیامت اهل جنت ببینند در چه صورت ببینند امام
علیه السلم تبسم کرد وگفت یا معاویه چه زشت باشد که ادمی
هفتاد سال یا هشتاد سال در ملك خداوند زندگانی کند ونعمت خدا
خورد وخدا را نشناسد بعد ازان فرمود یا معاویه ان محمد صلی الله
علیه واله وسلم لم یر الرب تبارك وتعالی بمشاهدة العیان
وان الرؤیة علی وجهین رؤیة القلب ورؤیة البصر فمن عنی بالرؤیة
رؤیة القلب فهو مصیب ومن عنی بالرؤیة رؤیة البصر فقد کفر بالله
وبایاته کما قال رسول الله صلی الله علیه واله وسلم من شبه الله
بخلقه فقد کفر یعنی پیغمبر فرمود صلوات الله علیه واله وسلم خدا را
هرگز بچشم ندید ودیدن بر دو وجه است یکی دیدن دل است
ویکی دیدن چشم انکس که گوید که خدا را بچشم دل دیده ام انکس حق گفته
وانکس که گوید که خدا را بچشم ظاهر دیده ام او کافر است بخدا وایات
خدا چنانکه پیغمبر فرمود که هر که خدا را بخلق مشابه کند هر دو دین او کا
فر است بسم الله الرحمن الرحیم
این رساله ایست منتخب از لمعه نورانی که شیخ عالم ربانی ابو العباس بونی قدس

سره تصنیف فرموده واین ضعیف فقیر از ا پارسی کرد تا بر طالبان اسان گردد
ان شاء الله تعالی بدان وفقك الله بعمل الاسماء که هر یکی از اسماء الله
را عددی معتبر است که بان عدد دعا کنند وهر کس که جد نماید بمراد برسد وقاعده
انست که اسمی که مناسب ان حاجت باشد دست نند والف لام تعریف از و بیندازند
وبحساب جمل کبیر بهم بگیرند وببینند که چند است پس ان اسم انمقدار در موضعی خالی
یاد کنند به زیاده ونقصان مثال الکبیر والمتعال الف لام تعریف
بیندازند کبیر ومتعال بحساب ابجد کبیر بگیرند هفتصد وهفتاد ودو به عدد بیرون
اید در جای خالی بعد از نماز این مقدار بگویند به زیادت ونقصان که البته
مقصود حاصل شود ان شاء الله تعالی هذا شروع فی المقصود هو این ذکریست
لایق باهل کمال هر کس که یازده نوبت این اسم بگوید از اهل کمال گردد الله
الباری این اسم دویست وچهل نوبت بباید گفت ولایق جمعیت که
هنوز بکمال رسیده اند از مبتدیان المصور المبدئ المعید المحیی الممیت
این پنج اسم است یکهزار وشصت وپنج نوبت باید گفت که لایقست سالکان
مبتدی الاحد الواحد این دو اسم سی و نوبت بگوید که لایق است بسالکان
در اسرار توحید الصمد این اسم صد وسی وچهار نوبت بگویند که لایقست

بکسانی

بکسانی که بگرسنگی گرفتار باشند الفعال صد وهشتاد ویکنوبت باید گفت
از بهر وسوسه وغم وفکر که زایل شود وفرح وسرور اورد البصیر السمیع این دو اسم
چهار صد وهشتاد ودو نوبت بگوید از بهر الحاح در دعا از بهر کارهای بحث
مناسبست الحی القیوم این دو اسم صد وهشتاد وچهار نوبت بگوید
از بهر طلب جاه وعزت وزیادتی رزق واگر از اول صبح تا طلوع افتاب
مداومت کند مقصود یابد الرحمن الرحیم این دو اسم چهار صد وچهار نوبت
بخواند مناسبست از برای اضطراب وخفقان الملك القدوس این
دو اسم دویست وشصت نوبت بخواند از بهر طلب رتبت ورحمت وبزرگی
خصوصا با پادشاهان العلی الکبیر العظیم المتعال این چهار اسم یکهزار
ویانصد وسیزده بار بخواند از بهر علو ورفعت وعظمت الحفیظ
نهصد ونود وهشت نوبت بخواند از بهر کسانی که در جایهای خوفناك ترسند
ودر اخر بگوید یا حفیظ احفظنی وهمچنین اگر عددی او وفقی سازند
وحروف او تکسیر کنند چنانچه در ظاهر خاتمی وفق نهند ودر باطن خاتم تکسیر حروف
نهند ودر نقره نقش کنند از بلاها وافتها ایمن گردد در حضر وسفر وصورت
اینست که نموده ست العزیز الجبار المتکبر این سه اسم را نهصد وشصت

دو نوبت از بهر عزت و رفعت خصوصا چون پیش جباران و متکبران یاد کنند مطیع و منقاد شوند العزیز الحکیم البدیع این سه اسم سیصد و چهارده نوبت بخواند از بهر طالبان اسرار و از بهر زیادتی در علم و فکر و حکمت الحکیم الرؤف المنان این سه اسم پانصد و شانزده نوبت بخواند از بهر کسانی که شهوت یا گرسنگی یا تشنگی یا ترس بریشان غالب باشد چون بدین اسماء مداومت کند البته تسکینی بر خود مشاهده کند القابض الاول الآخر الباطن این چهار اسم یکهزار و هشتصد و سه نوبت بخواند از بهر رفعت و عظمت و از بهر دفع خصمان الکریم الوهاب ذو الطول این سه اسم یکهزار و سی و پنج نوبت بخواند از بهر طلب رزق و دفع فاقه و هر کس که برین اسماء مداومت کند من حیث لا یحتسب او را رزق رسد العفو الغافر الغفور این اسم دو هزار و هفتصد و بیست و سه نوبت بخواند از بهر دردها و المها در دین و دنیا الکافی المغنی الفتاح الرزاق این چهار اسم هر یک هزار و نهصد و شصت و هشت نوبت بخواند هر کس که آرزوی در دل دارد و امیدی چون مداومت نماید خلاص یابد و بمراد رسد الودود اللطیف الواسع الشهید این چهار اسم ششصد و پنج نوبت بگوید درین اسما تجربه است

خصوصا اسم اللطیف که بغایت کشف غم و حزن بکند و دفع شداید و المها و بیماریها بکند الشدید ذو القوة القاهر المقتدر این چهار اسم دو هزار و سیصد و هشتاد و نوبت بخواند از بهر قهر بر اعدا و غلبه بر دشمنان و در ساعت هفتم در شب در خانهٔ تاریک سر برهنه بر زمین بی‌حایل مداومت کند در آخر صد بار بگوید یا شدید البطش خذ لی حقی من فلان البته حق تعالی آن ظالم را قهر کند و مراد او حاصل کند که هیچکس این اسما را بدین طریقه دعا نکرد الا که اجابت شد بزودی السریع الرقیب المتین این سه اسم هفتصد و پنجاه و چهار نوبت بخواند هر کس که امید بکسی دارد چون برین اسما مداومت نماید بی انتظار مقصود حاصل شود الشکور یکصد و بیست و شش نوبت خواندن مناسب شاکران الولی مناسب اولیا چهل و هشت نوبت بخواند الحسیب هشتاد و نوبت بخواند از بهر کفایت و تمامی نعمت الصادق صد و نود و پنج نوبت بخواند از بهر آنکه زبان از دروغ نگاه دارد السریع المجیب این دو اسم سیصد و نود و پنج نوبت بخواند از بهر سرعت اجابت در آخر دعا شانزده نوبت بخواند تمت بعون الله و حسن توفیقه

بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی

این رساله شرح نمط عشر از کتاب نفیس ابرار که شیخ عالم ربانی شیخ ابو العباس بونی

رحمه الله نوشته و چون شرح خواص این ده نمط بعربی بود این ضعیف نحیف المستغفر من الآثام جنید بن بهرام اصلح الله احواله شرح آنکه بعربی بود فارسی کرد تا هر که فهم معانی عربی نمیکند چون این شرح فارسی بخوانند بدانند و فهم کنند و تحصیل مقصود بر ایشان آسان گردد و سبب جهد و جد بر مداومت آن گردد و مداومت بر آن سبب یافتن و رسیدن بمقصود شود و الله اعلم و این کتاب ده جمله است هر جمله بر چند اسم چنانکه ذکر کرده میشود و خاصیت آن یکیک یاد میکند و شرط عمل برین اسما آنست که چون حاجتی داشته باشد درین جملها نظر کند و هر چه تعلق بدان داشته باشد یک ساعت و زمانی مداومت بران جمله نماید در خلوت و اعتقاد صحیح و صفای نیت که حق تعالی مراد او برآورد ان شاء الله تعالی جملهٔ اولی و آن هشت اسم است هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الْفَرْدُ الْوِتْرُ الصَّمَدُ آنست خاصیت این جمله آنست که چون مداومت بران نماید اهل غفلت را بیداری پیدا شود و طالبان مکاشفات را در کشف بیفزاید اگر نویسند و بشویند و بپاشانند همین خاصیت دهد بشرط مداومت جملهٔ ثانی و آن ده اسم است هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَالِمُ الْعَلِیمُ عَلَّامُ الْغُیُوبِ الْمُتَکَلِّمُ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ الْحَافِظُ

الرَّقِیبُ الْمُبِینُ الْهَادِی خاصیت این جمله کشف علوم است و از بهر زیادتی حفظ علوم و از بهر زیادتی ذکا و ذهن و عقل و از بهر نشاندن سخن در خاطرها و حلاوت در سخن گفتن و هر کس مداومت برین جمله کند مقبول القول باشد چون خواهد که از چیزی خبردار شود برین جمله مداومت کند در وقت خواب رفتن چون بجامهٔ خواب رود و هر کس که برین جمله مداومت کند از همه بلاها ایمن گردد جملهٔ ثالث و این هجده اسم است هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْجَمِیلُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ اللَّطِیفُ الْحَلِیمُ الرَّؤُفُ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ الْمُؤْمِنُ النَّصِیرُ الْحَبِیبُ الْمُغِیثُ الْقَرِیبُ السَّرِیعُ الْکَرِیمُ ذُو الْاِکْرَامِ ذُو الطَّوْلِ الْمَنَّانِ خاصیت این جمله آنست که خایفان را ایمنی حاصل شود و اهل وحشت و دهشت را بغایت مفید باشد و اسیران و بندیان را خلاصی حاصل شود و نفسها از خوف و تلف نگاه دارد و اجابت دعا کند و مظلوم را نصرت دهد و بر دشمن ظفر یابد و چون برین جمله مداومت نماید مقبول الصورة و القول گردد و رزق با آسانی برسد و برکت در چیزها پیدا گردد جملهٔ رابع و این بیست و نه اسم است هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَالِکُ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْکَبِیرُ

الْعَلِیُّ الْمُتَعَالِی الْعَظِیمُ الْجَلِیلُ ذُو الْجَلَالِ الْحَقُّ الْمَجِیدُ الرَّفِیعُ
الْغَنِیُّ الْمَلِکُ الْوَاحِدُ الْوَلِیُّ الْوَالِی الْحَفِیظُ الْمُقَدِّمُ الْمُعِزُّ
خاصیت این جمله هیبت است و دفع وسوسها و دفع غلبهٔ شهوت و هرگاه در حضور
متکبران یاد کند مهربان و مطیع او گردند و از بهر حفظ از بتها بغایت مفید و مجرب
باشد خصوصا اسم حفیظ چون مداومت بران
و اسم را تکسیر کند و با خود دارد و جملهٔ خامس
و آن سیزده اسم است هو الله الذی لا اله
الا هو القدیر القادر المقتدر العزیز

ظ	ی	ف	ح
ح	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف
ف	ح	ظ	ی

الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ ذُو الْجَلَالِ الْقَوِیُّ ذُو الْقُوَّةِ الشَّدِیدُ الطَّاهِرُ الْقَاهِرُ
خاصیت این جمله قهر کردن دشمنانست و غالب شدن بر ایشان و خوف در دلها
اندر هشتن و شکستن لشکرها و گوینده این اسم نزد مردمان معظم باشد و این جمله
تفرقها را جمع کند و مجتمع در لشکرهای بیگانه متفرق گرداند و دفع ظالمان بکند
و دلهای سخت ظالمان نرم گرداند و هر حقیری که برین جمله مداومت نماید
رفیع القدر گردد و هر خواری مداومت نماید عزیز گردد و چون در شبهای تاریک
در ساعت هفتم در خانهٔ تاریک سر برهنه بر زمین نهند... بجایی و بهنیت ظالم بخواند

واسم الضار المؤخر المذل برین جمله اضافت کند و در آخر دعا بگوید یا
شدید یحفظ لی حقی ممن ظلمنی واکفنی علی... ونام انکس برد البته آن
ظالم مقهور گردد جملهٔ سادس وان چهارده اسم است هو الله الذی
لا اله الا هو العالم المرید المحیط الرب الشهید الرقیب الحکیم
العدل الرشید الفعال الخلاق الخالق البارئ المصور
خاصیت این جمله آنست که باب مقصود و مطلوب رسد و تسخیر قلوب بکند و از دل
وساوس بکند و فکرها و اندیشهها زایل کند و دفع غم و حزن بکند جملهٔ سابع
وان یازده اسمست هو الله الذی لا اله الا هو المحیط الواسع
البر الصادق النور البدیع المبدع المبدی المعید المغیث
خاصیت این جمله آنست که هرگاه در جامهٔ خواب پاک بگوید و ذکر حاجت بگوید
در جواب صورة آنچه خواهد بیند و این جمله زبان را از دروغ و ناشایستها نگاه
نگاه دارد و دلهای خلایق مهربان او گردد و تاریکی از دل ببرد جملهٔ ثامن
واین چهارده اسمست هو الله الذی لا اله الا هو الحی السمیع
البصیر القیوم العزیز القایم التواب اللطیف الودود المنصبر
الباسط الوهاب الفتاح الشافع خاصیت این جمله آنست که دفع حزن

و غم بکند و چون این جمله سحرگاه یاد کند خصوصا اسم یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت
از بهر زیادتی رزق و جاه و حرمت و هیبت بغایت موثر باشد و همچنین بعد از
نماز صبح تا طلوع آفتاب همین خاصیت دهد و اسم اللطیف بغایت سرعت
اجابت دارد در ازالهٔ غم و کرب در سختیها جملهٔ تاسع وان شش اسم است
هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ السَّرِیعُ الشَّاکِرُ الشَّکُورُ
الْحَمِیدُ التَّوَّابُ الْغَفَّارُ الْغَفُورُ الْمُجِیبُ الْوَهَّابُ الْجَوَادُ الْفَتَّاحُ
الْمُعْطِی الْوَکِیلُ الْکَافِی الرَّزَّاقُ الرَّازِقُ الْمُغِیثُ خاصیت این جمله بیشتر
رزاقیت و تسهیل دشواریها و تسخیر هر کس که خواهد و اگر حاجتی از کسی خواهد و بان نیت
باین جمله مداومت نماید البته حاجت او روا شود و گوینده این جمله چون تمنای
چیزی کند یا چیزی در خاطر او بگذرد حق تعالی آرزوی وی از حیث لا یحتسب برآورد
و این جمله رفع قهر و الم‌ها بکند جملهٔ عاشر و این بیست و سه اسمست هو الله
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْمَلِکُ
الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الدَّایِمُ الْبَاقِی الْمُهَیْمِنُ الْبَرُّ الشَّا
فِی الْمُعَافِی الْمُحْیِی الْمُمِیتُ الْقَابِضُ الْوَارِثُ الْجَامِعُ الْبَاعِثُ الْمُحْصِی
الْمُقْسِطُ الْمُجِیبُ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ

خاصیت این جمله آنست که چون مداومت نماید طعام و شراب کم خورد و در طاعت
قیام علو همت از نفس خود مشاهده کند و این جمله دفع غفلت کند و ایمان را ثابت
کند و تقویت نفس نماید و منع ظالم و امن خایف و دوام نعمت و از مرضها شفا یابد
و نعمت اولاد حاصل کند و کم کرده را مفید است والله اعلم بالصواب والحمد لله رب العالمین
این فایده است جهت زیادتی رزق و برکت نویسند که از شیخ عبدالکریم خضرمی روایتست
بنویسد اسم الکافی الغنی المغنی الفتاح الرزاق المنعم الجواد الباسط ذو الطول
المغیث مبسوط مکسر با الف لام تعریف در اول صباح جمعه وقت طلوع آفتاب که ساعت
زهره است در وقتی که قمر زاید النور باشد و اول ماه نویسند بر کاغذی و بنهند
در میانه ماسوره از طلا و بنهند او را در میان انبار غله و غله را که از انبار بردارند
کیل و وزن نکنند و از غله که بیرون می آورند جهت صرف کردن یک مشت بردارند
و باز در انبار مذکور بریزند در ان انبار برکت بی حساب پیدا شود در روایت از
غیر شیخ مذکور در بیان بسط بسط آنست که بنویسی حروف اسمی را مثل انک ال اول
ام کاف ال الف ف تکسیر آنست که چون نوشته باشی سطری که حروف اسم در انجا
باشد در سطر دوم حرف آخر سطر اسم را در اول سطر دوم بنویسی و حروف اول
سطر اول را در پهلوی او بنویسی و همچنین تا آخر مثل انک خواهی که تکسیر اسم حی قیوم

کنی بنویس از هرکاه ارادہ که کسی ترا — ح ی ق ی و م
دوست دارد تکسیر اسم — م ح و ی ی ق
الهادی کن با اسم خود و — ق م ی ح ی و
اسم آنکس در ورقی بنویس — و ق ی م ح ی
و بخور کن بچوزی که خوشش بوتر — ی و ح ق م ی
از او نباشد و این ورق را — ی ی م و ق ح

مشغول ساز در میان بوی خوش و دفن کن و در زبان و این اسم الهادی را بعد از ان
میخوان بنیتی که داری که بمراد برسی البته صورت تکسیر اینست که بگیری اول حرف
نام خود را بعد از حرف اسم الهادی بنویسی بعد از ان حرف از حروف اسم آنکس
خواهی بنویس چنانچه حروف اسم آنکس در میان حروف اسم الهادی و حروف
اسم تو باشد همچنین دوم و سیم بنویس تا سطر تمام شود بعد از ان تکسیر کن بنوعی
که گفته شد و درین باب بعضی چنین روایت کرده اند که اول حرف نام خود
بگیر و بنویس در پایان او حرفی از حرف اسم الهادی و بعد از ان حرفی از اسم
آنکس که اراده دوستی او کرده باشی در زیر آن بنویس چنانکه سطری شود بعد از ان
تقسیم کن این سطر را به سطر و تکسیر کن تا اول هر سطر آخر همان سطر شود و از اهل

شیخ عبد الکبیر مذکور در هلاک کسی یا عزل او مشتی خاک از زاه آنکس بردار یا از زیر دست
پای مرکوب او و کف خود را بگشا پیش خود بنویس بر وی لا دی ده بار و در هر
باری که نویسی بعد از نوشتن بگو المغضوب علیهم ده بار چنانکه نوشتن ده بار
باشد و خواندن صد بار و بعد از ان دفن کن این خاک را در جای و شرط قبول
این است که آنکس که در حق او خوانی و نویسی ظالمی باشد که هیچ باب اصلاح پذیر نباشد
و با وجود این در نوشتن و عمل کردن این خطر عظیم است باید که از خدا برسد
درین هر که خواهد که غنی شود روز جمعه چون از نماز فارغ شود با طهارت و از وقتی
که مشغول باشد بذکر این دو اسم نقش کند این دو اسم را بر نگین و با وضو متوجه گفتن
ذکر الکافی الغنی شود و معتکف شود هفت روز چنانچه بعد از نماز چیز دیگر نگوید
از اوراد و غیره غیر ازین دو اسم اندک زمانی بر او بگذرد که غنی شود ابو العباس
بونی گفته است که شخصی مفلسی را گفتم که چنین کرد باندک وقتی غنی شد و مداومت
کرد بان دو اسم احمد بن ایوب بهمدانی بعد از انکه نقش کرده بود چنانچه گفته شد
چهل روز گفت که بعد از چهل روز دیدم که سقف خانه من شکافته شد و چهل
قنطار طلا یا زر سرخ بر بالای من ریخت و گفت ندای احمد اگر زیاده کنی زیاده
کنیم و اگر قناعت کنی بس است ترا پس حمد خدا و شکر او گفتم هرکاه کسی اسم الفتاح

الرزاق اللطیف را بر انگشترین طلا نقش کند در وقت نماز جمعه که با وضو باشد
بعد از انکه هفت روز روزه گرفته باشد چنانچه روز هفتم روز جمعه باشد و نقش
کند اینها را بتکسیر و غیر تکسیر و بخور کند بمشک و زعفران و بعد و جوز این نامها را
بخواند و بذکر آن مشغول باشد بقدر قوت و طاقت که در خواب بینی آنچه مسئله
میطلبی و بعد از ان حاصل شود آنچه مطلوب توست بر وجهی که دیده باشی کسی نقش
نکند اسم الفتاح را بتکسیر و بطریق مذکور مگر آنکه حق تعالی بر او بگشاید ابواب
رزق و جاه و مشکلهای او کلیه آسان شود و او از اندوهها بیرون آید و رزق
او از جای که گمان نداشته باشد بدو رسد و هرچه از دنیا خواهد حاصل باشد
چرا که فتاح آن باشد که همه درهای مشکل بگشاید بفضل خود و رزاق آنست که هر
رزقی که خواهی بتو دهد از هر جنس که باشد و هر کس که بنویسد وفق این دو اسم را
و با خود دارد مشاهده عجایب نماید از لطف خدای تعالی اینست صورت تداخل

ق ۱۲۳	ا ۱۲۵	ن ۱۲۸	ب ۱۱۴
ن ۱۲۷	ب ۱۱۵	ق ۱۲۱	ا ۱۲۶
ب ۱۱۶	ن [illegible]	ا ۱۲۳	ق ۱۲۰
ا ۱۲۴	ق ۱۱۹	ب ۱۱۲	ن ۱۲۹

هرکاه این سه اسم را الله و الآله و الرب این اسمار اتکسیر کند در مربعی عددی و نقش
کند بسنجقی و همراه لشکری که خواهد که غالب شود داشته باشد دشمن بگریزد و بیو
تا نیان با این صورت فتح بلاد کرده اند صورت این است

۲	۲۰۰	۵	۳۰	۱	۵	۳۰	۳۰	۱
۲۰۰	۵	۳۰	۱	۵	۳۰	۳۰	۱	۳۰
۵	۳۰	۱	۵	۳۰	۳۰	۱	۲	۲۰۰
۳۰	۱	۵	۳۰	۳۰	۱	۲	۲۰۰	۵
۱	۵	۳۰	۳۰	۱	۲	۲۰۰	۵	۳۰
۵	۳۰	۳۰	۱	۲	۲۰۰	۵	۳۰	۱
۳۰	۳۰	۱	۲	۲۰۰	۵	۳۰	۱	۵
۳۰	۱	۲	۲۰۰	۵	۳۰	۱	۵	۳۰
۱	۲	۲۰۰	۵	۳۰	۱	۵	۳۰	۳۰

حرف باب حرفیست که اول هر آخر است و محیط الغیب هر ظاهری و اسمی که با و مکتابت
بحسب باطن پیوست و آنچه مناسبت بحسب ظاهر با دی او را شکل مربع نیز در بخت
و صورت او چنانست که خواهد آمد و او شکل قهر و غلبه است بر دشمنان و ذکر او این

دعاست اللّهم انت المحيط بغيب كل شاهد اسئلك بوجهك الذى
عنت له الوجوه ان تهديني الى صراط الخاص هداية تصرف بها
وجهي عن كل مطلوب سواك وخذ بناصيتي اليك اخذ عناية
ورفق يا من هو المطلق وانا المقيد الهي شانك قمع الاعداء اسئلك
مدداً من عزتك يمنعني من اراد بي بسوء حتى اقطع به دابر
الظالمين وانت على كل شيء قدير هركس باين دعا مداومت خواند الله
انك اورا عبوري در بواطن اشيا پيدا شود وراه يابد بلطايف حكمت خدا و هر كه
باين دعا بر ظالمي به نيت هلاك او خواند البته چنان شود و هر كه اسم خداى تعالى
القاهر را در مربعي نهد و مربع را در جاى پنهان كند عجايب صنع خداى تعالى در
زياده درجه خود و در قمع دشمنان خود مشاهده نمايد كه زبان از بيان او عاجز
باشد و هر جباري كه با او برابري كنند خوار شود و هر كه با او دشمني كند
خوار شود الى و هر كه با او دشمني كند مغلوب باشد و هر كه اضافه كند باين اسم
الهادي العليم الخبير المبين واين دعا را صد بار بخواند در اخر و يا هادي اهدني
الى كذا يا عليم علمني علم كذا يا خبير خبرني بكذا يا مبين بين
كذا و نام هر كه خواهي ببر بعد از ان خواب كن در خواب خود بيني حقيقت انجه را

دار

واگر صاحب حال باشد مشاهده آن كار در بيداري كند واين را صد بار تجربه
كردم چنين يافتم صورت مربعات اين ست



ق	٥	۱	ب
۲۱	۱	۵	۹۹
۳	۹۱	۲۰۳	۳
۲	۲۰۲	۹۱	۹ع

۱۸	۲	۳	۲۲	۲۰
۱۰	۱۶	۱۱	۱۲	۱۹
۲۱	۹	۱۳	۱۷	۵
۲۵	۱۴	۱۵	۱۰	۷
۶	۲۰۴	۲۳	۴	۸

منقولست از حضرت امير المؤمنين عليه السلام كه سه سطر بطريق رمل نقطه نهند بشرط
انكه سطر دوم از اول به نقطه كمتر باشد و سطر سيم از اول بدو نقطه كمتر باشد
و بعد از ان هشت هشت طرح كند اگر يكي بماند مطلوب حاصل شود بكوشش حالي
اگر دو بماند مطلوب حاصل شود بدانده و اگر سه بماند ترك كنند و مطلوب
حاصل نشود بد اسم و اگر چهار بماند مطلوب حاصل شود با مشقت و اگر پنج بماند

مطلوب حاصل شود به اندك سعي و اگر شش بماند مطلوب حاصل شود بمدت دير
و اگر هفت بماند مقصود حاصل شود بزودي و اگر هشت بماند مقصود حاصل نشود

احوال امام زين العابدين عليه السلم كه از بهر صلى در تقيا جمله طعامها
در شب برداشتي و بشيرينيها و شربت و غيران و بر گرفتي و بخانهاء ايشان
رسيدي چنانك ابا يد من كه سعيدم در بعض سحرها ديدم وي را در سجده گاه
هيچ درختي و چوبه و كلوخي و سنگي و راحل و راحله نمانده بود الا كه با تسبيح وي تسبيح
خدا ميكردند چنانكه با داود كردندي تسبيح صورت كردندي مثل تسبيح وي
من دران حال بترسيدم جمله استخوانهاي من بلرزه افتاد و از هوش
برفتم چون سر برداشتم گفت ابا سعيد ديدي گفتم يا بن رسول الله گفت چون
حق تعالى جبرئيل را بيافريد او را الهام داد باين تسبيح و اين دعا در سجده شكر
بگو كه گناهان از تو دور كند و تكرار اين دعا ميكرد تا ياد گرفتم سبحانك
اللّهم وتعاليت سبحانك اللّهم وحنانيك سبحانك العز ازارك
والعظيم سربالك والكبرياء رداءك سبحان الله من عظيم
ما اعظمك سبحانك سبحت في الاعلى سبحانك انت شاهد
كل نجوى سبحانك انت حاضر كل ملاء سبحانك انت سميع

الدعاء

الدعاء سبحانك انت عظيم الرجاء سبحانك يسبحك في تعر الماء
سبحانك يسبحك الحيتان في بطون البحار سبحانك عجبا لمن
يعرفك كيف لا يخافك لا اله الا انت سبحانك علمت سوء
وظلمت نفسي واعترفت بذنوبي فاغفر لي فانه لا يغفر الذ
نوب الا انت و در نوادر الحكمه امده است كه سيد حميري چون در مذهب
كيسانيه توبه كرد بدست امام جعفر صادق عليه السلام در باب حكايت محمد
حنيفه كه با امام زين العابدين نزاع كرده است در امامت رفتند پيش حجر الاسود
حكم كرد كه امامت حق امام زين العابدين است اللّهم ان الوصي والامام
بعد الحسين رتبه الامام علي بن الحسين اين بيت با ساير ابيات انشا كرد
كسي نزديك تر نبود در عبادات و اطوار در زمان امامت امام زين
العابدين از و نسبت بمرتضى علي عليه السلام امام محمد باقر عليه السلام گويد
كه روزي بخدمت پدرم عليه السلام رفتم وي را ديدم از كثرت عبادت رنگ
زرد كرده و از بيخوابي چشمها فرو رفته و از گريه بسيار نشانها در روي
مبارك وي پيدا شده و پيشاني از كثرت سجود ريش شده و ساقها
اماس كرده از بسياري ايستادن در شب جهة نماز من در گريه افتادم

وی در شکر بود ساعتی صبر کرد و گفت گریه مکن گویند که امام زین العابدین
علیه السلام در نیم شب طعام بدوش گرفتی بردی بخانهاء درویشان و بدیشان
دادی چنانکه کسی ندانستی که وی کیست چون پرسیدندی که چه کسی جواب دادی
که ترا با این چه کار بنده از بندگان خدا تا آنکه بعد از فوت او علیه السلام
ظاهر شدی چون آن طعام بایشان نمیرسید دانستند که آن از وی بود و همچنین
از جمعی که او را در وقت غسل در خدمت بودندی پهلوهای وی را دیدندی که
سیاه است گفته شد و براکه ثبت کرده است امام محمد باقر علیه السلام گفت
از بس بار طعام بر دوش گرفتی و بدر خانه مسکینان بردی این اثر از انجاست صلوات
الله علیه وعلی الائمة الطیبین الطاهرین روایتست از امام جعفر صادق ع
که شخصی را و نام با او در دین عداوت کردی و در مقام آزار او و شیعهٔ او
بودی یکشبی از شبها بعبادت بر پای بود تا بوقت سحر از وی شنید که گفت
در مناجات یَا ذَا الْقُوَّةِ الشَّدِیدَةِ وَیَا ذَا الْمِحَالِ الشَّدِیدِ وَیَا ذَا
الْعِزَّةِ الَّذِی کُلُّ خَلْقِكَ لَهَا ذَلِیلٌ اِکْفِنِی هٰذِهِ الطَّاغِیَةَ وَانْتَقِمْ
لِی مِنْهُ فِی الْحَالِ او از انجا که راوی بود زنج رسید و از خانه او از
نوحه و فریاد برخواست چون بدانجا رسید او را گفتند پا افتاده روایتست

از امام جعفر علیه السلام که فرموده است اِنَّ اللهَ تَعَالٰی اَرَادَ بِنَا شَیْئًا
وَاَرَادَ مِنَّا شَیْئًا فَمَا اَرَادَهُ بِنَا طَوَاهُ عَنَّا وَمَا اَرَادَهُ مِنَّا اَظْهَرَهُ
لَنَا فَمَا بَالُنَا نَشْتَغِلُ بِمَا اَرَادَهُ بِنَا عَمَّا اَرَادَهُ مِنَّا یعنی آنحضرت فرمود
که خدای تعالی به آفریدن ما اراده کرده و آنچه بما اراده کرده از ما پنهان داشته
و آنچه از ما اراده کرده از علمها و طاعتها طریق آنرا بما آموخته چه میشود ما را که خود را
مشغول داریم بتفحص آنچه بما اراده کرده است و ترک کنیم آنچه از ما اراده کرده است آ
آنحضرت در قدر فرموده است که امر بین امرین لا جبر ولا تفویض فرموده اند
که قدر کاریست میان دو کار چنان نیست که خدای تعالی ما را با اختیار
آفریده باشد و نیست چنانکه همه کار بما بگذاشته باشد و آنحضرت در دعا
خود این گفتی اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اِنْ اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَیْتُكَ
لَا صُنْعَ لِی وَلَا لِغَیْرِی فِی اِحْسَانٍ وَلَا حُجَّةَ لِی وَلَا لِغَیْرِی فِی اِسَاءَةٍ
شخصی روایت کند که بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم گفتم یا ابن رسول الله
من رسیدم بدر خانه تو جماعتی نشسته بودند و میگفتند که خدا [illegible]
همچو روحهای آدمیان و بعضی دیگر میگفتند که او را دستست همچو دست مردمان
استدلال میکردند بقول خدای تعالی که فرموده است که خلقت بیدی استکبرت

وبعضی میگفتند که خدای تعالی همچو جوانست نزدیک بسی ساله پس توچه میگویی یا
یا ابن رسول الله آنحضرت تکیه کرده بود راست نشست و فرمود اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ
اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ یا موسی مَنْ زَعَمَ لَهُ وَجْهًا کَالْوُجُوهِ فَقَدْ اَشْرَكَ
وَمَنْ زَعَمَ اَنَّ لَهُ جَوَارِحَ کَجَوَارِحِ الْمَخْلُوقِینَ فَهُوَ کَافِرٌ بِاللهِ فَلَا
تَقْبَلُوا شَهَادَتَهُ وَلَا تَاْکُلُوا ذَبِیحَتَهُ تَعَالَی اللهُ عَمَّا یَصِفُهُ الْمُشَبِّهُونَ
بِصِفَةِ الْمَخْلُوقِینَ فَوَجْهُ اللهِ اَنْبِیَاؤُهُ وَاَوْلِیَاؤُهُ وَقَوْلُهُ خَلَقْتُ
بِیَدَیَّ فَالْیَدُ الْقُدْرَةُ کَقَوْلِهِ وَاَیَّدَکُمْ بِنَصْرِهِ فَمَنْ زَعَمَ اَنَّ اللهَ
فِی شَیْءٍ اَوْ عَلَی شَیْءٍ اَوْ تَحَوَّلَ عَنْ شَیْءٍ اِلَی شَیْءٍ اَوْ یَخْلُو مِنْهُ
شَیْءٌ اَوْ یَشْتَغِلُ بِهِ شَیْءٌ فَقَدْ وَصَفَهُ بِصِفَةِ الْمَخْلُوقِینَ وَاللهُ خَا
لِقُ کُلِّ شَیْءٍ وَلَا یُقَاسُ بِالْقِیَاسِ لَا یُشَبَّهُ بِالنَّاسِ وَلَا یَخْلُو
مِنْهُ مَکَانٌ وَلَا یَشْتَغِلُ بِهِ مَکَانٌ قَرِیبٌ فِی بُعْدِهِ بَعِیدٌ
فِی قُرْبِهِ ذٰلِكَ اللهُ رَبُّنَا لَا اِلٰهَ غَیْرُهُ فَمَنْ اَرَادَ اللهَ اَحَبَّهُ وَوَصَفَهُ
بِهٰذِهِ الصِّفَاتِ فَهُوَ مِنَ الْمُوَحِّدِینَ وَمَنْ اَحَبَّهُ بِغَیْرِ هٰذِهِ
الصِّفَاتِ فَاللهُ مِنْهُ بَرِیءٌ وَنَحْنُ بُرَآءُ مِنْهُ بعد از ان فرمود
آنحضرت اِنَّمَا اُولُوا الْاَلْبَابِ الَّذِینَ عَمِلُوا بِالْفِکْرِ حَتَّی

وَرِثُوا مِنْهُ حُبَّ اللهِ فَاِنَّ حُبَّ اللهِ اِذَا وَرِثَهُ الْقَلْبُ اسْتَضَاءَ بِهِ
وَاَسْرَعَ اِلَیْهِ اللُّطْفُ فَاِذَا نَزَلَ مَنْزِلَةَ الْقَلْبِ صَارَ مِنْ اَهْلِ الْفَوَائِدِ
فَاِذَا صَارَ مِنْ اَهْلِ الْفَوَائِدِ تَکَلَّمَ بِالْحِکْمَةِ فَاِذَا تَکَلَّمَ بِالْحِکْمَةِ صَارَ
صَاحِبَ الْفِطْنَةِ فَاِذَا نَزَلَ مَنْزِلَةَ الْفِطْنَةِ عَمِلَ فِیهَا بِالْقُدْرَةِ
فَاِذَا عَمِلَ بِالْقُدْرَةِ عَرَفَ الْاَطْبَاقَ السَّبْعَةَ فَاِذَا بَلَغَ هٰذِهِ
الْمَنْزِلَةَ جَعَلَ شَهْوَتَهُ وَمَحَبَّتَهُ فِی خَالِقِهِ فَاِذَا فَعَلَ ذٰلِكَ نَزَلَ
مَنْزِلَةَ الْکُبَرَاءِ فَعَایَنَ رَبَّهُ فِی قَلْبِهِ وَوَرِثَ الْحِکْمَةَ بِغَیْرِ مُؤْنَةِ
الْحُکَمَاءِ وَوَرِثَ الْعِلْمَ بِغَیْرِ مُؤْنَةِ الْعُلَمَاءِ وَوَرِثَ الصِّدْقَ بِغَیْرِ
مُؤْنَةِ الصِّدِّیقِینَ فَاِنَّ الْحُکَمَاءَ وَرِثَتِ الْحِکْمَةَ بِصَمْتٍ وَاِنَّ
الْعُلَمَاءَ وَرِثَتِ الْعِلْمَ بِالطَّلَبِ وَالصِّدِّیقِینَ وَرِثَتِ الصِّدْقَ
بِالْخُشُوعِ وَطُولِ الْعِبَادَةِ فَمَنْ اَخَذَهُ بِهٰذِهِ السِّیرَةِ اِمَّا اَنْ
یَسْفُلَ وَاِمَّا اَنْ یَرْتَفِعَ وَاَکْثَرُهُمُ الَّذِی یَسْفُلُ وَلَا یَرْتَفِعُ اِذَا
لَمْ یَرْعَ حَقَّ اللهِ تَعَالَی وَلَمْ یَعْمَلْ بِمَا اَمَرَهُ فَهٰذِهِ صِفَةُ مَنْ لَمْ
یَعْرِفِ اللهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَلَمْ یُحِبَّهُ حَقَّ مَحَبَّتِهِ فَلَا یَغُرَّنَّكَ صَلَوَ
اتُهُمْ وَصِیَامُهُمْ وَرِوَایَاتُهُمْ وَکَلَامُهُمْ وَعُلُومُهُمْ فَاِنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ

ومعنی کلام حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آنست که بد باشد حال کسی
این اعتقاد کند که خدای تعالی را روی باشد همچو روی مردم آنکس که این گوید کافر
باشد و هر که گمان کند که خدای تعالی را دست و پای باشد همچو دست و پای
مردمان او کافر است بگذا شهادت او را قبول مکنید و آنچه او کشته باشد
حرام دانید و مجوز بد خدای تعالی منزه است از آنچه مجسمه گویند معنی روی خدا
انبیا و اولیای او باشند و معنی دست خدا قوت و قدرت او باشد
چنانکه در زاید کث بنصره فهم شود هر که گمان کند که خدای تعالی در چیزیست یا بر بالای
چیزیست یا از جای بجای رود یا چیزی از و خالی باشد یا چیزی از و پر باشد
او را وصف کرده باشد بصفت مخلوقان و تشبیه او کرده باشد بجسم خدای تعالی
خالق همه شیهاست او را تشبیه بچیزی نتوان کرد و قیاس بمردم نتوان نمود و هیچ
جا نیست از و چیزی باعتبار علم او و مشغول نیست به او مکانی یعنی در جای
بنا نزدیک اوست در دوری یعنی عالم است باحوال همه دورست در نزدیکی
با بانک احوال همه را داند و ذات او منزه است از نزدیکی این است خدای
ما و هیچ خدای نیست غیر او هر که خدا را خواهد دوست دارد و وصف کند
باین صفات ار موقدان باشد و هر که خدا را بغیر این صفات خواند

همچو مجسمه

همچو مجسمه خدا از و بیزارست و ما از و بیزار اهل عقل انها اند که عمر بفکر خود کرده اند
انقدر که خود را بدوستی خدا رسانیده اند زیرا که هر دل بدوستی خدا رسید منور
شد و در و لطف خدا با و رسد و چون بدین مقام رسد در اهی فواید گردد
و چون بمقام اهی فواید برسد از زبان او چشمهای حکمت جاری گردد
و چون باین مقام رسد صاحب زیرکی شود چون بانمقام رسد باین زیرکی
قدرت خدای تعالی را در یابد و چون بانمقام رسد احوال هفت آسمان را
بداند و چون باین مقام رسد محبت و شهوة خود را صرف خالق خود نماید
و چون چنین کند بمنزل بزرگ رسد و مشاهدهٔ حق تعالی نماید در دل خود حکمت را
در یابد بمشقتی که حکما کشیده اند و در یابد علم را بمشقتی که علما کشیده اند
و در یابد صدق را برحمتی که صدیقین کشیده اند چرا که حکما حکمت را در
یافتند بخموشی و علما در یافتند علم را بالطلب و صدیقین در یافتند
صدق را بالخشوع و زاری و بسیاری عبادت هر کرا یا قسم به این سیرت
که در مقام معرفت صفات حق باشد تا بمرتبهٔ عالی رسد یا بمرتبهٔ پست
و از خلق بمرتبهٔ عالی رسند چرا که رعایت حق خدا نکنند و عمل به آنچه خدا
فرموده است نمایند این است صفت آنکسی که شناخته باشد خدا را

بحق معرفت و نماز گذارند و روزه دارند و در رویش شوند و عالم باشند مغرور
نشوی باشان که ایشان در سلک خرانند این رباعی ترجمهٔ کلام حضرت امیر المؤ
منین است علیه السلام از مرگ حذر کردن دو روز روا نیست روزی
که قضا باشد و روزی که قضا نیست روزی که قضا باشد کوشش نکند سود
روزی که قضا نیست در و ترس نبود هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن
الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
الخالق البارئ المصور الغفار القهار الوهاب الرزاق الفتاح
العلیم القابض الباسط الخافض الرافع المعز المذل السمیع البصیر
الحکیم العدل اللطیف الخبیر الحلیم العظیم الشکور العلی الکبیر
الحفیظ المقیت الحسیب الجلیل الکریم الرقیب المجیب الواسع الحکیم
الودود المجید الباعث الشهید الحق الوکیل القوی المتین
الولی الحمید المحصی المبدئ المعید المحیی الممیت القیوم الوا
جد الماجد الواحد الصمد القادر المقتدر المقدم المؤخر
الاول الآخر الظاهر الباطن الوالی المتعالی البر التواب المنتقم
العفو الرؤف مالک الملک ذو الجلال والاکرام المقسط

الجامع

الجامع الغنی المغنی المانع الضار النافع النور الهادی البدیع
الباقی الوارث الرشید الصبور الابد الدائم القدیر النصیر یا
نذیر الباقی الشاکر السریع الحسیب المغیث الفاضل الحنان
المنان السجان السلطان الخلاق العافی القابل یا ذا الطول یا
شدید العقاب الاحد الناصر المربی المستغفر المقدم المنیر ا
لجمیل یا کفیل المقیل المجیر المخبر المحسن المجمل المنعم المفضل المکرم
المرسل المرشد المسدد السید السند الرافع الحافظ المفتاح
المرتاح الشافی المعافی الوفی المونس الحاکم المستعاذ المسلم
المستحب الجواد البار الواصل الفالق المنشئ المنشر المنیح المالک
الواهب الکافل باب ششم در خواص آیات و سور قرآن خوش
حروف آیات شفا که بیمار بخواند و باد بر خود دمد و اگر نه بنویسد و بر بیمار
بندد و عظیم نافعست و آن این است از سوره براة قاتلوهم یعذبهم
الله بایدیکم ویخزهم وینصرکم علیهم ویشف صدور قوم مؤمنین
از سورهٔ یونس یا ایها الناس قد جاءتکم موعظة من ربکم
وشفاء لما فی الصدور وهدی ورحمة للمؤمنین قل بفضل الله

وبرحمته فبذالك فليفرحوا هو خير مما يجمعون ازسورهٔ نحل
واوحى ربك الى النحل ان اتخذى من الجبال بيوتا ومن الشجر
ومما يعرشون ثم كلى من كل الثمرات فاسلكى سبل ربك ذللا يخرج
من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس ان فى ذالك
لاية لقوم يتفكرون ازسورهٔ بنى اسرائيل وننزل من القران ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنين ازسورهٔ مؤمنون وانا على ذهاب به
لقادرون ازسورهٔ شعرا الذى خلقنى فهو يهدين والذى
هو يطعمنى ويسقين واذا مرضت فهو يشفين ازحم سجده
قل هو للذين امنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون فى اذا
نهم وقر وهو عليهم عمى اولئك ينادون من مكان بعيد
هرکس که برای رو دچار سنگ بدست بردارد واین ایتها را بران سنگها
بخواند وبچهار طرف خود بیندازد درحصار حق باشد وبد ومکروه نرسد
این است بسم الله الرحمن الرحیم ان ربکم الله الذى خلق
السموات والارض فى ستة ايام ثم استوى على العرش يغشى
الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات

بامره

بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين قيل ارجعوا
وراءكم فالتمسوا نورا فضرب بينهم بسور له باب باطنه
فيه الرحمة وظاهره من قبله العذاب ينادونهم الم نكن
معكم قالوا بلى ولكنكم فتنتم انفسكم وتربصتم وارتبتم
وغرتكم الامانى حتى جاء امر الله وغركم بالله الغرور
فاليوم لا يؤخذ منكم فدية ولا من الذين كفروا ماويكم
النار هى موليكم وبئس المصير ولا حول ولا قوة الا بالله
جهة منهزم شدن دشمن اگر کسی در جنگ بر مشت خاک خواند وبر روی
دشمن افشاند بفرمان خدای تعالی درحال وساعت روی بگریز نهند
ومقهور شوند وهیچ افتی بدیشان نرسد از فضل ایزد تعالی این ست
ان الذين ارتدوا على ادبارهم من بعد ما تبين لهم
الهدى الشيطان سول لهم واملى لهم ذالك بانهم قالوا
للذين كرهوا ما نزل الله سنطيعكم فى بعض الامر والله يعلم
اسرارهم فكيف اذا توفتهم الملئكة يضربون وجوههم وادبارهم
ذالك بانهم اتبعوا ما اسخط الله وكرهوا رضوانه فاحبط

اعمالهم دیگر اگر روز شنبه بر پوست روباه که دباغت کرده باشند
در ماه رمضان بنویسد وان پوست دراندم که دشمن ازانجا اب خورد در
اندازد دشمن هلاک شود بفرمان خدای تعالی ومثل كلمة خبيثة كشجرة
خبيثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار يثبت الله الذين
امنوا بالقول الثابت فى الحيوة الدنيا وفى الاخرة ويضل الله
الظالمين ويفعل الله ما يشاء دیگر اگر کسی خواهد که دشمن را
براندازد واو را مقهور ومجبور گرداند وخان ومان او خراب شود اول
روز ماه محرم پیش از برامدن افتاب مشتی خاک از مسجد خراب ومشتی از خاک
که در وجنازه نهند ومشتی از میان چارراه بر هر مشتی ازان خاک هفت بار
این ایتها بخواند وبعد ازان بگوید فلان ابن فلان وهرچه ان دشمن از
حرکت وسکون وقول وفعل ومال وجاه وخان ومان وباغ وسرا وکشت
وزرع تمامت بر زبان راند وازان خاک پاره درخانه وی یا در کشت
وزرع وی دراندازد وهفت شب زیاده نکند وتا انچه خواهد ببیند وبا دشمن
بکام دل نشیند زنهار زنهار با کسی نکند که مستحق این نباشد وينذر الذين
قالوا اتخذ الله ولدا ما لهم به من علم ولا لابائهم كبرت كلمة

تخرج

تخرج من افواههم ان يقولون الا كذبا فلعلك باخع نفسك
على اثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث اسفا انا جعلنا ما على الارض
زينة لها لنبلوهم ايهم احسن عملا وانا لجاعلون ما عليها صعيدا
جرزا ام حسبت ان اصحاب الكهف والرقيم كانوا من اياتنا
عجبا حکیم میگوید اگر کسی خواهد که دفینه یا گنجی بیابد این ایت بر ورق
طلا بنویسد واو را در کوی از جامه دختر بکر در بندد ودر بال خروس کبود
بندد وخروس را روز یکشنبه پیش از برامدن افتاب دران مواضع که گمان
برند بگذارند هرجا که دفینه باشد او بر سر ان بایستد بقدرة الله تعالی وانه
وانه لتنزيل رب العالمين نزل به الروح الامين على قلبك لتكون
من المنذرين بلسان عربى مبين وانه لفى زبر الاولين اولم
يكن لهم اية ان يعلمه علماء بنى اسرائيل واگر بر روی عکس بخواند که ازو
خوف دارد وسه بار بگوید والله غالب على امره ازان خطرها ایمن باشد
حکیم گوید هرکه این ایت را بر روی دشمنان خواند مظفر ومنصور گردد
وترس وهیبت او در دل ایشان سخت گردد بفرمان خدای تعالی ونفخ فى الصور
فصعق من فى السموات ومن فى الارض الا من شاء الله ثم نفخ

فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون حكيم كويد هركه بر سرها و نيزها و بر سلاح
خوانند بر دشمنان ظفر يابد و نصرت بامر بارى تعالى والذين قتلوا في
سبيل الله فلن يضل اعمالهم سيهديهم ويصلح بالهم اين ايت
با ايت ديكر كه يا ايها الذين امنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبت
اقدامكم واين ايت ديكر نيز فلا تهنوا وتدعوا الى السلم وانتم الا
علون والله معكم ولن يتركم اعمالكم حكيم كويد كه بر سپرها و نيزها
و سلاحها خوانند بر دشمنان ظفر و نصرت يابند نوعى ديكر اكر كسى خواهد
كه بر دشمنان ظفر يابد و نصرت يابد اين ايت را بخواند و بر خود دمد هر وقت
كه باشد و هر وقت كه خواهد قاتلوهم يعذبهم الله بايديكم ويخزهم
وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين بسم الله الرحمن
الرحيم الم تر الى الملأ من بني اسرائيل من بعد موسى اذ قالوا
لنبي لهم ابعث لنا ملكا نقاتل في سبيل قال هل عسيتم ان
كتب عليكم القتال الا تقاتلوا في سبيل الله وقد اخرجنا من
ديارنا وابنائنا فلما كتب عليهم القتال تولوا الا قليلا منهم
والله عليم بالظالمين لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله

فقير

فقير ونحن اغنياء سنكتب ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حق و
نقول ذوقوا عذاب الحريق الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم
واقيموا الصلوة واتوا الزكوة فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم
يخشون الناس كخشية الله او اشد خشية وقالوا ربنا لم كتبت
علينا القتال لولا اخرتنا الى اجل قريب قل متاع الدنيا قليل
والاخرة خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا واتل عليهم نبا ابني ادم
بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الاخر قال
لاقتلنك قال انما يتقبل الله من المتقين قل افاتخذتم من دونه
اولياء لا يملكون لانفسهم نفعا ولا ضرا قل هل يستوي الاعمى وا
لبصير ام هل تستوي الظلمات والنور ام جعلوا لله شركاء خلقوا
كخلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد
القهار اين ايتها را بنويسد و بتير اوبند اياك نعبد واياك نستعين ا
لم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت اذ رميت ولكن
الله رمى واذا قرات القران جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون
بالاخرة حجابا مستورا بسم الله الرحمن الرحيم كهيعص حمعسق

قد علمنا ما تنقص الارض الى قوله حفيظ شاهت الوجوه وعميت
الابصار وتولوا على ادبارهم نفورا سيهزم الجمع ويولون الدبر بل
الساعة موعدهم والساعة ادهى وامر الذين قال لهم الناس
قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل
ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين
القتال وكان الله قويا عزيزا وهو القاهر فوق عباده ويرسل
عليكم حفظة حتى اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا وهم لا
يفرطون ثم ردوا الى الله مولاهم الحق الا له الحكم وهو اسرع
الحاسبين قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر تدعونه تضرعا
وخفية لئن انجانا من هذه لنكونن من الشاكرين قل الله ينجيكم
منها ومن كل كرب ثم انتم تشركون بكيرد پنج سنك ريزه و بقدر هر يكى
بكوبد ه ى ع ص و پنجسنك ريزه بكيرد در دست چپ و بكو هر يكى را
ح م ع س ق و چهار سنك ديكر غير ازان بر دارد و در بر داشتن يكى بكو
قوله و در بر داشتن دوم الحق بر داشتن سيم وله و چهارم الملك
و مير و بكو لقفجل حيطليل قفح محمت اين زمان كه ميرسى بقوم

بيندازد

بيندازد ان ده سنك را بپيش ايشان و بخوان وما ارسلنا من
رسول الا يوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون ينزل الملئكة
بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله
الا انا فاتقون واذا ما انزلت سورة نظر بعضهم الى بعض هل
يريكم من احد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم بانهم قوم لا يفقهون
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين
رءوف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم ان نشا ننزل عليهم من السماء اية فظلت
اعناقهم لها خاضعين ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا
الصراط فانى يبصرون وعنت الوجوه للحي القيوم وان تجهر با
لقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى
يا نقى من كل جهد لم يضنه ولم يخالطه فعاله و بيندازد چهار ما
بقى را بروى ايشان اكر تو در جنك باشى بكير يك كف خاك
و بخوان بر او سيهزم الجمع ويولون الدبر بل الساعة موعدهم
والساعة ادهى وامر و بكو بلعع و بيندازد خاك را بروى اعدا

از زنان بپندارند که باد از طرف شما باشد به بینی مگر زنده ایشان را اگر وار
سوی در جنگ بر اسب چون برابر ایشان برسی بگو چهار بار بدو ح بر ایشان ظفر یابد
ایه یا ایها الذین امنوا توبوا الی الله توبة نصوحا عسی ربکم ان
یکفر عنکم سیاتکم ویدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار یوم لا
لا یخزی الله النبی والذین امنوا معه نورهم یسعی بین ایدیهم و
بایمانهم یقولون ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انک علی کل شیء قدیر
اگر مردی مقید متشرع این ایت را بر کوزه یا بر کاسه چینی نویسد بمشک و زعفران
و او را بگلاب خاص بشوید و پاره شکر بوی نهد و چهل روز روزه بگیرد و در وقت
روزه کشادن پاره ازان آب بخورد بر حقایق اشیا مطلع گردد و کشف
حجابها او را حاصل اید و در این ایت اسرار بیشمار است و معانی بقیاس است
هر کس که چنین که گفته شد بکند صاحب کرامات و مقامات شود هر که این عمل کند
خدای تعالی را بخواب یا به تجلی ببیند قوله تعالی و لو شاء الله لجمعهم علی الهدی ولکن
اکثرهم لا یعلمون این ایت خواص بسیار دارد و منافع بیشمار اما اگر کسی چهل روز
روزه دارد و روزه را جز بنان جو صلال نگشاید و نان خورش نمک و سعتر
تره باشد و هر شبی در وقت خفتن سوره انعام تمام بخواند و بعد از خواندن

سوره

سوره چهل بار صلوات فرستد هر چیز که از خدای تعالی درخواهد بیابد و همه حاجات
دینی و دنیوی برسد و دیگر دیدار بیچون و چگونه حق سبحانه و تعالی او را روزی کند قوله
تعالی واذ قال ربک للملئکة انی جاعل فی الارض خلیفة انک انت
العلیم الحکیم خاصیت این ایت انست که اگر کسی خواهد علم مکاشفات و فرمان
روایی انس و جن باید باید که غسل بر اورد روز پنجشنبه که اول ماه باشد روزه
دارد و چون روزه کشاید بعد از ان که بخسبد باید که همه شب خیزد و وضو سازد
و روی بقبله ارد و آیات را سی نوبت بخواند و بگوید ای ارواح پاک که موکلان
این ایت و نا بعان این اسرار بوده اید می باید که دعوات مرا اجابت کنید
و انوار روحانیت خود را بر من عرضه اندازید تا هر چه پوشیده باشد
از اسرار بدانم و انچه مخفی بود از انوار ببینم و خبر مکاشفات و واردات
کنم و بین سوی من کشید و بعد ازان این آیات را بر جامی که از ابگینه بود
بمشک و زعفران و گلاب بشوید و بیاشامد و بخسبد و هشت بار همچنین
کند اما در نوبت هشتم که شنبه هشتم است این آیات چهل نوبت بخواند این
سخنها که گفته شد چهل بار بگوید اما باید که در خانه خالی باشد و بخور کند و چون
فارغ شود روز خواهد بود و مستر صد گردد که فتح الباب خواهد شد ما دام

که قابلیت این معنی داشته بود و زندگانی او بزهد و تقوی و متابعت شرع بود قوله تعالی
ولقد وصینا الذین اوتوا الکتاب من قبلکم وایاکم ان اتقوا الله وان
تکفروا فان لله ما فی السموات وما فی الارض وکان الله غنیا حمیدا
این ایه قطب قرانست وهو الذی خلق السموات والارض بالحق این ایه
دعوت عظیم است و همچنین ایه قل من ینجیکم من ظلمات البر و البحر
و البحر تا اخر ایه حرز بزرگست و شفاست و همچنین حرز است اخر سوره
براة لقد جاءکم رسول من انفسکم تا اخر و همچنین دعوت بزرگست
ایه قد شغفها حبا تا اخر ایه از سوره یوسف و دیگر ایتها در سوره
یوسف بجهت محبت هست و اثر عظیم داده و این است فلما سمعت
بمکرهن ارسلت الیهن واعتدت لهن متکأ واتت کل واحدة
منهن سکینا تا من الصاغرین و همچنین ایه قل هذه سبیلی
تا من المشرکین از سوره یوسف دعوت بزرگ و حرز عظیم است
جهة هر چیزی و ایه رب السموات تا قوله سمیا از سوره مریم
دعوت عظیم است و ایه ان الذین امنوا وعملوا الصالحات
سیجعل لهم الرحمن ودا از سوره مریم دعوت بزرگست

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحیم والصافات صفا تا قوله لازب حرز است
و امان وسبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
تسبیح است و اخر سوره ص قل هو نبا عظیم انتم عنه معرضون
دعوت بزرگست و از سوره زمر ایه قل اللهم فاطر السموات تا اخر
ایه تعظیم است و ایه وما قدروا الله حق قدره تا اخر از سوره
زمر دعوتست و تعویذ است و ایه الذین یحملون العرش ومن
حوله تا اخر ایه از سوره حم مؤمن دعوتست و تعویذ و ایه
وهو الذی فی السماء تا اخر ایه از سوره زخرف دعوت و حرز
بزرگ است و از سوره جاثیه ایه ویل لکل افاک اثیم دعوت
و تهدید است و ایه ولقد مکناهم تا اخر ایه سوره احقاف
دعوت و حرز است روایت کنند که جمعی در دریا نشستند
اواز هاتفی شنیدند که هر که ده هزار درم دهد او را چیزی بیاموزم که هرگاه
که بدو غمی رسد یا بهلاک نزدیک شود ازا بگوید نجات یابد یکی از ایشان
گفت که من میدهم مرا بیاموز او گفت که مال را در دریا بریز که بتو اموزم
او ده هزار درم را در دریا ریخت پس گفت بگو ومن یتق الله یجعل له مخرجا

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهٖ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وهر که سورهٔ یس
خواند او را هیبتی در عالم بالا پیدا شود و در سورهٔ یس اسم اعظم است که هر کس خدا را
بآن اسم خواند هر دعا که کند مستجاب باشد و هر چه طلبد بدو دهد و اگر بر دشمن
غلبه طلبد حق تعالی او را غالب گرداند و در یس چهارده حرفست که عیسی علیه السلام
مرده را بآن چهارده حرف زنده کردی م لام و ع ن م و دم ش ح س
که هر حرفی از آیتست در سورهٔ یس هر کس که این چهارده حرف را در طلب مقصودی
بخواند آن مقصود بر آید و اگر در تنگی خواند آسان گردد و اگر در غمی باشد زایل گردد
و اگر در ترس دشمن باشد ایمن گردد و اگر در تنگی معاش باشد رزق او گشاده
گردد و اگر گرفتار باشد خلاص شود و اگر بر ظالمی خواند اطاعت او کند و اگر
بر مظلومی خواند نصرت یابد چهارده آیت اینست یس والقرآن الحکیم انک
لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ اِنَّا جَعَلْنَا فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا اِنَّمَا تُنْذِرُ
مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَاَجْرٍ
كَرِيمٍ اِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتٰى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ
شَيْءٍ اَحْصَيْنَاهُ فِي اِمَامٍ مُبِينٍ اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

فَاِذَا هُمْ خَامِدُونَ وَاِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ذٰلِكَ تَقْدِيرُ
الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَاِنْ نَشَاْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ اِلَّا
رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا اِلٰى حِينٍ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ
عَلٰى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا اَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ
اِنَّمَا اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي
بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ هر گاه که خواهی که میان
دو کس دوستی اندازی اسم محب را با اسم محبوب بهم بیامیز باین نوع که یک
حرف از اسم محب و یک حرف از اسم محبوب را بهم نویسی و بسط کنی تا از آن
حاصل شود و عدد وفق کن بر کاغذ سرخ در روز سه شنبه در اول ساعت بعد از آن
در گرد او بنویس اللهم انی اسئلک واتوسل الیک یا مجیب پنجاه و پنج بار بر بخواند
و بنویسد در زیر او این رقم را ۱۳۲۲ ۲۲۱۲ ۲۲۱۲ باز در شب و روز و شام
و صباح این را بخواند انت قلت وقولک الحق ادعونی استجب لکم
ربنا اننا دعوناک کما امرتنا فاستجب لنا کما امرتنا انک
لا تخلف المیعاد وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ

اِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ اُخْرٰى فَاِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ اِنْ كَانَتْ
اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ وَلَوْ تَرٰى اِذْ فَزِعُوا
فَلَا فَوْتَ وَاُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ و این را بخوانند و بر سر پیاز دمد
در میان ایشان محبت زیاده شود و محبت و رغبت پیدا شود باذن الله تعالی
و دیگر چون با هم دشمن و جنگ محکم در گیرد و خواهی که یکی غالب شود بر دیگری
مربعی بکش بنیت آن لشکر و بر هر جانب او بنویس در اندرون در جانب اول
لاغلبن انا و رسلی در جانب دوم بنویس سیهزم الجمع و یولون الدبر در جانب
سیم بنویس لن یصلوا الیک الا باذن ربک در جانب چهارم بنویس قل جاء
الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا بعد از آن بنویس بر کنج اول
جبرئیل و بر کنج دوم از بیرون بنویس میکائیل و کنج سیم اسرافیل در کنج چهارم
عزرائیل و در میان دایره بنویس محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم
من اثر السجود و چون این مربع تمام شود بنوعی که نموده خواهد شد از آن در ظرف
خام از گل بنهند و در دست لشکری بده که خواهی غالب شود و بگو جنگ کنند
که این لشکر شوانند که بجانب ایشان نگاه کنند و شکسته شوند اگر لشکر شکسته

کافر باشند در عقب بروند تا مسلمان شوند و اگر مسلمان باشند بگذارند تا بروند
که خدای تعالی نیکو کار را از دوست دارد و هر که عفو کند و اصلاح کند اجر او بر خداست
و بازگشت کارها بخداست و اینست مربع

جبرئیل — میکائیل

لاغلبن انا و رسلی
محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء
بینهم تراهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله و رضوانا
و ینصرک الله نصرا عزیزا

قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا — سیهزم الجمع و یولون الدبر — لن یصلوا الیک الا باذن ربک

اسرافیل — عزرائیل

باب در خواص سورهٔ قرآن سورهٔ فاتحه ۴۱ بار میان سنت نماز صبح در فرض بخواند
رنجور شفا یابد سورة البقرة جهت رفع دیوانگی و صرع هشت بار بخواند سورهٔ آل عمران
سیزده بار بخواند قرض گذارده شود سورة النساء جهت زنا شوهری یکبار بخواند
سورهٔ مائده جهت دفع قحط ۴۱ بار بخواند سورة الانعام از جهت مرهمی صعب که روی
نماید ۴۱ بار بخواند سوره اعراف دفع عذاب آخرت را سه بار بخواند سوره
انفال جهت خلاص از زندان و بند هشت بار بخواند هر حاجت که از پادشاه
دارد یازده بار بخواند سورهٔ یونس حاجت روا گردد و سوره توبه جهت فتح و نصرت
بر دشمن ۲۱ بار بخواند سوره هود بهر مهمی که پیش آید سیزده بار بخواند سورهٔ

یوسف نزدیک پادشاه رفتن و برآمدن مهم زنان شان یکبار بخواند سوره
رعد جهة گریستن کودکان بنویسد و بر گهواره بندند خاموش شوند سوره ابراهیم
جهة دفع گرسنگی سه بار بخواند سوره حجر وقت صبح و شری مبارک باشد بخواند
سوره نحل نیز همان خواص دارد سوره اسرائیل مبارک باشد در همه مهمات خواندن
او سوره الکهف هر که روز جمعه بخواند تا جمعه دیگر در امان حق باشد سوره مریم جهة
فراخی روزی و حفظ خاطر هفت بار بخواند سوره طه از جهة دوستی دختر ازا
بیست و یکبار بخواند سوره انبیا دفع دشمنان را هشتاد بار بخواند سوره حج جهة
دفع بلای کشتی در وقت نشستن بر کشتی هفت بار بخواند سوره مؤمنون هر که
کاهل باشد در نماز هشت بار بخواند چنان شود که یکوقت نماز از دست
او نرود سوره نور بر بستن زنان هفت بار بخواند سوره فرقان هلاک
دشمن را صد و شصت بار بخواند سوره شعرا ایمن بودن از برده گرفتن هفت
بار بخواند سوره نمل جهة بخت دختران جهت و یکبار بخواند سوره سبا دفع
بدیها را بخواند سوره ملایکه بوقت عرضه داشتن حاجات با ملوک هفت بار
بخواند سوره یس حفظ ایمان را چهل و یکبار بخواند سوره والصافات
برآمدن مهمات و برکت در روزی هفت بار بخواند سوره تنزیل از بهر
برآمدن

برآمدن کارها هفت بار بخواند سوره مومن از بهر مهمات بزرگ یکبار بخواند
سوره شوری دفع شر دشمن را یکبار بخواند سوره زخرف از جهة مراد هفت بار
بخواند سوره دخان برآوردن مراد هفت بار بخواند سوره جاثیه جهة دیو و پری
هفت بار بخواند او را سوره محمد بوقت مهتاب ٤١ بار بخواند خوب باشد
سوره فتح و نصرت ٤١ بار بخواند خوب باشد سوره حجرات دفع علتهای
شکم ٢ بار بخواند سوره قاف از جهة آسانی جان کندن و روشنائی گور ١٨
آدینه هر آدینه سه بار بخواند سوره والذاریات جهة فراخی روزی و خوشدلی
و دفع تنگی ٧٩ بار بخواند سوره والنجم برآمدن مهمات ٢١ بخواند بغایت
خوب است سوره القمر ترسیدن از سلاطین هفتاد بار بخواند سوره الرحمن
برآمدن مهمات ٢٥ بار بخواند سوره واقعه جهة برکت در روزی ٤١ بار بخواند
سوره حدید جهة گشادن کارها ٧ بار بخواند سوره مجادله سه بار بخواند بر خاک
دمد و بر طرف خصمان اندازد بصلح باز آیند سوره حشر جهة هر مهمی که پیش
آید ٥٠ روز هر روزه ٤٠ بار بخواند و اگر یکروز فوت شود دیگر از سر آغاز
کند سوره الممتحنه جهة دفع شر شیطان ٥ بار بخواند سوره صف در زندان
مبتلا نشوند ٢٢ بار بخواند سوره جمعه هر که این سوره را بخواند بقدر کسانی

که در جماعت حاضر شده باشند حسنات در دیوان او ثبت کنند سوره
منافقون دفع غمازان ١٢ بار بخواند سوره تغابن حفظ مال از دزدان
٧١ بار بخواند سوره طلاق جهة جمعیت سه بار بخواند تا حق تعالی وی را از تفرقه
نگاه دارد سوره الملک دفع بلاها را ٤١ بار بخواند سوره ن برآمدن مهمات
٥٧ بار بخواند سوره الحاقه [illegible] ٥ ٧ بخواند سوره معارج صلح کردن را
٥١ بار بخواند سوره مزمل هر که بنویسد او را و بنهد زیر فراش خود بدرستی
که حضرت نبی را علیه السلام بخواب ببیند و سوال کند هر چه خواهد سوره رعد بر پوست
آهو بنویسد و با خود دارد شجاع شود چنانکه کس حریف او نباشد سوره
اسرائیل بنویسد بروشنی آتش از شب و هفتاد شب بر در خانه پادشاه
ظالم بر دل شکر او بر او غلبه کند و او را بکشند سوره اسرائیل بنویسند در گردن
خروس بندند هر جایی که بایستد آنجا مال باشد مدفون سوره شعرا نیز همین
فایده دارد که در اسرائیل است سوره حدید بنویسد و با خود دارد در جنگ ایمن
از و بکند زد با مرضای سوره نازعات بخواند برابر دشمن به او مضرت نرساند
و بسلامت بماند با مرضای سوره النجم بنویسد بر پوست شتر و با خود دارد قوی گردد
بر همه شیطان و سلطان روایتست که چون سوره انفال را در روز جنگ بخواهند
نصرت

نصرت یابند و گویند که خالد ولید روز جنگ با هرقل چنین کرد فرصت یافت رساله
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام
علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین خوش گوید مترجم این مختصر وهو ابوالحسن
محمد بن سعید بن محمد النجوانی المعروف بابن ساوجی که در شهر صنعا نسخه این مختصر
در علم حروف و خواص آن که مصنفات حکیم ربانی شیخ شهاب المعروف بالمقتول
نور الله قبره بمطالعه این ضعیف رسید نسخه عربی صحیح بخط مغاربی بسته دعا بعضی
از یاران ترجم گشت ختم الله بالحسنی اما بعد چنین گوید ابراهیم بن
اسباط بن حمزه بعلبکی که وقتی برسم تجارت بسفری روان شدیم با بعضی از
اسباط بسوی عراق و بهر منزل که نزول میکردیم از هر نوع سخن میان ما
میرفت و در آن قافله حکیم رئیس بلبه مسیح ابوالمکارم ذو فنون اسحاق ابن
عبدالمسیح ابن العشر الانطاکی با ما بود از شیخ بزرگوار شهاب الدین المعروف
بالمقتول رحمة الله علیه فنون غریب و اعمال عجیب روایت میکرد و مرا از آن
تمام با آن شیخ و شرح اعمال و روایات او بدید آمد ترک تجارت کرده خدمت
او اختیار کردم و دست از مال خود بداشتم و با او بعراق رسیدم و سه سال
ملازم او بودم و او همه مال بر ضعفا و مساکین صرف کرد و هر کجا که او میرفت

من با او میرفتم چون باز رو بدیار شام کردیم شهر [illegible] خواست که با نگاه رجوع کند بزیارت پدرش و برادرش شمون بن [illegible] کرد و گفت ای ابراهیم ترا بمن حق خدمت است شها اما باید که [illegible] تا مقدار استعمال و استعداد ملتمس تو مبذول داشته گفتم که میخواهم که ازغرایب فنون شیخ شهاب الدین المقتول انچه دانا که بفهم من لایق و باو راک من نزدیک باشد از فیض خاطر مبارک از من دریغ نداری گفت سید انا خاصیت علم حروف را گفتم حروف لغت عرب گفتم از سوالای من حروف را خواص باشد گفت حروف را خواص بسیار است که از ادر دنیا نه بیننده الا خالصان و از اسکر نباشند الا خاصان گفتم حروف عربیرا و حروف هندی و حروف همه لغات را گفت بحق انکه شرق روشن کرد و مغرب تاریک کرد که من هرگز شیخ را ندیدم که قدم فرا نهاد الا بمنفعت حروف و هرچه یافت با بعان نظر و ریاضت کشیدن یافت در علم حروف که نسخه این علم که بمیراث نهاده بود از شیخ ابوالمحاسن علی بن احمد الکرمانی این کتاب سوسه صالی فی منافع الحروف یونانیه والاقلام القدیمه که از اخراسان برده بود و بلیش شیخ حجه اسلام وارث الانبیاء جاسوس الفلک منتخب الملوک محمود بن محمد بن عکرمه المعروف بالجر و تا که

هندی

هندی و عبری از شرح کرده اند [illegible] بزرگ شد بر علماء همه آفاق از شام تا بعراق [illegible] بسیار کرد که من این علم را بیاموزم الا بکی آن مستحق آن باشد [illegible] است بدان و فقک الله تعالی که این حروف بیست و هشت کانه عربیرا قسمت کرده اند بر دوازده برج فلک بر طبایع اربعه و صورت کرده است حکیم این دایره را منقسم بچهار قسم مانند چهار حوض حرارت و برودت و رطوبت و یبوست نهاد و همچنین حروف هندی را که بیست و هشت کانه حروف عربیه در تحت آن مندرج است و علما چون این علم را اشرف علوم ریاضی نهاده اند غرایب و عجایب اند بدیع و غریب شمرده اند علاحده هریکرا حوض و شروع در شرح آن واجب دیدند و هر حرف را خاص عدد نهادند که بدان عمل کنند بخاصیت این حرف بطبع آن درجه و صورت دایره بدین هیئت بود والله اعلم

باب الالف حکیم گوید حرف الف را خاصیتهاست و این شکل را در ابطال جیز و شر بکار رود و رنجها زایل کرد اند و سحر باطل کند و چون برجام آبگینه نویسند بشب وقتی که قمر در اول حمل باشد [illegible]

و زنرا بشوید باب چاه که آفتاب بدان نتافته باشد و بکور یا مسحور بپاشا منع از وی زایل شود بفرمان خدای تعالی و آن سحر باطل باشد و این شکل لوحی باشد مربع مستطیل در هر دو طرف عرض و میان لوح هر جانبی هشت الف باشد بر ابطال اما حکیم گوید عمل این حرف الف در بدی و خرابی و جدای و آواره کردن چون بر این مثل جازم و عازم گردد و سک و قمر وقتی که از زحل جدا باشد بستاند خرقه کرباس از زنی با صفو کران و بران کرباس بخون سگ بنویسند شکل این صورت و بسوزاند کرباس را در خانه که میخواهد که تاثیر در آنجا ظاهر گردد و البته چنان شود حکیم گوید اگر کسی این شکل را بنویسد بخون کبوتر سفید بر کرباس پاره زرد یا هر کس که او خواهد اشخاص بر دعا نوشته هشت الف بکشد و زیر آن هشت الف جیم بکشد و زیر آن هشت الف را الف بکشد و زیر آن چهار دال بکشد و بقول دیگر دال نیز هشت کشند و باید که چنان کشد که در سطور جانش مساوی باشد صورتها که نموده آید و بسوزاند خرقه را باتش نرم و خاکستر از ابیر سر [illegible] بیامیزد که آن سرمه را بگلاب سحق کرده باشند یا از زحل بر گشته سرخ

دهرکه

و هر که این سرمه که بدان خاکستر آمیخته باشد در چشم کشد اشخاص روحانی بیند و صورت لوح این است حکیم گوید اگر کسی این شکل را که خواهیم نمودن بر کاغذ نویسد و باب باران بشوید و در هر جایی و هر مقامی که خواهد بفشاند در آن مقام چهل روز متواتر آتش فتنه و خصومت باشد و شکل این است

از این بیت این سخن شکل هیئت تر ده نهاده برو شد در جمیل مثال نموده اند

الباء العربیه حکیم گوید که چون دایره برکشی روز یکشنبه یازدهم ماه در کران آن دایره نام هر که خواهی و نام مادر او بنویسی و گرد بر گرد آن نام شش با و در نسخه دیگر پنج با گفته و در اندرون دایره چنانکه گوی که بدان خط دایره پیوسته است سی با ثبت کنی و لذ خارج دایره سی با دیگر و آن کاغذ را که این شکل بر آنجا باشد بخور کنی بچشم گربه سیاه و آن کاغذ را دفن کنی در خانه صاحب آن نام آن کس نتواند که از آن خانه بیرون شود مادام که آن کاغذ در آن در آن خانه باشد دایره این است و اگر خواهی که بجای با طا بکشی از برون دایره و این را بر جام آبگینه نویس و آن بنفشه را به آب چاهی

که مشهور باشد بشوی وآن آب در خانه آنکس که خواهی بیفشان البته خواب
آن خانه را خواب برد مگر آنکه بنویسی چنانکه یاد کردیم و از آن بشوی باب خوش از
رودی که از شرق آید بدین صورت خاصیت
شکل اول را باطل گرداند البته این است
واما با هندی وصورتش ح خاصیت این در
گشودن قفلها فعل عجب دارد بنویسد این شکل را بر جام نقره باب دراخت
عوسج وآن وغلیت از غار وبعد از آن این حروف را بروغن زنبق از جام
بردارد آن روغن در هر قفل کند که گشاده شود بفرمان خدای تعالی باب
باب الجیم جیم العربیه حکیم گوید در تحریک
ساکن خاصیت عجب دارد چون خواهی
که چیزی را حرکت دهی یعنی از خیر و شر چون
واندوه ویا ارامی بدانجا که خواهی بکشی تدبیر آنچنانست که ذکر خواهیم کرد
ویک پاره حریر سفید وصورت ادمی بران بنگارد باید که قمر در ثور باشد
باتصال با مثلیث آفتاب در حال صورت آن جهت جیم بنویسد بدین شکل
و در سینه آن صورت نام آنکس و مادر
آنکس که خواهد بنویسد و در خانه آنکس دفن

کند در دوستی مؤثر است واین شکل باران و باد و هر چیز که ساکن باشد تهیج کند
وحرکت دهد والسلام واما جیم هندی صورتش ۳ اینست خاصیتش آنست که خاصیت
وفعل طلسم عربی را باطل کند و عمل آن چنان باشد که این صورت را بنویسد
بر کاغذ ودفن کند در آنجا که صورت اول نهاده باشد تا طلسم اول را بگشاید
وانچه او کرده باشد آن بگشاید و باطل کند این است شکل باب الدال
العربیه حکیم گوید که خاصیت این ۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
دوستی آل پادشاهانست تا غایتی
که آن پادشاه هیچ یاد نکند غیر از خدا و
اگر چه او را انشش سه بکرد و پوست وازان
صورتی بسازد از ان ادمی و بیالاید بمشک و زعفران و در سینه آن صورت
بنویسد بخون کبش سیاه نام آنکس که او خواهد و نام مادرش و در زیر پای صورت
یکدال بنویسد و بر سر او سه دال و در زیر ناف او یکدال و در پس صورت بنویسد
که دوست گردانیدم فلان بن فلانه را پس بر نام آنکس در پیچد و در ابگینه
سرخ نهد و در پای دروازه آن شهر دفن کند و بعد از آن بخون شیر و سگ
که بغایت عجایب است در باب دوستی میان دو کس برین صفت واما دال

هندی وشکل آن اینست ۲ و خاصیت این آنست که خاصیت دال عربی را باطل کند
وعملش همچنانکه در عمل دال عربی گفته شد وکتابتش بر پوست گربه باید کرد و
بخور آن برشم سگ کنند باب الهاء العربیه حکیم گوید که این حروف خاصیت
عجب دارد از جهت زیرکی ویاد گرفتن واختراع کلمات و درامدن سخن در دل
وکشتن دشمنان واما عمل جهت زیرکی بنویسد شکل مثلث بر لوح نقره بمشک
وزعفران بعد از آن بگلاب وسرکه کهن شوید هر روز سه دم از آن آب
بیاشامد وصورت مثلث اینست واما هاء هندی صورتش این است ٥ واین
هاء هندی را خاصیت های غریب است همان نوع که در عربیش ذکر کرده شد
در هندی نیز همچنانست برین شکل
حکیم گوید که هاء عربی را خاصیت عجیب است
واز برای قتل دشمن ودفع اعدا بنویسد
بر پوست شیر وصورت مردی ودر دست او خنجری داده دیگری ایستاده در سینه
کشنده چهار هاء بکشد ونام خود در سینه آنکس که میکشد دو هاء بنویسد نام
مادر خود و پس دایره گرد آن صورت ها بکشد ودر بیرون دایره چهل هاء بنویسد
ودر اندرون دایره دوازده صاد عربی بنویسد برین شکل که نموده شد

برصفحه دیگر بعد از آن بخور کند بدل سگ وآن صورتها را دفن کند در جای که دشمن
سیخ کنند بعد از آن سه روز دیگر چیزهای عجیب ببیند وآن عمل وقتی کنند که صاحب
طالع او در جای سعد باشد وقمر بد و ناظر بنظر دوستی صاحب اما هاء هندی طالع دشمن
منحوس بود وقمر بد و ناظر بنظر دشمنی تا
این عمل تمام باشد هم مانند این
باشد وباید که دقایق عملش
دارد و همچنین چهل هاء هندی
بیرون دایره بنویسد و دوازده صاد عربی در میان دایره وصورت در
کانه واندرون و مثال مذکور برین شکل تا مؤثر آید انشاء الله تعالی باب الواو
العربیه حکیم گوید که خاصیت واو
عربی آنست که چون این عمل خواهی
کردن وقتی که قمر در سرطان باشد
ومتصل بزحل بگیر ویک پاره موم سفید
وبساز بنام آنکس که تو خواهی ونام
مادر او بنویس بر آن چهارده واو بدین صورت و در میان صورت نه

با قدری پیه خوک بنام آنکس دفن کند در پایکاه اسپان
تا عجایب بینی در دشمنی و اما واو هندی و صورتش اینست
و خاصیت او چنانست که یاد کرده شد و در دوستی
اثری تمام دارد و این را بنویسد بر پوست اشتر و
اهان شمع سفید باید و اضافه کند با او سرشیان در وسط لوح برین صورت که نموده
اند والسلام باب الراء العربیه حکیم کوید که خاصیت او آنست که یکی اطلسی زرد
معدنی چون زهره در شرف و از نحوس خالی بود شکل مثلث برکش و بیست
و یک زا بر اطراف آن مثلث برکش
برین شکل و بخور کن بصندل تر و این تعویذ
همه زبان را بقوت دهد بقوت دهد
و این خاصیت زاء عربیست حکیم کوید
خاصیت زاء عربی آنست که یکی پوست نقش بران دایره بکش و بنویس اندرون
دایره نزدیک خط دایره بیست و یک زا بخون خوک در اندرون دایره
صورت هرکه خواهی بکش خواه زن و خواه مرد چنانکه دو صورت پشت بر پشت
یکدیگر کرده باشد و روی از هم کردانیده برین مثال باید که قمر تربیع زحل

فلان بن فلانه

٣٥٥٣٥٥٣٥٥

یا مقابله او بود بنویسد بنام این دو شخص که در میان دو صورت عداوت و دشمنی
تمام کار کند و اما زاء هندی صورتش اینست ٢ خاصیت او جهت اسباب
سلاح شکست وقتی که مریخ در شرف باشد و خانه مریخ خالی باشد از نحوس
بر اطلس سرخ کشد و همچنین از خاصیت زاء هندی آنست که چون بنویسی
بر پوست ترنج بر آنجمله که در اول ذکر رفت با زعفران و مشک و کلاب
باید که این صورت مصحف یکدیگر
باشند برین شکل خاصیت طلسم
اول را باطل کند و محبت و دوستی عظیم
حاصل شود بفرمان خدای تعالی والله اعلم
باب الحاء العربیه حکیم کوید که چون حا بنویسی بر کرباس پاره که از کفن
برداشته باشی بیست و هشت حا بنام آنکس که تو میخواهی و نام مادرش برین صورت
که در صفحه دیگر ثبت کرده شد خصم را رنج و سرفه و تب حاصل شود بعد از
سه روز اکر تدارک آن نکند و صورت اینست حکیم کوید که از خاصیت

ح ح ح ح ح ح ح
ح ح ح ح ح ح ح

حاء عربی یکی آنست که لباسی پوست
آهو و دایره بکشی بران و در آنجا صورت

بشری بکشی خفته و کرد دایره شصت حا برکشی بمشک و زعفران و روغن
زنبق بران مالی و نوشته را در جیبی هر که این شخص عمامه نهد حبش را مقبول
پدید آید و اکر در پیش سلاطین و بزرکان عزیز باشد و از وی هیبت و صدقی
در دل خلق افتد و اما حاء هندی و صورتش اینست ح خاصیت او آنست
که دفع رنجوری کند چون بوقت سعد نویسی بر کاغذی و بشوی و بیاشامد
از رنج پاک شود بدین
صورت و همچنین از حاء
هندی آنست که همچنانکه
پیشتر شرح داده شده
از برای نصرت و ظفر
بر دشمن قوت و فعل عجب دارد باب الطاء العربیه حکیم کوید که خاصیت
او آنست که مبطل فال بد است و شر چشم بد باز دارد و سحر باطل کند وقتی
بنویسد بر کاسه چینی سرخ برین صورت سر او چون سر مرغ و تن او چون
تن آدمی و بر سرش دوازده طا و بر دست راستش دوازده طا و بر دست
چپ همچنین و این صورت و خط باید که باب لبان لبسلا بننشسته باشد

و بعد از ان آن را باب چاه بشوید و آب را کرم کند و بخورد از همه رنجی پاک شود
و همچنین اکر بنویسد بر کاغذ و بر کودکی آویزد تعویذ او باشد و دیکر از خاصیت
طاء عربی آنست حکیم کوید که بستاند پاره کاغذ و صورت آدمی بران بکشد
و کرد بر کرد آن صورت دایره بکشد و بر کرد دایره چهل و دو طا بکشد
ططططططططططط ط ط
و در سینه صورت
بیست و چهار طا بنویسد
برین صورت و باید
که باب لباب کشته
۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹
نوشته باشد در آنجا سنبل العصافیر و کلاب لبلاب حل کرده باشد
و در جهت مریم در دفع چشم بد از کودکان فایده عظیم دهد و حفظ از آفات
کند اکر این عمل کند در دکان نهد یا در میان کشته دفن کند برکت آن
دکان و آن کشته زیاده شود و هر که با خود دارد حق تعالی سعیت او
استان برساند و را کار زید کرده و شکل او اینست ۹ این صورت
سفید و نوده مند بیست را
بنویسی او را بر هفت نقعه از نقعه
هفت طا برین شکل

٩٩٩٩٩٩٩

٩٩٩٩٩٩٩ ٩٩٩٩٩٩٩

٩٩٩٩٩٩٩ ٩٩٩٩٩٩٩

٩٩٩٩٩٩٩ ٩٩٩٩٩٩٩

واز او زیر صاحب تب دود کند ز ان علت خلاص یابد دیگر خواص طاء هندی
انست که ان نبویسی بر کاغذ سفید پاکیزه هم بران مثال هفت و پنج رقعه
بر هر رقعه هفت طا چون مسافر با خود دارد در بر و بحر بسلامت باشد و همه جا
ویرا گرامی دارند باب یاء عربیه حکیم کوید خاصیت یای عربی انست که برکری
پوست مار و هفت و نه یا بخون کبوتر سفید برابی نویسی وان پوست را بلور بخ
وقتی که قمر در سرطان باشد بتسدیس مشتری و ازا خورد لسانی ولذان خاکستر
سرکشی سفیدی چشم برد و اگر زهره ادمی کنی بران اشخاص رو عاقله را بینی و اگر
بنویسی این هفت و نه یا را بر پوست شتر در مربع مستطیل در میان عمودنهی
بکشی در وسط مربع از هر طرف در طول ده یا بکشی و شش یا در طرف چپ
عمودنهی مثنی در سه محل مساوی و در طول لوح و سه یا در دست راست عمود
محاذات ان شش مثنی که برین شکل که نموده شد که از دیو ترسد

اما یای

اما یای هندی و صورتش اینست و خاصیت او انست که مربع بر کشد بر کف دست راست

ی ی ی ی ی ی ی ی ی

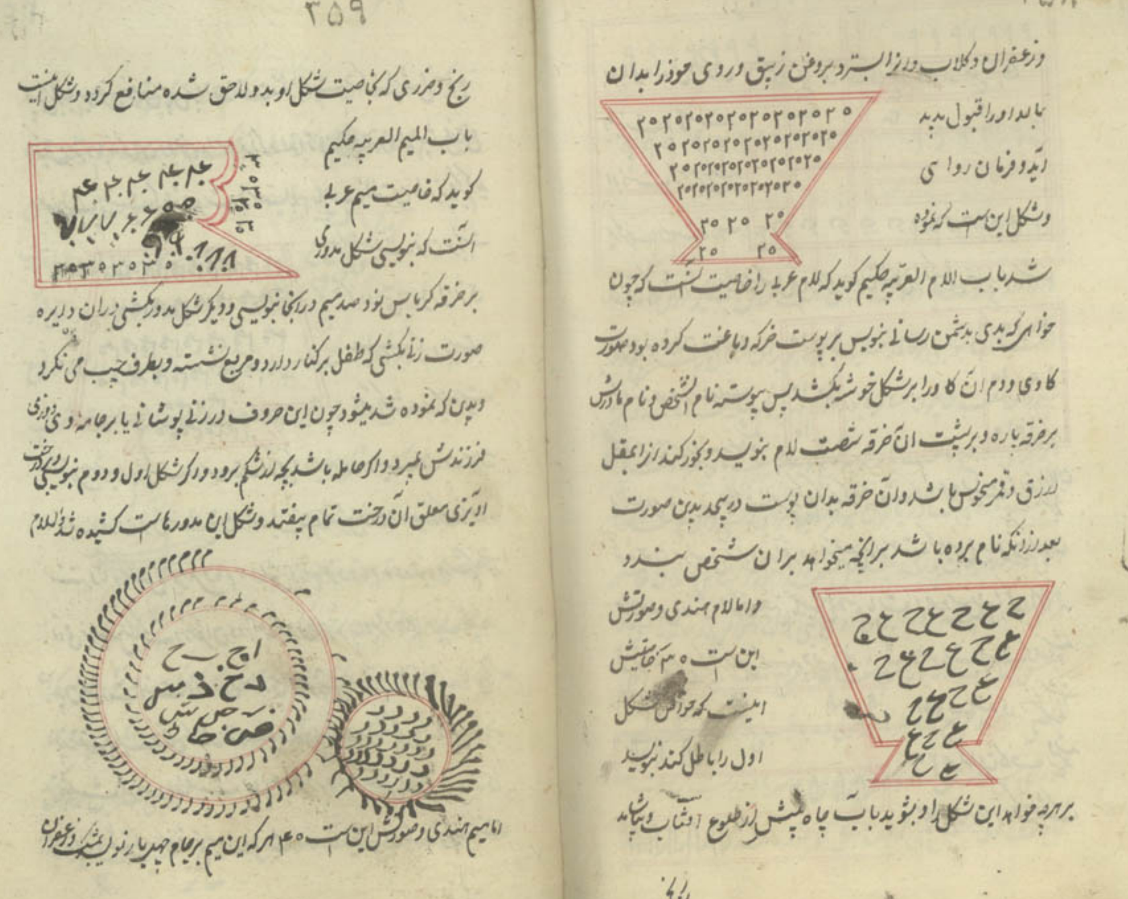
وقتی که قمر در ثور باشد متصل بزهره چون ان شکل را بر کشی بپای زرشنا

دیگا نه فرمان بردار او گردند هر چه اشارت کند برین صورت که نموده شد

١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠١٠ ١٠ ١٠ ١٠١٠

والسلام باب الکاف العربیه حکیم کوید که خاصیت کاف عربی انست که افراخ از خانه
کند چون بنویسی بر لوح از نقره یا بنویسی بر پوست کرباس و بیاویز بر گردن
خروس لازرق افرق یعنی تاجش دو نیم باشد و خروس را رها کن انجا که
تو خواهی هر جا که خروس بایستد دفینه انجا باشد و صورت اینست که نموده شد

اما کاف هندی و شکل او اینست ٢٥ هر که این کاف را بنویسد چهل بار بر جام ابگینه بنگ



پس بشوید بروغن زنبق پس بردارد و از آن زنی بپشم سگ پیش از جماع
آبستن شود باید که این روغن را مرد بر ذکر مالد و زن بر فرج خود مالد پیش از جماع
و صورت اینست که نموده شد والسلام باب النون العربیه حکیم گوید
که خاصیت نون عربیه است
که دوستی و میل از شری
عظیم دارد بگیرد پوست
آهو بکشد برای صورت
مشتری و سر شیر و بر پشت او صورت آدمی که ریاحین در دست دارد و می باید
و بنویسد در آن نون شش نون در سینه شتر و شش نون در سینه دیگر از آن
شتر و نام آنکس که میخواهی و نام مادرش و نام خود و نام مادر خود در شکم صورت
آدمی بنویس بمشک و زعفران و از گردن خود بیاویزد تا محبت ببیند
بدین صورت اینست و اما نون هندی و صورتش اینست ۵ هفت بار بر لوح
زر نقره نویسد وقتی که قمر در اسد باشد با اتصال مشتری یا تسدیس او یا به
تثلیث او همان خاصیت نون عربیه دارد و اگر نقش کند نون هندی را
بر پاره نقره که برای خاتم سلیمان باشد در هر زاویه از آن یک نون در انگشتری
نقش کند

تعبیه کند صورت آن هر که در انگشت کند خواسته بسیار از مردم حاصل کند
و از مردم محفوظ باشد و آنچه طلبد بی شک بیابد صورت خاتم اینست از باب
سلیمان علیه السلام باب السین
العربیه حکیم گوید که سین عربیه خاصیت
عجب دارد بنویسی بر ورق آهو
بخون هدهد و بخور کند بکندر کس و بر سینه زنی نهد که خفته باشد از نوع
هرچه که او در دل دارد زن خبر دهد و هرچه او کرده باشد از بد و نیک گفت
روشن همه باز گوید و شکل اینست
که نموده شد و اما سین هندی
صورتش اینست چون بنویسد
بر خرقه که از مقبره گران برگرفته باشد
پنج سین بدین صورت کشد و در زیر سر خفته نهد که خواهد بیدار نشود مادام که این
خرقه در زیر سرش باشد بیدار نشود و صورت اینست حکیم گوید که چون
بنویسی بعد سین عربیه عمل کند
و با آب برگ عوسج و خون کبوتر صحرای و مقدار نیم دانگ مشک حل کرده بنویسد

هر کس که این شکل بیاویزد خوابش نبرد تا وقتی که این شکل از او دور کنند
و این چنین پنج سین هندست بدین شکل

و اگر اضافت کنی بدین شکل پنج طا چنانکه در میان مثلث باشد و شش طا
دیگر در آن زاویه مثلث است و هر که با خود دارد تیز رود و با سلامت
باشد و مقبول القول و مقبول الخلق باشد شکل اینست حکیم گوید که چون
بنویسی چهل عین عربیه در شکل مربع چهل خانه سازد در ساعت زحل در روز
زحل و قمر متصل باشد بنویس در خرقه پاره که از غریبی برداشته باشد
بعد از آن دفن کنی در جای که از اخراب خواهی بعد از آن بچهل روز خراب
شود چنانکه التیام نپذیرد و این شکل مجربست در عین عربیه سر عجیب است
بدین وضع که ذکر کرده شد بر پوست خارپشت نویسد و در آسیا آب نهد
سنگ آسیا بشکند و اگر در زیر درختی دفن کند اصلا بر نیاورد بدین شکل

و از خاصیت عین عربیه دیگر اینست که چون بر بادام نویسد و روغن داده
تو بگلاب و زعفران و مشک نیم قیراط آمیخته بعد در آب برگ مرجان و کوزد
آنکس دهد که او را در دل باشد غم و وسوسه دارد سه روز متواتر آن علت از او
زایل شود و این شکل هشتاد و دو عین است در دایره و بدان دو خط که در میان
دایره است اضافه کنی در میان سطرها که در میان دایره است سی جا و در میان
طعام و شراب کنی او را بعد خاصیت شکل اول باشد بدین صورت

ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع

و اما عین هندی و صورتش اینست ۷ چون بنویسی با آب برگ لوبیا و کوزانه

بهرکس که خواهی خاصیت صد مذکور بخشد والسلام باب الفاء العربیه
حکیم گوید که خاصیت فاء عربی انست که دفع ترس کند وقتی که در شراب بکار
دارد بنویسد برکوزهٔ زرین هفتاد بار بشوید بشراب کهن وبخورد انکس به
که این علت دارد در روز خلاص شود و دیگر خاصیت فاء عربی انست که هرکه
بنویسد هفتاد بار باب برگ حنظل بر سرپوش و دان کوره باشد که بر انجا
نان پزند و بشوید بابلکه از حمام بیرون اید بیفشاند ان اب را بر در خانه انکس
که خواهد یا در خانه انکس ریزد میان اهل ان خانه شر و خصومت واقع شود
کبدی که متفرق شوند شکل این است

ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف
ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف
ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف
ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف
ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف
ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف

واما فاء هندی وصورتش اینست ۸ حکیم گوید که خاصیت او انست که هرکس که سه

روز ازاب بسیار خورد چون بنویسد از ابشکل مخمس و بر هر ضلعی سه فاء هندی بر کشد
بر پوست تکه و در میان ان شکل نام انکس نویسد و با خود دارد و خاصیت دیگر انست
که هرکه این شکل مذکور بدین علت خلاص یابد و اضافت نماید در سین حاء
عربی خاصیت بسیار دارد و هر دو شکل این است والله اعلم والسلام

باسم فلان فلانه

باسم فلان فلاند

وعمل شکل اول را باطل کند بدین شکل و همچنین شکل فاء هندی بر صورت
مذکور بر شکل اول بنویس بر جام زرین و نوشته را بگلاب بشوید و باید
و باب خوش بخوراند صاحب رعشه را از ان علت خلاص یابد بفرمان خدای تعالی
باب الصاد العربیه حکیم گوید خاصیت صاد عربی انست که بستاند اب چاه
و در وصل کنی صندل سرخ و صورت ان شخص که خواهی بر کشی بر کاغذ سفید
پاکیزه و گرد اگرد صورت هفده بار صاد بنویسی بیست و دو دال و پنج جیم
و نام انکس و نام مادرش در سینهٔ ان صورت بنویسی خاصیت عجب دارد

و از احضار غایب اگر خواهی که
حاضر گرداند از مسافت بعید و از
خاصیت صاد عربی انست که
چون بنویسی بر پوست شیر دایره و در میان دایره صورت کشیده باید
بر قفا افتاده باشد و صورت دیگر بر سینهٔ او نشسته تا او را بکشد و بیرون
دایره هفتاد صاد و در میان دایره دوازده صاد نزدیک خط دایره پس
صورت دفن کن در بازار قصابان از خاصیت این صاد ان شخص بمیرد
و در سینهٔ هر دو صورت نام قاتل و مادرش و نام مقتول و مادرش بنویسد هر یک
بجای خود اما صاد هندی
و صورتش اینست ۹۰
حکیم گوید اگر بنویسد
بر برگ حنظل با بابلکه در ان
مروصل کرده باشد و این برگ را خشک کند و خرد بساید در میان هر قومی که
از ان بیفشاند میان ان دو قوم دشمنی و خصومت و تفرقه افتد حکیم گوید
خاصیت قاف عربی انست که بگرد پوست شتر و بکشد بر انجا سر ادمی

و دست شیر و سر گربه و سر شتر برین صورت و بعد از ان بنویسد بر هر سری
شش قاف و این
شکل وقتی کند که زحل طلوع
کند و بعد از ان ان پوست
بسوزاند هر که از ان خاکستر پوست سوخته نیم درم بدهند بخورد لال شود و این
کتابت بجون ادمی باید کردن که اسد طالع باشد والسلام و حکیم گوید که خاصیت
قاف عربی دیگر انست که بگرد پوست اهو و صورت عقاب پر نا گشوده بر انجا
کشد و سر او باید که چون سر شتر باشد برین صورت و بر زیر او سی و سه قاف
و در زیر او بیست و نه قاف و پیش دم او یازده الف و بعد از ان بر بار
وان نو نهند که درون ان روغن داده باشد و ان حروف بگلاب و زعفران
نویسد محبت صاحب در دل مردم بدید اید و پیش سلاطین قبول یابد و هر که
سفر کند و این شکل بکشد از افات بر و بحر ایمن باشد واما قاف هندی
و شکل او این است ۱۰۰
حکیم گوید که خاصیت او انست
که چون بنویسی قاف هندی را

بداد بر بادبان در حینی که در دریا باشی و باد غلبه کرده باشد و وهم باشد بعد از آن
کشتی و در دریا نشانه باد ساکن شود بفرمان خدای تعالی حکیم گوید که خاصیت دال
هندی آنست که چون خواهی که کسی را مصروع گردانی بنویس بر پاره نعل کهنه بمداد
بر مثلثی غیر متساوی الاضلاع و بنویس در میان آن نام آنکس که میخواهی
و نام مادرش بدین شکل و دفن کن در زیر چوب کازران
آنکس که نام بردی مکتوبست صرع و صداع
واقع شود بفرمان خدای تعالی
و شکل اینست و همچنان
را اینست را اینست

فلانه فلانه

۳ ۴ ۳ ۴ د ۳ ۲

که هرکه بگیرد چوبه از گورستان گران و نقش کند بران چوب صد دال بر سر گورکهن
نفرانا که انجا کس نیاید و نرود و بران چوب بنویسد نام آنکس بدین شکل را را
نقش کند بر چوب که خواهد و نام مادرش و بگوید که بکنید بان شخص این و این

بان چیز که او خواهد هر از در بجها بمند بران کس بعد از سه روز اما را، هندی و شکل
او اینست ۲۰۰ بنویسد بر جام ابگینه و بگلاب و زعفران و کافور چهل را و دوازده
طا هندی و بشوید و بخورد و بیمار دهد بعد از انکه او را اگر سنه داشته باشد شفا یابد
باب شین عربیه حکیم گوید که چون بنویسی بر کاغذی بیست و سه شین و تر باید
که در جیدی باشد بانصاحوس از زیرخ و نام هرکه خواهی و مادرش در میان قا
روره سرخ پنهان کند همه برو مهربان باشند و بخشایند تا وقتی که آن کاغذ از آن
قاروره برون آورد و دیگر خاصیت شین عربی آنست که اگر بستانند پوست آهو یا
کاغذ سفید و بنویسد بر آن سی و شش سین و دوازده الف و شش ها و شش
با مشک و زعفران بدین صورت مقبول سلاطین گردد و در آن امرا و کردن ان
و صورت او اینست که نموده شد والله اعلم بالصواب

واما سین هندی حکیم گوید که شکل وی اینست ۰۰ ۴ بنویس این شکل را در جام آبگینه
و بروغن زنبق بستری و از آن روغن برابرو مالی و میان پیشانی و اگر کانه
روی و در آن خانه زنا خواهی اجابت کنند و هر عرض که داری بران برسلی شر

فاسد و تمام بگرداند باب تاء عربیه حکیم گوید که هرکه را درد سر باشد
این شکل بنویسد بر کاغذی و بیاویزد برانجا که درد میکند و بر دندان همچنین
بدین شکل که نموده شد والله اعلم بالصواب والسلام
و اما تاء هندی بدین شکل ست ا

ت ت ت ت

۴۰۰ هم فایده تاء عربیه دهد

ب ب ب ب

و اگر چهار کس نویسد خاصیت او ضد مذکور باشد چون بدین شکل که نموده شد
اینست باب الثاء العربیه

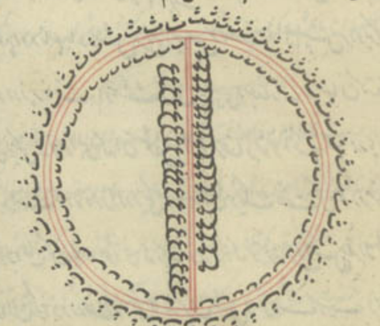
۴۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰

حکیم گوید که خاصیت عجب دارد
و گرد در او بسیار رسیده چون

۴۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰ ۴۰۰

بگیر پاره پوست آهوی پاکیزه صد ثا بر آنجا نویسی و بعد از آن که دایره کشیده
باشی و صد ثا در اندرون دایره نزدیک خط بنویسی جدا و در میان دایره عمودی
بکشی و چهل عین بران عمود بکشی از طرفین بموجب نمودار دفع چشم بد کند و
رنجهای سخت و تبهای متنوع کند و کار بسته بگشاید و در کسب بگشاید و رزق
و تکسب بگشاید و اگر بر دکان بنویسی بمشک و زعفران و گلاب برکت تکسب زیاده
و اگر این دایره بر کاغذ نویسد و در پیچد و در موم عروسی گیرد تعویذی و حرزی

باشد و اگر اضافه کنی با این سه را از جانبی از عمود و سه را از جانب دیگر در اصل
نمود در وشش الف تعویذی باشد بجهت قبول ملوک و سلاطین و حامل آن
از همه جهتی ایمن باشد بدین شکل ست ا



و اما ثاء هندی بدین شکل ست ۵۰۰ چون بنویسی چنانکه صفت رفت در دفع سحر
و بتها عمل و خاصیت تمام دارد بر شکلی که بر ثاء عربیه ذکر رفت خاصیت او آنست
که چون بکشی دایره و گرد آن دایره ثبت کنی و پنج میم هندی عوض پنج الف
و دو ها و تندی بدین شکل و اینها را بشوی به رقیه گلاب و مثقال مصطکی
و سه مثقال تخم الجزر و شربت
سیب قوت معده را زیادت کند

ع ع ع ع ع ع

۱۱۱۱

دهضم را معاونت کند و اخلاط ردی دفع کند چون شربت سه روز مداومت
نماید فایده دهد باب ذال عربیه حکیم گوید خاصیت حرف ذال آنست که چون
خواهی که تب برکسی مسلط کنی بگیر پارهٔ پوست پلنگ و صورت شخصی که تو خواهی بر آنجا
بنگار و نام او و نام مادرش بر آنجا بنویس و هفت ذال پیش سر او و بر کش و زیر
قدم او و در زیر ناف او هشت ذال بنویسی و بعد از آن در میان کتف او
بنویسی رنجی که تو خواهی که آن شخص بدان گرفتار شود و آنکه بنه ازار در پاره پوست
بره دباغت کرده و از او در دیگی نه و سر آن دیگ سخت کن و در خرابه انداز
یا در گور دفن کن یا در سوری که آنچنان شود که تو میخواهی و رنگش بیقرار شود و سراسیمه
و سرگردان گردد و در حال خود متحیر ماند برین شکل و صورت هست و اما ذال
هندی برین شکل است ٥٥ ما حکیم گوید بگیر جام آبگینه یا کاسه و بر آن چهل ذال
دور اندرون او یازده صاد بنویسد و باز پنج صاد بنویسد و بشوید و از آن
باید که آفتاب برو نوزیده باشد وقت برگرفتن آب ارزو و روان
ززد و این ظرف را بدان آب بشوید و هر بیماری که آن را در تن خود بمالد
و یا در آنجا نشیند و یک آب خوردن از آن خورد و اضافه کند باب و قیه
گلاب و بخور کند بنای چند لذموش با موضر و این عمل را پیش از طلوع کنند

سه روز رنجور را نافع آید و بکلی صحت یابد انشاء الله تعالی باب ضاد عربیه
حکیم گوید این حروف را سر عظیم است هر که این حروف را بنویسد بر برگ ترنج
بمشک و گلاب که در آنجا نیم مثقال سنبل عصافیر هندی سوده کرده باشد
و آن چنان باشد که بستانند شصت و پنج برگ و بنویسد بر هر برگ شصت ضاد

رساله بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین ولا عدوان الا علی الظالمین وصلی الله
علی سیدنا محمد وآله اجمعین اما بعد در بیان مقدمات تابع التکسیر ان
السعدک الله بالتوفیق که تا این جمله را که در این فصول یاد کرده میشود ندانند
و استحضار نکنند در عمل تاثیر قادر نکردند فصل بدانکه حق تعالی و تقدس را
سیاره باشند و بمتاثرات و ناچار ملائکه موکل کردانیده است سبعه سیاره
اینست زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
ایاسل مجراو ابابیل کهمتا ربموه الکا نقویل
فصل بدانکه هر حرف از حروف بیست و هشتگانه تهجی که مکتوبست بعدد بیست و
هشت منازل قمر هر یکی ملکی موکل است و اسامی ایشان این است

ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ
اسرافیل	جبرئیل	عزرائیل	سیکائیل	کلکائیل	سمسائیل	صهمائیل
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
دردائیل	اهرائیل	رقائیل	اسرائیل	سمرائیل	سمراطیل	اهجائیل
ض	ط	ظ	ع	غ		
عطبائیل	اسمعیل	نوذائیل	نوماطائیل	لوعمائیل		

ف	ق	ک	ل	م	ن	ه	و	لا ی
سرکاکیل	طرمائیل	ممدودائیل	طاطائیل	اومائیل	هولالا	زورمائیل	وقایه	زاهر النطائیل

فصل بدانکه در بروج دوازده گانه را نیز ملایک موکلانند بر هر
برجی ملکی و اسما اینست حمل ثور جوزا سرطان
ارسلاحق رحمائیل سراسل عائل ابهما بلاحق
اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی
سراطیل ونغمائیل صهاکیل عاقل مرصائیل نوطائیل سوراطیل نموئیا
دلو حوت فصل بدانکه حروف بیست و هشت
مهکیائیل نقمائیل
گانه را بحسب ترکیب بر بروج دوازده گانه قسمتی رفته است برین وجه
و برین ترتیب و قوت ایشان از روی طبیعت و بر هر یک رقمی زده آید
حار یابس رطب بارد اع ه طح ف ش حار یابس
ناری بحمل و اسد و قوس داده اند بدین قسمت حمل اعه اسد هطم
قوس خفش ق ی ص غ ط ک ض حار رطب هوای بجوزا و میزان
و دلو داده اند بدین قسمت جوزا قیض میزان صقط دلو خلکض سرل
زث ن و بارد رطب مائی بسرطان و عقرب و حوت داده اند
برین قسمت سرطان سز عقرب رثن حوت نودج م ر ب غ ث ذ
بارد یابس ترابی بثور و سنبله و جدی داده اند برین قسمت ثور حل سنبله
زنج جدی خند فصل بدانکه حروف بیست و هشت گانه را بقسمتی دیگر چهار

بخش کرده اند بحسب الفراد هر بخشی را اعرابی خاص داده اند تا هر جایی که در
تکسیر محتاج شود با عراب بدان قاعده اعراب زنند و هر بخش را از آن طبیعتی
خاص گرفته اند و صورت جدول اعراب و طبیعت مذکور این است

حروف مفرده حار اعرابها فتح و نصب	وَ یَ لَ مَ عَ
حروف مفرده یابسه اعرابها رفع و ضم	جُ دُ کُ تُ ثُ حُ
حروف مفرده رطب اعرابها کسر و جر	جِ دِ شِ ثِ ذِ صِ ظ
حروف مفرده بارده اعرابها جزم و وقف	بْ دْ خْ غْ ضْ ظْ

فصل بدانکه طایفهٔ از محققان این علم حروف مفردهٔ بیست و هشت گانه
را قسمتی دیگر نهاده اند بحسب طبیعت حروف و تلازم حرارت یا یبوست
و رطوبت یا حرارت و رطوبت یا برودت و یبوست یا برودت
و برین قسمت ایشان را اعمال غریب و علوم جلیل است و آن این است
اهطمفشذ حار یابسه ناری بوینصتیض بارد و یابسه ترابی حرکسقنظ حار رطب هوای جلعرخغ بارد رطب مائی
و بعضی دیگر برابد را گفته نه هوای که این قسمت مائی بحسب طبیعت حروف
مفرده برین نسق که اول حار یابسه دوم بارد یابسه سیوم حاره رطبه چهارم

بارد و رطبه بر نسق مثلثات بروج متفق علیه است و بعضی این ترتیب را بر نسق عناصر
رانده اند چنانکه اول نار دوم هوا سیم ماء چهارم تراب والله اعلم فصل
بدانکه حروف مفرده را قسمتی دیگر کرده اند بحسب کواکب سبعه سیاره چنانکه
از حار و بارد و رطب و یابس از هر یکی یک حرف گرفته اند ترتیب حروف
ابجدیه مذکوره بدین نسق که نموده میشود احجب زحل وندد مشتری یکنیخ مریخ
یسقط شمس مفتع زهره تصص عطارد نخیطق قمر چون در اعمال تکسیری
جای که محتاج گردی بحروف کواکب رجوع نماید کردن بدین حروف
چنانکه در طالب و مطلوب جهة محبت حروف زهره و مشتری باید و در عداوت
حروف زحل و مریخ باید فصل در طالب و مطلوب رعایت اوقات
مناسب ضرورتست پس باید که زهره روز ز و شب و در ساعت
او ه از شب و روز دیراست و مشتری روز ه و شب ب و در ساعت
او ه از شب و روز دیرست قیاس برین کن باقی را فصل
بخور زهره عود و مشک و شکر و قسط و زعفران و عنبر و قشور خشخاش
و بخور مشتری سعد و سندروس و عود و صمغ و حب الغار در این عمل اجزای
متساوی باید کوفته و بیخته و خوب ساخته بدان اسعدک الله و وفقک که

صاحب

صاحب تکسیر را از معرفت این چند فصل چاره نیست تا عمل او را اصل باشد
و عمل او از بصیرت کرده باشد اما فایده جامعه تکسیر چنانکه معلوم صنعت
گشت چگونه میباید کرد و آنچه ما در عمل خواهیم آورد سه نوع است اول نوع
تکسیر اسماء الله که هر اسم خاصیتی دارد و غایت آن اینک چون تکسیر آن
اسم کرد چنانکه سطر اول باز یافت در آخر اعداد آن حروف جمع کند بحسب
عدد و بر پشت حروف مکسر در مربع کند بطریق وفق بر نظم طبعی تا از وی تاثیری
که خاصه آن اسم است پیدا گردد چنانکه در اسم الحی القیوم عوده می آید و باقی
اسماء الله العزیز بر آن قیاس کن یک یک و و و ه ۳ ۳ ۴ ۴ چنانکه
در میان ایشان مناسبتی بهم پیدا میکند و تکسیری میکنند برین نهج والسلام

نصف نقش الاسم الحی القیوم الاعظم							عدد حروف ۴۳ حروف عدد
	ح	ي	ق	ی	و	م	
	م	ح	و	ی	ے	ق	
	ق	م	ی	ح	ے	و	
	و	ق	ے	م	ح	ے	
	ے	و	ح	ق	م	ے	
	ے	ے	م	و	ق	ح	
۱۷۹۲	ح	ے	ق	ے	و	م	

عدد الحی قیوم — مربع حاصل حی قیوم اینست

۳۶	۴۹	۴۶	۶۳	۱	۱۱۹۶	۱۱	۸
۴۷	۴۲	۳۵	۴۸	۱۲	۲	۲	۱۱۹۲
۴۱	۴۴	۵۱	۳۸	۶	۹	۱۲۰	۳
۵۰	۳۹	۴۰	۴۶	۱۱۹۹	۴	[illegible]	۱۰

در نوع تکسیر چنانکه محافظت وقت معین کرده باشد یا چیزی بر آن نقش این
دو شکل کند از زر یا نقره یا عقیق یا بلور از هر چه قوتش رسد یا رق آهو یا بر کاغذ
پاکیزه یا حریر چنانکه نزد اهل تکسیر مبرهن باشد و در کتاب ایشان نیز اسم جامعیت
آن یاد کرده باشند و کیفیت انقطاع از آن گفته اند و معلوم شده در بیان
این فن هیچ چیز دیگر نیست اگر چه این اسم اعظم را خواص بسیار گفته اند و شرایط
بسیار از ذکر خلوت و تقلیل غذا و انقطاع از محرم و و سومات و زهومات
و شهوات که شرح آنها ازین مختصر بر نیاید اما رمزی بشنو از خواص این دو اسم در
تهییج محبت و احضار و تسخیر ثقلین از صغار و کبار از سرکش و فروتن از دوست
و دشمن بنام هر که خواهی در ضمیر بگذران و ورد ساز ذکر این را بر وفق عدد
یک ضلع و عدد حروف در آخر ذکر عدد ضلع اضافت کن پیش از نماز صبح
بعد از وضو و غسل هر بامداد برین نسق تا هفته بگذرد اگر مرتاض باشد
مدتی دور بوده موثر افتد بغایت چنانکه آصف ابن برخیا را میسر شد
به تکسیر این دو اسم از تسخیر جن و انس و سلیمان بن داود را علیه السلام تراز
بشود اگر همت بلند داری و مردانه از هوای نفس اماره بالسوء توانا گذشتن
والله اعلم نوع دوم که چون خواهند که در میان دو کس محبت و الفت پدید

آید

آید حروف نام طالب را در سطری بنویسد و پهلوی آن حروف نام مطلوب در
بنویسد برین مثال طالب عمر مطلوب علی و آنگاه بر قاعده که گفته شد در اسم
حی قیوم تکسیر کند تا آن سطر اول تمام باز یابد در آخر برین سطر پس حرفهای اول
از سطر هشت گانه را که از صد خوانند فرا گیرد و در یک سطر ثبت کند و باز
حرفهای آخر این سطور که از آموخر خوانند فرا گیرد و در پهلوی آن ثبت کند
برین مثال پس برین هر دو سطر مقدم و موخر یک سطر بیرون آرد برین
طریق که یک حرف از سطر اول میگیرد و یک حرف از سطر دوم و مجموع را
در یک سطر ثبت کند برین مثال این است

ع	م	ر	ع	ل	ی		مثال
ے	ع	ل	م	ع	ر		صدر
ر	ی	ع	ع	م	ل		مقدم ع ے ر ل ع م ع
ل	ر	م	ے	ع	ع		موخر
ع	ل	ع	ر	ے	م		ے ر ل ع م ع ے
م	ع	ی	ل	ر	ع		
ع	م	ر	ع	ل	ی		

ع ی ی ر ر ل ل ع ع م م ع ع ي و این سطر را متولد از طرین گویند پس این سطر

متولد را انچه ممکن باشد پیوسته بنویسد و اعراب زند چنانکه گفته شد بفتح
وکسر وضم وجزم بر مقتضای حروف برین مثال عیبر للعغعمعغی پس در
ساعت زهره یا در ساعت مشتری یا در روز این دو کوکب چون زهره در خانه
خود باشد که ثور و میزانست و مشتری نیز خانه خود یعنی قوس و حوت یا این
دو یکی باشند در شرف خالی از نحوس و قمر بدیشان ناظر باشد به تثلیث
یا به تسدیس یا مقابله که مشغول گردند و بخور زهره یا مشتری بر آتش نهند که اندک
در ابتداء زمان تکسیر تا غایت فراغ از عمل وانگه این حروف بر پارهٔ حریر
زرد یا سفید نویسد و چون این حروف را اعراب زده می خوانده این
حریر را فتیله بجد و در چراغدان سپید نهند و روغن گاو و عسل در چراغدان
ریزد چنانکه دو بخش روغن و یک بخش عسل باشد و چراغ را بر افروزد و در
همه حالات از خواندن آن حروف غافل نباشد و روی چراغ بطرف خانه
مطلوب کند و خود برابر چراغدان بنشیند در موضع پاکیزه خالی و این
کلمات بعدد حروف که دران سطر معربست پیوسته بر حروف بخواند
و قراءت این وقتی بود که فتیله در نور بود یا بخور و کلمات مذکور اینست
اقسمت علیکم یا ارواح العلویة والسفلیة بکل اسم حاصل من تکسیر هذه الحروف

من اسماء ربنا وربکم والهنا والهکم ومن اسماء روسائکم من الملئکة المقربین
والارواح المقدسین ان تعینونی لمحبة فلان بن فلان وتهیجه الی الی
الی العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة
و اگر بدین خواندن فتیله سوخته باشد و روغن تمام شده فبها والا
خاموش بنشیند و مترصد باشد انگاه تمام شود که مقصود حاصل اید و گفته اند
که ای بسا که در اثنای این عمل که تمام فتیله نسوخته باشد که مطلوب بر در
امده باشد و یک روایت چنین است که فتیله نیز بعدد حروف ان
سطر معرب باید که باشد و بر فتیله ان یک سطر حاصل معرب نوشته و بر پشت
حریر نام طالب و مطلوب با حروف زهره یا مشتری ممزوج بنویسد یعنی عمرو
علی را با مفرغ که حروف زهره است یا ورزد که حروف مشتریست مقطع
بنویسد و یکبار تکسیر کند تا ممتزج شود و ان ممتزج را بر پشت فتیله
بنویسد برین مثال اما
یک نوع دیگر از تکسیر
اسم طالب و مطلوب

ع م ع ل ی م ف ر غ
غ ع ر م ف د م ع ی ل

بجهت محبت اینست و این اشرف انواع است چون رعایت شرایط کم

شود و دقایق عمل را بکار آرد همانا که خطا در عملش واقع نشود چنانکه نموده
میشود بر قاعدهٔ مشایخ سلف مقصود انکه این عمل را باید که دران روز
یا شب معلوم یا دران ساعت و وقت معلوم هرچه در بایست وی بود
در عمل اماده کرده بخلوت در اید و دو رکعت نماز استخاره بگذارد و از حضرت
حق تعالی خیر خود دران عمل بخواهد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُکَ بِعِلْمِكَ
وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ خَیْرَ هٰذَا الْعَمَلِ وَاَسْتَعِیْنُ
بِكَ مِنْ شَرِّهٖ یَا مُجِیْبُ یَا سَرِیْعُ یَا قَرِیْبُ و ایات محبت
نیز بخواند و در عمل ارد و در عمل محبت و حروف طالع طالب و مطلوب
که ان به بروج متعلقست استخراج کند و در توسط نهد وانکه امتزاج دهد بتقدیم
حروف طالع طالب و تاخیر حروف طالع مطلوب در یک سطر پس
حروف اسم طالب و مطلوب نیز در دو سطر نهد وانکه امتزاج دهد هم بران
قاعده تا تمام شود اگر برابر باشد فبها اما اگر حروف اسم طالب زیاده
باشد ان زیاده را بتقدیم حروف اسم مطلوب تمام کند و اگر حروف
اسم مطلوب زیاده باشد از حروف اسم طالب ان زیاده را بتقدیم
تمام کند چنانکه در مثال نموده گردد پس ان دو سطر ممتزج از طالعین و اسمین را

بایکدگر امتزاج دهد اما ابتداء بحروف طالعین کند اما بر این قاعده که حروف
سطر طالعین زیاده باشد ان زیاده را بتقدیم حروف اسمین تمام کند
و اگر حروف سطر اسمین زیاده باشد بتقدیم حروف طالعین تمام کند
چنانکه در مثال باز یابد انگاه این سطر متولد از همه سطور هم اسماء حسنی
بیرون ارد بر طرف راست بنویسد و هم اسماء ملائکه استخراج کند اما ان ملائکه
که در اسماء بروج و کواکب و حروف مذکورست و سطور و بر طرف چپ بنویسد
و این نیز در مثال نموده شود پس حروف این سطر اخرین را بشمارد که چندست
و بعدد هر حرف وی حریر پارهٔ سازد و بر هر فتیله یکبار این حروف معرب را
با اعراب میخواند و می دمد و ان فتیلها را بر وضع مذکور در چراغدان سپید
نهد و روغن گاو و عسل هم امیخته در وی کند و روی چراغدان سپید بطرف
خانهٔ مطلوب کند و خود برابر بنشیند و بعدد هر فتیله یکبار اسماء ملائکه
یا قسم اسماء حسنی بخواند برین وجه که بر مثال یاد کرده بدمد بدمد کرم و در اخر
هر خواندن ان سطر معرب را نیز میخواند و در اول عمل تا فراغ از عمل بخور
زهره و مشتری اندک اندک بر آتش می نهد و بدان ملایکه را بحروف دعوت
باید کرد و اگر در حروف سطر او حرف دعوی نباید وان ادمی است

واکر همه نیاید بانچه اید مثلا آ فلان ی فلان و فلان یا فلان وآ فلان
وای فلان واکر حروف دعوی در وی نیاید همچنان مجرد بکوید با خود
نظر کند از حروف اعادور وی حروف باشد ازان حرف تولد کند
چنانکه بدا فرا اسماء ملایکه امام در بابیت شود ازالف که لام وارد در تلفظ
اسم واز اعادا است بستاند و عمل کند والله اعلم امثله هریک اینست
که نموده میشود تامل نقصل تدبر تحل الکنون فرض کنیم که نام
(حاشیه: تامل کن — تا واصل شوی — تدبر کن — تا نیابد)
طالب داود است ونام مطلوب سلیمان بطالع طالب اسد وطالع
مطلوب جوزا حروف طالع طالب ه ط ح اسد حروف طالع مطلوب جوزا
ف ی ص اثر ز ح ش م ق ط ی ح ص سم طالب داود واسم مطلوب س ل ی م
ا ن امتزاج اسمین اینست س ا ل و ی د م د ا ا ن سطر متولد از هر دو سطره
و ق س ط ا ی ل ح و ص ی ه د ق م ط د ی ر ف ج ا ح ا م ر ن المستخرج هند
اسماء الحسنی اله واحد احد صمد قدوس هادی اسماء ملائکه لوما یل طا یل
مولا لا یل ورد ایل سطر متولد مذکور متصل معرب اینست هیل قسطیا
یلحو اصیهل قمطیل یا کاص ودر محبت شرایط اینست این سطر معرب را
برحریر سفید بزعفران وکلاب نویسد واز برای عداوت بسیاهی و چون

عدد حروف این سطر بیست وچهار است وقبیله بیست وچهار باید واین
کلمات باعراب نیز هوم هم بار باید خواندن بابن عبارت یا الو یا طائیل
یا مولا لا یل اسمعوا بحق الاله الاحد الواحد الصمد القدوس
الهادی ان تمزجوا محبتی علی سلیمان کما خرجت حروف اسمی بحروف
اسمه فاقلقوا قلبه وفواده بمحبتی بحق الاله الاحد الواحد
الصمد القدوس الهادی هد قسطا یلحو صیهد قمطد یا کاص
وبدان که بعضی ازین قوم حروف زهره با مشتری نیز بعد از حروف طالع می نویسند
هم زیان ندارد اکر صورت باشد که طالع طالب ومطلوب ندانند یا انکه
طالع معلوم نباشد باید که بجای آن دو حروف زهره یا حروف نهادن
چنان نیست وتصور کند که زهره طالب و مشتری مطلوب والله اعلم تمام شد
انواع تکسیرات از جهة محبت والفت فصل اما این عمل اکر از بهر عداوت
کند طریق همانست که یاد کرده شد الا انکه در محبت ازان دو سطر حاصل
از طالعین واسمین یک حرف از اول طالعین میکرفتیم و دیکر حرف از اول
سطر اسمین تا تمام میشود و درین صورت که عداوتست و فرقت مقلوب
باید کرفت یعنی عکس آن که ابتداء از آخر کند و تمام کند و در محبت ملایکه را

بحروف وعدی بخوانیدیم در عداوت بحروف راده بخوانیم که آن سه حرفست
م ل ک ه و در محبت سطر معرب را بر حریر زرد یا سفید می نوشتیم در عداوت بر پاره
کرباس پاره از کفن میت با جامه یهودی باید نوشت و در محبت
روغن وعسل بر چراغدان سیمین می ریختیم در عداوت نفط یا بزر و یا زه مرد
روی حل کرده بسرکه باید که اینها را در چراغدان آهنین تعبیه کند و هر جا در محبت
حروف زهره و مشتری می آورد در عداوت حروف زحل و مریخ در آورد
دباقی عمل همانست بعینه بازیاده و نقصان واز جهة اسامی اسمین مثال
مذکور را در عداوت اعادت کنیم ویران قیاس باید کرد در هر اسمی که خواهد
طالع طالب اسد ه ط ح طالع مطلوب جوزا اسم طالب داود واسم
(حاشیه: ف ا ر ی)
مطلوب سلیمان سطر امتزاج مقلوب طالعین ح ص ط ی ه ق سطر امتزاج
مقلوب اسمین د ن و ا م و ی د ل و س سطر متولد از سطرین قسهو یلطلد
صیحد حمقعا یا طوصحد خطاب با ملایکه درین صورت چنین باید کرد
مه لوماطاسل یا نه لوماطا یل یا ضوح م لوماطا یل
ه مولا لاه اسمعوا بحق الاله الاحد الواحد الصمد القدوس
الهادی ان یلقوا بین فلان ابن فلان و فلانه بنت فلانه علاوة

ونقصا شدیدا وتفرقة وفرقة بینهما وبین قلوبهما بعد المشرقین
بحق الاله الاحد الواحد الصمد القدوس الهادی قسهو یلطلد صیحد
حمقعا یا طوصحد بخواند وبعد از عقب این سطر معرب را نیز بخواند و پشت
چراغ بسوی خانه آنکس کند که میخواهد خود نیز پشت بران طرف دهد و بنشیند
که تفرقه و دوری میان ایشان واقع شود بقدرت خدای تعالی فصل
در فواید حروف وخاصیت آن بدانکه حرف پانزده است از حروف تهجی که
از احروف ناطقه خوانند ب ت ث ح خ ذ ز ش ض ط غ ف ق
ن ی واز این حروف پنج اسم ترکیب کرده اند واز اسماء النواطق خوانند
اینست بثت خذن زشص ظغف قنی اکر این اسماء پنجکانه را در روز
یکشنبه وقت طلوع شمس بمشک و زعفران وکلاب بر کاغذ نویسد و زیر سر نا
یی نهد چنانکه او نداند و بر بالین آن نایم این کلمات را آهسته هفت بار
بخواند یا مکلم یا شخا یا مجد و یا مستحرام با آن یا الد و یا لا
به وصابة وصایة وهابة تکلم بقدرت حق تعالی آن نایم در سخن
آید در خواب وانچه در ضمیر وی باشد بزبان بکوید و باید که در عقب
این کلمات آن اسماء نواطق نیز سه بار بخواند متصل همه را بهم فصل

بدانکه ازین حروف تهجی چهارده حرفست که ازان حروف صوامت خوانند
اینست ا ح د س ص ط ع ل ر و ه لا وازین چهار اسم ترکیب کرده اند
وازا اسماء صوامت خوانند اینست احل دسص طعکل مرهلا و این
اسما را روز نوزدهم ماه از ماهای که باشد یا روزی که کسوف شاه باشد
ویا درشبی که خسوف قمر باشد بر صحیفه از سرب نقش کند و در زیر نگین انگشتری
نهد عقد اللسان باشد بهر همه نماز و غماز و تمام از انس و جن که در حضور او
وی آن مجلس بدی نگویند و بقدرت باری تعالی و ازین حروف هست و نه کانه
هشت حرفست که از احروف التوأیم خوانند اینست ا د ذ ر ز و لا
اگر این حروف را بر دیوار قبلی خانه یا در اندرون خزینه در صندوق نویسد
و در روز چهاردهم ماه هر باشد از دزد و سوش و آتش هر چیز را که دران
خانه و دران خزینه و صندوق باشد وقتی که آفتاب در اسد باشد
و با خود دارد از همه رنجها و بلدها ایمن باشد اما همه وقت با خود ندارد
که این حروف را منفصلات نیز خوانند یعنی که حروف را از یکدیگر
فصل و فرقت دهند لاجرم در مردم نیز خواص و تاثیر انست در فصل
و فرقت فصل بدانکه این حروف هیده حرفست که از احروف متصل
خوانند

خوانند اینست ب ت ث ج ح خ د د ز ذ س ش ص ض ط ظ ع غ
این حروف را بمشک و زعفران با شیر زنند که اول بیر زاده باشد بر کاغذ نویسد
و در گلاب نهد هر کس که او را چند دوست دارد بقدرت حق تعالی فصل
بدانکه حروف برج حمل و اسد و قوس که اصول آن اعطهحفس است و خاصیت
عجب دارد و از اسرار الضالین خوانند یکی انکه عرضه داشت حاجتی و مهمی که
بکلی از ملوک برند و خواهند که آن حاجت برآید و کفایت شود و سخن قبول
افتد این حروف را بر قلمی چند نویسد وقتی که قمر در حمل یا اسد یا قوس باشد
و نگاه دارد چون وقت حاجت شود بدان قلم نویسد آن عرضه داشت را
آن حاجت برآید و آن سخن قبول کرده و دیگر انکه والعیاذ بالله آتش در شهر
افتد یا در محله یا در خانه و او این حروف بر چوب پاره نویسد بقاعده
که مذکور شد و آن پاره چوب را بگرد و نام ملایک حمل و اسد و قوس بخواند
در حال بقدرت حق تعالی آن آتش مرده شود و آن موضع بگرد فصل
چون خواهی که از طرفی یا از کاری خبری بتو رسد که دل تو بدان طرف و بدان
کار نگران باشد و میان تو و آن موضع مسافتی دور باشد اصول حروف
جوزا و میزان و دلو که آن قیضعظکص است و بر برگ ریحان نویسد و بر کف

دست راست خود نهد و بر جای بلند برآید و روی سوی آن طرف کند و نام
ملایکه این سه برج بخوانند و از ایشان طلب کند که هر چیز و هر کاری که دران
جهت باشد بتو رسانند و بسیار بوده است که در خواب بوی آن خبر گفته اند
فصل فواید الجامعه هر که بعملی از اعمال حروف مشغول گردد باید که روزی که
روزه بگیرد و اگر بروی دشوار بود یک شبانه روز حیوانات نخورد و پیاز و سیر نخورد
و غیبت و دروغ مشغول نگردد و با طهارت و نظافت و تسبیح و ذکر مشغول
گردد تا اندک مناسبتی ویرا با روحانیات حاصل آید و الا ملایکه و ارواح
طیبه از وی متنفر گردند و سعی عبث گردد و اما پیش از آن که بعمل تکسیر مشغول
گردد باید که در ساعت سعد نام خود و نام مطلوب و نام آن کار که پیش دارد
از محبت و عداوت وغیره بنویسد در یک سطر و یکبار تکسیر کند تا ممزوج شود
و اعداد این حروف ببیند که چند است بر پشت آن کاغذ که سطر برانجا نوشته است
در مربع ثبت کند و شکل تعویذی با خود دارد و انکه بتکسیر اسم طالب و
مطلوب شروع کند که این عمل را خاصیت و فیق سعادت و نجاح و برآمدن
حاجت مداد است و کاملان این فن این عمل را باعتقاد تمام کرده اند
و چون از تکسیر فارغ شد نظر کند بجمیع حروف که از تکسیر حاصل شده است

اگر دراو

و اگر در وی حروف ناره مفرده یا مرکب غالب باشد کار مراد و مقصود
زود حاصل شود و اگر حروف بارد غالب باشد کار بر ضد آن باشد
و اگر حروف یابسه غالب باشد رنج و زحمت آید و اگر حروف رطبه غالب
باشد آن مهم بگشاید و دل و طیب خاطر و آسانی حاصل گردد و اگر هم حروف
یابسه و هم حروف بارده بسیار جمع شده باشد طمع از برآمدن آن کار باید
برید اما بکل نه که این نیز در مشیت حضرت حق است و گفته شد که عمل کننده
باید که رعایت وقت این عمل بکند که نظر بقمر کند که در بروج ناری و هوای
باشد مشغول گردد تا اگر در حروف زیجه رطوبت و برودت تقصیری
باشد از آن بروج توفیری کرده شود و الا تعب باطل کشیده باشد
و بذات واجب الوجود جل جلاله که در عمل این عمل هیچ بخلی و غلطی درین
مختصر نرفته است جز از سر محبت لله فی الله گفته شد و الا رعایت شرایط
باید و نیت جزم و یقین درست در عمل و خاطر جمع تا چون بعمل مشغول گردد
موثر باشد انشاء الله تعالی ناری ا ع ط ح ف ش هوایی ق
ی ع ظ ... ل ص ... مایی ... ل ... ر ث مقدم
و موخر ... ترابی ... ت ... تمت الرساله بعون الله تعالی

قال الامام الحسین ابن علی الابی المومنین علی علیه السلم العلم الذی
دعا علیه المصطفی هو علم الحروف وعلم الحروف فی لام الف
وعلم لام الف فی الالف وعلم الالف فی النقطة وعلم النقطة
فی المعرفة الاصلیة وعلم المعرفة الاصلیة فی علم الازل وعلم
الازل فی المشیة ای العلوم وعلم المشیة فی غیب الهویة
وهو الذی دعا الیه بنته حروف فاتحه ال د ک ه ی ع ص
ط س ح م ق ن م حروف معجم ب ج د ی ن ف ض ق ت ث
خ ذ ظ غ ش حروف الباب وهی العلویة المتلوة ا د ه و ح
ط ک ل م ص ع ر س الاعداد المتقاربة وهی من المتفرقات
ب ج و ل ی م س ش ق ع غ ص ض ه حروف القایمات ا د ل
ط د ح ق ط ل و ث حروف المبسوطة ص ض ط ظ ق ف د ز ت
ث ل ا ی بسم الله الرحمن الرحیم فرموده است شیخ علامه ابو حامد
محمد بن محمد بن محمد طوسی غزالی بعد از حمد خدا و صلوات بر محمد مصطفی
وال و عترت چنین بیان کرد که اقلام ثلثه که دخل بفعل یا و حروف
عرییت اینست ای د س ب ک ح ل س و ث ه ن ث د ص

ح د ع ل ح ف ط ن ط ط ع نگهدار این حروف را بدان که سری کون و فساد
و خاصه تولد و پیدا شدن اشیا اشراک کلی دارند چنانکه مخفی نیست برکسی که
نظر کند درین کتاب پس بفهم اشارتها که اینست و ازین دانستن آن بر دو
از جمله اینها حرفها را مبهم چنداست که حق سبحانه و تعالی ذکر کرده است در اوایل
سورهای قرآن و مینداند حقیقت و مراد ازین حروف که در اوایل سورها است
مگر نبی مرسل و بدانکه باین حروف رفع میکند علتهای بزرگ که در انسان
میباشد مثل زحمت استسقاء و داء الارنب و داء الفیل و این هر دو رنج
طان است با داء الثعلب و مثل نقرس و علة جذام و برص مانند آن
علتها را رفع میکند و این چهارده حرف است ال م ص ر ک ه ی ع ط ح
س ق ط و از نهاست حروف چند که در اسافله میگویند و بیان خواهد شد
و بعضی این خاصیت را مخصوص ساخته اند بسبع المثانی که سوره فاتحه است و ما بخیال
بنیادنیم در رای اهل این صنعت بفهم اشارت ما را و بدان که ازبرای این چهارده
حرف قرآنی افعال غریبه است در رویدن نباتات و در اختلاف طبیعتها
کانها و بادها پس بدان که اختلاف مذکور در نهاست آتش خاک هوا آب که
موجب انهار است و آتش که موجب گرمی بدنهاست و درین چهار عنصر ادواها

عجب است و در اینها زیادتی انهار و نباتات و غلات است و اینها سر همه فواید اند
فصل حق تعالی نظر کرده است به این حروف و فرموده است المص و قسم
یاد کرده است باین از جهة قوت تاثیری که دارد هر کس یاد کند این حروف را
در شب ایمن گردد از شر حشرات از مار و کژدم و غیر ذلک و هر کس بنویسد
در روز یکشنبه در وقت طلوع آفتاب در لوح زر طلا نویسد و با خود بردارد
محفوظ گردد از شر دشمنها و مکروهی به او نرسد و هر کس در روز یکشنبه بنویسد
بر ورق آهو با شیر زنی که پسر را شیر دهد و با زعفران و شنجرف و بردارد
او را و در سر خود نگهدارد هر کس او را ببیند دوست دارد فصل
و از جمله اینهاست ترابیات که خاک است و دیگر آب و آتش و هوا و اینها را
این حروف است د ث و ی و مرتبه اینها کمتر از مرتبه اولی است در فعل
و هم تاثیر اما اینها را در طب ابدان افعال غریبه است و اینها دوست از برای
کسی که او را سگ دیوانه گزیده باشد باین چهار طبیعت حروف را قطعها
جو که برشته باشد در زرد و سبوس آن گرفته باشند سه روز بناشتا پس البته
شفا گردد از آن درد فایده دیگر این حروف هر کس که طلب کاری کند
و آن کار با او روی نماید وصله مفرق برگیرد که سه طرف داشته باشد و بنویسد

بوپیاز

بر وان حروف را بران بناشتا و در دست خود ببندد پس بهر چه توجه کند
حاجتش برآید و دشوار نگردد بد و هیچ کاری فصل هر کس بنویسد این حروف را
بر ورقی لطیفی و بر سر خود نگهدارد تمام دشمنان او پست گردند و مطیع او شوند
و نه بیند از و دشمنان مگر خیر باذن خدای تعالی فصل بعد از آن خاک بعد از آن
آب بعد از آن خاک بعد از آن و حروف اینها ع ق ح س است و این
چهار حرف را فعل و تاثیر بسیار است یکی آنکه هر کس حرارت جگر داشته باشد
بنویسد این حروف را بر وصله از حریر ازرق و با خود نگهدارد آن علت از او
برطرف گردد و دیگر هر زنی را که دشوار خواهند و بختش بسته باشد این حروف را
بر لوح نقره در صباح روز جمعه از سر بیاویزد در ساعت بختش گشاده شود و همه کس او را
خواستاری نمایند فصل فایده دیگر این حروف را آنست که زنی را خون
نفاس و جفت بسختی و دشواری برون آید بنویسد بر وصله کرباس خام که نشسته
باشد و بیاویزد آن زن بر جانب جیب خود بسلامت خلاص شود باذن
خدای تعالی فصل بعد از آن باقیست ازین حروف دو حرف که ق
ط است و این دو حرف را اثر تمام است در برطرف شدن درد سر هر کس
بنویسد و اینها را در پوست بیاویزد از سر بیاویزد زایل شود درد سر از او باذن

خدای تعالی واین دو حرف که خاصیت آب آتش دارد چون بنهی در نگین
از طلا و در شب عقیق که بغایت سرخ باشد بکند زری چشم بد بدو کارگر
نباشد و هرکه این حروف را نقش کند بر صفحه از نقره در روز پنجشنبه و بنهد بر جای
برص که نو پیدا گرده باشد آن برص ازو زایل شود باذن خدای تعالی و هرگاه که این
حروف نقش کنند بر لوح از طلا در شرف آفتاب بر سر آنکسی که جذام داشته
باشد بیاویزد خلاص گردد و این سرالهیست و هرگاه که این حروف بنویسد
بر ورق لسان الحمل و بسایند و ببندند بر کسی که زحمت داء الارنب داشته
باشد در حال صحت یابد و هرکس بنویسد این حروف را بر خاتم نقره و قمر
خوش حال و در تزاید باشد و در انگشت کند و دست بر سینه هرکس که بزند
و سوال کند از ضمیر او خبر دهد او را از مافی ضمیرش و هرگاه بنویسد این حروف را
بر ورق آهو بمشک و زعفران و کافور و با خود دارد و نزد هرکس که ازو ترسد
رود ازو ایمن گردد اگرچه در بند قتل او بوده باشد و این حروف را ملکوتیات
گویند و کیفیات اینها مانند اند مگر بنی مرسل فصل بعضی ازین حروف را
حروف سواخل میگویند و در رتبه کمترند از اولی و اینست ب ت ث
خ ذ ض ظ غ ف ش و ه وچون باین حروف داخل شود حرفی از حرفها

او را قوی شود فعلش و محکم گردد تاثیرش و ازین طریقت آب آتش خاک جمله
اینها همین چهار حرفست ب ت ث ح این عنصر قویست و برودت اگر کسی را
تب دایمی باشد بنویسند بر ورق کاسنی و بگوز کنند باین حروف و لعاب کاسنی
آن تب برطرف شود و اگر بنویسند بر کاغذی و بنهند بر سر شخصی که حمی داشته
باشد زایل شود و اگر بنویسد و بر کیسه نو نهند و در مخزن قماش گذارد در آن
قماش کرم و موریانه نیافتد و از جمله اینهاست خاک و آتش و آب جمله اینها چهار
حرفست که اینست خ د ذ اینها خاصی اند به بیرون آوردن زندانیان
و اگر کسی خواهد که زندانیان را بیرون آرد بنویسد این حروف را در ظرفی پاک
که در و خاک آن زندان اندکی اندخته باشند و بشوید آن حروف را
آن آب را متفرق سازد در درهای آن شهر و زندان و بگوید نزد متفرق
ساختن یا ملکة ربنا کما خرج هذا التراب من السجن کذالک یخرج فلان بن
فلان و نام هرکس که خواهد برد فصل و از جمله است حروف روح
اینست ر د و د ح ح ح ح و چون این حروف را در پاره پیراهن بنویسند
و در گردن طفلی که گریه بسیار کند و اضطراب داشته باشد ببندد آرام
گیرد و تکرار کردن حرف را و حرف حا درین عمل جهت غلبه و مناسبت

زندانیان

ا م

فصل و از جمله اینهاست حروف حیات و اینست ب ب ب ب د د د
ه ه ه هرکه شکایت کند از حوادث نفس و سودا و فکر بنویسد این حروف در
طشت پاک و محو کند و بشوید باب پاک و نظر کند بران بناشتا پس رفع گردد
و آن علت ازو باذن خدا و ازین جمله است حروف موت که اینست
ا ت ح ث ت ت و چون کسی را وجعی باشد این حروف را بر رداء
او نویسد خوش شود و حروف مذکور و سرد و خشک است و چون بنویسند این
حروف را در طوق ازرق و در زیبق اندازند و در طاق بیاویزند دعوت
ملائکه موت را پس حاضر شوند ایشان و خبر میدهند از مرض مصروع و سبب آن
موجب نجات مصروع گردد فصل و از جمله اینهاست حروف نور
که اینست ح ح ح ل ل ل م م م اینها را حروف نور از انجهة میگویند
که در اینها برودت و یبوست و حرارت هست هرکس که بنویسد این حروف
را بر لوح از طلای خالص و با خود دارد از جمیع امراض و علل محفوظ گردد و نیز هرکه
این را بنویسد در آینه هندی از برای آنکس که لقوه داشته باشد تا در آن
نگه کند آن علت ازو زایل گردد دیگر چون حروف نوریه الهیه را بنویسد
بر ورق از برای کسی که اسهال دارد و پس بالیستد آن زحمت باذن خدا فصل

و از جمله است حروف ظلمت که اینست ص ص ص ع ع ع ن ن ن و در اینها
طبیعت برودت رطوبت و برودت یبوست و حرارت و رطوبت و
چشم هرکه تاریکی کند این حروف را بنویسد باب کبر و بنوشد آن علت زایل
گردد ان شاء الله و از جمله اینها حروف حرکتست که اینست ق ق ق ذ ذ ذ ق ق ق
در اینها دو طبیعتست که متفق اند که آن برودتست و رطوبت و حرارتست و دیگر
هرکس این را بنویسد در ورق و بر هر دو ران به بندد هرچند راه رود سستی نکند
زیرا که در اینها زیادتی برودتست و حق سبحانه و تعالی هر بار دو رطبی را سببی حیات
داشته است و هر بار دیابسی سبب موت فصل حرفهای سکون اینست ی
ی ی ص ص ص ج ج ج و این را تاثیری تمامست در طلب رزق و طبیعت
این حروف حار رطب و بارد رطبست و هرکس که بنویسد این را در قطعه از
نقره روز پنجشنبه و با خود دارد و بخسبد با آن او را رزق بسیار میسر گردد و از
محلی که بیش نداند هرکسی را که متاعش کساد باشد و خریدار نداشته باشد بنویسد
این حروف را بر در دکان خود بشرط آنکه ننگارند در و حرف الف را زیرا که الف
حرفیست سکون و وقف است بعد از آن مردم روی بدکان او نهند و بعد از آن
کساد نه بینند فصل و از جمله است حروف نفس که اینست ح ح ح ح ح ح

بر قطعه نقره

ت ث ث ث ا ا ا ا ا ب ب ب ب ح ح د د د

هرکه غم و اندوه و فکر و خجلت و ترس غلبه کند بنویسد این حروف را بمداد سرخ
بر ورق پاک و با خود دارد این صفات از و زایل گردد و چون بنویسد این حروف
در ورق پاک و شخصی که او را دردی باشد یا تبی یا بردی این حروف با خود دارد
ازین علتها بری گردد و چون نقش کند این حروف را در خاتم از سرب و در دست
کند با آنکس زند که و سوزش در بدنش فصل و ازینجمله است حروف متواقعات
و این هشت نوع حرف است ج ج خ د د د س س ص ص ط ط ع هرکس
این حروف را بنویسد بمشک و زعفران و گلاب و بر سر به بندد پس حامل این هرکه
را بیند دوست دارد او را بغایت و حامل این دقاهر بر جمیع اعدای خود گردد
و این علم شریفست که از تالیف ادریس نبی است علی نبینا و علیه السلام فصل
و ازجمله حروف منطقه که اینست ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف
ق ن ي طبیعت حرف الف که بااست حار رطب است و طبیعت تا که حرف دوم
است بارد و رطب است پس مرکب گردد ازین دو حرف لفظ بت این کلمه سریانی
قدیمیست معنیش یا قدیم که اسم کریمی است از اسماء الله الحسنی و چون این کلمه را
در انگشت کوچک که او را خنصر میگویند به بندد و به آنکس اصلا بدی و مکروهی نرسد

و ازین حروف حیست که بارد و رطب است و دیگر فاست که بارد و یابس است
دیگر حروف ذال است که حار یابس است و درست میشود ازین سه حرف اسم مجد
و معنیش بزبان عبری یا حق است که اسم کریم ذات حق است هرکس که حروف این
اسم را در روز جمعه در دایره نویسد که آن دایره مثمن باشد برین صورت در خاتم
نقره کشد و با خود دارد جمیع زبان او را دوست دارند و او را نزد خلایق مقبول است
حاصل شود و خاتم و دایره اینست

ویضع فیها اصحاب
الطبایع دهم کلکما سل
مهما سل انفراطیل اصبایما سل
و بوصل بر وجوع الارواح و بلب
العقول

ح د ح
د ح ح
ح ح د
غ ح ح

فصل و از جمله این حروف ر ش ص است که طبیعتشان بارد و رطب و بارد
یابس و حار رطب است خاصیت این حروف خونست از هر رگ که آید چون این
حروف را بنویسند و با خود دارند از هر عضوی که خون آید به بندد و ازجمله

این حروف سه حرف دیگر است که منفیق مرکب از آنست طبیعت آن بارد رطب و حار یابس است
و معنی این غنی است که اسم کریم خداست هرکس بنویسد این را در مایده و ظرف طعام هر
طعامی که در آنجا بکنند برکت عظیم پیدا کند و ازجمله این حروف سه حرف دیگر که ق ر ی است
و طبیعت آن بارد و رطب و حار یابس و حار رطب است و معنی این کفیلست و این هم اسمیت
از اسماء عز و جل هرکس بنویسد این را در آینه حمام نظر کند در آن آنکس را در آن سال
رمد و درد چشم پیدا نشود و هرکس بفهمد معنی این حروف را فهم کرده است تمامی لغات
را و خلایق در عهد یوسف علی نبینا و علیه السلام تکلم میکردند بهفتصد و هشتاد
و چهار لغت و این حروف شریک بود در میان آن همه لغات و هرکس این حروف را
بنویسد بمشک و زعفران و گلاب در ورق پاک روز یکشنبه نزد طلوع آفتاب و در زیر
سر شخصی نهند که خوابیده باشد و بر وی بخوانند اسم حق آن خوابیده سخن کند بهرچه در
ضمیر آنکس است فصل و ازین جمله است حروف غیر منطقه و او را می نامند حروف
صامته و آن اینست ا ح د ر س ص ط ع ك ل م و ه لا و اینها را حروف
اختیارات هم میگویند و ازین حروف اسم عربی پیدا میشود که احد است و هرکس
بنویسد در صباح روز چهارشنبه در ورق برغاله بخون کلاغ و با خود دارد اگرچه
واجب القتل باشد که خلاص گردد و اسمی دیگر پیدا میشود بزبان عربی که دسلوا است

و معنی این بعربی قیوم است هرگاه بنویسند این اسم را بر پیشانی کسی که صرع داشته
باشد خلاص گردد و طبیعت این حروف بارد و رطب و حار یابس و بارد و رطب است
و اسم دیگر پیدا میشود چهار حرف که اینست ط ع ك ل که اسم کریم است معنیش قدوس
است و طبیعت آن حار و یابس و بارد و رطب است هرکس بنویسد این حروف را در
آینه و نگاه دارد در دست خود هر حاجتی که دارد برآید و دیگر ازینها چهار حرف دیگر پیدا
میشود که اینست م و ه لا و این کلام قبطی است معنی این بعبری مقدس است و این
اسم اعظم حضرت حق است و این حروف اشارتست باتش و هوا و آتش و خاک
و چون بنویسند این حروف را بر پوست قوچ و در زیر زمین دفن کنند بگریزد
از آن مکان مارها و عقربها و غیر ذلک و چون نویسند این حروف را در صفحه
از سرب در خسوف قمر یا کسوف شمس نهند و در زیر نگین خاتم بسته شود زبان
جمیع اعدا ازو تا آنکه هیچ احدی نام او را به بدی نتواند برد نه در غیبت نه در
حضور و درین حروف چهار اسم صاحب است چنانکه معلوم کردی و صاحب عدد
ذکر کرده که ازجمله فواید این اسما آنست که برطرف میکنند وجع را و حمی را
و برودت را و نقرس را و استسقا را و طحال را و مرضهای شند و سخت را و صرع
جن را و دیگر فایده‌اش آنست که ملوک را خادم سازند و نفوس اکبر دانند و ایمن

شدن از شر ظالمان جبار و روانه کردن ترس بر مردم و ایمن شدن از ترس
زندان و هلاک هر کسی که خواهی و حاضر گردانیدن غایب و رفع کردن تشنگی و
فنا کردن هر کسی که خواهی از دشمنان و بستن شهوتها و محبت دایمی و برطرف کردن
دشمنی و پنهان داشتن عیبها و دور کردن درندها بدانکه این حرفها که مذکور میگردد
حق سبحانه و تعالی در این اسرار چند نهاده است ظاهر میشود و هر کسی که سلوک کند
طریق عدد را و عالم باشد بدان اینست ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک
ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ حق تعالی جل و علا قدرت
خود را درین عدد نهاده است که نمی دانند از امکر خدا یا راسخان در علم و از جمله این
حروف حرف الف است که او حرف بزرگ است در رفع وجع او را فضل تمام است
چون بنویسی بر کاردی و او را بر وجع بگذارد بصحت انجامد زیرا که اول اسم کریم
حق است فصل از جمله حرف با است و آن حرف کریم است که در اول بسم
واقع است طبیعت او حار رطب معتدل است هرگاه بنویسی بدین طریق ب ب در رقعه
از کاغذ و بخور کنی با آن بر صاحب حمی زایل گردد ازو در حال و ازین حروف حرف
ج است بدین طریق ج ج ج چون یکی را در ان دیگر بزند نه میشود و از اینجا
پیدا میشود ط و ازین حروف تصور میتوان کردن خاتمی که او را طا میگویند

دارزا هشتاد و سه تعریف کرده اند و چون این جیم را بنویسی سه نوبت بر آهن
شیر و بخور کنی با آن از برای صاحب برودت خوش میشود در حال فصل
وازین حروف خاصیت حرف دال است و عدد او چهار است در وضع و صورتش
این است د پس این چهار را چون بنویسی این را بر کسی که
وجع سر داشته باشد د د خوش میشود پس چون تصور کنی ازو عددی
که حاصل شود ازو خاتم مربعی و از آن خاتم کریم میگویند فواید بسیار دارد و مجربات است
که هر کسی بنا کند مربعی را در طول و عرض در ساعت مشتری سازد و هر که داخل شود در آنجا
با او وجع و اندکی نرسد و این مربع را فایده بسیار است در رفع وجع خصوصا
کسی را که رزقش کم باشد اما حروف ها و عدد و صورتش

٥	کامله	٥٨
٥	٥	٥

اینست هر کس بنویسد صورت این را در ظرفی از
آهن و محو کند بروغن بان و تدهین کند بدان صاحب استسقا را تا به روز بگذرد
یا بدان شاء الله تعالی و درین نیز خاتم مخمس است که در ان عجایب بسیار است از جمله
فایده اش آنست که خون بسیار کرده و غلبه کند بر اعدا و بشکند لشکرها اما حرف
واو و صورتش اینست
هر کس بنویسد صورت این را در صفحهٔ
از سرب و دفن کند در جای آنجا ملخ نرود و ازین خاتم

و	و	و	و	و	و

بیند هر سازند که موجب غلبه بودست بر دشمنان و نازل شدن
برکت و زیادتی مال و جاه اما حرف را و صورتش اینست و این
حروف را چون نقش کنند بر شمع و او را بنهد برابر خود هر چه برابر او جاید بسوزد و
مضرتش باو نرسد و نزد اینجا خاتمی میسازند مسبع از برای مهربانی و قبولیت خصوصا
از برای زنان فایده دارد اما حروف ها و شکلش
اینست و چون نقش
کنی این را بدین شکل
بر قارورهٔ و در آنجا جن باشد
با شیطان و هرگز از ان

حح	قدوس	حح
	قدوس	
حح	قدوس	حح

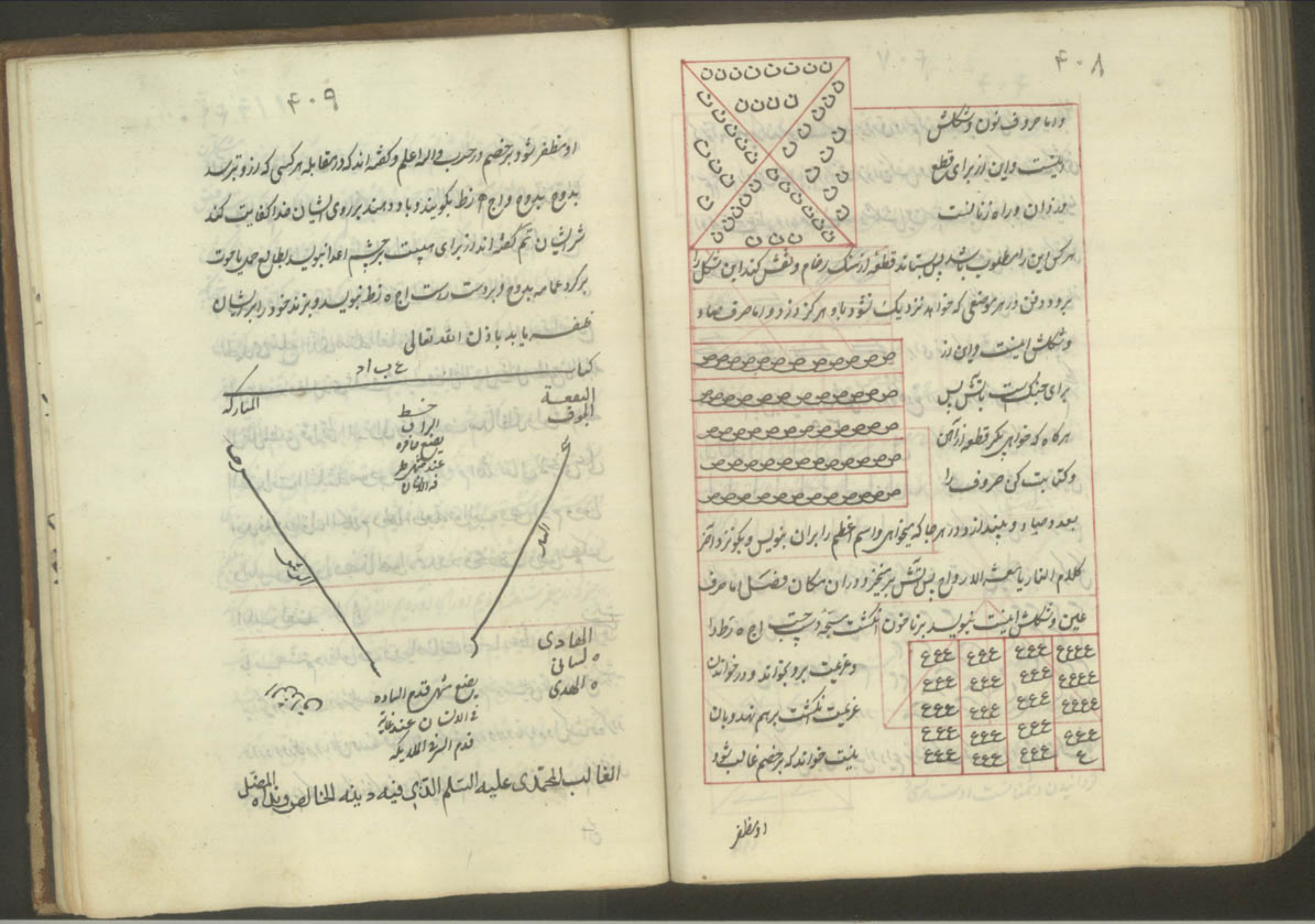
زندان بدر نرود و چون بر پیشانی مصروع نهی صرعش برطرف شود و چون در بیتی
ببندد از زندان مصیبت برطرف شود اما حروف طا و شکلش این است و این از
فصل
برای ساختن پادشاهانست محبت و خاتم هر کسی که آن را
و خاتم را و نقش کند این شکل را در ان
بتحقیق همه ملوک جن نزد او آیند و حکم
کنند از برای او هر چه خواهد و هر که

ططاهرط
ط
ط ط
طیب
ط ط
طط

را خواهند در زندان کند از برای او
و اما حروف یا و شکل او اینست این از برای
گردانیدن دشمنانست دوست هر کسی را

ے ے	ے
ے	ے
ے	ے
ے ے	ے

که خواهد تصویر کند صورت آن کس را بر ورق و اسم کند در آنجا این شکل را و بنویسد این
اسم آنکس را و این شکل با خود داشته نزد آن کس رود منقلب میشود کدورت و دشمنی
او بمحبت عظیم و اما حرف ک و شکلش این است و این را از برای گردانیدن
نبات است از طبیعتی بطبیعتی دیگر فصل
و اما حرف لام و شکلش اینست و این از
برای نزدیک شدن است به پادشاهان ظالم پس بنویسد این شکل را بزهرهٔ کلاغ در رق و داخل شود نزد علم از ملکی
۳۵
که خواهد بدرستی که بهیبت
میشود و در چشم او ذلیل
میگردد آنکس و اما حرف م
و شکلش اینست و این از برای آنست که خوف و ترس چند از زند مر هر کسی
خواهند پس بنویسد این شکل را
در رقعهٔ سرخ و با این حرف رسم
کند اسم آنکس را می ترساند و دود
کند از برای آنکس در جای او پس او دایم ترسناک گردد و دایم ترسناک باشد



۴۰۸

واما حروف نون وشکلش اینست واین از برای قطع دزدان وراه زنانست

هرکس این را مطلوب باشد پس بستاند قطعهٔ از سنگ رخام ونقش کند این شکل را برود ودفن در هر موضعی که خواهد نزدیک نشود باو هرگز دزد واما حرف صاد وشکلش اینست واین از برای جنگست باتش پس هرگاه که خواهی بگیر قطعهٔ از آهن وکتابت کن حروف را بعد وصیاد وببند از دو در هر جا که میخواهی واسم اعظم را بران بنویس وبگو نزد آخر کلام النار یا محیی الارواح پس آتش برخیزد دران مکان وفصل اما حرف عین وشکلش اینست بنویسد بر ناخون انگشت سبابهٔ دست چپ اج ه زط دا وعزیمت برو بخواند ودر خواندن عزیمت انگشت برهم نهد وبان نیت خواند که بر خصم غالب شود

او مظفر

۴۰۹

او مظفر شود بر خصم در حرب والله اعلم وگفته اند که در مقابله هرکسی که از او بترسد بدوح بدوح واج ه زط بگویند وباد دهند بر روی ایشان خدا کفایت کند شر ایشان تم گفته اند از برای هیبت بر چشم اعدا بنویسد الطالع حمل یا حوت برگرد عمامه بدوح وبر دست راست اج ه زط بنویسد وبزند خود را بر ایشان ظفر یابد باذن الله تعالی

الغالب المحمدی علیه السلم الذی فیه دینه الخالص وندا المضل

۴۱۰

الذی هو یغلب عن الدنیا والاخرة وهو طلسم الاکبر کما قیل فی
تفسیر العلم هو الطلسم الاکبر ومن هذا الطلسم صورة الموازنة لحا
لق الموجودة فاذا انتخت اسماعها علی وجه الکمال دخل فیها روح
الولایة والصدیقة والامامة والخلافة وهی القالب العقل
المحمدی ضلع الذی منه العلوم والمعارف ولها اربعة اضلاع
ظل ممدود وظل ذی ثلث شعب وظل ظلیل وظل مطلق فالمشبه
الی ظل المطلق قوله تعالی الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء الله
المقدرات الثلثه موجودة فی کلام الله تعالی لا یخفی علی
اصل فلا ویطول الکلام ولها اربعة قوالب وهی ادم وحوا
وابلیس والهوا وهذا الهواء ممدود ومخفف وهو اسم عکس
ابلیس لعنه الله

باب هشتم در خلوات وریاضات واسماء عظام وغیرهما وتسخیرات

بدانکه در خلوت ده شرطست اول طهارت دوم خلوت یعنی تمام حواس خود را بسته
دارد ودر ظاهر وباطن ودر نما سوی الله پوشیده دارد تا راه دل گشاده گردد
سیم دوام سکوت مگر از ذکر خدای تعالی چهارم دوام روزه پنجم دوام ذکر که افضل

ان

۴۱۱

آن لا اله الا الله است ششم تسلیم که از رضا توکل حاصل آید هفتم نفی خواطر واین مشکل‌ترین
کارهاست بر طالب هشتم آنکه اول خود را با شیخ خود مربوط گرداند که اوست رفیق
طریق نهم ترک خواب مگر وقتی که ضرورت باشد که اگر خواب نکند در ذکر گفتن
خاطر پریشان گردد آن زمان لازم است خواب کردن دهم کم خوردن طعام چنانچه
سیر نشود وبسیار گرسنه نباشد وبجز الا سوراو سطها عمل نماید شیخ ابو سعید گفت در
ابتداء کارها سجده بر خود واجب کردیم روزه بر دوام واز لقمهٔ حرام پرهیز
کردیم وذکر بر دوام گفتیم شب بیدار بودیم وپهلو بر زمین ننهادیم ورو بقبله
نشستیم ودر هیچ امرد نگاه نکردیم ودر هیچ محرمات ننگریستیم وهیچ گدای نکردیم
وپیوسته در مسجد نشستیم وهیچ در بازارها نرفتیم وهر شبانه روزی ختمی کردیم وبینای
خود کور بودیم ودر شنوای خود کر ودر گویای خود گنگ بودیم یکسال با کس سخن نگفتیم
هر چند که از پیغمبر شنفته بودیم او را بجا آوردیم آن نوع که طاعت فرشتگان میکردند
آن نوع نیز طاعتها میکردیم اما طریقهٔ خلوت آنست که سه روز بنشانند شب
سه شنبه بنشیند وصباح جمعه بیرون آید می باید که خلوت بغایت تاریک باشد
چنانچه هیچ سوراخ وروشنایی نباشد ودر وقت هر نمازی چراغ در آرند
وبوی خوش ودر وضو ساختن خود را از هوای سرد نگاه دارد پس جای پوشیده

باید و باب گرم وضو کند و حد ذکر خلوت اینست که تا در عرق آید و تمام مانده و سست
شود و بعد از ذکر فکر و بعد هر فکری ذکری و در وقت ذکر بدو زانو بنشیند و چون
سست شود هر دو دست را ستون زانو کند و در فکر یا مربع نشیند یا هر دو پای
برداشته سر بر زانو نهد یا پای راست بردارد و سر بران نهد و بمقدار ذکر مقدار فکر
باید متساوی بود نه زاید نه کم و در خلوت میانه روز یک خواب کند و در میانه
شب یک خواب و روز بروزه باشد و غذا وقت افطار گندم پیک کوفته
برداشته بر بار نهند یا دو بنه با گوشت سبک و حلیم با دانه و هر یکی را کاسه بزرگ بدهند
و دو تا نان تنک یا دو پاره نرم نه بزرگ و اگر وقت کدو باشد کدو در گندم
اندازند و شلغم این غذا شام بود و اندک آب بخورد و درین سه روز چون بیرون
آیند سه روز دیگر بروزه باشند و آب هم اندک بخورند و شب جمعه که بیرون
آیند صباحش هر یکی قدحی شربتی بگلاب و تند نیم گرم و تخم شاهسفرم بگلاب باز
خورند و گلاب بر خود زنند و درین شب آش ترش از انار دان یا غوره با جرم
گوشت بخورند و پالوده و نازک برای دفع تشنگی و خربزه و هندوانه و خیار
هر چند خواهند بخورند و این شب جمعه دبار میش ذکر نکویند طویل در اول شب
و آخر بحمام رود و راه حمام خود را از هوا نگاه دارد و آن زمان برود و مشغول

بود.

بود اما بروزه باشد و آب اندک خورد اما غذا هر چه خواهد بخورد و بعد از افطار
و بعد از سه روز اگر خواهد پنج روز بهمان طریقه بنشیند و پنج روز در بیرون بهمان
طریقه آب اندک بخورد و بروزه باشد و دیگر هفت روز بآن طریقه در خلوت
و هفت روز در بیرون بهمان طریقه بعینه و دیگر ده روز در خلوت و ده روز
در بیرون بهمان طریقه اول و دیگر پانزده روز بهمان طریقه دیگر بیست روز بهمان
طریقه بعد از چهل روز در خلوت بهمان طریقه و چهل در بیرون بروزه باشد و آب
اندک بخورد و بعد ازان مخیر است اگر خواهد باز سه روزه بسر گیرد بهمان طریقه اول
تا چهل روز برساند و اول خلوت غسل و پاکی جامه شرط است و دیگر پیران خلوت را
بمنزله گور نهاده اند که موتوا قبل ان تموتوا و اقعات که بر خلاف ظاهر شرع
باشد ازو رد کند و انوار که پیدا شود اگر سرخ باشد یا سیاه یا رنگ دیگر
برزخی آمیخته البته ناتمام باشد و نور سبز نیک و اگر سفید سفید شفاف باشد
البته آن تمام باشد و اگر در ازای او کس بمیرد دلیل تحجر دل او باشد و تصرف
در ضمیر هم ناتمام است زیرا که کفار را هم همین معنی دست میدهد ملاقات
با حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم امری بر قاعده است و تبدیل
صفات ذمیمه بحمیده اینست که بر اصل است و خوابهای راست هم بر اصل است

والله الحکم و دیگر در هر شبی وقت سحرگاه یک وقیه روزه گشادمی بی نان خورش
و با نمک آن درم مرا یکروز بسنده بودی پس عزم کردم که در هر شبانه روزی یکبار
افطار کردمی پس تا پنج روز بردم پس تا هفت روز بردم پس بیست و پنج روز
بردم و نقلست که هفتاد روز رسانیده بود پس غسل کامل براورد و در تطیف
جامه و مصلی احتیاط کند و جای را برای خلوت گزینند که از شواغل و موانع
دور بود و چون بدر خلوت رسد بگوید رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج
صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و چون بر مصلی خواهد رفت نخست پای
راست در پیش نهد و بگوید بسم الله و بالله و الحمد لله و الصلوة و السلام علی رسول
الله اللهم اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک پس دو رکعت بخضوع و خشوع
از سر حضور گذارد و در رکعت اول بعد از فاتحه بخواند و من یعمل سوء او یظلم
نفسه ثم یستغفر الله یجد الله غفورا رحیما و در دوم ربنا علیک توکلنا و الیک
انبنا و الیک المصیر و از سر صدق و ضراعت از جملهٔ ذنوب استغفار کند و با
مذرون از ما سوا اجتناب کند هفت شرط رعایت کند اول دوام وضو دوم
صوم باید که پیوسته بروزه باشد سیم قلت طعام باید که مقدار فطور از رطل
طعام زیادت نبود و اگر بر نان و نمک اقتصار نماید بهتر و اگر با نانخورش تناول

کند

کند که بجای طعام بایستد باید که بقدر آن از نان کم کند و هر شب از مقدار آنچه
اگر ابتدا برطلی کرده باشد در عشر اخیر بنصف رطل رسد و اگر صاحب قوت بود
ابتدا بنصف رطلی کند در عشر آخر بتقلیل و تدریج بربع رطل رسد و اصحاب خلوت سه
طایفه اند اقویا و متوسطان و ضعفا و ضعفا هر شب افطار کنند و متوسطان
هر دو شب و اقویا هر سه شب و اگر خواهند طعام را باول شب تناول کنند
و اگر خواهد در آخر شب بکار برد و اگر خواهد بعضی باول شب تناول کند و بعضی
باخر و این قسم بهتر تا هم قوت طاعت دارد و هم قدرت بر خواستن در شب
لذ برای تهجد و قلت طعام را در تقلیل و تحلیل اجزا براهی که مایه کدورت
دل کشا فند اثری تمام است اما شرط چهارم قلت منامست شرط پنجم صمت
مدام است شرط ششم نفی خاطر است شرط هفتم دوام عزلت چون شیخ صفی
الدین بخلوت نشستی پشت بدیوار باز نهادی و چون وقت خواب آمدی پهلو
بزمین نهادی و نشسته خواب کردی چون افطار کردی شربتی بخوردی بعد ازان
سه ملعقه یکی حلیم گندم و یکی ترشی و یکی برنج بعد از خفتن هر گز چیزی نخوردی
تقسیم شب چنین کردی دانگی در اول شب نشستی و دانگ دیگر تا بر احت
مشغول شدی پس دانگ دیگر بطاعت مشغول شدی پس دانگ دیگر بخفتی پس

بسم الله الرحمن الرحیم

دیگر برخواستی چون ازو نیز فارغ شدی بذکر لا اله الا الله مشغول شدی چون نماز
صبح گذاردی با وراد مشغول شدی تا چاشت و بعد از ان چند رکعت نماز سنت
گذاردی پس با ستراحت مشغول شدی چون از خواب بیدار شدی بتلاوت
قران مشغول شدی انگاه نماز پیشین بگذاردی و منتظر نشستی تا نماز عصر و نماز
عصر بکردی و بعد از نماز انا فتحنا بخواندی و والمستوی تا اخر سوره حشر پس بذکر
مشغول شدی تا افتاب فرو رفتن خانه خلوت و شرطها او خانه خلوت
بلندی او باید که بقدر قامت مرد باشد و درازی ان قدر که سجود توان کرد
و پهنا انقدر که با ستانی درو توان نشست و باید که در و سوراخ نباشد که در وروشنائی
در اید و باید که او از مردم با نجا نرسد و در او کوتاه باشد و کلید دان داشته
باشد اگر از اندرون و بیرون توان بستن و باید که خلوت خانه در میان معموره
که خلق بسیار باشد نباشد و اگر میسر باشد که نزدیک در خلوت کسی بخسپد باشد
کسی که در خلوت نشیند باید که غسل کند و جامهای پاک پوشد و نیت کدای تعالی
کند و در اندرون خلوت حرکت بسیار نکند و بر نماز فرض و سنت چیزی زیاده
نکند مگر دو رکعت که بعد از هر وضو بگذارد و باید که در خلوت دایم با وضو نشیند
و دایم رو بقبله نشیند و هرگاه که تجدید وضو کند باید که موضع طهارت نزدیک

خلوت

خلوت باشد و در محل بیرون امدن خود را از هوا انکه وارد و می باید که ابلکه خود
میسازد متغیر نباشد و هرگاه که از خلوت بیرون اید چشم و گوش خود را از دیدن
و شنیدن نگاه دارد و باید که خورد نها او همراه او باشد و شرط خلوت انست که
چنان کند که کسی نداند که او در خلوتست و اگر ناچار باشد که کس اگاه شود باید
که کسی با و نزدیک تر و محرم تر باشد و اند بشرط انکه تواند که او در چه کار است و مقصود
او چیست زیرا که چون دیگری اگاه شود بر نیت او و قصد او کار او بسته
گردد و مقصود از خلوت فتوحاتست اینها که گفته شد در مطلق خلوتها لازم است
و اما صورت خلوت هدهد که ان خلوت عجبست خلوت بدستوری که گفته شد
اختیار کند و در غذا اول هدهد داخل کند به این نوع که او را خشک کند و نرم ساید
و بر غذا بیفشاند و مشاهده عجایب نماید و ذکر این خلوت لا اله الا الله
رب العرش باشد خلوت دیگر او را خلوت صمدانیه گویند و مدت او سی
روز باشد مطلقا در ان ایام خواب نکند در شب و در روز نظر بر چیزها
نیندازد و فایده این خلوت در کتاب مواقع النجوم مذکور است و این
خلوت اگر در ماه رمضان باشد بهتر و اگر نه در ماه محرم و ذکر این خلوت
سوره قل هو الله احد باشد اسماء اللهیه جهة تسخیر جن و انس و اطاعت و محبت

ایشان و هیبت و وقار و اسان شدن دشوارها و دفع چشم زخم بسم الله الرحمن الرحیم
اینع اوج یموج هیلج هلوج طاج ارج معاشر الارواح الروحانیة کسونی
انوارکم المضیئة و شعاعاتکم البهیة و اخلاقکم الرضیة و انفاسکم
العطریة و کونوا اعوانی علی طلب الرزق و تسخیر الخلق بحق الکلمات
المقدسة الازلیة و بحق ما اقسمت به علیکم و انه لقسم لو تعلمون
عظیم یکاد السموات یتفطرن منه و تنشق الارض و تخر الجبال هدا
زجرتکم زجرا لا افلاح لکم منه و لا مفر لکم حتی تفعلوا ما تؤمرون
الوحا الساعة دوازده نوبت مکرر گوید البته بمقصود رسد
دعای تسبیح تسخیر جن و دعاء کشف سرها رب قلبنی فی انوار معرفتک
فرحنی بما به ترضی عنی فصابیحنی بجمیل المساء حتی یبسط قلبی
رب فرحنی بما یظهر لی فیه منک نور ظاهر یبسط قلبی بمشاهدة
انوار قدسک فی حضرة القدس و اسالک ان تکشف حجاب قلبی
الذی یظهر با الوسوسة فاکشفه لی بنورک یا رب و صلی الله
علی سیدنا محمد و اله اجمعین این نامهای بزرگ خداست
که منقولست از شیخ اوزنی رحمه الله که او گفته که در ضمن این

اسماء

اسما اسمی چند هست که چون خود را باین اسمها یاد کنند دعا زود مستجاب گردد
و از برکت نامها و باین نامها تصرف در همه چیزها توان کردن رحمت حق بر کسی باد
که این اسما را بزرگ دارد و از نامحرمان نگهدارد و اسماء اینست ایلاوریون و سما
ویرعو نرجیه جمعوت امینت و مجوت ماهوت شموت ماروعات
جبار السموات و الارض معطی بغیر حساب فالق الاصباح و جاعل
اللیل سکنا و الشمس و القمر حسبانا اضاءت الشمس و القمر من نور رب العالمین
طرفیور افلمان ادونی ال شدای امهیان الحلسمه هلطلطا
یاه یاه یاه یاه یاه سفا بور و صطالوا ماه اه اه یاه یا الله ما
اعظم نور الله لا اله الا الله عظیما نور الله لا اله الا الله قدوس
قدوس صباوث صباوث ادونای ال شدای خلوت دیگر که از ا
خلوت فریقین خوانند و من تجربه نکرده ام اما جماعت اصحاب من چنین نقل
کردند که درین خلوت لازمست که هر روز جامه نو پوشند و چهل روز بنشینند
و یکبار نان و زیت خورند و یکبار نان و مویز و همیشه ذکر این اسما کنند در
عقب نمازها در اکثر احوال و اسما اینست للاه لطیف سلیطع اسماطون
اطون بهکش نهکش نوقش بدانکه صورت خلوت انست که ذکر کردیم برای

توبدانکه در خلوت احوال مختلف است بتفاوت ذکرهای که در انجا کویند بواسطه انکه ذکر متفاوت کس ذکر ذکر کویند بسبب تفاوت فتوحات شود و من شخصی را بخلوت نشاندم بذکری شهاب ابو عبد الله ودانم این ذکر است الله معی الله ناظر الله شاهد علی واورا در چهار روز فتح کلی شد واما من باین ذکر در خلوت نشستم یکشب مرا فتح شد وشخصی دیکررا درخلوت نشاندم بذکر سبحان الله العظیم وبحمده واورا در یکشب فتح شد وبعضی مشایخ ما شخصی را بذکر لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر در خلوت نشاندند اورا در توحید وتوکل فتح کلی شد ومن بعضی را یافتم در مسجد اقصی ومداومت باین اسما کردم ودران عجایب بسیار مشاهده کردم اسما اینست عنت وجوه الروحانیات العلی المستجاب العظمی الذی فتق به الرتوق یا علی یا قیوم التجات العظمی هی المحرقه للکاینات یا من اوصل الاباء العلویات متحرکة والامهات السفلیات ساکنة بصفة التی هی غیر الموصوف یا من ادار النیرین حول مرکزتدا فرعها وادار دوة الکبری للتکون والفضل المبتغی المنطق علی الهیئة الروحانیة العلی یا من نظر من نظر الیه یا من بذل

الاعزاء یا قدوس یا امد لک العن الافخم والملک والملکوت الاعظم ارحلک الحبیبة فی القلوب وانت الحنان ننقل الاطوار والادوار وتعلم ما سکن فی اللیل والنهار یا عظیم الاعظم یا کبیر الاکبر انت المقصود بکل همة والمسئول بکل لسان ومثل این خلوت است خلوت یا حی یا قیوم یا عظیم الحمد لله رب العالمین خلوت دیکر که چهل روز بنشیند هرکاه که اختیارات خلوت کند معتکف شود در خانه خالی چهل ودو روز وبا هیچکس سخن مکن تا زمانی که با اختیار شوی واز خلوت بیرون میا مکر وقت زوال وافطار مکن بحیوانات وافطار بزیت کن با برنج یا زیتون ومویز یا تمر یا قند ودر عقب هر نماز فرض این هفت اسم بخوان واین هفت اسم اینست بهطاطق سلطیع اشماطون اطون بهکش تهکش یوقش وحدو منحخ حیکی بهلطف سلیطیع اغاطون بهکش تهکش یوقش الله الفاعل القادر القاهر صرفیا هنوز در اسماء مذکور فارغ شده باشی که از پیش نظر تو حجاب از عرش تا فرش بردارند وهمه عالم ملک وملکوت تو منکشف کردد وجمیع اسما را در یک جز مشاهده نمائی خلوت دیکر خلوت اسماء حربه عظمی اینست که بر آدم علیه السلام نازل شده وچون خواهی

که از خلوت عمل کنی هفت روز روزه داری چیزی که در وجان بوده باشد مخور وچیزی که مست کننده باشد مخور وغسل کن هر صباح وشام ودر روز هفتم روبا فتاب بایست ودعای که خواهی بخوان که زودتر از لمحه مراد حاصل کردد باذن خدای تعالی اسما اینست سبوح سبوح یا ه سبوح اه سبوح وه سبوح یهوه سبوح اذونای سبوح القدوس یه یهو قدوس هی هی یاه ده الوهیم صباوث الوهیم شدای عمایزید حی قیوم حنان ظاهر مطهر اقل اضر قادر احد وترصما هیه شراهیه لا اله الا هو والملکوت والعزة والجبروت تعزز بالقدرة وقهر العباد بالعزة وتردی بالنور والفرقان وتعطف بالجد والکرم لا اله الا هو یحیی ویمیت ویحی ویدل وهو علی کل شیء قدیر لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار هو اللطیف الخبیر قوی جبار عظیم حلیم سمیع بصیر الله الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الرحمن الرحیم الطالب الغالب الذی لا یعجزه شیء ولا یفوته شیء ولا یدرکه شیء وهو علی کل شیء قدیر خلوت شریفه یا طهموثا یا شهموثا یا شخوثا یا شیعوثا یا مهطتیثا یا شلیحوقا یا مهلحثیثا یا مهلحیثا یا عیلیلیا لیا

وریاضات هفت روز خطی بکش بر کرد مندل که ظاهر شود بر تو عالم علوی وسفلی هر مهمی که از روحانیان بطلبی میسر کردد خلوت شریفه یا ادصم التراحیمی خلوت این هفت روز است برهستة کو برتلیة طودان من جل بن جل ترقب برهش غلش شملع صوطیس صوطیش قلمنوح برشان کظهیر کطهیر توشلح برهیو لا یشکیلح لبشلبلح فورض تغلیظ اتغلیظ قبرات غیاها کید هو لا شخاهیر وسلیمان ابن ثابت درباب خاصیت این اسما قصیده کفته است قرب بقصد بیت لام الف را درمیان برمز شمرده است وکفته است که از خاصیتها این اسما این است که هرکه در روز این اسما را بخواند در آن روز ایمن باشد انچه برسد از شر جن وانس وهرکس که خواهد که حاجتی از حاجات او برآید از پادشاهان وبزرکان وملایکه وجنیان اطاعت او کنند می باید که خود را پاک نکهدارد وچند روز حیوانات نخورد وشب وروز این اسماء بخواند سیصد بار برین وجه که روز را پنج بخش کند در هر بخش چهل ویکبار بخواند که دویست وپنج بار باشد ونود وپنج دیکر را در سه بخش شب این اسماء را با سمای که مناسب مطلوب او باشد که درین کتاب مذکور شده بخواند بدرستی که انکس که تو او را خواهی از فرشته وجنیان وامثال این پیش تو حاضر

و مصاحب و یار تو کردند پس مقصود حاصل گردد و از جملهٔ خواص این اسما است که چون
هنگام خفتن شب جمعه باشد بعد از آنکه بدن را پاک ساخته باشد و جامه پاک پوشیده
باشد و آنچه او را ضرورت باشد در اعتکاف با خود بردارد و از زغال و بخور بعد از آن
بنشیند و گرد خود صندل بکشد و آن خطیست که در گرد خود بر زمین بکارد فولاد
بکشد و راه در آمدن و بیرون رفتن بگذارد و هر ضرورتی داشته باشد و هر وقتی
که بیرون رود راه را بکارد فولاد محکم کند تا آمدن و بر گرد صندل بنویسد آیة
الکرسی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سوره قل هو الله و وفق
مثلث عددی و حرفی را بر ورق کاغذی بنویسد و عزیمت بر همه را بر آن ورق
بخواند چهل و یکبار در عقب هر نمازی و بسیار بخواند سوره یس و قل هو الله احد
و آنچه ممکنست از حرزها و هیکلها بخواند و بخور بسوزاند و افطار بر طلب نماید
و از منزل خود بی ضرورت بیرون نرود که خوف هلاک باشد و اعتکاف
این عزیمت هفت روز باشد و در روز سیم آوازهای هولناک شود و در
صباح چهارم صورتها ببیند بی سر و در روز ششم صورت جانوران وحشی ببیند
و در روز هفتم شخصی حاضر گردد و با تو عهد کند که هرچه تو خواهی او با تو همراهی کند
که بمقصود رسی لیکن باید که در آن مخالفت رضای خدای تعالی ملاحظه بکند و نگه

این اسما حرزیست و حجابیست از شر جمیع شیاطین و از جمیع بلیات بدانکه هرگاه
این اسما را نقش کنی در انگشتری فولاد و در دست کنی جمیع ارواح تابع تو باشد
و اگر قصد آن کنی یک روح یا دو روح یا زیاده متابعت تو کنند همان قدر که
اراده تو باشد تابع شوند هرگاه که خواهی که یک روحی از ارواح با تو عهد کند
پس این اسما را بر علم بزرگ سفید و در مقابل آن ارواح بدار چون روح بنویس
در آن نظر کند در رو افتد بسجده و با تو عهد کند خلوت دیگر که در آن ذکر یا علی
یا عظیم یا علیم یا حکیم گفته شود خلوت آیة الکرسی خلوتی اختیار کند و جامهای پاک
در پوشد و در جای پاک بنشیند و کسی پیش او نیاید هرگاه که خواهد که سر عظیم
برو ظاهر گردد و هفت روز روزه دارد و پیوسته افطار نکند مگر بآب تا روزه
وصال بنا شد و مشغول شود بتلاوت قرآن و دعا و غسل کند بآب سرد
در سه روز آخر خواب نکند مگر نشسته آن هم در وقتی که خواب بر او غالب
شود و می باید که از ذکر خدای تعالی ملول نشود و ترک علایق دنیوی نماید و هرگاه
که نماز صبح بگذارد و سوره یس و طه و تبارک الملک بخواند و صلوات بر پیغمبر صلعم
و آل بفرستد بعد از آن این دعا بخواند که نام این دعا ملتمس الهوا وفیق الجود
نظر در روحانیات علیاست دعا اینست بسم الله المتعالی فی دنوه المتدانی

فی علوه المتحیر بجبروته المتعزز بالعزة والکبریاء العالم الذی احاط
علمه بالآخرة والاولی لا اله الا هو الصمد القایم والسلطان الدایم
الذی خضعت له الملوک وصار الملک لعظمته مملوکا فاطر السموات
والارض جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلث ورباع
اقسمت علیکم بالاسم السریع المطلوب المنیع المحجوب الوقیع وهی
اسماء الله ذو سبعة احرف اومن کان میتا فاحییناه وجعلنا له
نورا یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها
کذالک زین اقسمت علیکم یا قنایل ویا جبرایل ویا سمسمایل
ویا میکایل ویا صرفنایل ویا عتایل الا ما امرتم ضعیا من الجن
والانس تمتثل امری وتراعی حقی والله علی عهد رمیشا فی لا امر فیه
معصیة وکان عهد الله مسئولا ریاضتی که بسبب آن کشف
دلها حاصل شود و کشف ملک و ملکوت شود و عدد ایام ریاضت این کشف
صد و سی و دو روز و این در وقتی باید که هوا معتدل باشد و غذای او در این
مدت ارزن جو پخته باشد و نه پخته باشند و مثل ارزن جو ارزن مرجومک باشد
و مثل ارزن جو ارزن گندم باشد و چهاریکی مجموع ارزن جو مرجومک و گندم ارزن کم

کتان باشد مجموع را بریزند خوب بعد از آنکه خوب پخته باشند گلاب بر او ریزند
و اندک بوی خوش و اندک نرگس و اندک صندل سفید اضافه کنند و چهاریکی وزن
مجموع شکر طبرزد و اضل کنند و بگلاب خمیر کنند و قدری کافور و مشک در او
ریزد و او را در میان ظرفی از شیشه یا مثل آن کند و در جایی نهد که آفتاب
برو نیفتد هم چو چاه تاریک تا آفتاب قوة آن اجزا را نبرد و اگر با او هفت عدد
دل هدهد باشد خشک کرده سائیده از برای کشف قلوب بهتر باشد
و ذکری که درین خلوت گویند یا الله و یا حی باشد می باید که در محلهای یکی
باشد و سخن نگوید و خوردنی او همین باشد که مذکور شد هر شب
سی و شش درهم و چهار زنت بعض روغنها بر سر مالد که موجب زیادتی
توجه و قوت او شود و غسل کند بآب شیر گرم و پاهای خود را بنمک آرد کرده
پخته بشوید و بآب روان بشوید هر روز انشاء الله بر دل او اسرار غیبی
منکشف گردد و از دل چشمهای حکمت بر زبان او جاری شود والله الموفق
دیگر دعا با محبت هرگاه که تالیف کنی میان دو کس یا دوری افکنی
یا نزدیک سازی در نامهای شان نظر کن و حساب کن و نظر کن که بر مزاج
شان کدام عنصر غالبست اگر ملاحظه کنی که عنصر نار غالبست یا هوا غالبست

ورا اول عمل نار کن و در ثانه عمل هوا و ماه و در برج خود و فا نه خود باشد حاجت
تمام دهد و نظر کند در عنصر غالب بر ایشان و نظر کن در اسماء الله اگر بر حروف
اسماء ایشان نار غالب باشد از اسماء الله آنکه نویسی بنویس بشرط آنکه قمر در
برج هوای باشد و همچنین در باقی عناصر عزیمت ملک عینه بدانکه ملک
عینه را عملها بسیار است و کلام او مفیدتر از بهر آنکه اول کسی که از جن که مطیع
و فرمان بردار عبد الله بن هلال گشت شد ملک عینه بود از هاروت و ماروت
عملهای ملک عینه باز پرسیده بود و بکلی و بحث او را در فرمان خویش آورده
بود و عملهای او را بکلی داشته بود و اگر کسی را خواهی که بعشق خویش سرگردان
و شیفته کنی این عزیمت را و عملهای این عزیمت را استعمال کن اگر خواهی
بر نعل نویس و بخون آدمی بیالای و سه دانه فلفل بروی نه و بر آتش نه و هفت
بار این عزیمت بروی خوان و عجایب به بین و نعل به سوراخ باید و هفت
انگس باید زدن که خواهی و اگر خواهی این عزیمت بر هفت پاره کاغذ نویس و در کوزه
بر فقاع نو نه با پست و یکدانه فلفل و سرش بگیر و در کنار تنوری دفن کن
و اگر خواهی نویس و در زیر سنگی نه و اگر خواهی در زیر آستانه آنکس نه و اگر خواهی
در سقف خانه بنه و اگر خواهی در زیر بالین خود نه و اگر خواهی بر بند شلوار خویش بند و اگر

خواهی بر تخته نقش کن بر آتش نرم نه و اگر خواهی بر سفال پاره نویس و با تخته مس و در
آتش تون انداز این چندین عملها همه شاید کردن عبد الله ابن هلال از هر کدام
استعمال کرده و او حد الدین استعمال کرده و ما نیز استعمال کردیم و عزیمت ملک اینست
عزمت علیکم یا معشر السحر والوسواس واهل الفساد من جنود
ابلیس سید الشیاطین ویا معشر الانس الذی یوسوسون فی
قلوب بنی آدم وبنات حوا اجمعین من صورکم وامرکم لشهوات
مختلفة ولذات متنی ویطرفون فی العلم بقضاء حوائج مشبهه
نمواهطشه نمواهطیموهشه نمواهلمشه نمواهلیموهشه
نمواکیهشه نمواکیمیوهشه نمواعطلشه نمواعطلیوهشه نموا
الشه نمومیولشه هشهش الوحا الوحا یا عینه یا سید ملکی ویا
صاحب عظیمه بالوسوسة والعذاب الشدید عقد النوم واحراقه
قلب فلانه بنت فلانه علی حب وعشق ووسوسة فلان بن
فلان وبحق فیقطوش ولقیطوش وقبطوش وصیقوش وصنطوش
وضیطفوش وضیطهوش وحیطقوش وکحیوش وبدوحوش و
نیقوش وصیطوش وصیطیقوش وبحق اسماء المعوذیه ویا تاعش

اسقف الکبریاء والاثافقة الذی حرجو من ثقبة واحدة واقاموا الذی
لنصرانیة مع اعوانک واقوالک واتباعک واشیاعک وجمیع عجیبة وذریتک
اخوک ابیض وابوک ابی مرة ابلیس اشعلوا نار احارة حارة ممیجة مقلقلة
بوجع فی قلب وفواد وجمیع جوارح بدن فلانه بنت فلانه علی حب
وعشق ووسوسة فلان بن فلانه بحق نقش الخاتم سلیمان بن دا
ود وبحق لسطعطعها لسطعطها الجلغی هیطا سعسعهم سعسعهم
کشمعوات کشمعوداجب بحق ال الجن والشیاطین اجیبوای والطیعوالی
بحق هدهقما علیکم وبحق دینکم وبحق اصف بن برخیا وبحق ابی
وفیقوس بارک الله علیک یا عینه بحق هذا الخاتم یا بجح هم
انکلام عینه بکیر و بیست و یکدانه فلفل و بو هر دانه یکبار این عزیمت
را بخوانند و بسوزانند که او بیهود و ستی مجربست و اگر بر جون حبشی یا ایکنه
نویسد بمشک و زعفران و گلاب باید که قمر در برج سرطان یا حوت یا جوزا
یا میزان باشد و بستر زنا ظروباب چاه بشوید و بجوزد و آنکس دهد که بسته باشند
در حال کشاده کردد مجربست اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم یا دب جبرئیل واسرافیل وعزرائیل وحملة العرش والملئکة

المقربین ورب السموات والارض وهو علی کل شیء قدیر ما یفتح الله
للناس من رحمة فلا ممسک لها ویا آدم وحق اسلام قولا من رب رحیم
نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین یا محمد ولنا فتحوا امتاعهم
وهو الفتاح العلیم بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله تا آخر
قال هذا رحمة من ربی فاذا جاء وعد ربی تا قوله جعا کذالک کشا
نکها ذکر فلان بن فلان بر فرج بنت و عرضنا جهنم یومئذ
للکافرین عرضا بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک تا قوله عزیزا
بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء تا آخر فانتصر ففتحنا ابواب السماء
تا قد قدر قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا
یصلح عمل المفسدین یا ایها الناس قد جاءتکم موعظة من ربکم وشفاء
لما فی الصدور وهدی وموعظة ورحمة للمؤمنین قل بفضل الله
وبرحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون العجل ۳ الساعة ۳ الوداع ۳ اهیا شراهیا
اذونای اصباوث آل شدای اذا السماء انشقت واذنت لربها

وحققت واذا الارض مدت والقت ما فيها وتخلت کشادم ركها
بن ه بر فرج فلانه بنت فلانه کشادم بقدرة الله وصلوة الله وكمال الله
وبنور وجه الله وبعظمة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
کشادم بحق قل اعوذ برب الفلق تا آخر وقل اعوذ برب الناس تا آخر
ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين وانت خير الرازقين
ويا اله العالمين افتح افتح افتح برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد واله اجمعين الطاهرين الاخيار واين فاتم است تا دا ني

بر پیشانی فلان نویسد در حال کشاده شود الفتح ولنجعلك اية
للناس بكل شیء امر بسم الله فلاح فلاح فلاح فلاح فلاح فلاح
فلاح فلاح فلاح فلاح بحق بسم بحق بسم بحق بسم کشاده کردان ذکر
بن ه بر فرج ه بنت ه بحق هذا الاسماء الاعظم ان شاء الله وحده
دیگر این افسون بر چوب تر کوانند و سر چوب بهم بند که بستم ذکر فلان بن فلان

بفرج

بفرج فلانه بنت فلانه بستم ترسست و هشت و شش رگ و صد و چهار پاره استخوان
و هزاران هزار موی سر و اندام فلان بر فلانه بنت فلانه هفت آسمان و زمین
و هفت کوه و هفت دریا بزنجیر آهنی باب بست فلان بن فلانه و بجای هابل
و بنام هاروت و ماروت احد کفوا له و لم یکن و لم یولد لم یلد الصمد الله احد الله
هو قل بند شود بفرمان خدای تعالی دیگر چهار موی دنب اسب تا و هفت
گره بزن و بهر گرهی هفت بار این افسون بخوان بسته شود بستم ذکر فلان بن فلان
بفرج فلانه بنت فلانه احد کفوا له و لم یکن و لم یولد لم یلد الصمد الله احد الله هو
قل دیگر اگر بستانند استخوان آدمی و استخوان جناح راست هدهد و بنهند
شب بر سر کسی که در خواب باشد او بیدار نشود مادام که زیر سر او باشد
دیگر یا مرهوشا عقدت فلان بن فلان عن فرج فلانه بنت
بحق هیلوش وبحق ناموشطیشا وبحق فرهوش وبحق سطهوش
الاما طلبتم ذکره ابد من الشلح بحق نامیهوش وبحق طیهفموش سهوم
غمشموه العجل العجل العجل العط الساعة الساعة بارز تم
فایده گفته اند که باب کرم بشوید اگر نرم شود جهت بزرگ کردن قضیب
بستان لسان عصافیر دو درم سنگ و با شیر بیاغازد روز با باب کرم بمالند

و بشب طلا کردن یک رطل آب پیاز و یک رطل عسل با هم بیامیزد و بجوشانند تا
نیمه شود پس یک هفته مداومت کند هر روز سی درم بخورد جهت گشادن لبته
بنویسد بر تبر و دو روی به زعفران و در آتش سرخ کند و بر آنجا بپاشند گشاده
گردد انشاء الله تعالی البنت من دیا دق عج عج این دفع ینا کل اح اح
کال السلم سرکه سالناح ح ع ع سا گشاده گردان ذکر ه بن ه بفرج
ه بنت ه بحق هذه الاسماء الاعظم ان شاء الله فصل بگیرد یازده
دانه سیر و یازده دانه جوز و یازده دانه کدو و مرغ سیاه بکشد و این
جمله خرد کند و در میان شکم مرغ نهد و سرش محکم کند و در تنوری نهد تا نیک
پخته شود و در زیر دامن خویش گیرد و سر بگریبان فرو برد تا بجا روی بر شود پس
آن مرغ برگیرد و بخورد و این طلسم را بر بازو بندد و بازی حب که گشاده
شود مجربست و آزموده [illegible]
[illegible]
[illegible]
گشادم ذکر ه بن ه علی فرج ه بنت ه و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض و نفخ
فی الصور فجمعناهم جمعا دیگر بنویسد بر جام آبگینه بمشک و زعفران و بآب شوید

و در شیشه

و در شیشه کند و باز خورد و قدری در شیشه بگذارد و دیگر بار بدان بار بشوید
و با روغن زیت یا روغن جوز بیوزد و بر تن و رتار خود بمالد گشاده شود و این
مجربست یا بجان یا اصطلو هلهیونایا ضحطشی یا ملکلاو نوهلطه
یا موقلقع قیلقع گشادم ذکر فلان بن فلان به تیرست و شصت
و شش رگ و دویست و چهل و چهار پاره استخوان از فرق تا ناخن
یا فلان بن فلانه بر فرج فلانه بنت فلانه بحق توریة موسی و انجیل
عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلوات الله علیه و آله و سلم
گشادم ذکر فلان بن فلان بر فرج فلانه بنت فلانه از فضل الله و
سعسلعظیم فلقع یا حطیلهد یا ملکا و وحه هو بال یا العطهیطو
یا لوطفهد طفا طوایادی لحامد یا هطهون هیطو یا رباهعال
تهکه لغتق تاولید ذو المعبوح ش لشتح دعوا راسواعم اعماقلیل
العبد ببستانی هفت موازموی دم استر با سم آنکس که خواهی و اسم مادرش
و هفت گره بر و بزن و شب بیاویز بران آنکس خواب ز چشم آن شخص برود
و دوستی پیدا شود او را با این کس دوستی محکم و این مجربست تمت این
تالیف روحانیه است چون ابتداء عمل دوستی خواهد کرد این تالیف

هفت بار بخواند و بخور کند و بنویسد بمشک و زعفران و رز بار و بیاویزد و اگر خواهد
بنویسد و در شیشه نهد و در نزدیک آتش دفن کند و چون عمل آخر کرده باشد در آخر
هفت نوبت دیگر خواند و باو بدمد که مجربست و این است یا شهوبان و یا
شهوکان و یا شقمهی و یا سعر شعطب شمفقص و یا شمعقق
و یا من شطویل و هاروت و ماروت احترقت و عطفت قلب ح بن ع
بمحبة و عشق و صوح ة ع و انت یا شاه نفات و یا طرفیل الذی خلقک
من النار السموم بانفاس و یا صاحب الوسواس و یا خناس الذی یوسوس
فی صدور الناس و یا جندام الجنوب تحت السحاب شمالا یا غوث
یا غوث یا غوث استلاوح اشلوفاصیر صوتا سراعا لخ لخ سماهید
و بالاسم الذی مکتوب فی التوریة و هو بریشت یا واو الوصیم حوث
هشاما نیم واث هوا و رضوای صلا رسل هی ضوء ما و سموا ای خوه
بر دوقح شیم یا اشطیثا و بالاسم الذی هو مکتوب فی الانجیل و هو لا
لن لا الشمیخ ای فراعلن و علی شطاح ملیا بنوه صعده اصبا و بطافور
اطهمو باطلخا و بحق عیسی الطهوبی رضیتم فی دیرهم ناقوسا و بالاسم الذی
هو مکتوب فی الزبور و هو یا رب ستاده دیرها الطلاوها والاها سرقم

ویالوس

ویالوس اخینوس حمسهلس جمهینوش مسطیخ ناضا رصرا صیلغا و بحق
شیث بن ادم و ما انزل الیه و بالاسم الذی هو مکتوب فی الفرقان
و هی ثمانیة ازواج من الضان اثنین و من المعز اثنین قل الذکرین
حرم ام الانثیین اما اشتملت علیه ارحام الانثیین نبئونی بعلم
ان کنتم صادقین و بحق المهیمن المنان و بحق ثمان و عشرین لیلة و
تلیث ثمان شهر رمضان و بحق نون والقلم و ما یسطرون یا غوث
یا غوث یا غوث اسلاوح اسلوفادیر صوتا سراعا لخ لخ لخ سماهید
بالتین والزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین و اقسم علیکم
بمواقع النجوم و بکتاب من کتاب الله و صادق من صادق الله و با
الذی لحمی من اهل السموات والارض و با الاسماء الذی بعد منه الملئکة
و بالعرش الذی لا یتحرک و بحق آیة الکرام و بالملک الذی لا ینام
و لا یغفل عجلوا عجلوا عجلوا بحق هذه الاسماء و احضروا بنت ع
من قبل ان یاتی عذابا من فوقکم و من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا
و یذیق باس بعض طوثا میتقاقما راصبا اعزرا طهیش طهیش کیت
طیح مسامیخ صرصر و ان الله سمیع علیم ملحوث تملحی تعولا ما وقر الوثر

و ایدی موعت لیموث و بالاسم الذی کتب علی ورق الزیتون و القی
فی النار فلم یحترق و فی الماء فلم ینغل و احضرها بنت ع محب ح بن ع
و یکشف للشاب و یذیلو هاصرها و قرادها و نوعها و هدوها بحق نقش الخاتم
سلیمان بن داود راضیة مقنعة مدهشة فاجد محبة العجل العجل
العجل الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة اهیا شراهیا
یا صف اصف اصف اصبح اعنی الله این سر انون را چون عمل کند این
تر ا هم برین طریق بخواند که نکوتر باشد و بمقصود و مراد پیوندند ان شاء الله
تالیف الروحانیة المسنجة فی طبقه ع بنت ع بالمودة والعطف والمحبة
علی صب ع بن ع و قد حرکت الروحانیة الساکنة فی قلبها المسنجة فی
طبیعته ع بنت ع بالمودة والعطف والمحبة علی ص ع بن ع و قد حرکت
روحانیه الساکنه فی قلبها المسنجه فی طبیعتها بروحانیه هذه الاخلاط
و قوتها علی ح بن ع و بیجها بالمودة والمحبة ع بن ع لحرکته و تهجا قویا
متینا شدیدا لحرکة النار و قوتها و هیج الریح و هیوبها قل و تعالی
و بحق کهیعص و بحق طه و بحق یس کمان کار من و اد ارد و با بحق
سلیمان بن داود اگر مسلمانی بحق مسلمانی و اگر گبری بحق گبری و اگر مدی دی

بحق

بحق جهودی و اگر ترسایی بحق آن دین و مذهب که داری که فرمان
بری نشست گیری کرد گیری ایستاده گیری نشسته گیری بیقراری گیری
و لا صبر و لا قرار و لا طعام و لا شراب ع که زاد ع از عشق و دوستی ح بن ع علی
ساکن فیح علی فرحی بطل علی بطلی بحق این خدای که آسمان بیافرید فرمان
بری هیم هیم اسمعوا و اطیعوا الوحا الوحا الساعة الساعة عزمت
ملک دمنش یا تحیشا العظمة لله تعالی السلطان لله یا رهیشا
یا وصطیطیشا یا ولیبا ثاما بطوشینا یا رث الله علیکم و صلی الله
علی محمد و آله اجمعین چون خواهد که این را حاضر کند سه روز حیوانی نخورد و روز
چهارم که یکشنبه باشد جامه پاک در پوشد و خود را و جامه خود را معطر کند
و در خانه خالی شود که رخت و اقمشه و الات خانه از آهن و کتاب و غیران
آن باید که در آن خانه نباشد چراغدانی سبز از شرخت برافروزد
و فتیله از کرپاس نو کند و بر فتیله این طلسم بنویسد و آنگاه بخود و توی باز
دهد و در دهان چراغدان فرو برد و از لوله بدر آرد و برفروزد و بهر چه خواهد بل
[illegible]
کبریت و گوگرد و چراغدان را روی [illegible]
سوی قبله کند و چوب صنوبر با زغال [illegible]
[illegible]

ترکرده بگلاب وعرق بید بر افشره زد وبدنان باد بزنند مگر بچزی دیگر تا تمام
اتش کرد و وبعد ازان بنقال تو ان اتش را بر گیرد و لسبهین نو نو معطر کرده
هی بند واین طلسم بیان ۳۲۳۳۲۹۳۶۹
سبهین نو نولیسد وبعد ازان بخور ۱۲۰۱۱۷۹۱۳۲۳ ۹۰۲
بر اتش نهی نوع نوع اول کند ۲۰۶۹۱۳۱ ۹۰۹
۱۶۱۳۱۱۱۴۲۱
۱۶۱۳۱۱۱۴۲۱
رود تا بوی ان تمامت خانه را در گیرد و دوم وشق تا بوی ان تر تمام بر آید سیم
سقل ارزق چنانکه بوی ان تر بر و د چهارم لادن پنجم عود ششم سپند هفتم
کشایش پس شیشه سفید صافی بیارد و پر از گلاب کند وسر آن محکم بگرد بلادن
سبکر مهر کند و بران بوزن بر کنند او خلوها لبلام اهنین واگر دختر نظر کند مقنای
بر سر انداز د وشیشه را بهر دو دست بگرد و جامه کل رنگ بغیر از سپید بپوشد
بعد وعزیمت اغاز کند بوضو وغسل وعزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم یا معشر الجن والانس الی لا السلطان واعزم علیکم بحق
نامسط نامشتقان کلاء حامی صداء رشکوسین هون سیکوسیکو
هوه ها ذکیو رکبوه کهبته کهبته بقضابکة هکوة عجل عجل ساعة
ساعة عزمت علیکم ایها الجن والعقارب اسکنو وله ما سکن فی اللیل

والنهار وهو السمیع العلیم اجیبونی واطیعونی بحق منیمیکم ودینکم
بحق من له حق علیکم وبحق بحرتان الهندی ویوبت الحمیری وبحق سلطا
ن الجن شمهورش ومیمش عبد الرحمن وبرنوس وبحق الملك الذی
انتم فی طاعته واعزم علیکم بحق توریة موسی ان کنتم یهودین وبحق
الجنیل ان کنتم رهبانن وبحق قران محمد صلی الله علیه واله وسلم
ان کنتم مسلمین وبحق نار والنور ان کنتم مجوسین وبحق فلك الاعظم
والنجوم والشمس والقمر ان کنتم صامتین کشف حجابك بحق سلیمان بن
داود وبحق میمون زنگی وبحق اصف بن برخیا بلقیس الملك وبحق
خاتم سلیمان اجیبونی واطیعونی بحق الواحد القهار بارك الله
علیکم وانگاه بر شیشه بدمد اگر ظاهر نشود ان روز بگذارد و روز دیگر بخواند
وچوب بر زمین بزند نرم نرم وچوب انار باشد چون خواهد مسخر
شود جن چون خواهد که یکی را از جن مسخر خود کند چهل روز ترک بکند حیوانی
را وخود را وجامه خود را ومقام را معطر وخوش بوی همی دارد ودرین چهل روز
جز تلخ وشور وترش وکلو کیر کم خورد وجامه پاك همی پوشد ودرین چهل
روز باید که فسق وفجور نکند وبنا محرم بشهوت ننگرد وباحلال نیز مجامعت نکند

دفش نگوید وبهیکس راز نگاه ندود وپیش وملح وغیره را ننگشد ودرین چهل روز هر روز
تحیثا واشوثا قوثیا وشج کهیج وهشلیثا کع وکلم عینه وادم تم
اشتل وتیرث این دعا را هر روز ده بار وهر شب ده بار همی خواند تا دم او
روا گردد ویکی از روحانیات مطیع ومسخر او گردد وخود را بدو نماید وچند تا بوی
ازان خود بوی دهد وبا بخوری که ترکیب ان باشد تا هر وقتی که زند که ازان
بوی با بخور بر اتش نهد فی الحال ان روحانی حاضر آید واگر خود در میان اتش
هفت دریا بود که حاضر گردد واول یا تحیثا یا تمشیثا یا موشطیثا مشطیثا
یا طینهوه طثعیبح یا عشج عهشج یا ملبطثهیا یا شلیحوثا یا شاشی
خایارموطتف یا کووحطت کوزحطب یا ججهتی یا طغعاثف
یا شطیثح النور فیطیع النوریا سفهما البثح یا طیعر عثج یا طمغثر عثج
طیعو عقثج یا طوطریا اهیا شراهیا ادونی اصبا وث یا اثل شدای
ابلوهیم به ووه اوه یا سو متکیفا یا تقی یا الله یا من له شیء
یا بادی یا احد یا واحد یا صمد یا غیاث من لا غیاث له یا قوحد شر
مالح ملحتی هلوضیم مهلوضیم هفراضیم هطوراش یا شمعلونی یا الیوحی
یا شطیخ یا شمخ یا اشوثا شعتا یا اجثونا جثونا حشعا یا اجثوث

وجوتا جثاما یا ادغاشا دبقاشادشا یا اهیبطبا طهیمعثیا یا او
محبیثا خشطشا یا اروفتکمری طیشا یا احضوطیبطشا کهطیا یا
الموطثبعثو اضحثیا یا ادرصوجوره عزدوده ما یا اکلوبن عاکشطو
یا ما البوثا طانا هیفانا یا املسوطیثا صوصیا یا اغتووعشقا
فاطسا تا یا اصلحشاثا یا طلخاثا یا افروشیحثو شنشحر اطوثا یا
اصطوبطیوبطوبطنا یا اعطرخدکیکشا عقیطا یا اقرطعلش طلخشا
ثا یا اذودرعاعناشاشطا یا اسبحجاشا مطعیشا یا ابثوا
شحنشحنیشا یا انکوکثرا افثمردیا اخشبرنخوقرشاحشایر
یا اسرطوطیا یا اسریشا یا مرلیشا یا اظلوحیا یا قهرشا معهره مثیلثا
یا ظهرثیا یا اعطوطیثما شحشا یا اقرطوطش دوطمیا یا الهوهیقاط
خمیشا اسئلك بحق هذه الاسماء وتغیرها الذی لا یعلم غیرك ان
یشفنی وتعافینی امین برحمتك یا ارحم الراحمین یا اظلوح یا بارك
الله علیکم بشمخ ایلنت اللهم یا البشمخ بشمخ بشمخ ذالاهامو
شیشطون اللهم یا ذا انوا ملخوا توحد ایعون اللهم خیشوا میمون
ارقش دادعلیون اللهم رهیشا رهلیلون میطرون اللهم

ارغشوا خلوطون اللهم زحرث ازحيم ازحيمون اللهم اهيا شراهيا
ادوفى اصباوث اصباوثون اللهم يانورا رغش ارغيش ارغيشلون
اللهم اشيرا اسماغا اسماعون اللهم ملحوثا املیخا ملخا ملحون اللهم
ارعل ارعا ارعون اربحى يزنون اللهم مشلخ مشخيشا امشيلو ومون
بين الكاف والنون انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
فسبحان الذى بيده ملكوت كل شئ واليه ترجعون اللهم الق الف
بين جميع بنى ادم وبنات حوا على صاحب كتابى هذا بحق ايل شداى
بحرمة ابلوهيم بقراسم الكى يوه ووووه اوه قوذوش امالح ملخى
هلوخيم بارك الله عليكم هلونيم كهيج اينست اللهم بكهكهيج
كهكهيج كهكهيج وكهكهيج كهكج مكهيج شمكهيج يعطشى طلدحد مجمشا
مجمجا مخميشا مهحيشا مهجيشا مخمشا هجيشا مهجميشا مشلج
هميلج هشلج هتلج ددده ره به يه ودددية ودددية ههفيا ج بعزتك
وعظمتك الا ما اضفت سمعها وبصرها بحق نقش الخاتم صيصوما صيصوما
تقوبها تقويها اهيا ابهوما يا طمعوثت يا طمعوثت بلا حول ولا
قوة الا بالله العلى العظيم يا مشلينا كع يا منخيقا كع يا مهوثا
يا نغوثا



